

هذا كتاب

بحر الغرائب

مجموعه

ذكر وختم

الأسماء الحسنی

تالیف:

ثقه الاسلام آقاي شيخ

محمد هروي طاب نراه

هذا كتاب

بحر الغرائب

مجموعه

ذكر وختم

الأسماء الحسنی

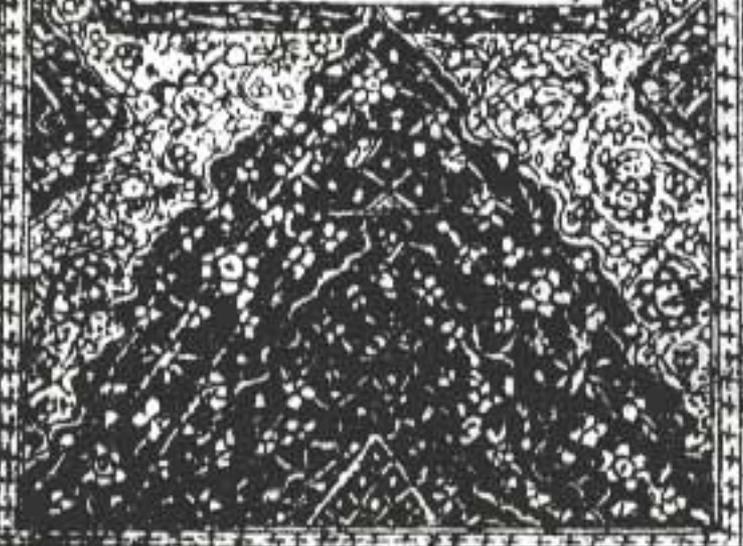
تالیف:

ثقه الاسلام آقاي شيخ

محمد هروي طاب نراه

هدایا کاتب

فی بیامقدا لکما



فینا لکما الغراب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي له الاسماء الحسنى والصلوة
على نبيه محمد بالاسم والسمي قاله واصحابه الذين سلكوا
طريق الهدى فما بعد برزاي بزاد ان با عقل وایمان
خاندک اکا براولهاد وخواص اسماء الله تبارک و تعالی کتب رسال
بیطریق من و انما نوشندند از اینجده خواص فایده تمام هست اما
عوام را که ایشان بیز جمله و ذایع الھی اند بجز و اینجده نیست اینصبر
ضعیف محمد بن شیخ محمد بن ابوسعید المروری که اکثر اوقات خود
صرف مطالعه شروع اسماء الله کرده و اینجده بزکان درین

باب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي لا يقبض المسخر والمقتدر
من يرواه ولا يبيع المخر والواو ومرب
علماء ومراشجان والاسلام على
كفاه والقلاوة وعلى له الدين
من استجاب لله ولتائه وعلى له الدين
من والاسم كانت حجة ما و به و
من عاواهم كانتا وسوية القاب
جون كا انام از خواص عواد و خواص
وساد و سود و لك و حصول له و خواص
خواص وانجام مطاله كادى فرعون
شفاى من و وضع مؤوم و قوم ايشان
و برامد ما مان كلبه و حصول له
مستورنا بر مطاله كلبه و حصول له
بودند بعلم والملازم

اَبْنِ سِينَا فِی الْکِتَابِ

باب بیان فرموده بودند بحد الله تعالی برضی منیرم چون سکه
 نقش است و بمقتضا کلاماً انما المؤمنون اخوة شفقت بود
 چنان اقتضا نمود که بیانات مفصله و اشارات مشکله و
 جفریه اکابر این فن را در شرح خواص این ماه خداوند جل
 ذکوه مشروحاً بکمال ترتیب در او زم تا درید و نظری بر هر
 کس واضح و هویدا گردد و کافه خواص عامه عوام را از خوا
 ص انبیا کبری و خطی او فی روزی گرداندا ماصروف خرج بود
 و نامساعد روزگار دون و تضادم استبام و تراکم صحت
 بیم و مشقت گیر و زحمت مرض بلائی قرض که معطل بود
 ستف و فوض استجیبتی اطراف و جوانب را فرورگرفته نما
 آذر بمیخی عن شمالی بدینوا سطر مدنی از پرتیب این رساله
 محروم شدگانا انکه بنا بر ملة من بعضی از خواندین بیستی
 اضرا و برخی زانسان راه یقین توفیق و رفیق گشته و با تمام
 و انجام ان کو میشد و با بعضی دنیا مالهای روشن روشن
 طریقه هر یک از مشایخ این فن را در کیفیت تکبیر در این رساله
 مندرج نمودم و صور لوح بر بیاض بردار امید از حق

مجموعه و ایام غوره قرآنی و اشعار
 جلاله سبحانی و ربی از او در لواحقان
 و در صورت اسما بر این بابی در بیوگرافی
 مثل خیم غفری ننشود هر چه
 از اذکار موزونه باشد لطفاً این
 اقل غلطی را لا شیخ العینی
 از لطفاً لواله اشانی بخدا
 دانسته که این رساله از
 کشتن است به شیخ در خواص
 خداوند رساله بالروح
 بیجا در او دم در عالم
 ندم و از در لاجب که رساله
 باشد مندرج تمام و بعضی
 این خبر خبری است و بعضی
 اغانا قاده کلماتی در کتاب
 معرفه شد و در یک کتاب
 عینه و با کمال
 طریقه

در بیان و نحو کلام مبارک

و بقره آنکه مقبول خاطر خطیر و ملحوظ ضمیر ضربک
 از ناظرین گرداند جمیع هم کما نرا بجهت مطالعه نیز سأل که
 موسوم است به بحر الغرائب بتسبیح خواص سماء حسن خود
 مشرف گرداند بلکه این آیه که لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ
 والله الموفق والمعين چون اگر اکابر در کتب خویش ابتدا با اسم
 الله نمودند که اسم ذات است مستجمع جمیع صفات اما چون
 در کلام مجید و رفوان چند چنین واقع شد که هُوَ اللهُ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ و بعضی از کمال اولیای برانند که اسم اعظم عبارت از
 این اسم است این ضعیف بضاعت ابتدا بخاصیت این اسم نمود
هو الکریم المعبود با ستمه سبحانه هورا اهل تحقیق اسم
 اعظم گفته اند لیل آنکه استهست و حروف نقطه ندارد و
 هیچ حال و ذواتی دیگر نمیتوان خواند که از او معنی حاصل شود
 غیر هود لیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تبیین فرمود
 اند و مقدم بر همه هوست پس اسم اعظم هوبود و خداوند
 شد است از بهترین موجودات و مشرف در کائنات علیه فضل
الصلاة و اکمل التحيات که إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَىٰ تَعَالَىٰ و تعین اسم من

اصفا

ملاحظه اینانیدانها جمع است و در
 الحق اکثر اعطاد و در لفظ آنکه
 انها در لفظ واقع گردید و اگر کسی
 نکرده و دعوات و ادوار مطالعات
 مسئولان در مورد بنحیث الختم
 و مستحق عموم بنحیث مطالعات
 فضلا انجام مهتتا و مطالعات
 کثیر الضمیر را بدین معنی بیان
 و از برای مؤلف و اللذین ایشان
 طلب مغفرت نمایند و این رساله
 بر سر باب یک نامها با قبل در
 مشتمل بر باب و سوره و کلمات
 با کتب در ختم منطلقه بکلام
 ما توره از حضرت ائمه تا هر
 الله عليهم اجمعین بابت
 در ختم منطلقه بر زبانها جاری
 از پیش و این
 بیخ

شرح و بیان کلیه آیه ها

احصیها دخل الجنة یعنی خداوند شمارانود و نیز نام است
 احصا ان سما: آید در بهشت دیدن شیخ برهان الدین در شرح
 خود چنین آورده است که احصا در لغت شماره گوشت و سبزه
 طایفه فرموده که احصا خوانند و معنی این دانستن است و
 از مشایخ فرموده اند که احصا خوانند و معنی دانستن و توجه نمودن
 پس هم که ابتدای امضاء این کتابان میشود خلاصه این نامها است
 عدد اسم هونازده است عدد تکبیر که هر او را باشد اگر بطریق
 مغربیه غنای میکنند نام و مجموع نبوی سه اگر بدست و حضور
 شیخ قبول میکنند بیست و بیشتر و بعضی از بزرگان گفته اند که
 هر که در یک مجلس نوزده هزار نوبت بگوید یا الله یا هو جن و انس
 و خویش و طیور با او فرزندند در حضور اطیع و کردند جمله مخلوقا
 و خواص اینها و علو مختیار و مکشوف کرد در حضور شیخ عبد الحمید
 در کتاب فکرا الاظله فی شرح أسماء الله تعالی وایت کرده از عبد الله
 عباسی وی وایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله
 که در قرآن و هفت موضع قول لا اله الا الله است و بعضی از علما
 بنا گفته اند که اسم عظم خداست و در این آیات و احادیث و تفسیرها

کتابت در مجلد دوم

بین و غایت در بیان مطلق و معنی
 و افکار در علم الایمان
 عبادت در بیان احوال
 مع طلب و بیان جمله مضد و
 فتنه و تشویش در این آیه بخوانند
 بعد از انجام همین عمل صلوات
 بعد از عجز بیانات و در بعضی
 در هر سه صلوات بفرستند اینها
 همچنین در بعضی موارد فکار بار که
 بخوانند و در وقت نماز بیست
 صاحب بخوانند بعد از حمد و سوره
 که خوانند یا الله یا الله یا الله
 زود بی کلمات خوانند و نماز
 الله یا الله یا الله از بیست تا بیست و
 نفلت که هر که در وقت
 بگوید که یا الله یا الله یا الله

تفسیر در کتب خطی

تفسیر در کتب خطی

تفسیر در کتب خطی

کتاب فی شرح کلام الله الاحق

مستجابست و خواص بسیار از برای آن ذکر نمودند که این مختصر کفایت
 نماند هر کس خواهد تضرع و توسل لطیف و امر کند تمام خلایق
 او گردند و هر چه بگوید بجز آن قول و تجاوز نماید مقبول نکند
 کرد و صفات ظاهر و باطن او بمرتبه رسد که هر که را چشم بروی او
 محبت می شود و از علم باطن خدای تعالی او را کرامت فرماید از اینها
 او را با کمال معرفت بیرون برده باید که ورد ساخته بعد از نماز
 یکبار بخواند بشرطیکه چون نماز تمام کند چنان متوجه قبله برود
 سجاده بخواند و در راه نماز بی بظهار بخواند یا خوش
 و خضوع و بجا آورد دست خواند نماز ذات ربی در نیوا و حاصل
 کرد و حصول مقصد کلی فرشتگان با استحضار حضور و سوره
 هر که در عمر خود یکبار بخواند چنان بود که تمام قرآن را یاد گرفته و خواند
 و امر زید شود از جمع گناهان اگر چه بعد نیک نیایان و قطرها باران
 و برکهای رخسار بود باشد و با اعتقاد دست خواند سینه او اجتناب
 مبتدا گردانند رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که از روی
 دانند روز پنجشنبه روز دارد و این آیات بر کاس چینی بنویسد و با
 بازان یا این چشمه بنویسد روز از این آب یکشاید چنان شود که هر

چشود

بجان بر دست زد که در نود و نود
 با و یاد بعد از نماز و تا آنکه با
 سید الکبری میخواند و طریقتا بچون
 و اگر در ریل مجلس مقصد و هشتاد
 و شش بار در این کلمات را بخواند
 انهم خواهد بود و بجز آن چیزی
 ظالم و حصول همتا در خلوت نماز
 ستره بر این کلمات در وسیله باطن
 بخواند و بعد از آن نام ستره بخوان
 بخواند و از خداوند حاجت خود را
 بخواهد انشاء الله بجز این
 ظالم نماز بار و بجز در بار اول
 و هزار بار اول الا الله محمد و
 ان الله و هزار بار صلوات و هزار
 بار این ظالم تغییر کن در سال
 شود با محمد و مکتوب و

محمد غلامی از کتبات

محمد غلامی از کتبات

۷

کتاب فی التریاق

بشو باد گیرد و اگر کینه را سحر کرده باشد یا اعتدال کس از این
 اب خورد دفع گردد و اگر کینه از اینها نبویسد و با خود دارد از
 بلاها گوناگون ایمن شود و چشمها منظر و منصور گردد و در نظر
 وضعی شیرین نمیشد نماید هر که او را نبیند دوست دارد و اگر کسی
 علت غایب باشد آید که در زمان نندارد و لطیفانند و در جمع
 پیش از صبح بر اینها از امسک و غفران بر ظرفی بنویسد یا با
 گلاب بپوشد بناشتا بخورد و از آن هر صبح باید هر که دید کند
 و بعد از نماز باید یکبار بخواند زهر بلا را ایمن بود و متصل
 و خوشحال باشد بزرگان روزگار مطیع و مستخر و گردند خندند
 جل و علاه صفای فرشته بفرستد که آن روز تا شب بزرگراه دارند
 بتی و نکات و افات و ملامت و پرخیا و جمله بلاها از خود گردانند
 و هر که در آن ضربت آید و در کار خود فروماند و تغییر سوا اینها
 چهل یکبار بعد از نماز جمعیه بخواند بگشاید بر او و مقصود خود
 حاصل شود و اگر کینه خواهد که اکابر و سلاطین را مطیع خو گرد
 باید روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روز داند و هر روز غسل
 و اینها را در آبام ضرب و یکبار بخواند در خلوت و بخورد و بخورد

کرده و دنداد است با این ایمنی نماید
 روزی در صفای الجلب است ختم
 سوره مبارکه فاتحه الکتاب جامع
 مجموع مجلسی علیه السلام و در جیب
 از علامت فرزند از در جیب
 رسد آنست که اندای هم
 از در در جمعه شود و درین ساعت
 بنیانا نارضع است و قبل از آن
 غسل کرد و بعد از آن فلفل در دست
 مع و بیخ حضرت فاطمه و در آید
 صلیب کبود الحمله و در اللیل
 علی کز قال و یکصد مرتبه صلوات
 نمیدانند و این کتب تمام است
 گویند و چهار و هشتاد است
 نماید این نحو که چهل یک مرتبه
 حمد اللهم بخواند و چهار غلط
 بعد از آن نام بلا را بخواند
 سوره

محمد آقا میرزا
 محمد بنی ابراهیم
 محمد شایب
 محمد نجف ابراهیم
 محمد کمال

دانشنامه الامام الزمان

چهارم او را بود دل سلیم و قلب مستقیم و پادشاهان مغرب
 مطیع و گردن نه قوم خود تسلط کرد و در هیچ کس از مغرب نشاء
 نیامد و عواین ایات معنا کما است که خوانند بلکه واضع کنند
 و خاک و لایحه کردند بد عواین ایات نشاء و نمایند و اگر ایات
 بشک زعفران گل ازین بوست که بر سیا بویید آنچه که در
 در تحت الشعاع باشد و بناج هند ناج بر سر دهند و یا کبریا
 همگس و زان بر بند تا دام که انتاج بر سران باشد و خود
 بزرگ در جواهر القرآن این آیتها را شرح بسیار نوشته اند و
 بیضا که در این فخر باین کفا کرد تا خوانند و ملامت رسند
 بکریمینت بسم الله الرحمن الرحيم وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 اَلَا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اَللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ
 سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي
 يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
 وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ اَللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ مَا كَذَّبَتْكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

سبزه نوبت بلا فاصله این دعا بخواند
 یا مقصود... یا مقصود... یا مقصود...
 از حق الزکیه... در روز پنجشنبه و در ماه
 بکفر و زندقه... بجواز آنکه در هر روز
 وقت و همان مکان بعد از نماز پنجشنبه
 وقت و با بکان بعد از نماز پنجشنبه
 ختم از آنکه در هر روز در هر روز
 در هفته اول اثرش ظاهر گردد چون
 طلب عمل بدو چشم و در چشم دیگر در دنیا
 رسد یا بدو چشم و در چشم دیگر در دنیا
 کند و در دنیا چشم و در چشم دیگر در دنیا
 بجز در ایام الحمله و صلوات بر محمد و آل
 پیوسته و در هر روز در هر روز
 سطوات این دعا که در هر روز
 بلین و در هر روز در هر روز
 یا

محمد زکریا

قَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ تُذَبِّحُوا لَهُ لَكُمْ أَلِهَ إِلَّا
 أَنَا فَاتَّقُوا اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَأَنَا خَيْرُ
 الْمَسْمُومِينَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْهُ وَذَا
 النُّونِ إِذ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ
 فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ بَنَيْمُ الْمُؤْمِنِينَ
 إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا
 أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ سُوْرٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنَا فَاعْبُدُونِ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ
 الْعَرْشِ الْكَرِيمِ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْفُتُوحُ الْأُولَىٰ
 وَالْآخِرَةُ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَنْ يُدْعِ مَعَ اللَّهِ
 إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 حَلَّ مِنْ خَالِقِ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا اللَّهَ تَصْرَفُونَ

مُذَكَّرٌ

ما يذكر يكون صواب ان لا تقصد و
 انا انا انت سبحان و يكون و انما انما
 و از بعض مشايخ منقول است که
 بجمله خود از سلطان با انظار و با
 بار بگویم مالک بوم الذین و انا و
 انت سبحان اذان شخص من و اینه
 بوی سید و اگر طمع الطریق و ما
 سبحی سوره بر او بگوین بعد منقول
 بجواند فلا من بود و کذا و غیره
 شد و بعضی بوسه شرحی که
 مبارکه قل هو الله اما از جمله
 غیر مبسوطه که علی بن خنیس است
 و از برای هر حاجت و هر کار و حاجت
 این است که اقله کل کند و با این
 کلمه بخواند و در مکان خلوت و
 کلمه بخواند و آنکه در غیرین
 رخ با فریب و بدی و در آن
 بخواند

بجمله بنی از شرح سلطان

بجمله بنی از شرح

بجمله بنی از شرح

ذاتُ الشَّكَّةِ الْإِلَهِيَّةُ الْأَمْوِيَّةُ

خَافِرِ الذَّنْبِ قَلْبِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ فِي الطَّوْلِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْبَدِ الْمُضِيءُ ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَكَلِمَةُ تَوْفِيقِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي
 وَيُمِيتُ لَكُمْ وَدَبَّ بَابُكُمْ الْأَوَّلِينَ فَاتَّقِ لِمَ إِذَا جَاءَتْهُمْ
 ذِكْرُهُمْ فَاَعْلَمُوا أَنَّمَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ لِلَّهِ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ هُوَ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
 السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ
 عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ قَلْبُ كُلِّ الْمُؤْمِنِينَ رَبُّ الشُّرُوقِ
 وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكَلَامَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ
 أَجْمَعِينَ وَجُونَ تَوَانِدُ بِمُضْعِفِ شُكْرٍ مِنْ نَمَائِجِ أَوْدِ
 كَلْبِ نَهْمَانِ رِقْمًا أَرْعَبِ عَنَابِ لُطْفِ رَحْمَتِ نَحْوَانِ
 وَخُصَّتْ فَرُودُ كَرْدِ سَوْرِ بِنُورِ كَرْدِ زَهْرِ بِيَارِ بِنُورِ

تماماً و در ذکر کت نماز حاجت بگذرانند
 بعد از حمد هر سوره که خواهد بود
 از نماز هفت بار سوره حمد بخوانند
 و صد بار صلوات بفرستند و
 هفتاد و نه بار سوره الم نشرح
 بخوانند بعد از هر بار دو بار صلوات
 قل هو الله را بخوانند و صد بار صلوات
 بفرستند و هفت بار باز حمد را
 بخوانند و سوره البقره بگذرانند و هر
 از خداوند بخواند که با حاجت
 مغفرت است و بعضی گفته اند زمان
 خواندن بوی خوش بخورند و اینها
 از روز پنجشنبه نماید و همه چیز
 است و اگر روز پنجشنبه را در روز
 مبادت است اول است هر چه
 کتب وارد است اینها را در وقت
 فریاد نور و شادمانی
 باید

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

که نام او را بر زبان جاری کرد و در امت پیشین چنین بود آ
که به اجازت نمیتوانستند که نام ملک تعابیر دیگران بنویسند یا مو
بودند و اندیا و در سأل ایشان از خبر داد بودند اینست و سعا
مربین امت است که بفر نام که خواهند خدا تعالی بخوانند پس بدین
دست خود در هر حال که باشند از قبض ببطویم و امید است که
مناسب آن باشد وقت غم خواند و دعوی صغیر و کبیر و
و تکبیر خاتم مجموع از قول بزرگان علماء و مشایخ این فرماییم تا
خواص این ظاهر گردد و مقصود حاصل آید ان شاء الله تعالی و خواص
اسماء الله بیضا است و بنا کردن برینه آدم مشکل که خدا تعالی
کلام مجید و قرآن جمید فرمود است که قل لو کان البحر مدا
لکلاماً و لیه لبحر قبل از تبعد کلمات یه و لو جئنا بمله
مد اما انچه فعل و بجهت رسیدن بر این نسخه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی امید بکرم بزرگان انکه چون این بنیاد مختصری
این علم عار بودم و این نسخه از کتب باب ما یست جمع کردم اگر چه
عامیایند قلم خود در گشتند و با الله التوفیق بود و بنام
تعالی جل جلاله هو الله الذی لا اله الا هو

این

باورد و غیر است و هیچ مشکلی
انجا سبب این دعوی نیست از نظر
بجهت هر حاجتی از مقابل مرتب
که ملا گفت روز بعد از نماز
هر روز یکصد بار بسوره نوح در پنج
بدون تکلم با خضوع و خشوع حضور
مفسر نماز شد تا جایش را آورد
شود ایضا بجز این نیست که مدت
صحب روز هر روزی سه مرتبه بخوانند
باین نحو که الله الصمد و انما علم
تا یکد و هر روز صد بار و آخر سوره اینا
بار این فور و یک بار و آخر سوره اینا
فنا که اول آن است ان شاء علی التکلیف
تا آخر سوره بخوانند در مکان خلوت
باطفاق و در جنبه مراد حاصل
گردد اینها و قیاس مذکور
بکبر و غرور و زنی جمل
باید

بکلمه هر حاجت و تطلک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این جمله سه نام است هو الله اسم ذات خدای عز و اوار پرستش
 که موضوعت چنانچه صفات و کمال پستید که این است عظام
 ذکر اهل توحید است بزرگان گویند که هر که در یک باره
 هزار بار بگوید یا الله یا هو و تک است نامند و مت نمایند عباد
 از اهل حقین گرداند و عتقا اهل تحقیق و در با اهل توحید
 و آنچه خواهد بود کشف شود از حجاب که الله اسم ذات است
 اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم است را گویند که هر که از او بیفتد
 همان اسم الله شود مثلا از الله الف کم کنند نه شود و اگر یک نام از
 دور کند له شود و اگر الف یک نام دور کند له شود و اگر الف
 هر دو نام مخلد کند هو شود و هو اسم اعظم است و خدا اسم الله معنی
 و دلیل نبی است و دلیل چند از قرآن هر روز خواند و گفته اند
 که اسم اعظم خداست که ابتدا ان با الله و ختم آن به هو باشد
 و این چند کلمه نقطه نبی و اگر معنی با غیر معنی نویسد همان که هست
 شود و عیان نتوان خواند و در کلام مجید خدای عز و جل است
 بَعْضُ الْمَدَائِنِ أَوْلَىٰ رَسُوْلًا بِقَوْلِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ دَعُوْا
 الْاٰمِرَانَ بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 این جمله سه نام است هو الله اسم ذات خدای عز و اوار پرستش
 که موضوعت چنانچه صفات و کمال پستید که این است عظام
 ذکر اهل توحید است بزرگان گویند که هر که در یک باره
 هزار بار بگوید یا الله یا هو و تک است نامند و مت نمایند عباد
 از اهل حقین گرداند و عتقا اهل تحقیق و در با اهل توحید
 و آنچه خواهد بود کشف شود از حجاب که الله اسم ذات است
 اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم است را گویند که هر که از او بیفتد
 همان اسم الله شود مثلا از الله الف کم کنند نه شود و اگر یک نام از
 دور کند له شود و اگر الف یک نام دور کند له شود و اگر الف
 هر دو نام مخلد کند هو شود و هو اسم اعظم است و خدا اسم الله معنی
 و دلیل نبی است و دلیل چند از قرآن هر روز خواند و گفته اند
 که اسم اعظم خداست که ابتدا ان با الله و ختم آن به هو باشد
 و این چند کلمه نقطه نبی و اگر معنی با غیر معنی نویسد همان که هست
 شود و عیان نتوان خواند و در کلام مجید خدای عز و جل است
 بَعْضُ الْمَدَائِنِ أَوْلَىٰ رَسُوْلًا بِقَوْلِ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ دَعُوْا
 الْاٰمِرَانَ بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و الله اعلم

در بیان این اسم

و الله اعلم

در شرح کلام نبی الصمد

الا هو ليجتمعكم الي يوم القيمة لا ريب فيه چهارم در
 طه الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنون بحمده و
 اشلا لا اله الا هو و على الله فليتوكل المؤمنون
 انهم اعظم الله لا اله الا هو انت بعضه از مشايخ فرمودند
 كه هر كه اين پنج ايده مذكور شد زندگي و فرزند باز
 بهر تمام كلي و جزو كه در نمايد بخواند آنها او حاصل شود و
 آيات كلام الله كه ابتدا با اسم الله است خوانند بگردد كلا
 مجيد يا قيم بك انه كمد و كله است و دو اسم خدايتي است
 نهدد اگر معجز باشد يا نباشد كه دست بخوند ميشو و شك
 كه ايند اسم اسم اعظم اند و هر دو در سور اخلاص و اقامت
 الصمد معني الله مذكور شد و معني صمد پنايه است او سوي
 فرمودند كه در شرح يكي از بزرگان يافيم كه هر كه ز اكلرم صعب
 واقف شو و امر مشكله كه بهم كشتن بود دفعان بلي يافيم كارها بيك
 مجلس هزار بار سو و اخلاص بخواند شجا يا ابد ما بزرگه گويد اين
 ياد بود كذا يم يا مردم ناملايم نشسته و هر چند بضيقت كند قبول
 نميگردد و گفته كه هر گاه ترا واقعه صعبه است خدا اسم اعظم را تعليم

طلب كنند و در بيان دوويم جبارنا
 بين آيد بهم آنچه از مقوله و روي
 شما باشد طلب نمايد و چون در فزون
 تمام شود سر سبز سوز الم شرح
 و سر سبز سوز و قل هو الله اعلم
 و سر بار سلوان بفرستند سوي
 انسان كند و حاجت بخواند و
 عباده مشبه سوز حلد بخواند
 و بعد از ان تمام هر چند يك انگشت از
 انگشتان مضفوره را انگشت اول
 كوتن انگشتان ابتدا از انگشت
 اقامت دست چپ تا انگشت خفصر
 دستانت كه ابتداء اعضا او بود
 و بعد از رفع همه اصابع با بيان نظر
 كند و بيدمد و حاجت خود را بخواند
 و كنند و بوضوح و اوقات كه شرح
 قضا و خوانند سوز و ما
 الله

بجمله شرح

بجمله كتابت و شرح

در خوا ایتها ایضا ایضا

وسپدا العلماء سے نوبت سید العلماء از عشر او اعداد میکنند
 و اگر باز بقرا سید مجموع را لقباً میکنند باز اعداد را اعتبار میکنند
 و عدد کبیر مغیران بیت سه هزار و صد و ده عد است بنوعی
 که حروف ملفوظ تکبیر میکنند در شرح اسم الله شیخ فرمود
 است که ایتها الکریمه ایست بن مظم و مکرم که زبان بیبا از وصف
 او قاضی است و آن نیز کریمه خواص بیبا شاهد کرده اند اول از
 جهل زنیاد زوات و سعادت و حمت بزرگی و دفع عدا و غالب
 اند بر خصما و رسید بجا و نجا یافتن از بلاها و هر جا که خرد و در
 کند و بعد از هر فریضه یا تکفیر خوانند که در ده و فاف و در هر وقت
 بیکدیگر بگیرد و ابتدا از انگشت خورد دست راست و عقدا آخر انگشت
 بزرگ دست و در مابین غنیمین که یسفع عدا است هر خلعت که دارد
 در دل بگذراند طلب حاجت خود کند و در غنیمین که یعلم مابین
 اید بهایم است فاعدا و مقهوشد جمع در خاطر او و چون
 کونته تمام کند سه نوبت سوالم شرح و نوبت سوالم خلاص و سه
 نوبت صلوات فرستد بجانب تمام بدن و هر عقدا یکبار سوالم
 الکتاب بخواند باد بر دو کف دست مد و بر تمام اعضا برساند

و چون

روح نسبت مبرک را از حضور پیشانی
 در آن عاجز ماند باید غسل کرد
 نیت از مهم و ایتها الکریمه بخواند
 بطریق ده وصف مذکور و در وقت
 دو عین شفع عدا انهم و انجا
 بگذراند از مهم بوجوب بخواند
 و هر دو عین یکبار در آن دم کند
 و اگر دشمن صعب باشد شکر بگوید
 منلو و بندگان او شروع در دشمن نماید
 تا چند روز که منلو نام بخواند و در
 میان دو صبح بیلیم نماید هر چه
 نظر را و در القرآن دشمن را
 منلو بگوید و گفتند اندک کلام عمل او
 جمله و قریب لغت انبضاب و کلان و
 آکا بر گفته اند اگر کسی بعد از نام خود
 بخواند انبضاب منلو خان بودی و
 گشاده کرد و دست او
 باو

بخدمت من مصلحتی

بخدمت برادرانی در وقت و

بخدمت دفع شر و مفسدین عدا

صِنَائِي كِتَابُ الْاَلَكْرِ

و چون این وزد کند هر حاجت که در روز و مقرون گردد روز بزرگ
 این است که ابتدا با الله و ختم باسم العلی العظیم میشود و شمار
 اسماء ربانی گفته اند که اگر در المثل گدانی که در تبارش هرگز بزرگی
 نبود باشد خواهد که سلطنت شد و مولای بوی تو نصیب کند
 باید که در روز و از دست ترک حیوان کند روز در و قطار بجلال
 کند هر روز غسل کند و جامه پاک در پوشد از اول غسل سخن
 نکند تا بعد از آنکه دو رکعت نماز بگذارد و پنجاه بار در سجده فرود
 باز آیه لکن من بعد چون در این نام مذکور باین شرط قیام نماید
 صد بار آیه البقره را باید مقصود حاصل گردد و آنچه خواهد بود
 رسد در ارتبک نباید و زدود در غیر صفت سلطنت ضالی است
 چنین بود و قصه طویله دارد مناسبت این نصیب بود اهل تحقیق گویند
 که هر که از توفیق رفیق گردد که هر روز در نماز بار بگوید الله خدا
 او را از احوال یقین بگذاند این اسم مناسبت است که مستعدند و
 هنوز بد جسد کال برسد اند و عدل این اسم شصت و شش است و اگر
 کنه را طلب خواه و بزرگی باشد ایضاً فراد در سر زحل بر اطللس سر
 شش و شش شرح کند با حرف ف اسم خود و در تاج محو سازد

و در میان روز و در روز فافرازاد
 دو و سه روز و اگر از برای عظیم
 خواند شود از عجبی در اینها
 در اینها ملاحظه شد که اگر کسی
 مهنی باشد و خواهد که در روز
 کفایت کرد و بعضی در روز که در آن
 در میان روز و خطی در روز که در آن
 در بعضی مواضع بنشیند و فقط
 با آیه الکرسی را تا در هو العلی العظیم
 بخواند بجز یک در همان روز مانت
 و آورده شود در در آن سخن نوشته
 بعد از اینها چیزی در مورد آن است
 و باب شده که هر که خواهد روزی
 روری و این بود حاجت او را
 نمود شب عجبی باید

بجهت روزی و شکر

بجهت آرای و شکر

بجهت طایفه و روزی

رِشْرِشِ وَخِي الْفِطْرِ جَلِيلِ

و اگر شرف زحل نبود بیشتر نگردد چون ز خانه خود باشد قرابا
 نظر باشد از نسو مسا منفضل با سعو متصل تم هند همین
 دهد طرز قمر ربع اینست و بنا نمود شود الله محمد الهم مح
 و این هشت حرفست از ابا بنظر قمر و مرتب شش ریشرباید
 و در ش اینست که از هر ضلع اسمین حاصل شوند و وقت
 بخور بسوز و در جای که بمضو دل نویسد آخر ریشرباید

د	م	م	م	ل	ال
ل	م	ی	ال	م	م
ه	ل	د	ل	م	م
ال	م	م	م	ل	ال
م	م	ل	م	ال	م
م	م	د	ال	ل	م

پیش ز کان با جرمت بود
 و مرتب این است
 و یکی از بزرگان صنایع
 و در این سما چنین
 فرموده اند که هر که خواهد

صاف و یقین گردد و از عالم غیب انواع متوحظا ظاهر و باطن
 متواتر بگزارد و هر روز بعد از نماز قراغ فرایض صبح
 هزار بار این اسم را با پنوع بخواند یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله
 یا الله یا هو و خدا این اسمها نود و نیراسته و اوقوبه نود و نیرام
 بار دعا و بزرگی فرموده که هر که نیم شب با طهارت کامل و با نیت

کذ

جمعه باشد همه بد و بیکه کند اول
 سوره فاتحه را بخواند و بعد شروع
 کند بخواندن سوره انعام تا اینه
 مثل ما اوتی رسول الله پس بلا
 فاصله بخیزد و در رکعت نماز کند
 و در هر رکعت هفت بار سوره حمد
 و هفت مرتبه یا الکریم هفت بار
 سوره انا اعطنا را بخواند و چون
 قراغ شود همان خود را بیکه از
 ابتداء الله انعم خیر من قبل
 تا آخر سوره بخواند و بعد سوره
 هند و هفتاد بار بگوید یا الکریم
 الله محمد رسول الله انگاه خور
 بخواند که بعد از نماز اول
 خواهد شد خیر و نیرام
 بجهت هر تا خیر و نیرام
 بخواند که حاصل شود
 انشاء

عجله خیر از خیر دیگر

عجله خیر و حاجت

در سر و نحو لفظ جلالت

کند و نمود و نیز با این اسم را بگویند مستحکم الدعوه گردد و جنبهها
 معرفت از دل و سر برزند از علوم لدنی با نصیب گردد و اگر
 دو اسم را با نام خود حد گیرد و در سر زهره در مربع پنج
 پنج عدد بنهد طریقی است که از جمله عدد شصت طرح کند تا
 بر پنج قسمت کند و یک قسم در خانه اول نهنگ تمام کند اگر کس
 باشد بدستور که نمودیم درج کند مقبول لقول گردد و متعاقبا
 زهره مغزوی گردند دانند این مربع را از عالم غیب فتوحا
 رسد و این خوشدل و خرم گذرانند و در هیچ مجلس و درنگ
 و هر چه خوانند یاد گیرد و این مربع را خواص بسیار است مثلا نام محمد
 خوانستیم با این اسم عدد گیریم عدد مجموع صد بود یک شد
 عدد طرح کردیم صد و یک تا به ماند بر پنج قسمت کردیم فتنه بیست
 شد کسری که عدد ماند در خوابت و نیم اضا کردیم و اگر کس
 یک در خانه شانزدهم اضا کند اگر نسیه شد در خانه نازدهم اضا
 کند اگر چهار باشد یکی در خانه ششم اضا کند چون تمام کند
 معطر ساخته در پیچد با خود دارد بر نیت ای قرض و حصول
 حاجت نیا و اخوت برآمد مراد از کل و جزو اما ناید که هر

انشاء الله حکم کنونی
 مکه را هم که از علایق
 میاید بکشد و جهل با این
 و سبب اتصال بخواند
 بعضی ضرف در کل و شرب نماز
 جای هر غیر از آن در طه خلاص
 و عدد و هر مکه و هر
 و هر صاحب و مطلبی که
 باشد هفت صیغه را
 در دست همه طه که
 زلف روز او برسد از غانی که
 باشد باشد از طلوع
 کسب این شود و
 نماید

بجهت هر عظمی

و این است

بجهت هر عظمی

در شیء کل عالم الغیب والشه

۷	۱۳	۱۹	۲۵	۱
۳۲	۳۸	۴۴	۵۱	۲۶
۲	۲۱	۲	۸	۱۴
۴۵	۴۷	۲۷	۳۳	۳۹
۳	۹	۱۵	۱۶	۲۲
۲۸	۳۴	۴	۴۱	۴۸
۱۱	۱۷	۲۳	۴	۱
۳۶	۴۲	۴۹	۲۹	۳۵
۲۴	۵	۶	۱۲	۱۸
۵۰	۳	۳۱	۳۷	۴۳

کم از نود و نه بار
نخواند شکل اینست
و بزرگ فرمود که
هر که هر روز صد
بار بخواند هو الله
الذی لا اله الا هو

و بدین مدامت نماید خصما او را از اهل یقین گرداند و تمام
اهل تحقیق در جلا اهل تعبد برسند آنچه خواهد بر او کشف
شود و اگر بعد از صد مرتبه صیانت بت به هفت هفت روز
خواند بنیاشتاب کودک کند من هدانا بخورد نیز فهم گردد
و در پیوسته چنین کند البته فهم و جفا شود که هر چه بخواند پاد
گیرد و هرگز فراموش نکند اگر مربع پنج در پنج که ذکر او کردیم در
سر زهر بنویسد بر آن کودک بنده البته ذرا عقل و ادراک
بر آید رسد که اهل عالم متحیر او گردند و شیخ فرمود اندک هر که
تا خلوص و اعتقاد تمام بعد از نماز با خدا صد بار بگوید عالم
الغیب انک هاد خدایتعا او را از اهل یقین گرداند و از اخطا

کشف

نماید و در وقت ناز و دوران روزگار
کرامت شود و در طلبها از برای او نور
گردد و بر دشمنان غالب باشد از
سوز و مبادا که این فکر بود باشد از
برای او حاجتی و سنجاب دعا و دعا
فضاه حاجت و استجاب دعا و طلب صلوات
قرآن رو و عیال با حضور و خواندن
صلوات بفرستد و شروع در خواندن
سوره نماز و حاجت را در هر موقع
بجا طر کند و از خداوند بخواند
یکی بعد از ایام مسیوم و یکی بعد از
فلک تبخون و یکی بعد از سلام
قولی من تبخون و یکی بعد از سلام
سلام بر تسلا و ای و چهار بار
با چهارده بار یا هفت بار و کلمه
کنند و چون از سوره فاتح شروع شود
بگوید سبحان ان القریع
عن

بخدمت غلامی که در شهر...

بخدمت زاده زهر که...

بخدمت زاده زهر که...

در شرح کلمات الغیب والشبهات

کشف شود چنانکه اسرار عالم صورت و معنی بروز و شکر گردد
 مشکلات و جزو از قاری این اسما نگشاید و در هر کلام
 که شروع کند فتح پیدا و از معنیها برتر مند گردد و شیخ گفته که
 نوزده روز بعد اصل اسما نگار بخواند عدل اصل اسما فرود
 هفتاد بیست یک است کشف بود خاصه شود او را و مطلع شود
 نیک و بد تمام اهل کورستان و هم شیخ گفته که بعد کبیر بهتر شود
 در نوزده روز هر شب از روز بعد کبیر بخواند بر مختیار و در این عالم
 مطلع گردد و بر تمام معانی که خوانند خداوند است عالم شود و عدل کبیر
 عدل کبیر است و عدل کبیر مع صد و هفتاد و هفتاد و هفتاد
 بیست دو و هفتاد و هفتاد است اگر بهتر شود که در نوزده روز
 جو کند از انجینا کند را یام مذکور بعد کبیر سه نوبت
 تکرار کند و عود و ضد بخورد و در زمین خوانند عدل کبیر
 چهل چهار روز و چهار صد نود و شش است کشف غیب خاصه و عا
 مستحق گردند حکام زمانه و محتاج بمشور و گردند اولاد
 بمرتبه شود که از سفر عالم نامتعالی الا ماشاء الله بر و مکتوب
 شود و باحوال عالم مطلع گردد و غلبه و نصب لاجین و انبیا

من کل معرفت سبحان العالمین
 کل شیخون مدنیون سبحان العالمین
 مکتوبین سبحان العالمین
 که از انجینا کند را یام مذکور
 عدل کبیر است و عدل کبیر مع صد و هفتاد و هفتاد
 بیست دو و هفتاد است اگر بهتر شود که در نوزده روز
 جو کند از انجینا کند را یام مذکور بعد کبیر سه نوبت
 تکرار کند و عود و ضد بخورد و در زمین خوانند عدل کبیر
 چهل چهار روز و چهار صد نود و شش است کشف غیب خاصه و عا
 مستحق گردند حکام زمانه و محتاج بمشور و گردند اولاد
 بمرتبه شود که از سفر عالم نامتعالی الا ماشاء الله بر و مکتوب
 شود و باحوال عالم مطلع گردد و غلبه و نصب لاجین و انبیا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

در شرح کلام مبایر التورین

وامور غیره و زاد است خدا ما باید که در آن ایام تقوی رعایت کنید
 وصایم باشد افکار بجلال کند سخن گویند مخلوق گویند چوین
 و معقا و حاصل شود تقوی لازم و است دیگران که حکمت
 بدانند و خواص بسیار و ظاهر گردد **الرحمن** بخشناید چنیع
 مخلوقا و عالی فرمود اند که هر کس بدین اسم دعا وقت نماید
 از هر تا فریضه صد بار بخواند خداوند بیک و تعادل و پایا که
 از ظلمت غفلت فراموشی و محضر سلطان دنیا و بزها اقیاتاج
 الاصفیا سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام در شرح اسما
 چنین فرمود که هر که بعد از نماز دو بیت و نود و هشت بار بگوید
 جمله مخلوقا او را دوست فادند دشمنان بر مهربان گردند اهل
 تخمین گویند عو این اسم سنا کسان نیست خدا کرم باشند و از
 این نافع بکنند **سید** بسیار بر فهمیم در شرح خود فرمود که هر
 ماهی باشد عاجز گردانید پیران باید که روز جمعه بعد از نماز
 عصر هیچ ورد مشغول نگردد و هیچ سخن نگوید و با جسد
 منوجه قبله این هر دو اسم تکرار میکند یا **الله** و **رحمن** تا زمانی که افتا
 فرورود و بعد آن سر بنجداند و **خاسته** خواهد است حاجت و نی

در آن عدد

همانند من و بنده را کند و مطلق
 از خدا فنا خود بخواند که در سجده
 با روز پنجشنبه و هر روز یکبار بخواند
 که در عرض یک هفته بیست و یکبار
 شود هر روز بعد از فراغ دعا یا از
 تکمل یک عقدا لکاره را از مصدحان
 بخواند و اگر سوار باشد و بکین
 ملک من نبی بود را بخواند بعد از آن
 بنزد عارا بخواند از برای مریاد و
 جزای است لکن بجهت و سفوف و
 در این مصلحت در روز پنجشنبه
 بجهت دفع دشمن سر شنبه بخواند
 در وقت و عزت و دولت یکشنبه بخواند
 خست و کرم تا از نظر ایام
 ستان منفعلت که هر که این سوره را
 بجهت کتاب و کتاب بخواند

بجمله مصلحت

بجمله و مصلحت

بجمله دفع دشمن و عزت

شرح کلمه بیابان الرحمن

روا کردند و شیخ ابن عربی از خواجہ البیاسی نقل کرده در کفایت ما
 مسلمانان شرح این اسم بیابان است بزرگی فرمودیم درین
 که جمیع مشکلات غریبه امور کلید بگردد از عصر جمعه منجبه
 قبله بوزید بسم الله الرحمن الرحیم قیام نماید چون بانگ نماز
 بشنود و بر سجده حاجت خواند حاجت خدا شود اذان تمام کند
 رو در دستها برداشته صلوات فرستد مؤمنین مؤمنان را
 فراموش و فرزندش خواند بر اهرم که باین دندان و منباید
 مراد از حاصل شود از بزرگی اسما و هم بزرگی فرمود که از استاد
 چنین یاد دارم که هیچ اسمی از اسما بخدا پیشتر بزرگوار تر از این
 نیست بزرگه اگر بزرگتر بود مقدم بر کلام خواهد بود و بر اول هر
 سوره مذکور گفته و حضرت رسالت نبی صلی الله علیه و آله و سلم
 اندک فرمود اندک مرقال بسم الله الرحمن الرحیم ثم لا یخیر
 فی فی نوبه دره را و اینجند عبد بن مسعود است که حضرت
 فرمود اندک هر که بگوید این اسم را یکبار باقی ماند از
 کافران بگذرد و همیشه فرمود که هر که بجز فنی کارها و غم
 بود از بلاها و آیین چون دندان ز مکر شیطان دست بر چهار در

بخواند جمیع مشکلات او برودی که
 شود و اگر این بود را کسی بگوید
 و با خود دارد از سر بپوشد
 باشد و در نظر خلق با صفت بود
 در علم او را در دست دارد
 سوره احق در کار ختم الفان
 دارد آنکه هر که در دهان
 شد این سوره را سه مرتبه بخواند
 خلاصی با انشاء الله خواهد
 و التجران حضرت ما و او را
 هر که این سوره را بخواند
 بس و دیگر بخواند حاجت او
 بر ما بود و دعا بخواند حاجت او
 و طلاق در منزل و التشریح از بی
 است عیب و دست در مال و مال
 در زندان و درین سوره
 نیمی که عیب و انکار
 از

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با این طریق نویسد و با خود دارد اما اگر در سفر افتاد نویسد

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

با ساعات سعوت خواص عظیم آید و هر کس این مرتبه را بخورد
 دارد و فرزند کند هر روز هفتصد مرتبه بخواند و نیکو
 میکند هر طلسم را که خواهد خواند گشود و همه مشکلاتش بر
 آساکرد و بعد فراغ این نماید که بکشد به و دست او بر آمد
 و الحمد فرستد سجا الدعوی کند و روزی یک بار بخواند و
 صفا باطن او را حاصل کرد و هیچ کار بر او مشکل نگردد
 فتوحا بوردند از یک این سواد از دنیا بر تیر باید که در این
 باشد و معطر سجا با خود دارد و غیر از آن که گاه فاضلین و کبری
 قاپر بر او کند و این بر او خواص بسیار است و شیخ فرمود که هر
 و هر دعا که در اول آن اللهم یا الله باشد از بلا جانب نبردند که است
 و اندر آن زود تر مقصود یابد و جمعه بزرگ و حکم و عزت

جاء

از کیفیت آن تا خجسته خداوند
 کردن باین چهار سوره است
 روزه بر سبیل استماری اگر یک روز
 فوت شود شب قضا نماید و این عمل
 و از مجرای بختی است علیک التاج
 چنانچه خداوند کند روزی سوره و الذاریه
 در هر وقت روزی سوره و الذاریه
 دولت میشود ختمی معنی قاف
 کسی خواند شب باشد که در وقت
 و غیب بر وی آید و گشاد گردد و
 ابواب خیر بر او منفتح شود هر چه
 ستر بر او ضرور و قبله باین سوره
 متصل قیامت بخواند و از خداوند
 از این وقت و وقت و در وقت و در وقت
 معیت تا بر غیر این در وقت و در وقت
 بهر آنکه در وقت و در وقت

بجهد در وقت و در وقت

بجهد در وقت و در وقت

بجهد در وقت و در وقت

در بیان کمال العزیز

جاء وروادوم ذرا اعمال الفیت ما و فرایخی و ز و فرایندی که
 نازد و زد ساهر و ز فرای و نکونیت ^{عزیز} الله لطیف بیاید بزرگ
 مرتبیا و هو القوی العزیز آنچه مقصود او باشد بزرگتر آنکه
 کاری در بود سک اگر برای ذای قرض و خلاصه از مجلس بود
 بعد که از و معزول شد باشد طلب حرمت دفع دشمن
 یافت کرد اینک لشکر از در شهر که محاصر کرده باشند
 روز هر روز سه هزار و پنصد سه و نوبت بخواند و این عدد
 جهت محاصره و خلاصه از مجلس و جمعیت تمام خواند اثر عظیم
 و اگر کسی این شمار در نیکین عقیق بیخه نقر کند و یا خود از
 خواص بیاید خاصیت اول آنست که بر دشمنان غالب آید
 نظر خلو عزیز بود و تدبیرش هیکس شرمند نشود و از مفاصحا
 ایمن بود پس این تمیبه از سه اسم عظم ترتیب فرمود اند در این
 مدح کرد اند خواص کل داد اول الله ویم رحمن سیم رحیم شیخ
 فرمود اند که در معنی ایند اسم الرحمن رحیم فرزند نبی اکرم
 و بخانند که معنی هر که رحیم بخشایند است بخشایند از
 رحمت رحیم هر چه با بریند کاشی فرمود که

بجهت صفت و بر این

ما باید از این شکر کرد و در هر روز
 در هر شب این دعا را بخواند در هر روز
 از روز قارون تا و ایضا خلاصه از مجلس
 می غریز و اعوز من من فضیلتی
 الغر والذین و ارفع عنی حدیث
 و ایضا این رحمتک ما از اسم الله
 ایضا طریفین لکن لکن لکن از
 بخواند و شکر ما از بار خدای
 و با آن شکر ای سگرم رحمتی
 بخواند که در هر روز بخواند
 من بخواند و باشد

بجهت صفت و بر این

بجهت صفت و بر این

دَرَسِی کَلِمَةُ مَبِیِّ اِلَیْحِمِی

هر روز صد توی این اسم بخوانند خضر و حیم و ذمهر با و مستفوت گردد
با خلق و خلق با او و ایندلت عظیم است زد و جان و دعوت این
اسم مناسب کناینت که مضطر احوال باشند در مهم و کار خود
فرمانند نباشند بیکه از کار فرموده است که هر که خواهد دعوت
است که کند از اسماء الهی یا نیکه اول شرایط امری در و شرطه
خواندن است که چو شروع کند پیش از آن چهل قدره و دعا
کند و ماکول فمبوسل خلال تربیت دهد بر نازت بر کان و اعظم
اقدام نماید فخر نگوید تا الحیل که نبود در میان خلق نباشد سخن
و آنچه تواند صد دهد اگر میسر شود هر روز غسل کند و اتم با
وضو باشد جامه های پاک و بوی ها خوش یا خود از دکنارها آب
بسیار و اغلب ایام شریف صائم باشد نازت و لدین جو بسیار
و اگر در حیوان باشند ایشانرا غیر درازد و هفت خواهد پیشه بعد
کیتر خوانند و علی کپرد در خوانند اسما عد نکپرت است و اگر یکدیگر
متیر شود زیاد از هزار بار هم دعوی کپر گویند و نفر از کار بر
اند که هر که چهل بار روز هر شب بار و پنج بار و یا صد بار این
اسم بخواند جمیع غلو ما از بزند و غیر بر اسر کردند و خکا

در اسلامین

و بعد از اتمام هر روز یک مرتبه این
السماء فانزله وان کان فی
الارض فاقیر مه وان کان یعد
فقر به وان کان فسیب فلیس
وان کان قلبه اقلکم و باور ان
فمنه بر حمتک یا ارحم الراحمین
طریق کتب با کتب محم علی کتب
از حضرت سید الشهدا علیه السلام
فقل کنه اذا کان اول الشهر
الاثنين فابدأ بقائه سور اذا
وقد ل یوم الرابع عشر کل یوم علی
عده الا باجم حبت فیه یوم الرابع
عشر فی عیشة من فی کل خمینی
التفان و هذا عمل واختم له
الوقف و شمس الامور الکلی
و اداء الدین معجزة فی
ثبات

بجهد مهربان غافرون

بجهد ادا نازن در سفیر

بجهد زنجیر صفا و کمال طریقه

در سر کلمه نیکو ملک

تلقی آن کلمه نیکو ملک
کلمه نیکو ملک را با هر
کلمه ای که در اول آن
مورد است...

گردد و مغسوم نماند و از بیماریها گوناگون ایمن گردد و مقبول
گردد و ابواب فرج بر او گشوده شود و حامل این سرود در خصلت
بنارک و قضا باشد مربع اینست **للملک جلاله**
یعنی مادش از فرمان بر او بر جمیع مخلوقا فر که خوفند که دعوت این اسم
کنند باید که بجهت حضرت عیسا از بزرگ دانند و سرچشمه انبوی
خواهد طمع از مخلوقات قطع کند و همه پور و خیر و خیر
و محتاج نما الله تعالی او را از ملک ملکوت بهره مند گرداند بزرگ
گفته اند که ذکر این اسم محتاج نکرده و حضرت امام علی این سرود
الرضا علیه السلام فرمود اند که هر که هر روز نوزده مرتبه این اسم را
تکرار کند از خلق دنیا زکوه و دولت دنیا و آخرت بیاید آنچه
از شیخ جلال الدین محمود چپتر که حبیب اکابرین از است مولی که
که شیخنا اسماء الله را خواص فرمود اند لوح عدت تعیین کرده اند
نکر اسم الملك والکبیر شیخ فرمود که خواستیم عوام را بخواست
ان اطلاع افتد که سبب فیال ایشان گردد و اگر خواص در بیخند
و فرمود که هر که بدست خواست اسم یا ملک عدت نماید و سر را بپندد
بجای او در دشت بسیار و در فرزند تکرار کند بر تشریف است...

ر	ح	ی	م
ی	م	ر	ح
م	ی	ح	ر
ح	ر	م	ی

۶۴	۶۷	۷۰	۵۷
۶۹	۵۸	۶۳	۶۸
۵۹	۷۲	۶۵	۶۲
۶۶	۶۱	۶۰	۷۱

و نیکو ملک
تقتلک و قتیلاً اگر آتک
واللینا عاقبتک انجنا از اخطار
سوی ما از او فدا و فدا و فدا و فدا
نسخ هر یک یکبار با این ترتیب
بخواند بجهت او ای برین و دفع
و مصلحت در دنیا و آخرت و در
و مصلحت در دنیا و آخرت و در

بجمله مینیای کلمه جلاله

بجمله دفع فقر و فلاحت

در شکر کلمه مبارک تقدوس والسلام

یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل

۲۲	۲۵	۲۸	۱۵
۲۷	۱۶	۲۱	۲۶
۱۷	۲	۲۳	۲
۲۴	۱۹	۱۸	۲۹

رسد این نیت به منت قاریت کن باشد که یاد سازد در عالم
 معنی خوانند و کن باشد که در عالم صور و خواص الکیبر عمل
 شکر بنیاید انشاء الله تعالی و مربع الملك پینت اقدس
جل جلاله یعنی پاک از هر عیبی و نصیحت حاضر امام هشتم
 علی موسی الرضا علیه السلام فرمود اند هر که هر روز در وقت
 زوال یکصد مرتبه بار بگوید دل او صاف گردد و از شر نفس
 و وسوسه شیطان امان یابد و یک از بزرگان فرمود که ذکر این
 اسم ناظر پاک و مصطفی گردد از کد و دافک و قضا و اهل تخلف
 گویند که هر که هر روز یکصد بار از این زیاده ظاهر ناظر
 صحت یابد و هر که در روز جمعه یکصد مرتبه از این نیت بخواند
 رب الملك والروح بخورد صفت لاینگه پیدا کند و مربع اقدس
 نیت السلام یعنی پاک و عیب آن نکوشش و نهایت حضرت
 امام هشتم علیه السلام فرمود اند که هر که یکصد مرتبه نیت
 سوره را بخواند بر نیت صحت آن پناه از بیخ خلاص شود و اگر سینه و
 بیضه او بر شر خواند بد شمنی هدا بخورد مهربا گردد و افضل
 چیزی گویند که خواند اصحاب این اسم کنند اول خود را مقصود دانند

بخواند بار بار در وقت
 از این نیت در روز جمعه
 صحت یابد و هر که در روز
 یکصد مرتبه از این نیت بخواند
 بر نیت صحت آن پناه از بیخ
 خلاص شود و اگر سینه و بیضه
 او بر شر خواند بد شمنی هدا
 بخورد مهربا گردد و افضل
 چیزی گویند که خواند اصحاب
 این اسم کنند اول خود را
 مقصود دانند

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

۲۵	۴۸	۴۵	۲۲
۲۶	۴۱	۲۶	۲۷
۲	۲۳	۵۰	۲۷
۲۹	۲۸	۲۹	۲۴

بجهده صفا علی باطن و قلب

بجهده در سجده شکر و سلام

س	ل	ا	م
ا	م	س	ل
م	ا	ل	س
ل	س	م	ا

۲۵	۲۹	۳۵	۳۲
۳۶	۳۱	۲۶	۳۸
۳۴	۳۳	۴۱	۲۷
۲۵	۲۸	۲۹	۳۴

جمله سلاخی از اراضی باها

جمله دفع و غلبه بر خصم

جمله هر طلب

و بطاعتك عن
مغضبتك و بفضلك عن
يواك يا الله العالمين و
ملك افع على محمد واله
الخبيرين و يا خورشيد و
يا جامع جمعك و يا ابي طالب
يا ابي طالب و يا ابي طالب
رسيد اندامها و در وقت
مهر و خورشيد و در وقت
سوزان آفتاب و در وقت
چون چهل و يك بار

کتاب مباحث المؤمن

و هر روز این اسم را یکصد بار در نوبت بخواند خداوند عالم
دل او را از بیماری در امان دارد و در دارالسلام در آید و عدد
این اسم صد و یک است عدد دیگر صد شصت و دو اگر مربع
طریق وضع کند و با خود در از جمیع صن و غلج جوید او بر او
بلیه نین باشد از برکت این اسم و مربع السلام اینست **المؤمن**
یعنی زنت کند و عدد ها خوشتر حضرت امام هشتم علیه السلام فرموده اند
هر که این اسم بر زهر نقش کند و ایم با طهارت نگاه دارد از شر شیطان
ایمن گردد و دشمنان بر و ظفر نیابند اینها را با نیت بر فو اهل طهر
گویند هر که هر روز صد شصت و هفت بار بگوید خدا بی دعا او
از فکر و وسوسه ظاهر و باطن محفوظ دارد و خصم بر او قادر نباشد
یکه از اهل نجیب گفته است هر که بزخمات قره مربع بکشد بطریق نیک
حرو المؤمن نقش کند در وقت ساعت در حال بخورد سوز
و در ساعت در آن کند و ایم با طهارت باشد مطهر دارد این
بود از فکر کاران و غم غمازان و طعن بد خوفا ن بر خصم غالب آید
و در نظر سلاطین و حکام با هیبت نماید ظاهر و باطن از حق
محفوظ دارد از بیاییه اگر بعد از آنکه خاتم در آنکند هر روز صد

نود

در ذکر کلمات و کلمات

حالت و زیاده شود از برکت بزرگواری این اسم خاص و صوت
 لوح اینست **لَعْنَةُ** یعنی از چند بزرگواری زدن از سو و زدن
 و کفر ایمان حضرت امام فاطمه علیها السلام فرموده اند که هر که هر روز
 چهل و نیکو بعد از نماز بامداد بگوید محتاج نیاید و نگرند و هر
 روز سازد و در این روز در میان مردم عزیز و نیکو کرد و اهل
 تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که بگوید
 خدا بیعت با بزرگواران سلوک کند تا حضرت عزت دهد دنیا و
 آخرت عزیز دارد و دعوی این اسم متناکس اینست که در میان خلق
 عزت و حرمت خواهد دهند دولت حکومت و بزرگی فرموده اند که هر
 نماید هر روز بعد از نماز صبح بعد تکبیر رفته بعد پنجا است و قبول
 دیگر شصت و سه و هشت عدد و قار مجاز است هر عدد که خواهد
 بخواند اما بعضی گفته اند متقوانند این که بعد از عدد که تمام کند
 هر روز چند نوبت تا آنچه تواند بگوید یا **عَزَّ** عزت بزرگواران
 و در اول و آخر اسم آن عدد که تواند صلوات فرستند چند است از
 قرآن که شیخ خواص گفته است این اسم که در این بخش درود بخواند
 اول تقد جاء کر رسول من انفسکم عزت علیک ما عنتم

علیه

۳۶	۳۹	۴۲	۴۸
۴۱	۲۹	۳۵	۴۰
۳۲	۴۴	۳۷	۳۴
۳۸	۳۳	۳۱	۳۴

بزرگواران و از نامور سر انجام باید و
 کار او در واج میگردد و اگر کس از این
 فوت شود از سر کس در این ختم را اگر
 از کار صلا از مجرب است ششم و اند
 ختم کس در هر حال بجهت جمع مطالب
 مفسر مجرب و از مورد است بدین
 کلمه شصت و سه در جای خلوت در بیلک
 بشنید و با وضو هفت نوبت در هر
 فاصله بخواند و بعد از آن این دعا
 بخواند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ يَا
عَزَّ و **بِقُدْرَتِكَ يَا عَزَّ** و
بِحُكْمِكَ يَا عَزَّ یا **عَزَّ** یا
مَلِكُ یا **مَلِكُ** یا **مَلِكُ** یا **مَلِكُ**

هفته با ای آخلاق

بچه عزت و حکومت

هفته در طلب

در بیان زکات العسل

علیکم یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 در چها وضع کند در سرافتاب یا بنظر تو یا خود دارد در
 خلاصه غریز کند و در چشم سلاطین یا عزت و حرمت بود و مقبول
 الفلک گردد و مادام که دست گزینند با هر که مجادله نماید
 غالب گردد و وضع و سپرد او را غریز دارند و مربع اینست
 و اگر عدل این به که در وفادار و شصت بود و شصت است در سرب
 چنان در چها نهاد با در سرفه و وضع کند بشمال که نمودند
 انخواس دهند که سلاطین مطیع می گردند تا کابروا شرف نماید
 خلاصه مستخرج گردند و خواص زیاد از دو غنیمت با افتاب افرا
 نفع دهند چون مربع زهر یا خود را در دایره خوشحال گذرانند
 و متناوب هم عقل از بند این بلوغ حاصل شود که بصر اعالی دهند
 و رنگ گردند نیز فرما چها پیش بنیاد الفم غریز آیند عقل
 زما در نظر دارند این بلوغ بجز خود اقرار کنند این هر سرب لوز
 مثال روشن نمودیم تا برد و ستا مشکل نگردد اما باید که در
 وقت نوشتن عدد گرفتن با طهارت باشد بخورد بسوز و خود
 بیوفا خوش معطر سازد و لوز را غریز زرد و بیشتر او را در علاج

لعل و زکات
 رسول الله علیه
 عن رسول الله
 علیکم یا ایها
 المؤمنین زکوة
 یخرج منکم ما
 کنت ترضون
 لعل و زکات
 رسول الله علیه
 عن رسول الله
 علیکم یا ایها
 المؤمنین زکوة
 یخرج منکم ما
 کنت ترضون

۷۱۷	۷۳۱	۷۲۲	۷۲۴
۷۲۸	۷۲۳	۷۱۸	۷۲۹
۷۲۲	۷۲۵	۷۲۲	۷۱۹
۷۳۱	۷۲۰	۷۲۱	۷۲۶

ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی

۱۶	۲۹	۲۶	۲۳
۲۷	۲۲	۱۷	۲۸
۲۱	۲۴	۳۱	۱۸
۳	۱۹	۲	۲۵

یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون
 یا ایها المؤمنین زکوة یخرج منکم ما کنت ترضون

بجه غریز زکوة

بجه غریز زکوة

بجه زکوة غریز

کتاب شرح ميثا العتر

و اگر این ایبه را نامی است غیر بر عهد بگیر سو یا بنوشن بر لوح پنج
 پنج بر مس نقش کنند و سر زهر را نام خود و نام هر کس که
 خواهد هم در سر آن لوح بکشند یا خود از در مثلا این
 عهد و عهد نام خود و عهد نام یک از سلاطین یا حکام یا نام
 مجموع حکما کند مثال بنام آن لوح که شیخ از بر خود عمل کرد
 بود تا بر دوش نهاد مشکل نگردد و عهد کرد که هر یک از این عهد
 و عهد نام حصار است عبدالمجید و والد او دولت و بنو سلاطین
 نصر و والد او چهار صد شخصت یک مجموع هزار و شصت و
 چهار پیش و از این جمله شصت کردیم هزار و پانصد شخصت و چهار
 این ماند از این پنج قسم کردیم قسمی سیصد و نوزده بود چهار عهد
 داشت این عهد در لوح مس نقش کند یا خود از در و یک از آن
 گفت چنان کردم و مجد سلاطین حاضر شد بنام عظیم نگری
 کرد که بوصف زانستیم از مقام معهود نگذاریند مرا بر خود
 متکلف نشایند و در دیگر در مس خوانند پیش گرفت بر من
 استاد عظیم کرد مجد که چون ز آمدی او بر خواصت با سلاطین
 و دانشک و امر او را منع کردند گفت استامانست و برگرد

نوعی

و ابی اننا خیرنا صلیها ان
 ربی علی صیر الطی مستقیم و صلی
 الله علی محمد و آله اجمعین
 ختم حق نقل کرد این سوره را
 نوشت با خود دارد هر جا رود
 قطع و نصرت شود و بجهت در مانده
 این سوره را بخواند گناه کرد
 کارش ماضی شود اگر کسی عیب
 کرده باشد ده روز هر روز
 این سوره بخواند و در هر روز
 الله تعالی پادشاه شود و دیگر اگر
 فتنه و شوهران آنکاره باشد بخواند و
 باز کرد از نایب و شریک بخواند و
 پادشاه مانند محبت مهربان شود
 اگر کسی از زندان باشد فتنه و
 هر دو سوره دانند و وقت افطار
 غسل کنند و نیکیار
 سوره

بجهت عزت زده سلاطین

عزیز و نصرت

چشم کشند

بجهت مهربانی زین سوره

کتاب فی التفسیر

نوح را در منزل گذاشته که شاید تعظیم کمتر کند که از حد اعتدال
 گذشته بود بنا و جوان همچنان متواضع بود و این از مجربان است
 و صورت لوح من پنبه و عجا دیگر که از این لوح بدان بود
 که مجموع عمو را انداز هرگز تیر بین نمی آمدند و خان چون
 بند می توانست با جمیع فرزندان این کار کاره با مهارتی آمدند
 مناظره میکردند که شیخ عبدالمجید میگوید و پیش از این لوح
 این نبود و من از این میخوش و میشد و ضد کردم که ان لوح بود
 تا باشد که این شهر که شود و باز ملا خطان نمود که بی درجه و فقیر
 در سفر زعفران کار کرد بودم و اگر کسی را این پیشتر شوخ و خاص
 بیند دیگر اگر کند بعد نماز صبح پیش از سخن گفتن نوبت
 این خوانند و باد برد و گفت خود مد برد و نما اعضا بالذکر و
 هیچ بلائی بوی نسد شیخ تمیم در جوهر القرآن آوردند
 این آیات که اگر در المثل اسنان برهنه بشاید خوانند این آیه از این
 اسب نسد محفوظ باشد در شرح کبیر قرآن شیخ نسد
 گفته است اگر کسی خوف خدا از جمیع اوقات و عاقلان بدانند این آیه
 کند الحیا یعنی دارند خلق بدان حضرت امام رضا علیه السلام

مرد زاهد

۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲
۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷
۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲
۳۲۳	۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷
۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲

مرد زاهد که در این
 بخوانند هر دو از آن باب
 بخوانند هر دو از آن باب
 که می فرزند در این باشد و هیچ وجه
 خلاصی نداشته باشد و هیچ وجه
 را مداومت نماید با این عمو که بقا
 چنانز یک نوبت بخواند از این خلاصی
 شود اگر کسی را در این مقام باشد
 سوره منزل را برود عن با این
 خوانند و بیانند از این عمو که بقا
 صحت یابد و اگر کسی را در این مقام
 این سوره را هر روز بخواند روزی یکبار
 بخواند و سبب سبب شود اگر
 کرده باشد روزی یکبار
 سوره را بنویسند
 سوره را بنویسند
 سوره را بنویسند

مرد زاهد
 سوره را بنویسند
 سوره را بنویسند
 سوره را بنویسند

در سر کلمه مبارکه الخالق

و کسایت که طالب شمت و دوام جاه و دولت و منقشند
 بر اعدا باشند مداومت نماید العزیز الجبار المتکبر الخالق
 دعوی این است اما آن که روز ساختن هر روز بعد تکبیر نماید
 کبیر بخواند بعد طلوع صبح یا بعد نماز صبح پیش از سخن
 گفتن یا طهارت شویجه قبله هر عدد که خواهد خواهم بالف
 و لام تیرت و خواجه بیاید و عدد تکبیر مع صد و متور
 متفرق و پانصد است این سه هم مرکب اند و حرف است
 حرف مکرر در ستر مشترک یا بتبلیک است بدین هر مشترک
 در لوح دزد و بخروف وضع کنند یا خود از تدبیر کاغذ
 زرد بر ناخ نگاه دارد غیر و مکرر کرد و بطریق که وصف
 کرد و مربع کبیر است الخالق یعنی فرزندگار هر چیز مفید
 و اندر که شاید افضل حقیق کبیر هر که در شب اسم بسیار
 گوید خستینها و تعاف فرشته خلق کند تا روز قیامت عباد
 میکند و ثواب از دنیا اعمال آن بند ثبت میکنند خضر
 امام علیه السلام فرمود اند هر که منیعت یا کارناز که ناخ
 مینویسد از خلدان منوم است یا کار که مخلوق بدلاطین

نمود و بدل صبح خواندم ظهر
 میان روز طلب حاصل شد
 ایضا از خود بخواند و این بکلمه
 حاجات دعوت در حاجت و هلاک
 اهل علم و جاه این هفت روز
 در ایام حضرت یان زینب بخواند
 هر یک را هفت روز چهارده مرتبه بخواند
 که در ایام شبانه تا صبح بکند
 چهارشنبه از او صد مرتبه بخواند
 یا بله محمد

۱۶۵	۱۶۸	۱۷۱	۱۵۸
۱۷۰	۱۵۹	۱۶۴	۱۶۹
۱۶۰	۱۷۳	۱۶۶	۱۶۳
۱۶۷	۱۶۲	۱۶۱	۱۷۲

جمع و بیجا حاجت و هلاک اهل علم
 چهارشنبه از او صد مرتبه بخواند
 یا بله محمد

ر	ب	ک	ت	م
ک	ت	م	ر	ب
م	ر	ب	ک	ت
ب	ک	ت	م	ر
ت	م	ب	ر	ک

همه بر طبق حکایت

همینها را در اول و اثنای

همین که در حکایت

انشاء الله تعالی ختم بر او شود و در دنیا و آخرت
خدا از مولانا مقدس را در دنیا و آخرت
که هر که در دنیا و آخرت
ناده در دنیا و آخرت
که مجموع صلوات و خیرات
هر مطلبی که در دنیا و آخرت
داشته باشد بخواند تا اتم
و بعد از اتمام مقرر است تا اتم
کنند آنرا علیکم من بعدکم
آمنه تقاسم فی حق
علیه السلام

خ	ا	ل	ق
ل	ق	خ	ا
ق	ل	ا	خ
ا	خ	ق	ل

۱۵۷	۱۸۹	۱۸۵	۱۸۲
۱۸۶	۱۸۱	۱۷۶	۱۸۸
۱۸۰	۱۸۳	۱۹۱	۱۷۷
۱۹۰	۷۸	۱۷۹	۱۸۳

در شرح کلیه صیغات

دارد و از فسان میترسد باید که این اسم را در هر پنج جماعت
 چهار مرتبه و تکبیر نوشته بخورد و در هر صبح صد بار این اسم
 بگوید کار او بدخواه او شود و از آن شغل و عمل نکوینها بیند
 که مداومت نماید بعد یکبار باید تکبیر شیخ فرمود که هر
 ظاهر و باطن او را بنوعی خود منوگر کند و او را از جمله
 درگاه خویش گرداند و محال او را در دست زدن از برکت این
 وند و منت اسم متا کس نیست که اینها اولاد و اتباع فرزند
 باشد و دعوی که بر این اسم نزد بعضی از بیک فرزند زیاد است
 بعضی از بزرگان در فرار سپید شتابان است اگر صد
 بار این دعا بخواند و را بود با طریقت و دل خرم و بسیار از مشک
 که حضرت عزیر دست ساگرداند بفرکار که در او در دست
 بر آید خدا تیغ او را بر سر قوم سرور گرداند حاکم سازد و اگر
 صنعه داند زانکار بگانه عصر شود و از خلق نیز مستغنی
 اما باید که با طهارت باشد و مربع خود از خواص بسیار بیند
 اینت الباقی آنچه فرمودیم هر چه بصفه و خاصیت حق
 گویند که خواهد که احصا این اسم کند باید که با خلق بازی

مهرنار

در بیان کلمات مباهات

مهربا و متواضع باشد تا حضرت خستیا خلق را محکوم متقاضا
 و گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که هر چه خستیا
 بگوید بر این نام را خستیا صد قبر و دانشها نگذارد و مؤمنانند
 تجویج کنند هر که یک هفته هر روز باین دعا خواند خداوند جل
 جلاله فرشته را خلق کند تا روز قیامت مؤمنان را بکند و بیخ
 فرموده که این سه اسم الوهاب الطاق البتار ذکر کسانیت که محتاج باشد
 بر حق و هر یک که در راه نماید یا از او طالب حقیقت باشد شیخ
 البدیع پستری گوید هر روز نایز مویب این نامها بخواند لطف
 خداست تا در دنیا و آخرت هم فریضه حال او باشد در پیوند روزگار
 او کرد و در قبر مؤمنان و در حدیث آمده و باشد در بیعت
المصون یعنی نضو کنند هر چیز بصورت مخصوص و مشکلا کنند
 عشا گردند از نیکو بگو و حضرت امام علیه السلام و هر که
 فرموده اند هر روز عقیقه که طایفه فرزند باشد باید که هفت روز
 روز داند و در روز عقیقه نیکو نیست و بکنوبت صد دل بخواند
 و بزایند و بیانشان خستیا او را و لکن صاحب کرامت نماید
 و اگر نیک شوق هر روز روز داند هفت یا باشد و نیز در فرموده

در این الفقه در از سوره العنکب
 و آنست در سوره العنکب رسول الله
 و آنست در سوره العنکب رسول الله
 و آنست در سوره العنکب رسول الله
 در حدیث بیکال هر روز یکبار
 خداوند خستیا را در قیامت و هر
 عقیقه که در آنست که هر روز
 بجهل از هر روز یکبار

ب	۱	۷	۱
ر	۷	۱	۷
ی	۱	۷	۱
۱	۷	۱	۷
۶۹	۸۲	۷۹	۷۴
۸۰	۷۵	۷۰	۸۱
۷۴	۷۷	۸۴	۷۱
۸۳	۷۲	۷۳	۷۸

عجوه طاهره در کلمات مباهات

عجوه طاهره در کلمات مباهات

عجوه طاهره در کلمات مباهات

م	ص	و	ر
و	ر	م	ص
ر	و	ص	م
ص	م	ر	و

در بیان کلمات الغیب و القهار

هر که طالب فضیلت و بلاغت شعر گفتن ذاتی و طلاق
 لسان بود بدین که این اسم بعد تکبیر مع صد مرتبه بخواند هر
 روز کارگرد و عدد تکبیر این اسم در هر روز هشتاد و دو
 باید که چون بمقصود رسد باین عدد نتواند خواند هر روز
 صد مرتبه و شش و پنج خواند که نکند تا او نشنود صد بود
 مقصود حاصل و مربع اینست **الغیب** یعنی پوشاننده و پنهانها
 و معاینندگان از انواع گناه و تقصیر حق را نام رضا علیه
 السلام چنین فرمود هر که بعد نماز جمع و روزه و صد
 بگوید یا غیب اغفر لی ذنوبی از جمله مغفوره گردید و حقیقتاً
 او را ندانند بقیض خواندند یا باین عدد بزرگان فرمودند بجز
 تکبیر مغرب خاتم عقیبی نشر کرده است در دوزخ و لپازاد و
 خصیه و اقشود و او را دوست دارند بیکدیگر نمایند در حق و
 دعا خیر کنند اگر اتمام نماند بجز بر روز عید ایمن و دامن
 مغرب یاد و نوع است و عامل مجرب است اما نوع آخر افضل
 از اول و مربع اینست **القهار** یعنی شکند کردن فرزند
 کشته با نوع پنج و خوار اقل حقیقت گویند هر که باین

۸۹	۱۰۲	۹۹	۹۶
۱۰۰	۹۵	۹۰	۱۰۱
۹۴	۹۷	۱۰۴	۹۱
۱۰۳	۹۲	۹۳	۹۸

دفعه بخواند و هر وقت باید
 و اما حاجت مند من نفعی بخورد
 این بار اسم مرتبه تکبیر کند و در هر روز
 تمام کند از برای قوامت الی غیر التمام
 و کثر مال الی غیر عجب نفعی غیب
 دارد که عفو از تقصیر
 از عجب

غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف
ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا

۲۱۲	۲۲۸	۲۲۲	۲۱۹
۲۲۳	۲۱۸	۲۱۳	۲۲۷
۲۲۷	۲۲۰	۲۲۰	۲۱۴
۲۲۹	۲۱۵	۲۱۶	۲۲۱

مغنیضاً حاجت و طلاق

مخبر که مال و روز

مخبر بجزی عذاب

در شرح کلمات مبنا الوقت

اسم بگویند مجتبی نیا از دل نور و وحضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر کس که نسبتا گوید این اسم خدا بی غم و نوح و رحمت نبیا از دل و بر دار و بر نفس خود غالب اند و هر که مبنا فرض و سنت ما جعفر بنت قهر دشمن ضد باجو خصما و مقهور شود و صفا باطن او حاصل در محبت

ق	ه	ا	ر
۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲
۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶
۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
۹۳	۹۴	۹۵	۹۶
۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

دل او گشاده گردد و مرتع اینست
لَوْ هَابَ بِنِي جَبَابِنْدَه با انواع عطاها و نعمت طاهر و با جبهت گدایه عرض هر که بعد نماز پیشین سه مرتبه بگوید خدا هفت نویست بگویند این اسم را از خلق مستغنی گردد و حضرت امام علیه السلام فرمود اند که این اسم بیست و بیست و پنج مرتبه و سیرت العاجبه و خواص آن پیش از آنست که بیخ را شست و وضاحت عمو این اسم فرمودند که از بزرگوار این اسم هر که غافل کند با این طریق که بعد از فراغ از نماز دستها را بر دار و هفت

علامت در این قسم بر اعان
 معنی و اخبار از مناسبت
 شرط است انصاف هر که
 داشته باشد این خود را
 بنویسد و بنویسد و با
 با یاد انصاف هر که
 سوره و الشمس و اللیل
 بخواند و می گویند
 انصاف و انصاف
 که هر کس مال دنیا را
 نماز عشا هفت مرتبه
 وقت بار سوره
 اللیل

در شیخ کاتبی که اوها

نویس این اسم بگویند حاجت خواهد البته دعای او مستجاب کرد
 و حضرت خداوند مقادیر حاصل پیوند و اهل تحقیق گویند
 هر که در دست او هر روز هزار مرتبه و پنج بار بگوید او همانا یاد
 الطول رود بر او قرائت گردد و اگر منذ وقت نماید این اسم جا
 که کان نداشته باشد روز او برسد در دنیا او بر او آید
 شیخ فرمود هر کس که زانوی پیش پید نماید که مبتلسد آید
 خیمه گرفتار باشد در دنیا بر او بسته باشد از عمل جو غل
 شد باشد از دنیا خواهد حکومت در اعلی مرتبه از در
 تا بمنا دوست و همرا که داشته باشد باید که در سر سیبینه
 بر خیزد و وضو سازد و در رکعت نماز حاجت بگذارد و در سجده
 یاد در خانه رود و سر برهنه کند دستها بلند کند و صد
 این اسم بگوید حاجت عرض کند حق سبحان و تعالی حاجت از او
 کند شیخ فرمود که هر که چهل روز هر روز بعد تکبیر دعوت
 این اسم کند بجز اول و بعد از آن آنچه خواهد نباید شک
 و عدت تکبیر صغیر یکصد هفتاد پنجت و عدت تکبیر هر روز
 صد هفتاد و پنجاه است بجز حضور مزه و قهوه و شکر عدت

محمد بن صالح نسا

محمد بن طلح

محمد بن احمد

محمد بن قاسم

والله اعلم بالصواب
 الكافورین و صفی مرتبه روز ملا
 و صفی بار سوز معوذتین هر بار و
 صفی بار بخواند بعد از آن گویند
 بار الله مقدر اتمل من آتی فرج و
 غریب و بخوابد در شب اول یا در
 سیم پنجاه روز یا پنجم یا ششم یا الیسار
 یا بدو اگر با جانب بر سر عدل و
 فضل در شراب دعوت که ختم سوی
 و الفصیح هر که چهل مرتبه یا طهارت و
 بدون تکلم در قیام یا طهارت و
 ابان و ثانی متر که مثل شیخ و امثال
 آن بخواند در شبی التماس خیر از او
 استخیر خود از آنچه اگر کسی از او
 بخواند علم شود خیر بر او نازل شود
 بنویس مجتهد با اذاعی هر که بنویس
 مکتب یا بخواند نافع در وقت
 و بعد

کتاب در بیان الواجب

و اگر فرض و وسعت رزق حلال و خوشبود خدا باشد و خوشها
و فرج و برکت عمر و ثواب صورتی در این ایام بطریق شیخ یا خود

۳۷۱	۳۷۲	۳۷۳	۳۷۴	۳۷۵	۳۷۶	۳۷۷	۳۷۸	۳۷۹	۳۸۰	۳۸۱	۳۸۲	۳۸۳	۳۸۴	۳۸۵	۳۸۶	۳۸۷	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	

مثل است که از جهت اذی ض و وسعت رزق و در آمد دنیا و
موانع دیگر بگذارد و اگر نماز در روز جمعه پیشتر از روز
باشد نماز روز پیش از نماز صد صلوات فرستد هر نیت که نذر
شروع در نماز کند در هر رکعت بعد از فاتحه یا هر که بار ابرو
و بیت و پنج نوبت قل هو الله احد بخواند نماز بگردد نوبت نماز
بگویند چند کند که اول نماز تمام نیت نماز سخن بگویند و بعد
از فراغ از نماز اسم غا کند که البسه مستحبا الدعوی کند و نماز
تجربه کرده اند و میریت بر این است که چنانچه خداست در هر
وضع نماز را تا اگر کرده باشد که جمله حصول مراد و وسعت
حلال و مقهور و شد عد و خوشها و فرج و برکت عمر و ثواب

در وقت رزق و وسعت رزق و در آمد دنیا و موانع دیگر بگذارد و اگر نماز در روز جمعه پیشتر از روز باشد نماز روز پیش از نماز صد صلوات فرستد هر نیت که نذر شروع در نماز کند در هر رکعت بعد از فاتحه یا هر که بار ابرو و بیت و پنج نوبت قل هو الله احد بخواند نماز بگردد نوبت نماز بگویند چند کند که اول نماز تمام نیت نماز سخن بگویند و بعد از فراغ از نماز اسم غا کند که البسه مستحبا الدعوی کند و نماز تجربه کرده اند و میریت بر این است که چنانچه خداست در هر وضع نماز را تا اگر کرده باشد که جمله حصول مراد و وسعت حلال و مقهور و شد عد و خوشها و فرج و برکت عمر و ثواب

در وقت رزق و وسعت رزق و در آمد دنیا و موانع دیگر بگذارد و اگر نماز در روز جمعه پیشتر از روز باشد نماز روز پیش از نماز صد صلوات فرستد هر نیت که نذر شروع در نماز کند در هر رکعت بعد از فاتحه یا هر که بار ابرو و بیت و پنج نوبت قل هو الله احد بخواند نماز بگردد نوبت نماز بگویند چند کند که اول نماز تمام نیت نماز سخن بگویند و بعد از فراغ از نماز اسم غا کند که البسه مستحبا الدعوی کند و نماز تجربه کرده اند و میریت بر این است که چنانچه خداست در هر وضع نماز را تا اگر کرده باشد که جمله حصول مراد و وسعت حلال و مقهور و شد عد و خوشها و فرج و برکت عمر و ثواب

دیشتر کلمه بیبا که البرزاق

ع ۳

و خوشتر خود را بنام خدا تعالی جل جلاله مرتب سازد این اسم را بخواند
 و اسم خود را نیز بخواند که در مجموع صد مرتب کند باقی بچهار قسم
 کند در مرتب بطریق شیخ وضع کند مثلاً اسم یا و ه و ه و ه
 پنج عدد است و اسم محمد بود و در مجموع صد هفتاد بود
 عدل طرح کردیم ^{هفتاد} هفتاد باقی ماند بچهار قسم کردیم بیست باشد
 و کسر ماند یک بطریق وضع کردیم تا اسما باشد و مرتب

۲۹	۳۲	۳۵	۴۱
۳۴	۲۲	۳۸	۳۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

این اسم دانه در خوشه ها پیدا شود بر هر دانه نامی نوشته است
 که در زق کیفیت بسیار خفیه گویند که هر که احصا این اسم کند
 باید که طعام و شراب از بندها خدا درین نذر و نعم روز بخورد
 و اصل طریقی بنام که چنانچه طریقی خود روزی که صد بار
 بگوید این اسم بیاید ضرورت و راه در آن خانه نباشد و
 این متناکسایت که تنگ بود روز و شب حال باشد این

مردی

نماید و همین کند و اگر مطلبی
 دشمن باشد و منفرد باقی این
 عمل را بهین قسم بخوابد و در مجلس
 ایستادن است که از مجلس خوابی
 در روز چهارشنبه از ماه صفر هر
 از سوره الفاتحه و الفاتحه و الفاتحه
 با و نظر الله و دل مؤمن احدی را
 غنیمت بخواند از زمانیا غنی او را
 خیر المیتگی بخند هر مطلبی سودا
 سوره فاتحه دهفت بار بخواند و
 سوره مقلوان بفرستد و هفتاد بار
 ملک المیتگی را بخواند بعد از آن هزار
 الفاتحه را بخواند تا بعد از آن هفت
 یکبار سوره توحید را بخواند و بعد از آن
 باره فاتحه بخواند و صد مقلوان بخواند
 منضامن که سوره و ننگ کند که هر
 کند در رحمت و صفت زرق چهل
 بار سوره الفاتحه را بخواند

مجلس

مجلس

مجلس

در سر کلمه مبارکه التذوق

مرغ را با خود از بند بکیر تا بعد تکبیر نماز وقت نمایند
 هر روز پیش از صبح و با پنجو اطراف جوانب عالم دهند تا نو انگ
 کردند در نیاید نیست و در وقت ذرات غامه و عد تکبیر این اسم
 هزار و هشت صد چهل و پنج مرتبه که چهل و نه روز و چهار عد
 تکبیر بخوانند خدا تعالی او را چند دنیا کرامت فرماید که صف
 نتوان کردن و توانگر گردد و چهار عد تکبیر صفت و شش صد
 و شصت نوبت است و اگر هر روز با بعد نماز خوانند باید که چهل
 و شصت روز چهل هزار و چهار صد و نوبت بخوانند در آخر مرغ
 نظر بشکند با خود دارد چوار بعین تمام شود و رکعت نماز قبو
 ختم و استسجاده نماید که در دو دعا کند صد بار خدا بخواند خدا
 تعالی صفت پیشا با او از این فرماید انشاء الله تعالی و مرغ این

۷۶	۸۲	۵۸	۶۲	ق	ا	ز	ر
۸۶	۶۳	۷۴	۸۴	ز	ر	ق	ا
۶۶	۹۲	۷۸	۷۲	ر	ز	ا	ق
۸	۷	۶۸	۹۰	ا	ق	ر	ز

الفتاح گنایند هر کار نیست هر که خواهد احصای این اسم

بخواند تا دفع است خصم و دشمن و با پنجو اطراف جوانب عالم دهند تا نو انگ
 الکا فین در کما عذرا الذی اعنی ان حضرت
 و تعلیم زینب که هر کس بایستد این اسم
 نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب
 ده بار این سوره را بخواند صد بار
 صلوات فرستد بر زینب
 صلوات علی النبی الامام محمد و آله و صحبه
 هر روز در مفصل که داشته باشد
 شکر بر آورده خواهد کرد گوید
 سر او را خیره کردم خسته گشت
 عجب و شگفتی در هر روز در
 ده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند و در
 حق را شامده نماید از شر این
 اینها بعضی از علما و اهل دعا
 گفته اند که اگر کسی این سوره را از
 راهی بر حاجتی طلبی بقیصد
 میخواند آن حاجت
 برآورده

عاشقانه از زینب

عجز و سستی از حق

عجز و سستی از حق

هفتاد و نود و یک و صد و بیست و یک

هفتاد و نود و یک و صد و بیست و یک

هفتاد و نود و یک و صد و بیست و یک

بر آوردن مکتوب و همین حد از برای
رفع فقر و غنا و روزی و سعادت و ایشاق و
افزای غنای ثروت و توانگری و ادب
دین از برای ایشاق و از حضرت صادق
صاحب دار دانست که هر که مداومت
کند باین سوره روزی او از غنا و
بسکه گمان نداشته باشد و بعضی
گفته اند که هر که از سوره هفتاد و
نود و یک و صد و بیست و یک
مداومت کند از فقر و تنگدستی
مجانم و منفول است که هر که این سوره را
دوره یک بار بگوید و مانند هفتاد و یک
خلاصی یابد و اگر هر یک مجرب است
بخواند نجات یابد و اگر این سوره را
تربک الکبیر و از این سوره روزی
سوی بویسد و با خود دارد روزی
اول فرج گردد و در مساملات منفعت
تمام یابد و بی آنکه در لغت
مان

کتاب مبارک الفبا

کند باید که کار و پیشه که او را پیش آید و با شتابت و استقامت از ابواب
و بداند که ابواب هفتاد و یک گشاده است حضرت امام رضا علیه السلام
فرمودند هر که هر روز بعد از نماز صبح هفتاد و یک مرتبه بگوید
و دست پینه فرو آورد زنگ غفلت از دل او برود و هر که
که او را از پیش بر دارد و یک از او بگوید هر که هفتاد و یک مرتبه
هزار و هفتصد و نود و سه نوبت بخواند که سه صد تکبیر است او را
فحیحی و قشوقه هر که قبض ببطنی بیند در باطن در از عالم غیب
قوتی متواتر رسد چند صفا باطن باید که مطلق وی از ضیائات
مانا باید که از قرائت این اسم بازماند و بعد از این دولت فرود آید
نوبت که بگوید شرح این اسم جا دیگر خواهد آمد و مربع اثرات

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۴	ح	ا	ت	ف
۱۲۷	۱۱۵	۱۲۱	۱۲۶	ح	ف	ت	ا
۱۱۶	۱۳۰	۱۲۳	۱۲۰	ح	ا	ت	ف
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۷	۱۲۹	ح	ا	ت	ف

العلیم یعنی خدا دانادان و زانکه بر همه بودینها از نیک و بد ابد
اصل حقیقت کند هر که خواهد حصال این اسم را باید که بخواند

غلام

در شرح کلمه مبارکه العالمی

عالم الترو الحقیقا دانند بحقیقت خود را در بر هیچ کس از اجناب
 نکند و متواضع باشد تا عالم اعلام او را بر علوم عالم گردانند
 امام رضا علیه السلام فرماید هر که این اسم را در فک خود بسیار
 از غم دل نه برآورد کند و اگر خواهد که از امر دنیا آگاه شود و
 متعاقب وضو سازد و در رکعت نماز بکند و بعد از نماز صدقه
 نویسد بخواند این اسم را با وضو صلوات بگوید تا در خواستش از عالم
 غیب آن امر برسد نماید اگر این اسم در سینه نویسد یا خود از دست
 از تمام دنیا جمع صلوات فرستد بعد از آن بعد تکبیر که
 پنج صلوات بخواند مع صلوات هر روز از دست
 بدست و دیگر و بیانی نداد و صد مرتبه بجهت بیست بخواند یا از
 بار صلوات فرستد تا کار دنیا ساخته گردد که کار خود را در مختصر
 و صفا با طریقی ظاهر و حاصل گردد و اگر همین او خرد ز خانم
 تضر کند در آن کتافند و در محل بعودد لوح نگاه کند و
 بر وی بکند مراد است و بخوبی و چیزی بیشتر گرداند اصل حقیقت گویند
 این اسم است که کودکان از بزرگترین اسم گویا و دانا گردند صاحب
 دعوای این اسم را خدا بیستامه فرستد کرامت فرماید لوح این است

نماز از خود در کند ختم
 تکرار از همان حضرت فرود است
 عینه خلاصی از نجات است و اینها را
 بار بخواند تا مع است و اینها را
 این سوره را در وقت نماز یا از آن صد بار
 بخواند و از صدای نهالی حاجت را
 بخواهد بدان حاجت را بخورد
 اگر این سوره را در کار بخواند نگاه
 از آن در چشم که در دست از چشم
 ز یاد شود و اگر این سوره را در چشم
 خواند که بعد از آن شب بخوابد
 دیگر شیایا یا لاله شکر بخورد
 از برای هر مطلبی از سخن خداوند منزه
 است که در دست در دست بخوابد
 غلظت و خورد خورد نماید بعد از آن
 هنر بار صلوات فرستد که از آن
 الله بر او درده اصل خود را
 عاقله

هر روز آن عالمی

همه حاجات بخورد

همه حاجات بخورد

کتاب فی تفسیر القرآن در شرح مبایر القابض

۳۷	۴۰	۴۳	۳۰	ع	ل	ی	م
۴۲	۳۱	۳۶	۴۱	ی	م	ع	ل
۳۲	۴۵	۳۸	۳۵	م	ی	ل	ع
۳۹	۳۴	۳۳	۴۴	ل	ع	م	ی

القابض یعنی خدا اینک کند آنچه خواهد بعد از خلقت
خوشتر حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که در این
قرآن باشد و از او ترسد این اسم را سه شنبه و پنجشنبه
بخواند البته در دشمنی دست دعا ملاک شود یا او را که در اهل
حقیقت گویند هر که چهل روز این اسم را بر چهل نفر نهد
بناست با بخورد خدا ایضا او را از خوف بوی و غدا قبر این گرداند
و این عمل مناسب است که اول بسوگند را مکن باشند این اسم
که ملک الموت قبول این اسم جانندگان قبض میکند و این اسم
مقبول جمعی از اکابر از جهت دفع دشمن عدو نکبیر است و نکبیر
دو هزار هفتصد و شصت است مع صد و مؤخر پنج هزار و چهارصد
دوازده است بقول مغربشاد و هزار هفتصد و شصت است مع صد
پنج هزار و چهارصد و هشتاد است اگر بعد مغرب یا خواند و از

ما کلامی بجهت غلبه بر دشمن
 برشت خاک بخواند و بطرز دشمن
 اندازد مطهر گردد در خاک بیاید
 خواندناختن و نسکین با بدو اگر
 بخواند این سوره صد و شصت نماید
 از هر روزی شنبه روزی یکبار
 انبار عذرا بگذارد از هر روزی
 مستعد این باشد خورشید تا غروب
 کسی بخورد روزی در وقت از خانه و از
 او بزدانند زندان او محتاج
 سوره را بخواند زندان او در حفظ حاجت
 نگردد و خواننده او در حفظ حاجت
 خداوند باشد از روزی یکبار
 نهر سوخته را بخواند بر او ملک و طلب
 موافق بکشد و حفظ و بار بخواند بر او
 و اگر سبب بر او ننگ باشد بگوید
 و بخورد از روزی او
 مدح

در شرح کلیه شیای که با بیضا

عادت است در این سه شبانه روز بکاه رود و بپوشد و شش عدد
 پیش از خواب از خواند اگر تواند این عدد را در مربع چهار در چهار
 حاضر سفید کند در محل خود در پیش سجاده نهد و در روز نظر
 میکند بر آن که نور بخورد و تکبیر مغرب فشر کند و در دست برد
 وقت خواندن در خاتم نگاه میکند خوشحال و تواند که در دو هم
 بظافر و هم بیاطن در این بیضا باشد که سلاطین عصر و بزرگان
 و در نظر او خواند این مجسمه نیا و لغت باشد بیاکه او با
 چند اکرام و سخاوت کند که اصل دینا نتوانند کردن نشاط و
 خرمی در باطن خود داند و هر مغرب که اجناس خوب عود علاقا
 کند مفرح و شادمان شود و مربع فشر کند این کج کار او
 در نزد خلائق کشاد شود و دیگر خود را عکسین بدینا ما باید

۱۷	۲۳	۲۹	۳		ط	س	ا	ب
۲۷	۵	۱۵	۲۵		ا	ب	ط	س
۷	۳۳	۱۹	۱۳		ب	ا	س	ط
۲۱	۱۱	۹	۳۱		س	ط	ب	ا

که بعد دعوه هر روز دو بیت بدین و دو نوبت که عدت یکبار

خواند

چهار کند و صاحب خود را بخواند
 بر آنده آن سختی و تنگداری
 گشت منظور است که هر که در شب
 سر شنبه با چهار شنبه این سوره را
 بخواند بعد هر پنج کرد و خود این
 سوره است و در حق فقر و بکافتن
 کند و بدیده شمس هزاران سوره
 این سوره بیست و سه کلمه و در
 کلمات فریاد دعوات مافوق از
 اقرطاطین از شیخ ابوالزهراء
 الوجود نقل است که هر که را میخواهد
 ابد درجا بکند امانی نبوده باشد
 چهار خط بکشد و بیخط در دنیا
 از چهار خط باشد و او را در این
 حضرت رسول فرزند منصور نماید
 و نظر در همان خط که
 اما

مجموعه هزاره دشمن

مجموعه خوشحالی بنو نیکو

مجموعه هر صفت و ملک

دشمن کلیمبنا الخضر

بخواند و ترک نکند تا در حالت ایام نماید مربع اینست که نموده
 الخافض یعنی فرو آوردن که پنجاه خواهد جلیم قدیم و قدر تا بقدر
 درازاده او بود این ناپیت که مختصر مونس و بر فهم علیه همتا
 از برکت این اسم از خصماز تجاوت یافتند و منظر گشتند هر که در
 بیابا بود و دشمن قوی دایم متوهم باشد خواهد که کلمات
 اسم کند اول باید سه روز در روز و در اوقات بجلال کند و
 خورد و در این سه روز این اسم بخواند و در چهارم روز در
 بخورد و در دو رکعت نماز بگذارد و متوجه قبله برادفع عمل
 دستا فرار نویسد بخواند و چو با تمام رسد سر بر سجده کند و بعد
 از خدا خواهد از شر شیطان این کرد و در عمل که هر روز برای
 حافظت بدین لغتین خواند اینست که هر روز بیان صد گفتار
 و اگر بر نیکین نفس کرد بیکسیر شیخ در دست کند بر عهد غالب اید
 را کرد و در شش ماه تمام نفس مربع چهارده چها یا بنظر تو که
 اسم منقوش سازد و یاد سازد و انکشت کند یا بر صفحه نفس چها
 در چها نفس کند الخافض الراضی الکریم الخضر و نام یادشامیا
 مربع باین طریق نوشته این صفحه بر منور عایت بر لشکر کرد

اول الفیض فکر و بنام ایشا راه
 نماید در دوازده هزار بار بگوید صلی
 الله علیک یا رسول الله از هفتاد
 کتاب شود و خواند و احوالی
 استخیرت کل الامه الله از برای
 جمع مطالب مقاصد عجیب باز
 است از این کتب پیدا کند باز
 را بگوید در روز و شب در آن
 هزار بار بگوید و همچنین مانده
 شانزده هزار بار بگوید که مجموع
 هشتاد و یک هزار و بیست گفتار
 طلب بر آید است بخواند
 اللسان و در هر روز در آن
 دعا و شای کارها و درستی طلب
 اینها را بخواند عدد یکصد هزار
 بی صد سال است در صلا
 و بی

بجهد در دفع شر

بجهد در دفع شر

بجهد در دفع شر

بجهد در دفع شر

کتاب منابر کتب الراجح

بگذرند اگر خواهند که با یزدانسانند با ایشان راجع شود
 و خواص این پنج نسبت است اگر در دنیا او یکوشتم بطول
 انجامید مختصر کردیم و اگر اسم حامل چهار حرف باشد منکر
 نداشته باشد بدین طوری که اسم احمد نوشته شد وضع کند
 و مربع در ضلع مقابل عمود شده الراجح یعنی دانند
 خواهد از مرتبه سفلی با علا درجه رفت این نام است که آنها
 ببرکت این نام بیست و نهمه و ناپادشاهان از املکت انبرکت
 و بزرگی این اسم در پیدا است اهل تحقیق گویند هر که خواهد
 که احصا اسم راجع کند اول باید نقد که تواند از ازل خلق خدا
 تعابری دارد تا حاضر واقع زایت دولت او را برافزاید شیخ طریقت
 گوید هر که نیم شب یا نیم روز اسم راجع را صد توجی خواند و بر این
 مدت متکلم باشد حضرت او را از برکت این اسم ز خلق برکنند
 مکرّم گرداند بد خدا و توانگر و آنچه خواهد دعوت این
 اسم منا اهل جا است زمینیا و چون این اسم ورد سازد در
 عالم دولت مستقیم ماند و روز بروز زیاد کرد و حسادت
 این اسم گوید هر که صد بدست روز شبانه روز نه عدد بگیرد

وهو العوی الغریب ایضا جبه
 ادای نر ضر در آمدن حاجات و
 خلاصی از غم و دفع دشمنان و از
 این باب در هفتاد و دو بار بخواند تا
 باید روز پنجشنبه هر بار یک مرتبه بخواند
 اگر بار هفتاد و دو بار بخواند تا
 کسب رزق و سود و رفعت بکند
 چون در کاری در میان باشد
 یا خالص یا مخلع یا خلاص یا الغیب
 و یا نالک تسکین
 عجزی من مطلب که خلاصی از غم
 یا بدیع مطلب که خلاصی از غم
 در کتاب معجزات الله و امده بر ما
 که در حدیث آمده است که
 هر که از اسم راجح بخواند
 که در حدیث آمده است که
 این اسم را بخواند
 هر که از اسم راجح بخواند
 که در حدیث آمده است که

عبدالرحمن بن محمد بن...

محمد بن علی بن...

محمد بن علی بن...

در شرح کلیه بابها و اقسام

بدستون هزار و چهار صد هفتاد و پنج بدو بخواند یک عدد
 تکبیر مع صد و موخر هزار و هشتصد شصت و شش بیست
 و نه عدد تکبیر مع صد و موخر شانزده هزار و هفتصد و نود
 چها و اگر تیسر شود که در این ایام بایستد بخواند زیاد از آنکه مذکور
 شد خواص خواهد دید چون مذکور شد و متنباید در این ایام بایستد
 بیاید مرتبه نماز و عبادت کمال در صورتی که معنی که تیسر شود
 هر روز یک عدد تکبیر که یکبار از پنججاه و سه عدالت خواند هر
 عمل کند اما آن تعلق بصدقه و عطا و بجهت دارد و لوح الراجح
 با این طریقی بنویسد در خیر خواندن در صورتی که تکبیر بخواند
 و در آن لوح مینسکد بر طلا نقش کند یا بر برنج یا بر نقره و در آن
 خود دارد و در آن بنکند و چون از خواندن فارغ شود او خود را با خود
 دارد و در آن بزرگی مستقیم باند و از ذوالکمال و از بزرگی است

۸۷	۹۰	۹۴	۸۰		ر	ا	ع
۹۳	۸۱	۸۶	۹۱		ف	ع	ر
۸۲	۹۶	۸۸	۸۵		ع	ف	ا
۸۹	۸۴	۸۳	۹۵		ا	ر	ع

امام محمد باقر و تیسر است که هر کس
 هفتاد و نه مرتبه از اسمها را در دفعه خود سازد
 این مرتبه بزرگی بزرگوار است
 روز شنبه هزار بار یا در روز پنجشنبه
 روز یکشنبه هزار بار یا در روز چهارشنبه
 هزار بار یا با قاضی امامان شریف
 هزار بار یا از اسم الراجح چهار بار
 هزار بار یا با قاضی امامان شریف
 هزار بار یا با قاضی امامان شریف
 لا اله الا الله الملك الحق الباقی
 جمعه در روز الالهت وصل علی محمد و
 الیخیر محمد و ابی طالب و فاطمه
 هزار بار یا با قاضی امامان شریف
 با قاضی امامان شریف یا با قاضی امامان شریف
 دو صد مرتبه بجز آنکه بخواند با
 یا سبحان الالطاف یا سبحان الخافی یا
 یا سبحان ذی الجلال یا سبحان ذی الجلال
 یا سبحان ذی الجلال یا سبحان ذی الجلال
 یا سبحان ذی الجلال یا سبحان ذی الجلال
 یا سبحان ذی الجلال یا سبحان ذی الجلال

حکمه طریقی که در کتاب

حکمه استند امور

حکمه ادای مرض

در شرح کلمات مبارک المغز

این باشد و لوح اینست که در صفحه مقابل نموده شد **المغز** یعنی
 عزت و همت آنرا که خواهد بود از خوار اینها نیست که ابتدا و ثانی
 از برکت این بر نظامان ظریفتر اند اما هر که خجسته فرمودند هر که
 خواهد که احصای این اسم کند باید که هر مخلوق را خداست و اگر نزد
 علی الخصوص تقیاً که عزت پر کرده است و انداند که آن گوید **عند الله**
انقیضه تا حضرت عزت پر او را عزت و مکرم دارد و در دنیا و آخرت
 و شیخ گفته هر که شبها جمع و خوشبخت صد چهل و یک نوبت میان
 نماز شام و صبح بخواند خجسته نتواند و عجب خود اندل و ببر او را
 شکوفی و هفتاد و نه میان خلق بیدار آید مراد از خلق حکما
 و سلاطین اندا که بر روزگار و شیخ معتز که صاحب عواین اسم
 است میگوید هر که طالب عزت و جاوز برزگه باشد نزد
 و دنیا بایند که چهل بگوید عواین اسم کند بطریق شرا بیکه نام
 شد در شرح اسم الرحیم **عند تکبیر و مؤخر بیصد چهل و یک**
عند تکبیر مع صد مؤخر شصت و بیست و هفت **عند تکبیر**
چهار صد و بیصد نمودن شصت و شصت **عند تکبیر و مؤخر**
هفت صد و هفتاد و نا و هفت و ص و غزلت یا اینوع خوانند

کلمه را سه هزار و بیست و یکبار بخواند
 بعد از نماز در خجسته و روی خوش بکار
 بود با طایفه باغبانی نامعین یا قناح
 با رزق و غنای بسیار که در حدیث
 الله تا با خردی و زای شصت معاش
 در حدیث چهل و یک روز هر روز نسیجه
 عجزی است و بعد از آن نام هر یک یکبار
 گوید یا قناح یا رزق یا ادا یا سید
 و بعد از آن چهل و یک بار یا علی الله یا علی الله
 و یا یا همت و دست در مال و دنیا
 اندوز جمع با چهل و بیست یا و شصت
 نماید و چهل روز هر روز یکصد و
 چهار و بیست و بیست و چهار روز

بجهت هر که حاجت معلول

بجهت روزی و شصت

بجهت زانی یا زانی

در شرح کلمات معجزه

یا معجزه یا غیره در هر شیء سه عدد نیکبیر و در روز و وقت علم
 و در هر شب بار و در روز و در هر وقت عوب یکصد چهل یک نوبت یا بنویس
 بی گوید یا غیره یا معجزه یا غیره یا غیره و چون شرط عوب بدین
 منوال چنانچه او در حقیقت او را غیره در هر وقت و در هر شب که
 بر گوید گمان خودی را عطا فرموده است که پیغمبر و در این اسم است
 هر کس خواند که پیغمبر فرزند کند شرط خواند که ترک خویشتن
 کند که خوردن عادت سازد و عیب بچاورد و در روز و در هر شب
 در روز نیکبند و بخواند و اغلب در شب خواند باید که در این
 سخن که گوید از کفار و الا یغی دور باشد و قاصد و در نشود یا مو
 اختلاط نکند چون مراد خاص شود هر روز هر روز و در وقت
 سه نوبت کمتر خواند و صد عمو این اسم را بزهر نیکبند نیکبیر یا
 حروف او را نیکبیر نقش کند هر کدام که خواهد اگر هر روز
 نقش کند خوبتر و نیکوتر بود و ما هر روز در امثال نامیم یا بر عمو
 دشوار نگردد و عدد که در مرتبه باید آنها اینست و مرتبه
 بدین نوع نویسد و چون خاتم نقش کند در انگشت کند باطلها
 باشد و شرط شود بجای انداختن خاصا او را هرگز نگردد از عمو

بزر

هرگز آنست که در وقت خوردن کمد از نماز
 در روز و در هر شب یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 کتنام آن شش هزار و در وقت علم او را باید
 نویسد باشد و موافق عدد او را باید
 فلان از شرح غشک آن در وقت و در
 بد وقت و در وقت نماز حاجت بکنند
 و بعد از نماز صلوات بر محمد و آلیها
 فرستند

در هر وقت و در هر شب

یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م
ز	ع	م	یا
م	یا	ز	ع

۲۱	۲۵	۲۲	۲۹
۲۳	۲۸	۲۲	۲۴
۲۷	۳۰	۳۷	۲۳
۳۶	۲۴	۲۶	۳۱

۳۰	۳۴	۳۱	۳۵
۳۲	۳۶	۳۰	۳۵
۳۱	۳۷	۳۱	۳۴
۳۹	۳۶	۳۹	۳۹

بکشد و در وقت نماز

در شیر کلید میانگین مغز

غیب رها خیر و جبین بر و گشاد لاگردد و از او بود توانگر
 در عالم صور و معنی و در دنیا خلا بود غرت و خونت تمام او بود
 بر اعدا نصرت و ظفر تمام یابد دشمن او مقهور گردد نیکو
 بر و حکم نباشد مطاع گرداند این در سبحانه و تعالی او را بر بنویسد
 قرچون کافهای نقره و در این عالم و خوار دنیا چندانکه ضا
 که خواست نصرت تواند کرد و علو و جا او بلند گردد و نصیر قتل و در
 و ابا بر درین صلیح است ضار و غیب و غرائب با خواهد
 و صفت این اسم ز حسن بشری بر و نتا که خواهد که بالف کلام نصیر
 خوانند در مبارک عو چند بنویسد با غیر بنام معتبر این غیر بنام
 و هر شب چهار بار در عود و خلط و پاکیزه یادند مقاشیر و در بو
 خوش بر آتش همد و حاضر وقت نباشد خاطر جمع زد که وقت
 تجلی انوار است است ظهور غیب و غرائب است محل نزول
 یعنی ملائکه قریب تصور خوبتر ضار عو نباید که در این ایام مذکور
 غسل بیا کند دل طلب دان یادد خانه خلط و بنجام نرود و در
 آرام جامها اسپند پوشد شیر و پیننگام دارد و مرتجع نیکو
 و شیخ مغز گوید که اگر کسی نصیر قری خواهد کرد باید این مغز

و از نموده است در خود این نصیر
 که را از این بگویم در خلف بنیدم این
 برای کتاب هفتاد و یک تا جانانی
 خصمان او را که از هفتاد هفتاد در جهان
 در این عالم است که در هر دو کلید
 در این عالم است که در هر دو کلید
 در این عالم است که در هر دو کلید
 در این عالم است که در هر دو کلید

یاغری	یاغری	یاغری	یاغری
۲۰۲	۲۱۲	۲۱۵	۲۰۹
۲۱۳	۲۰۳	۲۰۸	۲۱۴
۲۰۷	۲۰۷	۲۱۰	۲۰۴
۲۱۶	۲۰۶	۲۰۵	۲۱۱

بجمله خلاصه نصیر

در سر کلمه تبت المذک

لوحی از چهار اشغال نقره نشین کند و کتبها چهار ماه بخورد
 بسوزد و این مهر بخورد دارد و در پیش چنانماز خود بنهد و اشما
 بخواند در این مهر نظر کند که زود بمقتضی واصل شود و این مهر را
 بر حاکم و مقصود بنام هر کس که در این اندازد یا در پیش و بخورد
 او دهد ضایع گردد و خطا نماند در این مهر را از نظر زبان

و تا پاک پوشید
 تا بخورد در هر
المذک
 از آنکه خواهد خضر



خرمودند این نام است که مظلومان از برکت این نام از ظلمان امان
 یابند هر که خواهد حصا این اسم کند باید اول خود را بر طبق
 شرع راست کند مخرافی شریعت از او بپرهیزد و نیاید از حصه
 عزت دشمنان و یزاد نیل و خوار گرداند اصل طریق که یابد هر که
 خصم تو باشد جا برویها و ظالم و خایف باشد ضو سازد
 و دور گشت تا بگذرد و سر بیجا نهد و هفتاد پنج نوبت این
 اسم را بضرع تمام بخواند و از خود جل جلاله در خواهد

۱۰

در این مجلس نیکم بخواند التبت
 بر آورده است نیکم بخواند التبت
 اذ انشاء و در بعضی نسخ و کتب
 التبت را با وضو کرده اند و این
 امر مذکور را از برای همه مستحکم
 هزاره مضد و صحت و نافع
 مجرب است بخورد و صحت و نافع
 رسیده گوید باقی ابوی با ملی
 با و فی خداوند و فی حلال و
 با و کرامت فرماید و جمله خیران و
 قضای خواج و حاجتگاهش
 سلسله اولیاء الله نوشته اند
 فلنا قنا هذنا انزل الله فی
 و ان یکنت کرد و کلمات حق و
 لسانی و در گوشه بر روی شکر
 لا بر آن احد و با وضو و ملک
 در صلبه از قرینه
 کجین

بگفت فلان روز

بگفت در حضور ظالم

بگفت نصحا بخواج

در شکر کلیه ممالک

تعمیر او را بمن گردانند و خصم و دشمن او را روز لیل و از مرتبه که باشد
 مغرور گردانند شیخ متغیر گوید اگر کسی در خصم خود باشد باید دست
 گرفته نماند تا با لشکر گران قصد لایحه کرده یا شهر خصما محاصره
 نباشند در دفع اینها عاجز نباشد و قوت مقاومت نداشته باشد
 باید که پیش از روز این شهر بسیار و در ده هزار نوبت بخواند
 بیهوش و غافل از آنست که این مقصود هرگز نماند بخوار و ذلیل
 از مملکت او را گردانند و اگر حساد و دشمنان او خوفند چون
 بجهل و زسانند دشمنان او را گردانند و بجز وقت ببرد گوار این اسم
 و گویند تجزیر عطار در این اسم است بسیار فواید بقدر این
 اسم رسد اگر خواهد که دعوی تجزیر عطار کند اگر غایت این
 کرده و قواعد نگاه داشته شصت روز و اگر شل و بطور غایت
 نکرده باشد بود روز در هر شبانه روز در ده هزار نوبت بخواند
 خواند و دعوی عطار در خاطر دارد و نیت دست کند چون
 شریک نگاه داشته باشد و زسه و بیکر صور عطار در حاکم
 گرد و فاجعه دعوی است نماید الا در شصت روز با بود روز
 تمام شود عطار حاضر شد و او گوید ای بنده خدا ایستاد تو را

بگویند که گفتند اللهم وهو النعمان
 بعد از هر صلواتی که بخوانی
 حاجت تو را بگو تا آن علی
 بعد از آنکه حاجت تو را بگو تا آن علی
 در وقت دعاست منوالی از علی
 معمول دارد که خلف نداده در این
 جمله عجزات که در این شهر در آن
 در گشت این که در این شهر در آن
 شیخی هر چه در این شهر در آن
 انقطاع رجائی عن الخلق و انت الهی فیدا
 انصاف الناس العجب که خود علم بود
 که این دعا را با این صلواتان که در
 انشای ذکر با این صلواتان که در
 که بشود در وقت که بکشد این
 نه در این صلواتان که در
 شب و در این صلواتان که در
 در هر روز

بجهت طلبه بجهت

بجهت ممالک دشمن

بجهت هر سلطان و حاجت

در شرح کلیه امثال السميع

از دهن من مقصود خبثت که بد مزاد من و سستی تو و زطبت مغلو
 و علم و هنر تو عطاره قبول کند موز از عطاره ملاک عطاره
 که حاضر میگردد باید که حساد عتو و نشاط طلبد مبالغه نماید تا
 عطاره نچسبند بد و هدا که هر چه بر او نوشته باشد در خواست کند
 تا اسم بد موز را حساد و خوف هر گاه که عطاره خواهد بر این موز
 بار بخورد صورت عطاره را ملاک عطاره حاضر گردد و هر چه او بگوید
 کند این از خواص این اسم است اگر حساد عتو نماید مایل گوید بطریق
 یا خدا شاید زود تر موثر افتد و مقصود بر این نوع باشد است

۱۹۲	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵		یا	م	ذ	آ
۱۹۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۴		ذ	آ	یا	م
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۳	۱۹۰		ل	ذ	م	یا
۱۹۳	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۶		م	یا	ل	ذ

السميع بعضه شونگ هر از پنج نیت بلند اصل حقیقت
 گویند هر که خواهد حسا اسم کند باید که زبان و گوش از
 و غیبت گاه از دوزخ لایحه کمتر شنید و نفس بر آید
 کاسمی از دهن که با شریک بیجا آوند و مستحبات الدعوی گردند

این اسم است

جمعه غزالی باید روز پنجشنبه
 روز دوازدهم اگر شنبه و شنبه روز یک
 شنبه را روز یک و افطار کنی نفسی
 چو او مال حلالی در طاعتی بپوشی
 که کس و ناخاغر از غایت است اول
 روز گفت نماز کنی به نیت ساجد و
 بعد صد و بیست و نه مرتبه از این
 صد و بیست و نه مرتبه که بگوید یا
 لطیف و بعد از اتمام هر روز
 بگو اللهم تغلب و هو اللطیف
 انجیبی بحربیاننا اگر چه
 پیش آید و در دعایا شود که
 و بعد علاج بدی نباشد بعد از نماز
 هزار عدد و بیست و نه مرتبه یا
 عشاء در یک مجلس بگوید یا
 کتابه یا سجده التوبه هر کس
 شود آن اللطیف
 منقلب

بعضه غزالی

بعضه غزالی

در شرح کلیه مباحث و کلمات

نظر خلق عزیز گردانند اگر کینه زامیتر گردند بر کاغذ مهر زده بطلان
 بنویسند در جاود قایتوشرف نگاه دارد که هیچ منحوس ناظر
 شمس و قمر نباشد مظهر شاخه در و الایه زدند گیرد و در تلج
 همد نزد یاد شاهان اجرت و مقر بگرد و فرزند خلاق موم
 شود و هر که او را ببندد غیر خرد زرد و مهتات خلوات پیش او گناه
 و هر کار و هر کس که متوجه شود بمقتضی رسد در کار و عمل خود
 فتح ببیند که مقتضی آن نبوده باشد حضرت مولانا شرف المله و
 الیرد چند جا این آیه کریمه را آورد اندر بر و شش عشرت کرد و هر روز
 خواص گفته اند از جمله فرمودند که اگر کسی سنگ دست فروماند
 و عیب آید یا فرض رخ را باشد این مرتبه را با خود دارد دفع کار
 او ظاهر گردد و روز بروز ترقی در کارها او باشد تا بدید که در
 نگاه دارد و موم گرفته که خواص بسیار دارد و چند کندی که طرح
 کن و را غلط نکند مگر نمودیم تا عامل مشکل نگردد و شیخ مفر
 فرمود هر گاه بعد کین این آیه را مداومت نماید دخلت او را هرگز
 احتیاج بیرون آمد نباشد که بجهت طهارت و اگر کینه خسته کفایت
 ملکی بضر است این عدد قیام نماید مقتضی او حاصل شود و ضبطاً

قال لمان و دشمنان این آیه را حفظ
 و معنی و بیخوابی از آن میزود است لا اله الا انت سبحانک انی كنت من
 الظالمین حضرت مبارک استمعیف
 راوی گوید برای مطلبی مؤمن
 کرد و بچهار روز تکذشت کرد و
 شد و از برای هر مطلب شش روز
 مسجد با در خلوت و از زده هزار بار
 بگوید یا علی البیضاء بعد از این
 کلمه اسم اعظم خداوند است و در
 غفلت دارند از این نام و بجهت فضل
 حاجات و غنا از شرک بر و شد
 بانصد و چهل و چهار بار این دو
 اسم را بخواند که از جمله تحریفات
 و حضرت رسول در وقت دشواری
 این دو اسم را بسیار
 بخوانید

تکذشت

تکذشت

تکذشت

در شرح کتاب مبایعات

ملاك تواند كرد اما در این شرح اختصاصا كریم و این لوح در آخر کتاب با چند لوح دیگر خوانند مآخذ خواص مشروح نوشته انشاء الله و اگر زیاده خوانند جوهر انوار القرآن کنند و مرتب اینست

۱۶۲	۱۶۵	۱۶۸	۱۸۰	الشمس	الشمس	الشمس	الشمس
۱۶۷	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۶	الشمس	الشمس	الشمس	الشمس
۱۸۷	۲۰۰	۱۹۲	۱۹۰	الشمس	الشمس	الشمس	الشمس
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹	الشمس	الشمس	الشمس	الشمس

۴۴	۴۷	۵۲	۳۷	س	ی	ع
۵۱	۳۸	۴۳	۴۸	ی	ع	س
۳۹	۵۴	۴۵	۴۲	ع	ی	س
۴۶	۴۱	۴۰	۵۳	س	ع	ی

و در جوهر القرآن آورده اند که اگر کسی این اثر را ببرد و در میان دو کلاه بنویسد بنویسد یا کلاب و صلوات الله علیهم یومئذ اذان جهنم یا اذان گویا که بر صفت خانه بنویسد بی خواب گردد و اگر نوشته از آمدن حاج دهند خاکی قوم خود گدازد و اگر با بیخون بر سر موضع کند و با خود دارد اما رعایت ساعات نمودن نماید

خوانند با دوزخ باز خیم و خیم
 و یاری معاش دست در دست
 در هلد بسجد و هلد در حج
 سینه این نماز بخواند غیب یاری
 کلانی یا عنی یا فتاح یا روف
 ختم استغفار در معنی روف
 مذکور است که هر که داشته دعا
 یا انا لله و اهلها را بدین دعا
 شود غم نماند استغفار
 و احوال به خیر مگر آنکه از غفلت
 قانت غفلت جدا شود و طلب کند
 در در سینه بخورد یکصد مرتبه
 دشمن انصاف از او دفع دشمن
 منور با آب بگوید یا انا لله
 هر که در سینه بخورد

محمد زاید تبریزی
 محمد رفیع باقی
 محمد رفیع باقی
 محمد رفیع باقی

تبریر کلیات کتاب التمهید

بلند گردد و در وضع شریف محتاج نگردد بجهت واسطه سابقه
 مردم او را غرض دارند و قنوح متواتر رسد و مقبول القول
 گردد و اگر بخوانند این ایام باین عدد هست حضرت پیام نماید در هر
 روز جمعه چهار روز و شصت و شصت بت بخوانند خدا بیخا او را
 بامیند بزیانند اگر خود سلاطنتی می نمایند اگر در این هشت
 هفته در خلوت خوانند و در نماز دیگر بطریق اولی نماید و در
 یکشنبه روز نوبت این ایام بخوانند چون جمع هشتم شوشلا طین عصر
 و اکابر روزگار و بیابا بوسه می بیند از مشاهیر عالم گردد و این
 ایام را خواص بسیار گفته اند و این کرم باینست **بسم الله الرحمن الرحیم**
و اذ یرفع الیرقیم الفواعل من البیت و ینزل البیتا قبل
منا انک الیسمیع العلیم و اگر این ایام را بخواهند در هر
 باب بطریق اولی نویسد و در کردن خود نویسد باینکه در هر جا که گام
 طرد و بر طرف نماید نویسد **بسم الله الرحمن الرحیم** و در نماز این ایام
 و انحر و سب را نکند تا مرغ برود و الا هیچ فرار گیر و اگر در آن
 مقام حواری و در عالم فیض او را اعلام گردانند بمصروفند
 و این هم از برکت التمهید است و اگر کتاب این اتم را روز پنجشنبه بخواند

عسوا نکره یومین و در شب
 حمدنا از دنیا
 حمد هر مملکت و خط
 بجز این که در اول وقت و نفس و نوبت
 خول و لا قوه الا بالله بعد از نماز الله لا
 مؤمن که در روزان حضرت خداوند باین
 از کتب که از راه مال و معاش می آید
 چنانچه باین کلمه مبارک که در کتب
 او بجز در جاهل و سنی است هر که در
 جاهل و سنی و در کتب بعد از آنکه الله
 بخواند این کلمه بخواند یا باینکه
 از هر جا که مشرف علی بن ابی طالب
 شنید و سنان در عصر نیز بخواند یا
 در عجله و در طول با این کلمه
 یا **مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ أَمْرِهِ**
 خیر و یسره و یجعله یسرا و یجعله
 یسرا و یجعله یسرا و یجعله یسرا
 باین نحو در اول وقت
 بروج

درباره کلید مبین البصیر

نماز چاشت با قصد آن بخواند دعا و حاجت که نخواهد کرد و اگر فادیه این پیام نماید مستحجابند عورت کرد و در هر روز بطریق اورد چنانکه در نوبت بخواند یا سماع یا بصیر هرگز هیچ چیز محتاج نکرده و زسوان شود و سماع و از ایزد پناه نگاه دارد و دعای او را مستحجاب گرداند و صفا با حق و حاصل شود و جلالت

قلب بپند و اسم
و مربع این که بپند
البصیر یعنی
چیزها بپنهای اشکا
اهل تحقیق گویند
هر که خواهد که احصا

و ادب و معنی	مراد بیتی	تقبل متنا	السمیع العلیم
ایم القوله	اسم عین	انکانت	العلیم
تقبل متنا	السمیع	و ادب و معنی	مراد بیتی
انکانت	العلیم	ایم القوله	و اسم عین
السمیع	تقبل متنا	مراد بیتی	و ادب و معنی
العلیم	انکانت	و اسم عین	ایم القوله
مراد بیتی	و ادب و معنی	السمیع	تقبل متنا
و اسم عین	ایم القوله	العلیم	انکانت

این اسم کند اول باید که چشم از عین و خلق بپوشد و یعنی خود بینا گردد و از آنم خلاف شرح دیگر نگاه دارد تا حاضر غایت را در باطن در ظاهر بینا کرامت فرماید این کتابست و اولیا علیهم السلام از برکت این نام مجزات نموده اند مناجات یافته اند و اولیا از کتب این نام هم گرفته اند هر که میافرض و سنت نماز جبه

بدرج میفرماید در هر روز یکصد بار
میرالمؤمنین هزار اسم بروج حضرت
فاطمه و هزار چهارم بروج امام حسین
یعنی بخواند که در هر روز یکصد بار
در دعا غالب است یا در کلمات و غیره
رنگ قرصی را بپند و خورد بخورد
یا حضور قلب است و الله بمفضل
خواهد رسید و اگر در یک فصل
در روزی بخواند از او که شفا گردد
در روزی بخواند از او که شفا گردد
کلام ای الهم فصلی
یا رب ما در این کتاب است
باز خواند که از نجفات فانی
والله ذو الفضل العظیم
و نسبت زین کتابتین از این
کتب جاهلند و در کتابتین
غاز

و این کتاب است
در هر روز یکصد بار
بخواند که شفا گردد
در روزی بخواند از او که شفا گردد
کلام ای الهم فصلی
یا رب ما در این کتاب است
باز خواند که از نجفات فانی
والله ذو الفضل العظیم
و نسبت زین کتابتین از این
کتب جاهلند و در کتابتین
غاز

در شرح کلیات کتاب البصیر

صد نیکو نبخیزد بخواند یقین او در دست گدازد نظر اعنایت
 ملاحظه امرا را تمامه الله تعالی و دیگر اهل خیفه گویند هر که در
 بر زبانش کند و توفیق نماید که دست ثابت بر گاه حضور هر چه
 و دعا کند باید دل ناید از خود غایب یا سمیع یا بصیر گوید البته خصما
 دعا او را با جانب مقرون گرداند و در دعا الخاح نمود از جمله
 شرایط است و دعوات را هم متناهی است که در کارها فراموش
 نباشند امرهای که بر ایشان مشکل گشته و در آنها خوسر کردن
 شد نباشند شیخ متعز گوید هر که چهار روز هر روز بخندد تکبیر
 تکرار کند و تکبیر شیخ متعز یک هزار و شصت و شصت و پنجاه
 تکبیر و هشت هزار و شصت و بیست و پنج مجموع صد و هشتاد و پنج
 هزار و شصت و پنجاه است شرایط که خوردن که گفتن که خندیدن
 و نظرات محارم نگاه داشتن و اگر قیصر شودند شب خواند اگر آقا
 در خلوت باشد یا جمیع مرادات برود دنیا و صفا ظاهر و باطن
 مهربانی مقصد که ظن در جمله بدعا او گردید و کارهای دنیا او جمع
 گردد و او را تبارک علیه خاصل شود که هر که از پیشش گذرد و خیمه
 مزین و خوب که نام او را بداند بزرگوار این نام و بعد از وقوع

نماز صبح مرد در سجده است و بگوید
 در وقت نماز صبح بخواند و در وقت
 دیگر نماز نهد و اما صلوای روز
 در شب بخواند و طلب کند نماز
 و اگر در اول صبح نماز بخواند
 هر روز از اجل است و تا آنکه
 ماند که بین التماس نکند و تا
 لا یلیا و آخر یا او یا بدینک و آن
 و آنست که از این دعا که بخواند
 صحت و عود مدد و در شیخ
 بخواند اللهم انی استسئلتک بحق
 محمد و آله و صحبه اجمعین
 الیم و عدد کبیر این دعا در وقت
 شبان از غم زایل گردد
 جنب

نسخه اسحاق بن علی

نسخه شیخ محمد بن محمد

نسخه شیخ محمد بن محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 كَلِمَاتُ الْكَافِرِ
 ٢١٤

٤٧

هر روز شانزده هزار و شصت و پنج نوبت که عدد تکبیر است بخواند و اگر بیشتر کرد بعد از هزار نوبت صد و نوبت بخواند و تا حالت مستقیم کردند و مقیم نماند و معاویه سعی بر فرود کرد

٧٢	٨٣	٩٢	٥٣	ب	ص	ی	ر
٨٩	٥٦	٧١	٨٦	ی	ر	ب	ص
٥٩	٩٨	٧٧	٦٨	ر	ی	ص	ب
٨٠	٦٥	٦٢	٩٥	ص	ب	ر	ی

الحکم یعنی دادند و خدا است که بجز خودیست یا خلق و باطل این است که معتقد این برکت است و فریادها با جوال الذم که در دنیا است چند بگویند که از خود بروها برتھا باطن او در امر انوار خود گرداند در عالم غیب ال و گشاد گردد اگر زیاد بان پیام نیاید صفا باطن و نظام زیاد از آن شود که بود و مرتفع بودند

١٦	١٩	٢٢	٩	یا	ح	ک	م
٢٢	١٠	١٥	٢٠	ک	م	یا	ح
١١	٢٦	١٧	١٢	م	ک	ح	یا
١٨	١٢	١٢	٢٥	ح	یا	م	ک

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 ان هدانا الله لكان
 لنا لعذابا عظيم
 الحمد لله الذي هدانا
 لهذا الذي كنا لنهتدي
 لولا ان هدانا الله لكان
 لنا لعذابا عظيم
 الحمد لله الذي هدانا
 لهذا الذي كنا لنهتدي
 لولا ان هدانا الله لكان
 لنا لعذابا عظيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

در شیء کلمه مینا العدل

العدل یعنی خداوند دانستگزار و دانستگشوار و دانستگشای
 برسد و مقدا انجیزانینا بدست که سحر و فرعون هر یک تا نینما مسلمان
 شدند هر که خواهد که دعوی این اسم کند باید که ناخدا بشناسد
 و احسان پیش گیرد تا خصم عادل بود هد هر چه مستحقان باشد
 و نخواهد که از جور عدل و احسان ظاهر شود و اعتقاد کند که امور
 و احکام عادل بر عدل احسانها دانست هر که ظلم کرد بر سر
 کبریا یا خصم عادل نگرید است من جمیع اوج و اهل تحقیق گویند
 هر که شب جمع این اسم را بر بخت و نیکاره نان حلال بنویسد
 بخورد خصم عز او را از کار ناما فرمون باز دارد و خلافت او را سحر
 او گرداند دل او را محرم اسرار خود گرداند بر استیلا زد و از کوی
 و قلبه دل او را ببرد و ظلم از ناظر او ببرد و دعوی
 این اسم کلمه راست که بظلم ظالمان جور جایز آن گرفتار شد
 نباشند بی پیروز بصد و شر بی طمد کوز بد دعوی کبر این اسم
 پیام نماید پیش از کلام بعد از اذان فراموش نام خصم ملک عالم
 از این ظالمان مبتلا گرداند و جباران را مهوشاد و اگر کفر
 نماز صبح که هنوز بیخورد نیا تکلم نکند بعد تکبیر نه نوبت تکرار

رسیده او دار و ایام هفت روز
 بکشند هر کس در نما عتق اول نماز
 نماز صبح چهار صد و هشتاد و نه
 مرتبه بخواند تا غروب و بیست و یک بار
 در وقت نماز عتق اول هر که بگوید
 بیست و نه مرتبه بگوید یا لطیف
 تعالی مال به ثبات کار است غایب
 در روز شنبه در ساعت اول هر که بگوید
 سه مرتبه بگوید یا قاضی از خدا است
 هر چه بخواهد عطا فرماید
 هر چه بخواهد عطا فرماید
 چهارشنبه در ساعت اول که با صد
 چهار وقت با رب بگوید یا منافع
 عزت دنیا و آخرت با اول مصدق
 پنجشنبه هر که دو ساعت از خداوند
 هشت مرتبه بگوید یا زانی خداوند
 فقره در حق و مال با برود هر که
 خدا دادند در حق و
 حلال اول

عزت و شرف

عزت و شرف

عزت و شرف

سوره کلید مبعی العبد

۶

کند که سفره رو صد و نوبت است چون خواهد که مکرر کند
تا نوبت پنجم روز و شصت شانه نوبت خواهد شد که
چون در این ایام با نوزد قیام نماید یزدت عاشران ظالمان را
دفع کند چنانکه اینکاد نسا گرفتار سازد و قاربر و منظر
و متصواید و اسرار غریبه را باطن خود مشاهده کند نباید
بعد از ختم هر گاه که دعا کند چهار نوبت بگوید یا عادل سبحان
الدعوی که در این مربع با خود دارد و مربع این است

۲۵	۲۸	۳۳	۱۸	یا	ع	د	ل
۳۲	۱۹	۲۷	۲۹	د	ل	یا	ع
۲	۳۵	۲۶	۲۳	ل	د	ع	یا
۲۷	۲۲	۲۱	۳۴	ع	یا	ل	د

اللطف یعنی خداوند دانستند پیکوینها و کعبهها پوسید
و پنهان بر بندگان نابسا چنانکه او را علی نباشد ران و در
همچو کس استرازا نراند از این نایست فر عابدانرا که ملائکه بیرون
این اسم اعمال قومنا بر منان بر ندا هل تحبوا گویند که خواهد
که دعوی این اسم کند باید که در ایام بنندگان خدا یعنی با لطف

انوار دولت و عبادت شایسته را گویند
یا نوزد در حین خلافت غلام شریفین
در وقت خواب و در کتب با او شده
باید که با نوزد زینک مدد گویند
خواب یاد گویند که برده اند
هر کس در ساعت اول خواب در دست
سینه بگوید سبحان الله رب العالمین
که جمیع مالداران خست بدندان عیب
محبتات که کردا عجب نیستند
نقطه است که از کلام امیر المؤمنین
وان ایست که در وقت طلوع و کعب
عطا در نظر کردن بر او این نقطه
بکار بران گویند بخواند این دعا
بخواهد عطا خواهد کرد و چون
در این عمل واجب نیست
صباحا آمین الله طالبی

محمد اکرم شاد

محمد رفیع سیرت عالم

محمد اکرم

محمد باجند

شرح کلمه شایسته اللطیف

و نیز گویند و شفقت و نوازش از طرف خدا نماید تا این در تمام او را منظر
 خود گردانند حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که هر روز
 هشتاد و نوبت بخواند این اسم را از هیچ مفصوفا مراد نگردد
 و مهما او کفایت شود شیخ معتز فرموده فکر کن که هیچ نداشته
 باشد از شبها معیشت در دین حال بود باد و رافنا داشته باشد
 از بارود و ششها غایب دزد یا دزد خیر نبسته باشد یا بیست
 که از علاج عاجز باشد یا مرد دزد که ندید پیران شویان نامی
 که کفایت نمیشود این جمله که گفته شد بخواهد که ساخته گردد
 ندید پیرانست که غسل کند با وضو کامل سازد و در وقت نماز
 با خضوع و خضوع کند چون سلام باز دهد همچنان بر روی سجده
 با طلب سلم متوجه قبله صدق گویند یا لطیف بلین نیت حاجا
 و مرادات حاصل کردند و مهما کفایت شود و مقاصد نوعی
 شود که در تصور نباید یکی از اکابر در خواص این اسم فرموده
 فيها اسرار عجیبه و اعزاز جلیل فیما التفتیح فی انبان جیب ما یطلب
 فی الخواص البکاشفا و الجمیلا و انار ما یزید من الکماله الظاهره
 و الباطینه و حصول تبه الحجة دفع الشدید الالام فضل

در عهد

مبا ما سبب کما آذک فافینا
 و در ذلک العلوم الفایضات کما
 و ان تکفی المظنود و ان تکفی
 ما یزید من الکماله الظاهره
 و الباطینه و حصول تبه الحجة
 دفع الشدید الالام فضل
 ان کا دما نند
 منلو

هر روز بخواند

حضرت امام

عده اول کلام

در شرح کلمه مینا اللطیف

در حقه و آنچه شیخ ابوالعباس فرموده اند در دعوی کبر اسم و
 تکبیر مینا ان اینست که هر کس عمو خواهد کرد اول شرطی خواهد
 و شرط دعوائت که برنگین عقینو یا بلور یا نقر خالص تکبیر
 حروف این اسم را نقل کند بطهارت و تعظیم تمام از نگاه دارد
 و در زمان دعوی گاه گاه نظر در آن نمیکند تا در آخر مجلس این
 کلمات از سر توضع تعظیم تمام بگویند یا لطیف اللطیف یا لطیف
 و مدد عوفضا و پنج روز است اگر تکبیر این اسم بر خاتم پیشتر
 نشود برد و پاره کاغذ نویند یکبار انغونید کند و یکبار در
 دارد و در شب بار در هفت هزار و سیصد و شصت و یکبار میکند
 و در هنگام دعوی یاد از خواند زینند در هیچ چیزها عجیب
 بیند داند و انواع علوم و خواص شنبلیله را کشف شود و باید
 که باینها التفات ننکند که سبب جحابت میگردند و اثر عظیم در
 دنیا جابت عوهد را که اوقات کشف احوال مظالم است و جفا
 و سر حکمت و قدر و شیخ متعز گویند که این مربع الله لطیف
 بر ذوق مریض است اما از این نظر نویسنده کرد و او یکبار متصل
 نظر داند و آن دیگر را در موم کار معجزه در تاج نگاه دارد

بسم الله الرحمن الرحیم

صلوات باشد که از امر میسر شود
 خواصند بعد از نماز عشاء
 مکرر در شب بگویند
 هزار بار از قبر سینه و مطبک نافه
 نماید در در شب بخوابد و خواب
 او را در کلاک کند بمقتضای عبادت
 ان او را خبر دهند و ان عمل از
 جمله عبادت است که خواص
 کلمه علی الرحمن منقلب که از برای
 مطابقت عظمه در دفع عدو است که این
 یکصد مرتبه بخواند و شنبلیله
 در شود و شنبلیله کلاب شود و این
 از بندگان با این مداومت نمودند
 و بمقتضای رسیدند با ما فی المذنب
 ما ولی الولی با تظهن العاصم
 ما ولی الولی با تظهن العاصم
 در جنبه مینا
 عمو کلمه مینا
 عمو کلمه مینا

در ذکر کلمه برکتنا الخیر

در صفا باطن	من شفاء	برق	عباد	الله لطیف	و مرتفع ایست
و نصیر قلوب	الله لطیف	عباد	برق	من شفاء	و جلال قلب
فتح کارها و مهو	برق	من شفاء	الله لطیف	عباد	و وسعت رزق
سایر مطالب	عباد	الله لطیف	من شفاء	برق	شدن اغدو

خواص بسیار دارد و در وقت نوشتن ترجمات دعوا اسم اعظم باید که بخوشن بکار دارد و بخورد بسوزد و در خلوت لباس پاک بپوشد در بیشتر اوقات بوزه باشد شرایط است اما مذکور شد در اسم الرحیم و نقش خاتم بروش شیخ باید غیر آنکه عموده شد نقش نکند و اگر شرح این اسم در هر اسم دیگر که زیاد این این خواهد که در این نیز نوشته شد رجوع بشیخ کبیر شیخ نماید

۲۲	۳۵	۳۸	۲۲		ن	ط	ی	ف
۳۷	۲۵	۳۱	۳۶		ی	ف	ل	ط
۲۶	۴	۳۲	۳۰		ف	ی	ط	ل
۳۴	۲۹	۲۷	۳۹		ط	ل	ف	ی

الخیر یعنی خدا اکاه بر نهانها این نام است که نیاز مند برکت این نیاز گشتند مقبول شد اهل تحقیق گویند

خواهد

هفتاد و دو روز صد و چهل و شش
 مرتبه بگوید خیر یعنی الله و الله
 ان دشمن کها تب شود دعای دفع
 شود و از برای غلبه بر مطلب خواهد بود
 خوبست چیزی زنگان دین گفتند
 و مشایخ شکیب گفتند که از برای
 حصول مطالب و وصول به غایب
 مفاد و بیک نهی این دعا را بخوان
 که عجب باشد است و اگر شیخ خواهد
 روز از من ظاهر گردد و بالکسر
 و الله الخیر است لا یفیع
 حق با قوم با حلیم قوم لا یفیع
 مال ولا یفیع الا من اتى الله
 بقلب سلیم و اذ لقینا الجنة لکفین
 قریبید و در کتابها مباح است
 و ادانت که هر که را
 حاجت

عده در روز

عده در روز

عده در روز

در شرح کلمه مبارکه الجبر

خواهد که احصا این اسم کند بدعوت این نام قیام نماید و آن
 که بایندگان خداست ظاهر و باطن را پاک گرداند و اندیشه بد
 از دل بیرون کند و با همه کس بر فوق و مدد او شفقت و مهربانی
 سلوک کند تا خضر خبیر او را از اسرار قلوب باخبر گرداند
 دعوی این اسم مناسب است که بعد فعلی گرفتار باشد حضرت
 امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که این اسم بیست و یک بار
 مشیطا و جور سلطان و بلاهای ناگهان این زمانه تا عده
 معین کرده اند شیخ ابوالعباس فرمود هر که بعد تکبیر بخواند
 نایب و پیکر روز آخرت نفس و جلد حیوان مگر خصما محض نماید
 و دانا شود بر سر آنها که باشد از ضمایر و اندیشه که در خاطر
 خلاقی باشد از سر خواص اینها و غیره واقف شود و عدد تکبیر
 اسم دوهزار و چهل صد و هشتاد و شش عدد است و عدد تکبیر مع صد
 و شتر چهار هزار و هشتصد و چهل و دو عدد است و ترتیب

۲۰۲	۲۰۵	۲۱۰	۱۶۵		د	ی	ب	خ
۲۰۹	۱۶۴	۲۰۱	۲۰۶		ب	خ	د	ی
۱۶۷	۲۱۲	۲۰۳	۲۰۰		خ	ب	ی	د
۲۰۳	۱۶۹	۱۶۸	۲۱۱		ی	د	خ	ب

عاجی بوده باشد و مفاد در شرح
 این کلمات را بخواند یا در صورتی که
 بدین تکلم مجرب است یا آنچه با
 علی با قاطبه یا صاحب الزمان
 از تکلم و تلاوت کلمات و بعضی
 گویند از وی هر مطلب که خوانده
 شد از برای هر مطلب که خوانده
 است در بعضی کتب در آن است که
 اگر چه با وجود خلوت بنشیند
 و تائب بکشد در چهار شی
 جهل هزار و چهل صد و بیست
 چهار مرتبه بگوید یا ایسألک الله
 زع و یثانی و غیره از آن میشود
 من خب لا یخفی علی من عیب
 از وی او میبیند گشتن عیب
 او و بسف و زانی عیب کرد
 و نفس از گشتن عیب
 که

عجز هر صاحب طلب

عجز هر صاحب طلب

عجز هر صاحب طلب

شرح کلمات حکیمانه

الحکیم بعضی بر دبار و تا آخر کنند و عفویت عاصیا میداند
 که غایب شدن از آن عالم قدیم ممکن نباشد تمام مخلوق قادر
 قدرت و بند عاصیا و مجرمانند دست قدرت او نتوانند گریخت
 اهل تخم و گویند که مرتب و مرکب شداد و طعاب بر مخلوق و اوقات
 عالم برکت این است اهل طریقت گویند هر که خواصده که
 احصا این اسم کند اول باید که باب حلم آتش خشم خود فریشت
 و هر چند خلاصی طور تواری عایت نکند که تحمل و بردبار
 شما خود سازد تا اگر کینه و نرا بیازارد بر او شفقت و رحمت
 نماید قهر نکند و غضب براند و گوید با وجود کمال توانایی
 قدر در غضب خشم غریب بر بندگان او خود حلم میوزد
 و گوید بخواه میرساند هر چند گناه و بی ادبی میکند و بر
 بر سر ایشان بپوشد در وقت استراحت ایشان جبر میزند تا شام
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که اندر هر که بر او گشتن آتش
 با نسا صد بار بگوید الحکیم خشم سلطان بچشم مبدل گردد
 و اگر در وقت بددن گشت بجهت برکت ذاعت این اسم در کاغذ
 بنویسد بر آن بپوشد با هر زمین که رسد در آن برکت زیاد

شود

که با وفا خیر کبریا ماز بر او
 در ذوالعشیر نظر و عدل ندارد
 خسترتکونوا بجمع و طلبه و مدت
 در راه تمام هلالی هر روزی هزار بار
 صلوات بر سید چون مدت تمام شود
 صلوات بر آرد و خواهد شد انشا
 الله تکلف ندارد کفایت میبخشد
 سبب برندگان درین گفته اند که از هر
 غزوت و صورت و طلب جاه و فخر
 نزد سلاطین و بندگان در دین
 مجلس هر وقت استاده و هر وقت با بن
 مراد حاصل گردد و هر وقت خواص
 عداد بخواند باشد تا بر خواص
 بود و معذرت دهد بکشد و وقت
 با و نیز وارد است این است
 الحکیم الله واحد لا اله الا هو
 الرحمن الرحیم

تفسیر کلمات

تفسیر کلمات

تفسیر کلمات

شرح کلیه مباحث الحلیم

شود و از حاصل متمتع به خوردار گردد و آنمرد عذر زاف
 سالم ماند و دعوی این اسم مناسب کسی است نباشد که خوف از ظالم
 باشد یا جو زجبار این اسم را بسپار خواند دفع شود از دشمنان
 ظالم و اگر مد او مت نماید بعد از هر نماز هفت نوبت
 زایل گردد از خوئی بد و کبر و حسد بخل و پاک گردد از افعال
 ذمیه و ادب هر هیچ عقوبت بدتر از خود نیست و شیخ مغرب
 فرمود هر که بر این اسم بیمار بکوبد فاتحه الکتاب یازده نوبت اسم
 الحلیم بخواند و بر آن دند خدای تعالی آن بیمار را شفا دهد این
 بزرگان فرمودند اند اگر کسی را میسر کرد که نود و نه روز بعد
 نکسیر بخواند بشر ابطه کند و او را بود خلی که اگر بسیار آن عالم پڑ
 جور و ظلم کنند زان صبر کند بر بار و رزد و حلم او بمرتب
 رسد که سلاطین عضو سر بر خط فرمان او دهند چون او
 مطیع مسخر و گردند اگر تقوی از غایت کند بمرتب دنیا بلند
 رسد صفا باطن و جلا قلب و علم و خواص است او را میسر
 بلکه بزرگان عالم مطلع شود اما او را در ختم این اسم همین باید
 که اگر گنجهای عالم بر او ظاهر سازند نظر ندان نکند از همه چیز باز

کردن فتنه را شد با شد این
 آمدن اللعنه یعنی نفس نکند و باقی
 رازد احدی را غالب نشود و از
 که با و اذیت نمیرسد و باقی
 از علماء فرموده اند که در این اسم
 هفت خاصیت است عبارت در وصف
 در دست و جاه و خشم از حق
 و قدرت و این را در این اسم
 حسی الله و لا اله الا هو که
 و نور رب العزیز العظیم و عدد این
 آیه هزار و شصت و نود و نوبت
 زان بعد در خوان آن گفته اند که هر که
 هر روز هفتاد بار بخواند از همه
 دنیا و کمال شوق او که بگوید
 و با خود دارد همین اثر را بدست
 زبانی لفظ اول را از این
 نام علی از برای این فضا
 ناما

محمد رفیع شریف

محمد شافعی

محمد بن زینب

محمد بن علی

در شرح کلماتی که بخطه

همه خلق خدا بیعت او را بدینا گردانند خواص ایند عود بیعت است
 و عدد تکبیر این اسم پانصد بیست و هفت عد است و هر عدد
 عدد تکبیر و شش هزار و هشتصد هفتاد و عدد بیست و زود
 که هر عدد خواهد خواند چهار مربع بدین شکل بنویسد بخود
 دارد که اثر عظیم دارد و خواص بسیار و این مربع را اسناد
 اینعلم خواج المراد نام کرده اند از بس مربع لا اثرات و مربع بیعت

۲۱	۲۵	۲۸	۱۴	ح	ل	ی	م
۲۷	۱۵	۲۰	۲۶	ل	ح	م	ی
۱۶	۳۰	۲۳	۱۹	ح	ل	ی	م
۲۴	۱۸	۱۷	۲۹	ی	م	ح	ل

۲۴	۲۷	۳۱	۱۷	ح	ل	ی	م
۳۰	۱۸	۳۲	۲۸	ل	ح	م	ی
۱۹	۳۳	۲۵	۲۲	ح	ل	ی	م
۲۶	۲۱	۲۰	۳۲	ی	م	ح	ل

العظیم بعضی خداوند بزرگ و بزرگ کاری از زیاد انرا

کرم

طابان و بر آمدن طلب صد و ده
 مشهور گوید نادیدنا مطهر الطاب
 بخدی عنو ان کن فی التواب کل
 هم و غیر سبجلی و لا ینک باطله
 با علی یا علی و بعد از انما سم
 مشهور گوید یا ابا القویث غیبی یا
 علی اذ یرقی انشاء الله مفسور
 بعلی ابد و از بعضی چنین مفسور است
 که از برای دفع ضیق معیشة محمول
 طابان و دفع اعاذی عنک لک
 بد نما در علی را هفتاد بار بخواند
 جز نبی بجهنم هرگز مشکلی کردی
 در عدد وضو بیارد و در طاب و غیره
 مفسر حضرت ابراهیم بن محمد
 صد بار بزرگ بار این دعا بخواند
 که خیر است با اهل القومین یا الذین
 یا ایام القنین یا
 یا

عذر حاجت و بطراک

عذر ضیق معیشة

عذر از وکیلان

در شرح کلیه مبانی العظیمه

که وهم و ادراک او را در یاد این نایب که ملائکه در سلسله
 این نام بچار مانده اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این
 کند باید که نفس خود را خاز و ذلیل داند و امر و فرمان خداوند
 عظیم را من الوجوه کردن نهاده عظیم کند خلاف فرمان و
 ناخضر عزت او را معظم کند بچنانکه هر که مدد او نظر کند
 اخیان او را عظیم کند او را در آن نهد و شیخ فرموده
 هر که کند او متکبر خوانند این اسم در باطن ذکر و با او کند
 و خست او را عظیم القدر گرداند در میان بندگان خود عزیز
 و مکرم گرداند دعوی این اسم متکبران است که طالب مرتبه عظیم
 و جاوید بزرگی و عظمت باشند آنها که بدین مرتبه رسیده اند
 خواهند که در آن مقیم باشند اگر کسی خوار و ذلیل باشد و
 که از حقیر نفیست سدید با قدر اظلس سرخ و بطلا این اسم ^{جوامع}

۵۲	۵۵	۵۸	۴۵	م	ی	ظ	ع
۵۷	۴۶	۵۱	۵۶	ظ	ع	م	ی
۴۷	۵۰	۵۳	۵۰	ع	ظ	ی	م
۵۴	۴۹	۴۸	۵۹	ی	م	ع	ظ

سیرت شریف

در الکتاب انما حیا الیه ما جابا
 لا یخشیها و قد ینهایم و هو من
 که رباعی تمام شود دو بار بگوید
 فن ذوق نایب الکبیر انقضی
 ما از جمله عجایب است و این
 اعنیست بالله از برای دفع دشمن
 هر که در وقت ضرورت بخواند
 از برای قضای حاجت
 از برای قضای بدی خود را بطلاند
 بسیار در سوره بخواند تا مع و عیب
 ختم بر او المومنین از برای حصول
 جوامع صد مرتبه بقدر نیاز مع
 بخواند عجز است خدا لکن تحقیق
 منک تلاح شکر اللہ و کل
 عینة
 جوامع صد مرتبه
 جوامع صد مرتبه
 جوامع صد مرتبه

در شرح کلیه باریکات العظیم

در چهار دفتر افتاب بدان بنویسد اگر مقیسه نشود بر کاغذ
 هم میشود که جدا بکشد بنویسد عظیم را اما باین روش که در
 نمود شد ناخود دارد و اگر این مرتبه دیگر ناخود دارد که عد
 از تکبیر مکتب خاصه سیدالعلماء است بنهد بطریق فوق که
 شد طرح کنند که بنهند عد لوح فصد و ربع و دو
 هفتد کسرا و دوامت این مرتبه با خود دارد و هر روز بار
 عد تکبیر بخواند شیخ مغرب فریاد که هر که ایند عو کند بامر
 ناخود دارد چهل روز سلطنت و زمین بیاید اسکندر که
 سلطنت او دوام کرد و آخر و حیح او فاش شد از برکت عظیم
 نکریم بر اینم بود و حکما جمله و اینم بقا زید که بودند دید
 از عجایب و غرایب و عامل قار خود ابد جاعلی می رسانند
 از این ایام هر روز یک عدد تکبیر بخواند تا مدام در اعظم
 و در عظیم امور حضرت عظیم تقصیر نکند پس لازم بود بر وایت
 عد تکبیر آوردن عد تکبیر در هزار و بیست و یازد
 عد تکبیر هزار و صد بیست و دو است عد تکبیر مع صد
 مؤخر شصت و نود است مجموع هفتاد و سه است

الضوء

عندك تقع كل ناس و تخرج انفع
 ابواب فتخرج قناح از برای کباب
 مهشات و حصول لملادات طوع
 جزئ و در سبب بمطالک دفع اعلا
 این کلمات را در و هنر و سبب و
 بار بخواند این است و کفو ایست و کفو
 و کفو ایست نصیر از کفو ایست و کفو
 و کفو ایست علیا و کفو ایست و کفو
 خلاصی از هلاکت که رویی هلاکت
 نظر آبان کند و هزار و بیست و سه
 ما بدیع السموات والآرض ما نفع
 ختم استغفار من و عنم الصلوات
 انتم و هذا الدعاء و کل ما
 من شکر من شکر من ذر ذر
 من المال و کتبا من العظیم و قول
 اربع مائة و ثمان و تسعون
 الله

محمد کلایب همتا

محمد خاوری اصفهانی

محمد باقری نوری

در ذکر کلمه شاکه الغفور

الغفور یعنی مرزند جرم و جنایت بسبب از معاین نامی
 که طاعت مطیعان و توبه غاصب بمرت این نام قبول است و اهل
 غفور گویند هر که خوفد که احصا این اسم کند باید که کناه جمله
 خلایق بپوشد هر چند این صفت در او غفور کند تا حضرت غوث
 کند گاهان بر او حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که حضرت
 مانند از خطیر و پنهان آشتن مورد کلی هزار و دویست و نوزده
 سنگی با خواند در چاه اندازد و یک از آکا بر فرمود که از جنه
 و درد سر و جمله بیماریها که از علاج آن عاجز باشند بر سر
 کاغذ نویسند بر هر ناره سه بار یا غفور بخواند و زود برادران
 نجاه یابد بصدق مبدل شود و اگر دلشنگه یا غمزه این عمل کند
 یابد و سرور در هر شود و هر که بدین اسم مداومت نماید در حال
 اندک او بشاد مبدل گردد و این مرتب تا خود دارد که است

۳۲۱	۳۲۴	۳۲۷	۳۱۴		ر	و	ف	غ
۳۲۶	۳۱۵	۳۲۰	۳۲۵		ف	غ	ر	و
۳۱۶	۳۲۹	۳۲۲	۳۱۹		ع	ق	و	ر
۳۲۳	۳۱۸	۳۱۷	۳۲۸		و	ر	غ	ف

لامه الاصلی الصمد مدین
 السماوات والارض من نور النور
 و انما فی علی یغفر و انور النور
 انشیای در هر یک از این کتب
 که ظاهر بدین کبریا بسپرد
 بخلافت میخواند که از حجرات
 قل از الفضل پیدا الله یوشیه من
 لسانه و الله ذوالفضل العظیم
 و من خواص اسم است و در این
 هر که در جمعه و هله سه بار بخواند
 النبی و در آن یک تنگی و در این خود
 خداوند و داعی مطلق و بی نیاز
 گرداند و داعی مجرب شده است
 انضا کبریا که بی نیاز است
 هنر و نصبت بار گوید یا ای
 فنی در آن کرد در این سوره
 نیز از عاجز باشد است
 انضا

همه کتابهای کرامت
 همه کتب و کتاب
 همه کتب و کتاب
 همه کتب و کتاب
 همه کتب و کتاب

در سر کلیه مبایا الشکر

الشکر نیت دهند که امتیبا باندک طاعت و محضند
 این نامه است که پیش از خلف ازواج تپانصد هزار سال رزاق
 مخلوقا برکت این اسم موجود شد امت اهل تحقیق گویند
 خواهد که احصا این اسم کند باید که رزاق مخلوقات رزاق
 عالم را داند بهیچ چیز زکب مال و غیر نداند محکم فروغ
 دوز و محکوم امر فرمان حضرت خو گرد تا خداوند شکو ما و
 وی بفرود مس علی گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فریاد دفع
 و کدورت از چلینکتو بخواند و نیز ای مدینا شامه های او
 گردد و بزرگان گویند هر که زامیشت سنگ نشد باشد روزگار
 بد سوار گذراند باید که بد که این اسم ندا و منت نماید همیشه
 گشاده گردد و اگر کسی چهار روز هر روز بعد کبر یعنی زیاد از این
 نوبت بخواند حصتا باطن او را از غل و نفس و خفت دارد و اگر
 که در چشم نیر که داشته باشد این اسم را چهل بکینوبت بگریان
 خواند چشم را از آن آب چند نوبت بشوید شفا یابد و این
 مرتب که در خاشیله متا خود دارد که خواص بسیار یابد
العلی یعنی بزرگواری که منزه است از شرکت و شبیرین نامی

که اینها

این کتاب در این است که هر که در نیت
 این اسم را بخواند و سیر کند و
 صد مرتبه بگوید یا و شاکر و
 و شاکر فاد در مستجاب است او را
 و آنکه گرانند و بعضی از خلق
 اند که اگر یکصد مرتبه یا بهیچ
 مذکور بخواند در ناخر نوعی خواهد
 بود و بعضی از آن که خواند که این
 زبیر اسان باید باشد و خواند
 که هر که یا با خدا نماز

عنه و انوار

عنه و انوار

عنه و انوار

ش	ك	و	د
د	د	ش	ك
د	و	ك	ش
ك	ش	د	و

۱۲۲	۱۲۷	۱۳۳	۱۳۶
۱۳۵	۱۳۰	۱۳۵	۱۳۶
۱۲۹	۱۳۲	۱۳۹	۱۲۶
۱۳۸	۱۲۷	۱۲۸	۱۳۳

شرح کلمه مبتدئ

که بینا و اولیا و ملائکه از عطف این اسم روز زلزله اند اهل تحقیق گویند که هر که خوفد که احصا این اسم کند نباید که حضور او بزرگ داند خود را خوار و ذلیل و خضیر تر از جمله مخلوقات تا حضور او را عاینتاً گرداند بزرگ حضور امام رضا علیه السلام نمودند هر که اینتا بینا گوید بدان مداومت نماید خداش بزرگد و اگر غریب بخواند این اسم مداومت نماید با ابر و بطن خویش باز سستی که از اکابر فرمود هر که بنویسد این اسم را در این طرز و

دارد و بعد کبر و وسایل و یکصد روز بخواند اگر خوار بود عزیز گردد و اگر در زمین

۱۲۵۷	۱۲۵۸	۱۲۵۹	۱۲۶۰
۱۲۶۱	۱۲۶۲	۱۲۶۳	۱۲۶۴
۱۲۶۵	۱۲۶۶	۱۲۶۷	۱۲۶۸
۱۲۶۹	۱۲۷۰	۱۲۷۱	۱۲۷۲

۱۲۷۳ ۱۲۷۴ ۱۲۷۵ ۱۲۷۶

۱۲۷۷ ۱۲۷۸ ۱۲۷۹ ۱۲۸۰

ادنی بود غلای گردد و اگر غریب بود بطن خود دود و بر زمین تو و مظفر گردد و او را در میا خلق هینست تمام بود و تفریب

ما ز صبح در چهار زاویه خانه
 بخورد در هر زاویه بار یکوباید
 از تر آواز بلند اندک زانست
 کند و بجانب قبله رود از فتنه
 فتنه خلاصی میابد اینصدا
 در ساعت اول از هر روز وضو
 روزه در فتنه گوید که در وقت
 روز عبادت و سبوح گوید در وقت
 لا تجلس مرزونی که در وقت
 شب بار یکوباید یا معطی
 الیه مقصودش حاصل شود و اگر
 در نصف شب هم حس کند و در
 بد عاید دارد فتنه منبسط
 جدد و زنده منبسط
 طلب انداد حاجت او آورد
 خواهی که در وقت
 کفر

محمد طاهری در وقت
 محمد طاهری در وقت
 محمد طاهری در وقت

در سر کلمه مینا العبد

بملاک و سلاطین باید خواصیست دارد اما در وقت نوشتن باید
 که اقداب و برج اسد باشد تا نوزده درجه حمل و قمر باشد
 ناظر بود و از نحسین و زنباشد آخر اق هیچ کوب نباشد و
 چهر کتابت این لوح و حسا و بخورد بسوزد و در جاش سفید
 و خلوی پاک و تنها جایز دارد و با حضور دل نویسد اگر بار
 روز هر روز سه هزار و سبصد مرتبه و سه نوبت بعد
 از نماز بگوید و با مردم که اختلاط کند و در خلوی بخورد
 و نماز جماعت بگذارد و بخلورد و اگر تواند در این ماه هر
 غسل کند و دایم جامها پاک در پوشد چون از نمازها بچنگا
 فارغ شود بخواند آیه الکرسی قیام نماید تا خبر گردد باطن و از
 علم لدنی و علوم غریبه و عجایب غریب عالم و خواص این
 اطاعت سلاطین و را واقع شود و دست خلاق چنانکه
 هر کس در این روز در سخن بوده باشد مطیع و گرد و
 نام او شنود محبت گردد و مجنون مخلوق شود و هیچ کس او پیش
 نرود و در امور دنیا حاکم خلاق شود و هر کس فکر توجیه کند
 اسلام آورد و ایند عوض چغندر قوی مرتبه گرداند اما

باید

مینا بنامند و در وقت بار
 بگوید یا معطی السلاطین الکرسی
 مقصودش حاصل و اگر در وقت
 مشیرین بنسکتند و دست بدعا بود
 تا شش فصل این اسم را سبصد و
 دو از ده مرتبه بگوید آن کلمه را
 روا و طاعت او بر او درده خواهد شد
 و هر که کلمه مطیع باشد عظیم بنام
 شایسته و پاک خوانی نما با خفیه
 این دعا و صد بار در روز و هر
 مقصود حاصل شود پاک و در زمین
 دستور عمل کند البته مقصود حاصل
 و چون دعا تمام شود بگوید بکار
 بگوید یا ارحم الراحمین و بعد
 نوبت صلوات بفرستد و بعد
 بگوید یا ارحم الراحمین و غلظت
 گفته اند دعا در نماز
 استغفار

عقد سلاطین

عقد سلاطین

عقد سلاطین

شرح کلمه تبارک الکبیر

باید که بعد از دعوت هر روز صدقه نوبت بگوید که عدد نام است و اگر خواهد زیاد خواند باید که در شب آن وقت بعد تکبیر حر و ماقبوض اسم که بکفر او یکصد هشتاد و یک نوبت است مع صد و موخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در نسخه آورد که هر که از جمله زیاد دولت خود یاد بگیرد هر روز یازده نوبت بخواند طلب خاه و رفت کند بیاید آنچه مقصود است

۲۵۸	۲۶۱	۲۶۴	۲۵۰	۲۶۲	ی	ل	ع	ال
۲۶۳	۲۵۱	۲۵۷			ع	ال	ی	ل
۳۵۲	۲۶۶	۲۵۹	۲۵۶		ال	ع	ل	ی
۲۶۵	۲۵۳	۲۵۰	۲۶۰		ل	ی	ال	ع

الکبیر یعنی حکم بزرگ و پاک ذات و از صورت و لجا و شبهه مثال شیخ جلال الدین فرموده که روزی از شیخ بزرگ که سوال کردم چونست که شرح این اسم نوشته شد است شیخ فرموده که از هیبت این نام اسمها و زمینها و عرش و کرسی و بهشت و لوح و قلم بفرمان بردارند ثابت اند هر که خواهد که دعوی این اسم اعظم کند باید که حضرت کبیر را بزرگ خواند و بزرگ دانند هیچ

با اهلان با ما بودند که از اینجا
 و باید در کلمه و آنچه طلبت مطلق
 در خواطر بگذراند و اگر در خواست
 ملاحظه معانی کند و مخصوص طلب
 بخواند نیز است و در اکثر ایام
 و شد باید بخوبی رسید است
 در دعای مد که در میان زمین
 است که در باب این مد است که
 شد بخوبی بخواند و در این
 بیخود است بخواند و در این
 طلوع است بخواند و در این
 روز بخواند و در این
 المظنن است بخواند و در این
 است بخواند و در این
 از صحرای خرد و در این
 هر دو یکبار این را بخواند
 الله هو الزمان ذو
 القوة

همه اینها را تا آخر در هر روز
 همه اینها را تا آخر
 همه اینها را تا آخر
 همه اینها را تا آخر

در سیر کلیه زکات الیک

در درگاه انحصار عظیم قد و بزرگ نداند که اینها اولیا و
 اقطاب هر براستا او بر زمین نهاده و او را بزرگ داشته اند
 تا بدان مقام رسیدند پس هر که طلب جاه و بزرگی کند در عالم
 صبر و شکر در روز هفت هزار نوبت بخواند که در سر باید
 اما باید که بان فریفته شود و در طلب جاه و منزلت انعام باشد
 تا زبان کار نکردد و یکی از بزرگان فرمود هر که صد بیست
 دعوی این اسم کند بشر بطی که در اسم لرجم گفته شد در شب
 روز هزار وجه صد شصت شش نوبت بخواند بخسود
 و خلواصل و اینها را خورد زخمتوشیند و بی ضرر و
 بیرون نیاید ز حیوانات کند و حلال خورد اشکارا کرد
 بر او ارواح اینها و اولیا و مسلمانان ملائکه با او انس گیرند
 بیشتر در شب او باشند تا سر عالم ارواح و ملکوت و عجا
 عالم کبیر با او بگویند متضرر خدا دعوت کرد و قلوب با او
 ضنا و امر او و زرا و ملوک و سلاطین و رعایا و خلایق طاعت
 دیدند و حجت او کردند و او بزرگ در عالم صورت و معنی
 او بعین باید که شب روزان فکر غافل نشود و کتر از هفت هزار

بار بخواند

الفوز للنسب انما یفصل ما
 عمل کذا لکن مقصود عمل ابدی
 اگر سعت روزی و مختصیل مال
 حلال باشد از جهت کتابش
 روزی در نصف شب هزار و یکصد
 سبحان اللیل الحی القیوم الکریم
 لا یحیی لیس فیها شیء الا
 هلال زمین در نصف شب هزار
 بار بگوید الفاضل فی حق
 شود از برای قضاء حاجت
 و آخرت و غفران از نوبت حصول
 مفاصلها لیس خواند دعای غفران
 بعد از عصر و در جمیع نوبت شروع
 که بخواند با جاب مغرب از سن و سال
 دعا باشد از در مغرب و بقیع
 کتب معین مسطور است در عالم
 سبحان اللیل و منجی
 و غیر

عقل با او در حدیث و غیر

عزضا خواجه دنیا و آخرت

عزضا خواجه دنیا و آخرت

شرح کلمه مبینا الکبری

بار بخواند و اگر زیاده خواند تا که بخت و بشارت خاتمی آن فرسخ
خالص در ساعت سعد و نظرات خو چون تثلیث و نند
و شرف سعد بن و نشر کند حرف اسم را بر آن خاتم باین طریق
ا تا با باید که چون خاتم تمام شود روز یکشنبه یا دوشنبه یا پنجشنبه

۵۷	۶۱	۶۴		۵۰	ر	ی	ب	ک
۶۲	۵۱	۶۶	۶۲		ب	ک	ر	ی
۵۲	۶۶	۵۹	۵۵		ک	ب	ی	ر
۶	۵۳	۵۳	۶۵		ی	ر	ک	ب

پس از ضعیف غسل کند در آب و آن را در خانه مخلو و شکر و وضو
بگذارد و استغفار گوید و در دو فرستد آن گاه خاتم در انگشت
کند چو از انگشت او نگو کند باید اول تا تنظیم و وضو دل بگوید یا
کبریا کبریا و در حین دعوت در نفس خاتم نظر میکند معنی اسم
معدله میکند مانند در آخر هر مجلس میگوید یا کبریا کبریا و چند
نوبت در دو فرستد در اول و آخر هر دعا در دو فرستد آن سبب
اجابت دعاست و در دعوی کبریا شرح این اسم نوشته اند عمل معنی
اند و بعضی از بزرگان فرموده اند که ندانم سبب این هر شب آن

مخبر است خواند و دعای تمام
 در آخر روز جمعه در یک عمر و در
 که آن برای او فیضا خواهد بخشید
 از برای دفع دشمنان و توبه
 و جهل بدد جمعه و انبیا
 نماز ظهر و عصر و در چهار روز
 خواننده بخواند از پنج تا
 سجده کند الله یغفر الذنوب
 حضرت زینت و در روز جمعه
 روز در دو فرستد و در دو فرستد
 شهادت در دو فرستد و در دو فرستد
 از نموده است ختمی که در کتب نقل
 اگر کتب از کتب و در کتب نقل
 شده در دو فرستد و در دو فرستد
 که در این رساله را بدینست
 نقل و کتب که عمل
 اخلاص

چه کتب است که در کتب
 چه کتب است که در کتب
 چه کتب است که در کتب
 چه کتب است که در کتب

در شیخ کلمه مبارک الحفظ

بعد اول خواندن نود اجابت است و عدل اول هفت هزار است
الحفظ یعنی نگاه دارند هر چیز را از آنجا افتاد و بود اینست
که نوح پیغمبر علیه السلام از برکت اینست از غدا طوفان بجا
یا قره که خوانند احصا این اسم کند اول باید که دل و چشم زبا
و دست خود را از جمله ششها و خطایا نگاه دارد تا حاضر الحفظ او
از بلیات محفوظ دارد و شیخ معتبر گوید هر که خواست از غرق شدن
و سوختن آتش و سردی و بیدار دیدن حرام این بود این اسم بنویسد
بگوید سنا و بر باز و بنفشه از نکبات این بود خضر امام رضا علیه
السلام فرمودند هر که بعد از این اسم که نه صد و هفتاد است
منکره در روز جمعه بعد نماز بنویسد بخند باز کند و طومار کند
و بر باز و بنفشه از نوسه شیطا و خوف سلطان و بیم سنا و ما
و عقرب و غیارات فاسد را مار جمع بود نباشد و شیخ فرموده

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۷۷	ح	ف	ی	ظ
۲۶۳	۲۷۲	۲۸۱	۲۹۰		ی	ظ	ح	ف
۲۷۳	۲۸۲	۲۹۱	۳۰۰		ظ	ی	ف	ح
۳۰۳	۳۱۲	۳۲۱	۳۳۰		ف	ح	ظ	ی

کاکو

جمع علما است و از آن است که
روز دوشنبه روز چهارشنبه
چهار دانند یک بر چندی و هفت
دانند بیست است و می هفت
دانند بیست و یک رگهای دین
است و ابطین است و دست
چون ابطین است گذارد و عقید و
و کت نما از خطای گذارد و بو
بلند رگهای طریقه است و منبر
صلوات بر سر کند که آب شوی کرد
او شکر اصل و اجرت کند که عدل
مجموع سه صد و شش بار بنویسد
و عدد دیگرهای طریقه است که هر
ده مرتبه چهار مرتبه بنویسد
که بر او شکر سه مرتبه بنویسد
و بعد از آن دست بدو غایت باشد
سلطان از خدا بخواند
کری

محمد بن محمد بن ابراهیم

محمد بن محمد بن ابراهیم

محمد بن محمد بن ابراهیم

کتاب در کفا الحفظ

که اگر کسی باین طریق که نمود شد تصرف کند بر لوح تصرف و با خود
 دارد این گره در شتر تمام مخلوقات و مرگه مفاجات و مرض
 و درویشی و جمیع امراض و ملتبان آخر الزمان و غم و آنچه تعلق
 بنکت دارد و اگر تصرف بیشتر نشود در روز شرف کتاب بر کاغذ
 همین خواص کند و اگر این نوشته در میان مال نهاده از دست
 این گره در و اگر اهل کشته بخواند این اسم قیامت نماید سالم بجا
 رسد از امواج و جانوران و بیله در با این بودند دیگر و مؤ
 اند هر که تصرف کند این اسم را بتکبیر بر عقصه یا بلونیا تصرف و لوح

ی ا ح ف ی ط ا ح ف ظ ن ی
 ی ی ن ا ط ح ف ف ح ی ا ط
 ظ ی ای ی ن ح ا ف ط ف ح
 ح ظ ف ی ط ف ای ای ح ن
 ن ح ح ط ی ف ای ی ط ف ا
 ا ن ف ح ظ ح ی ط ی ی اف
 ف ا ن ی ف ی ح ظ ط ی ح
 ح ف ی ا ط ا ط ن ح ی ی ن
 ف ح ی ف ی ح ا ن ط ظ ا
 ا ف ط ح ظ ی ن ف ای ح ی

باین طریق که نمود میشود که لوح
 از پنج جزویکجه و از طلا باشد
 و نقاشی باطهارت باشد و با حصا
 دعوت در روز جمعته در خلوت
 متوجه قبله یا روزه و شبیه
 بنا عات سعد و قمرناظر بود
 و این با حیض احفظ کند زرده
 سطر میزان میرسد و تمام

همین از آن رنگهای قلد را در آب
 در زمان ناندن در رنگهای و پیرا
 در زمان ناندن در رنگهای و پیرا

عنوان این کتاب است

عنوان این کتاب است



در سر کلاه مباح الخطی

۸۸

نویدند سطر را قشر کنند و هر دو در حین نقش کردن
 ذکر باشند هیچ سخن نگویند چون منقش کرد صد دعوی
 مطر و ناخته از لوح زانگاه دارد و در پنجشنبه یا یکشنبه
 جمع هر گاه ذراب و آن غسل کند در خانه خلوت و بجام
 و در خلوت دور گفتار بگذارد و بعد از آن بعد نکیر میخواند
 و لوح در پیش سجاده هد و در وقت کند اگر مجموع حد
 در مرغ ضد نکیر خانم از عقیق یا بلور یا اینتر بنویسد خام
 فلانکست کند و

۵۱۳۸	۵۱۵۰	۵۱۴۶	۵۱۳۲
۵۱۴۸	۵۱۴۴	۵۱۳۷	۵۱۵۱
۵۱۴۱	۵۱۴۷	۵۱۵۲	۵۱۴۰
۵۱۳۵	۵۱۳۹		۵۱۴۶

وقت غوث زلیخ
 و خاتم نظر کند
 تکرار میکند الخطی
 و الخطی نیز میخیزد
 و در آخر مجلس میگوید

ما جسیط الخطی اگر مینرسد بر این بد وقت نماید و آید
 این نام هشتاد و شش روز است که بعد نکیر بخواند و اگر بعد از
 آن باز کند شاید ما نر نکیر بگذرد و آنکس که این دعوی بخواند

از جمله

رو ببلد هر یک یکین منسجها
 با بخواند و در کودکی اندازد و خان
 بدو عیان بریزد و برود و اگر در
 اول بر ملک کند و در شنبه
 و شنبه هر عمل نماید که بطلب
 بجز هر حال که درین دستکاران
 و در شنبه ریش و ف طلوع آفتاب
 تحمل و این فضا را در علی بخواند
 که مذکور میشود و در طرف جنوب
 باید التماس اهلان شود با ذکر
 مکن خیر باشد انت بسم الله
 الرحمن الرحیم فضل بسم الله
 الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن
 الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم
 تا در طلبا منظر الغایب تجلی
 غوا لانت التواب کل
 هم و هم سبیل و
 کون

عده سبیل

عده اهل

عده غایب

در شیر کبابه مباح المصیب

المصیب یعنی خدا نوانا برنگاه داشتن هر چیز و هر کار
 بعد و مقدر آن این نام است که پرورش جمله افریدگان بر پر
 این نام است اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند
 باید که خود را بر آن دارد که دائم اوقات خود را صرف کند تا
 تمام کند و طایم خواهان و باشد که افتاده از دست گرد و فرستاده
 خاطر جوئی کند و باضعیف فروتنی کند شفقت فرخند
 دوست و دشمن دروغ نندازد تا خصم عزت نفس او را مطیع گرد
 و قوی کرامت کند که تواند از دشمنان هفت روز بهر آن و جبر
 کرده او را مستحضر او گرداند و خصم امام رضا علیه السلام فرمود
 اند هر که این اسم را هفت نوبت بیرون آید از زبان خواند
 طفل بد خو بخورد خوش شو گردد و خوش فرزند هر چه خواند
 یاد گیرد دیگر فرمود اند هر که خواهد نفس خود را بیدار
 نشاند و گرسنگی مفکند گرداند و برزخ در دنیا باشد بیدار
 و سلوک طاق نندارد نارسال قطعه نطعم اند که صبر نند
 کردن یا طفلان شیر باز کرد بوعیاد در عزت بخت کرد و تار
 کشته یاد دنیا با نذیب و بی طعام مانند این نام را هفت نوبت

وزیر

بامد بریدر بامستتیب با
 متوکل سهل بر خلت با
 للعذر من كان له عذر لا يقدر
 على فصره ليعمل من الذم في الف يذم
 ويعول لكل واحد منها من العفو
 ويربها للطلب و ركبى شعد و و
 من اكثر ذكر القادر و صدق
 قلب على خصمه و كذا من اكثر ذكر
 التمس كفى و عدو و لئلا يظلم
 كمشد و ذم لبر و انذ غائب كاهل
 مثل ما سئلوا و الملاع و غائب كاهل
 كبر انما صبر و مشور و شخب در
 كبر انما صبر و مشور و شخب در
 بين طيبين و لست و بيا و جوار كاهل
 حاصل كدر و و ادعاه و جوار كاهل
 كره انما بلفسنا التمس ان
 الله تعالى في التمس و التمس و التمس
 ان الله تعالى في التمس و التمس و التمس
 ذلك

در شیر کبابه

عزیز

عزیز

در سر کلمه مباح الحسب

نویس بر کوزه پختی خواند با اعتقاد تمام و بنا بدرد و نوبت
 دهد بر ایکن از ان بنیاشامد جمله علتها مذکورند
 بود و در بنیابا و زد کند زرتع او را صبر کرامت نماید
 نشنگه ببرد و اگر بگردد تکبیر قبول شیخ که در اورد هزار و یک
 نود عادتست مع صد و مؤخر بر خاک پاک خواند بزرتع
 نگاه دارد هر قلیل البصر که او در حین جوع عطش قدر
 از آن خاک بابت میکند و بگویند و از قبلی تمام حاصل کرد
 عربستان ایند از عدد بوطن باز رسد ساکام و توانگر اما متبع

۱۳۷	۱۴	۱۶۲		۱۳۰	م	ق	ی	ت
۱۴۲	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		ی	ت	م	ق
۱۳۲	۱۴۵	۱۳۸	۱۳۵		ت	ی	ق	م
۱۳۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۴		ق	م	ت	ی

الحسب یعنی خدای پسندیدگ است خلافتی از قضا
 کردن حاجات دفع بلیا ایند نیست که کرام الکاتبین برگاه
 بنندگان بگویند اسم اطلاع می آیند و حضرت امام رضا علیه
 السلام فرمودند هر که از جمعه دفع دشمن قوی رود کند هر

علمی انچه در دست که از برای
 نضاء خواند مشرور در نام
 بل حضرت هر دو روز در بار بخواند
 و ابتدا از روز جمعه تا بدوید
 خم کند و بسیار است که ما ندید
 همه تا آسمان و زمین را در
 یکشنبه تا اولیاء اعدا در شب
 چهارشنبه تا اولیاء اعدا در شب
 پنجشنبه تا اولیاء اعدا در شب
 شنبه تا اولیاء اعدا در شب
 آنگاه که حاجت بخواهد
 از آن کارها هر یک را در روز
 و شب بخواند که در این کتاب
 حق و انبیا و اولیاء است
 و انان استغین و انان

در سر کلاه مینا الجنب

هفتاد نوبت بگویند از روز پنجشنبه ابتدا کند خلاص شود
از شر او و اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند
اول باید هر روز خسا اعمال در همه خود بکند از شب تا زانام
بود چنانکه سر و زان احضار رسول صلی الله علیه و اله میکند
اند مینا برای کفایت خلا بود در بند و در حصو و مقادیر کوفت
و کار خود را بخند گذارد تا احسا قیامت و انسان گرداند بگریز
اند هر که خایف بود از شر دشمنان و بیم در زدن طرز چشم خود
و همنسایه همراهم بد و وجه زوج ناسازگار و ترس سلاطین
حکام نجای و بلای سفر و ترس فرض خواه و شرردان مؤذیان
باید که از روز پنجشنبه تا روز چهارشنبه این ایام روز دوازده
این نام هفتاد و هفت نوبت بگوید حَسْبِيَ اللَّهُ الْحَمِيدُ شایانگا
همچنین میگوید مراد او حاصل گردد از جمله علل نجایا بد
بعد از آن یک کجاست بر زینت هر که هر نماید در شبانگانا این عدد
و دعاسازد از برکت این اسم مال فرزندان او از جمله نکاح و اقارب
ایل و زنها ایمن باشد شیخ معتز فرمود هر که اینچهها کلامه که چشم
ریخته من کل مریه در مربع چهار وجهها وضع کند در چینی که افتاد

الله و الحمد لله ستر شنبه با الله
 نام من چهار و شنبه حسی الله و
 نغم الوکل پنجشنبه با حق و زیا چشم
 جمعه یا اذ التجال و الا که از چشم
 دعای صبحی من از برای طالب علم
 چهل مرتب این افضل خوانند از
 چهل مرتب این کتب کتب
 منبر و شنبه پنج مرتب کتب
 و مجموع چهل مرتب میشود و دعا
 صبحی من از دعای شنبه و اوست
 در خط اولیوسین در صورت نماز
 بخواند و در کنار جمال الطاهر
 در غیر سلواریت و شرح و ثواب
 میشود و از جمله من معنی که
 باشد اینبار که سلام اولیوسین
 و بی چشم داشت
 صد

محمد مطهر

محمد سی از زینت و جبر

محمد مطهر

در شکر کلمه مینا الجید

در اسدی حامل باشد چندانکه نظر و فکر از منقوش سانسافط نبوی
و ناخود دارد هر روز بیتی و یکتوبت بخواند بر خود دملد اگر همه
دشمن او گردند هیچ آفت بخورند اگر شیخی را بهت گزیند
باشند او را از سلطان بهم بوی این مزج با خود دارد و چون او را

چشم بر بادش اقلین	جے	رتے	من کل مرتے
اسم مینو اندا اندم حکا	مرتے	من کل	رتے جے
با او سخن گویند هر چه گوید	رتے	جسی	مرتے من کل
در جواخذایع اشکافا	من کل	مرتے	جے رتے

بر در چشم و مهران گردند
و از نظر او ساله بر و آید باید که با او چندان شفق
مورخت نماید چندانکه خلاق از آن چیزان بنامند این از برکت
الجید است اگر بر اطلن سیر بطل نوید بقاع خود مینا کرد

ح	س	ی	ب	۵	۱۹	۲۵	۳۱
ی	ب	ح	س		۲۹	۷	۱۷
ب	ی	س	ح		۹	۳۵	۲۱
س	ح	ب	ی		۲۲	۱۳	۱۱

مجدد بار بخواند در هر روزی
تا پانزده روز و ابتدا از روز
چهارشنبه نماید و بیاید روزها
در خلوت صد از نماز صبح و بیست
در یک هفته هر روز یازده بار ابتدا
از شنبه در حجت کند
بکفایت خود در روزنبار بخواند
شروع کند و یکشنبه تمام
بکارش بخواند غزلت ختمی
الوهاب هر کس در عهد چهارده
شنبه بگوید این اسم را خداوند
حق کرد اندوهر کس در این شب
بهن کند دستها را بلند نماید
دستها را در این اسم را بگوید
ضم از او را ببرد

محمد اسلمی ارجی آباد
محمد بن ابی کلثوم
محمد بن ابی کلثوم

در شرح کلمه مبنای الجلیل

الجلیل یعنی خدا بزرگوار بذات و جمیع صفات این است
 که همه مخلوقات از هیبت و جلالت این نام میترسند و هر
 حقیقت گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند اول
 باید که بعین یقین برینید و بعلم یقین بدانند که جلالت
 و عظمت بزرگوار خالصه حضرت جلیل جناباً راست و صفت
 بندگ مشکت و ضعف و چندان مشکت و عجز خود ظاهر
 کند و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازد تا حضرت
 جلیل او را خسر گرداند تا باطنی که خسر بیشتر موجود است
 صلوات الله علیه و اله فرمود اللهم اجنبه مسکینا و منین
 مسکینا و اخیتر فی زمره المساکین و حضرت امام رضا
 فرموده اند هر که هفت روز بنویسد این اسم را بمشک
 و زعفران و گلاب و شکر بر نان و بخورد و هر روز یکبار صد
 کند و را بود در میان خلایق اعزاز تمام از بزرگترین نام دیگر
 فرموده اند هر که هفتاد و سه نوبت بنویسد این نام بمشک و زعفران
 و گلاب کاغذ بقلم باریک و بربار بر او راست بندد و بر خا
 نقش کند بچهار اوطلا باشد نقش کند بحروف تکبیر و دست

او مضاعف شود بجهت دفع فقر و برکت
 و در روایتی از حضرت رسول منسوبست
 که هر که در شبانه روزی صد بار
 این دعا بخواند تا شب غمی گردد و خیر
 رسد است لبیسم الله الرحمن الرحیم
 الراجیم یا کثیر الخیر یا ذا اللزمت
 یا قدام الایضا الحسنات یا علی
 القدریم یا خیر یا ارحم الراحمین
 اگر کسی که با او نرسد با درود
 که هیچ کس نتواند باشد هر روز فرود
 ظالمی گرفتار باشد خدای تعالی او
 نزار این کلان بخواند و از اجابت کند
 او رسد و حاجت او را اجابت کند
 انا نبیت یا غیاث غنی کل کرب
 و معاذی غنی کل شیء و معجز غنی
 کل دعوی آن چه هر مطالب
 مشرعیان ابتدا از
 روز

حضرت در روزی که
 در روزی که
 در روزی که

هر که خدای تعالی
 هر که خدای تعالی

هر که خدای تعالی
 هر که خدای تعالی

کتاب سیر کلمه مینا الجلیله

۹۵

چپ کند فر روز بعد تکبیر میخواند تجزیه بر این

۱۸	۲۱	۲۱۵		۱۰	ل	ی	ل	ج
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ل	ج	ل	ی
۱۲	۲۶	۱۹	۱۶		ج	ل	ی	ل
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ی	ل	ج	ل

رحمت طلب جاه مینا خلاق و تقرب نزد سلاطین و
 هیبت باشد از اول خلایق و بعد او اگر خواهد که بعد
 این اسم قیام نماید بعد تکبیر یا بعد تکبیر خواند عدد
 تکبیر رویت نوزده است مع صد و هفتاد و هشتاد
 هشتاد و دعوت این اسم مینا کانیست که سر و روز
 کشته باشند در مینا خلاق و خواهند همچنان ماندند
 و دعود ز نقش خاتم گاه گاه نظر کند و دیگر گانه را مسلم
 خواند این اسم که ایشان متحله گشته باشند بصفاعظمت
 و بزرگواری حضرت ابراهیم علیه السلام است و صف
 سبکوزار و در گند جرم و تقصیر از بندگان گاه گاه
 پریان و عذکار این نام است که هر که ذوقه منور باشد

بسم الله الرحمن الرحیم
 نماز مینا گوید لا اله الا الله
 القاضی القلی النظر و صلی علی
 محمد رسول الله الی الخ
 وینباید گوید اللهم صل علی
 محمد وعلی آل محمد وعلی
 اهل بیتهم اجمعین
 وینباید گوید اللهم صل علی
 محمد وعلی آل محمد وعلی
 اهل بیتهم اجمعین
 وینباید گوید اللهم صل علی
 محمد وعلی آل محمد وعلی
 اهل بیتهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

در سیر کلیه مینا الکریم

بیرکت این نام برقرار ماند اصل حقیقت گویند که هر که
 خواهد عواین اسم اعظم کند باید خود را موصوف بکریم
 سازد و آنقدر که تواند رحم و شفقت و کرم و معرفت از خود
 خدا در بیخ ندادد بلکه منت قبول کند و حضرت امام رضا
 علیه السلام میفرماید هر کجا این اسم بزد بسپا گوید حضرت
 کریم مقاصد نیا و آخرت او را کفایت فرماید شیخ ابو العباس
 گوید هر که این اسم را بسپا گوید مغز و تکرم گردد و هر که در
 جامه خوار رود و این اسم را چندان بگوید که در خوارود
 ملائکه بر او دعا کنند و دعا ملائکه سیرج الاجابت و دیگر
 فرمود اند هر که بدو پیشه و بفر و عیال فرماید باشد
 بر این اسم مداومت نماید مناجات و رزق و بود و رود او از جا
 برسد گمان ندادد و مداومت بدین نام بعد کبیر یا بعد از
 باید عدد تکبیر الکریم بک هزار و هشتصد و شصت و عدد
 تکبیر یا کریم بک هزار و ششصد و شصت و شصت و عدد اصل
 دو بیت هفتاد و کبیر زیاد از هزار بار و عدد تکبیر شیخ
 معترض صد و موخر نه فرار و ده است با کریم مع صد

با مقرب فریج با منیب
 با منیل سهل با مدیر در پورما
 ملشیر شیر با منیر منشر بعد از آن
 دعای مصفیه کا ملکه که اللهم
 یا منی مطلب الخا جات یا
 بجواند و سر سجده گزاید و در دعا
 آخر که فضل آن استجی و الخا جات
 و کجی باشد بجواند و حاجات
 خود طلب کند البته بر آورد شود
 نما ما را باید هر روز بخواند مادام که
 روز تمام شود بجهت هلاک دشمن
 هفتاد بار در بخاک قبر کس که از دست
 جبر باشد شری باشد بجواند و بر
 خواند دشمن ببرد و در وقت
 بداشتن خالی است بفرمایند
 البته از دشمن هلاک شود
 مع تکبیر عرق
 مع تکبیر عرق

عده مباحث مطلبات

عده مباحث مطلبات

عده مباحث مطلبات

در شرح کلیه کتاب

و مؤخر دور هزار و دویست هفتاد است و صد و شصت و یکم از
 شصت و بیست و نوری هر یک که خواهد بخواند مرتب این نام در دو
 روزه اثری عظیم دارد خواه بعد و سر تکبیر خواه بعد از نماز
 و هر دو مثال نماید تا عامل نامشکل نباشد اما باید که بفرستد

۵۱۱	۵۱۰	۵۱۱	۵۷۴	۶۷	۷۱	۷۲	۶۹	۶۸	۶۵	ک ر ی م
۵۱۷	۵۲۵	۵۱۰	۵۱۶	۷۲	۶۱	۶۶	۷۱	۶۶	۷۱	ی م ک ر
۵۷۴	۵۹۰	۵۱۲	۵۷۹	۶۷	۷۵	۶۸	۶۵	۶۵	۶۵	م ی ر ک
۵۱۲	۵۷۱	۵۷۱	۵۱۹	۶۹	۶۲	۷۲	۷۲	۷۲	۷۲	ر ک م ی

تقریر کند و بطالع سعد را نکند کند تا اثر عظیم ده و پنج
 بعد خواهد کرد باید که در سفر افتاب یازده تلبیس و تسدیس
 سعد و قرین سعد متصل از نحسین منصرف باشد عدل این است
 تا عدل است خود در مرتب بخواند چنانکه سابقا مذکور شد عمل
 نماید خواص تمام یابد اگر بر لوح قرصه تقریر کند تمام دارد و اگر
 بر قرصه میسر نسو بر کاغذ نویسد همچنین خواص دارد چون
 ما خود دارد هر روز کمتر از هزار و دویست هشتاد و یکم بگوید
 نباید خواند اگر قریب بقیه نگاه دارند هر کس هر چه چیزی

مصدق شده است

از بیست و نه تا الله و انا الله
 و الحسین و الویسیم و العذاره
 و الغضا و الی یومئذ یقسم
 علیه و الا اللطین
 بر خصم بعد از نماز
 نش بار هر روز بگوید
 بسیار آمده و عجیب و در ج
 دعوات داعی را بسیار که
 از شیطان و ارباب دعا غایب
 ناب شکر بفضول فارغ گردد
 آنرا بنام است که در وقت دعوت
 و بعد بلبسند با وضو نمایند
 در نشستن آنرا بنام است
 ذکر سخن نکند و از مناسبت
 با عفا دعا خلاص نام بخواند
 و از سر و غیب منقول
 شده

در این کتاب

در سر کلمات الفب

هر حال اینها نیست که حضرت شعیب علیه السلام پسر او سفند
 میرفت این نام بسیار میگفت هر کجا این نام بسلامت میماندند
 تحقق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که خدا را
 در آنها و اشکارا ناظر و نگاه کند و دانند که ما هم منتهی باشد تا
 از قول فعل مانند سوا شود که مرخص حضرت عزیر باشد
 حضرت رقیب بد دل و دانا نظر بملك ملکوت گرداند حضرت
 امام رضا علیه السلام فرمودند هر که زار شسته شود باشد
 نوبت بخواند از سر او این شود شیخ گوید هر که بخواند این اسم
 مداومت نماید چند آنکه تواند نیت مال و فرزندان و نفس مال
 و عیال از آنچه میرسد بماند و در زافات و بلیت سالر ماند
 که را عود جمیده یا پیرضا جمال بود این اسم را در نیم خونند

۷۷	۸۳	۸۹	۶۳		ر	ق	ی	پ
۸۷	۶۵	۷۵	۸۵		ی	ب	ر	ق
۵۷	۹۳	۷۹	۷۳		ب	ی	ق	ر
	۷۱	۶۹	۹۱		ق	ر	ب	ی

الحیبت یعنی خدای بجانب کنند است ترا که خواهد این نامی

که اسمیست

در دل حاضر دارد و الحاح لب است آنگاه
 در دعا و امر محال طلب نکند و بر
 استجاب بخیل نماید و از دعا
 کردن سلول نشود و در ماکول و
 ملبوس ملاحظه کند و حرم نماز
 و در اول و آخر دعا صلوات بفرستد
 ملاحظه این شرطها را در این
 در نایب و غایت باب بیست و نهم
 در رسوم صلوات بنماز بجای آورد
 هر حاجت و در کس نماز بخواند
 بعد از حمد سوره بنام این اسم بخواند
 اللَّهُ لَطِيفُ الْعَزِيزِ وَجْهٌ سَلَامٌ
 وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ وَجْهٌ سَلَامٌ
 و عدد بر با السند و صلوات بفرستد
 نام بر این اسم را بگوید یا لطیف
 و عدد بیست و عدد و حاجت بخواند
 که انشاء الله ثم حاجت
 مفرود

حضرت شعیب علیه السلام
 در دعا و امر محال طلب نکند و بر

حضرت ابو زانر انصاری

حضرت مطلق بن جابر

در شرح کلمات مبارک

که اسمی قبل علیه السلام می گفت کار در بر گلو وی کار نکرد و حق
از چشم او نداشت و نشا و نجا یافت چون که خواهد که احصا این اسم
کند باید که هر حاجتی که حاجت خود را بر او عرض کند یا مقصد
که تواند اجابت کند و نومید نگردد و حاجت خود را بجز خدا تعالی
نگوید تا حضرت عزت حاجات را بر او زد کرداند حضرت امام رضا
فرمودند هر که صد بار بگوید حاجت خود عرض کند حاجت
او بکلی بر او برود و هر که دایم مداومت کند این بود از نیکبخت
دنیا شیخ ابوسعید گوید که در آخر عمر در عبادت و شکر بار بگوید یا
سیر تع یا مجیب بود دعا و اجابت کرد و شیخ شهاب الدین فرمود
فرمود هر که این سیر تع را بخورد در هر حال از بلا ایمن بود اگر
که زامه می کار بود و در حصول آن مضطر گشته چه بیاید

۱۳	۱۴	۲۰	۶		م	ج	ی	ب	
۱۹	۷	۱۲	۱۷		ی	ب	م	ج	
۸		۱۴	۱۱		۲۲	ب	ی	ج	م
۱۵	۱۰	۹	۲۱		ج	م	ب	ی	

در یک مجلس این تمام را نود هزار بار بخواند البته اثر اجابت ظاهر

زانکه در نصیر کند اگر تا خبر در دعا
 شود بماند در کلمات غار بنان طریقی
 نماید و اسم مذکور را هفتصد و سی
 مرتبه بخواند عجزت در حضور عجزت
 نمودم اسم مجتهد فر حاجت شری
 در در کلمات غار هدی حضرت رسول
 صلوات الله علیه و آله و سائر گذارد در
 در کلمات حد یکبار هر سوره که
 خواند یکبار بخواند بعد از سلام
 ده مرتبه صلوات فرستد و سینه
 بگوید یا مستغفر الله العظیم و آریب
 از خدای نام طلب کند که بر او رسد
 ایضا چهل مرتبه حاجت در هر وقت
 از اوقات خوش که بیاید در وقت
 نماز حاجت بگذارد و بعد از سلام
 بگوید یا صلیب یا حضور
 طلب

حدیث مطهره و آقا

حدیث نبوی کریم

حدیث مطهره و آقا

تفصیل در بیان

تفصیل در بیان

تفصیل در بیان

رویی راست را بر سر زانوی راست
بگذارد و صد بار بگوید یا علی یا علی
تا دوازده روز بقیه آنکه در وقت
وقت باشد هرگاه نفس بر در وقت
بهم رسد عمل را از سر گیرد آنست
اللهم عجل لى الفرج
نماز قل اللهم عجل لى الفرج
و کلمات در وقت که بعد از نماز
سوره نوح خدا بخواند و ده مرتبه
اینها را که در وقت که در وقت
بعد از سبزه اش از کوع ده مرتبه
در سجده اوله بار و در سجده دوم
ده بار و بعد از سبزه اش از کوع
سجده ده بار و در وقت که در وقت
عمل کند بعد از سلام سه سجده کند
ده بار بگوید قال تعالی اغفر لی
و فی ملک لا یغیب عنی
لا یغیب

در بیان کلمات اوله

گردد و اگر مستبر نشود نوزده هزار نوبت بگوید در تحفه شش
آوردند هر کس خواهد که مستجاب الدعوات شود بی شرطی که کند
شد هر روز شصت و شش نوبت بگوید و در آخر این بخواند که
اَسْتَجِیْبُ دَعْوَتَ كُلِّهَا اِذَا اَبْلَجَ لَالِ وَاَلَا اَکْرَامُ هُوَ عَوَاتُ
مَسْتَجَابُ كَرْدُ الْوَالِیْنِ یعنی خدا کثرت داده است فضل و رحمت
و قهر عدل او در مسائنگان جمله است بر بندگانش
که عرض برکت این نام فایم است اصل تحقیق گویند هر کس خواهد
احصا اینتا کند باید که بکبر و حسد بخل را من جمیع الوجوه از
دور گرداند و آنچه دارد ببیندگان خدا بیعتنا نکند طعام
دهد تا خدا بیعتنا نمیشد و نیا و آخرت و کساده گرداند و جمعی از
اکابر گویند هر که خدا بیعتنا ملاذات باشد از قناعت نکند
و در جمع مال حرص باشد چون بدنام مداومت نماید مانع گردد
و بیکه اکابر فرمود هر که آمدنش تنگ بود و چشمش کند این اسم
بر نقره بر وزن نیکر نقش کند اگر میسر نگردد بر کاغذ نقش کند
و با خود باند و مداومت نماید صبحها روزی او را فریخ گرداند
و با سانه و سهولت با و رساند بعد از آنکه هر روز بخواند

هدایت کا جامع مکتب

مفتی محمد شفیع صاحب

کراچی

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَرَدِّ كَلِمَتِمْ بِخَارِمْ
 نَبْرَتِمْ وَبِخَارِمْ بَارِكُو بِلَا حَوْلٍ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 بعد از سلام بکنید و بیخ بار صلوات
 فرستد و حاجت خود را از خدا
 بخواهد که مستجاب کند و فریاد
 شد است اینجا از جمله است
 برای قضا حاجت در وقت بازده
 بعد از حمد در هر روز بگوید
 بار سو و فرستد بخواند و بعد
 از سلام ده بار بصد با و با اول
 مرتب صلوات فرستد و بعد از آن
 در سجده ده بار بگوید اللَّهُمَّ
 اقض عني بقضائك عن خلقك
 وده بار بگوید اللَّهُمَّ اقض
 عني بقضائك عن حوائجك وبقضائك
 عني بقضائك عن حوائجك
 عني بقضائك عن حوائجك

در سر کلمات حکیم

ذوال ترسد اینها مرا بسا خواند و زاد زان دست عظمت و
 ایت پیدا شو و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که
 جمله شاهرش و شورا این نام بسا گوید نکار اشا کرد داهل
 گویند که در این عجایب و غرایب بیجا است هر گز آنچه پدید آید از
 قبض و بسط و فرض و عزیمت تنگ معیشت در دینت و امت
 این نباید که مدد و منت بکرایم سنا نماید اصل حقیقت گویند
 خواهد که احصا این اسم کند اول باید که بان زاعراض نگاه
 دارد و در کارهای مخلوق داخل نشود و بداند که هر چه از
 اراده حضرت حکیم بود موجود گردانید و جمله موجودات را
 چنانکه میخواست آفرید و هر چه بفرموده عین حکمت است
 نمیشاید پس باید که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت
 حکیم حقیقت اشیا را بر او منکشف گرداند و دعوی این اسم
 کسانیست که خواهند در علم حکمت شروع کنند و آنچه دانند
 در نریاد او گوشند بدگر این اسم قیام نمایند هر چند پیش
 خوانند یا ده یا بنده را آنچه خواهند اینرا عدد معین بناخته اند
 چنانکه بنقل صحیح آورده اند که روزی مردی نزد حضرت نشست

در بیان کلمات حکیمانه

۱۰۲

آمد و عرض کرد یا رسول الله پند و ماذرم قدا تو باد قرص
 بسینا دارم حضرت فرمود این آیاتها را بخوان و روز و عدت تعیین
 نفرمودند بار دیگر آمد استدعا کرد که یا رسول الله و امم
 شد اما از مشاع دنیا هیچ نندارم فرمود تفرات همین آیاتها
 نماید از مکتب باز آمد عرض کرد یا حید الله شهنشاید
 و همیشه در راه مر عبدا و من همین آیات کریمه فرمود
 بر این گذشت باز بخند رسول خدا آمد گفت ای حکام و سلاطین
 میترسم فرمود همین آیات بر زنبق میزان و از هیچ فریاد میترس
 و هر امر مشکل که ترا پیش آید که در آن متخیر مانده در این آیات
 کن تا خدا بیعتا از بکرت ایضا نام بزرگ آسان گرداند و می
 که حکمت چه بود که این آیات فرمود و آیت دیگر ارشاد کرد اهل
 حقیقت گویند که معا پوشید در ضمن این آیات بیانات
 شرح این آیات آنچه میخواهند در جوهر القرآن است حضرت امام
 رضا علیه السلام فرمود هر که این آیات بخواند و ثواب الهی
 بروج والدین بخشد یا نیز اصحیحی در گردن آنقرنند
 مانند آیات کریمه اینست بسم الله الرحمن الرحیم فله الحمد

مطالب عهد و دست رفتن در عبادت
 شدن بر خصم در شب جمعه یک کلمه
 من از طلوع صبح و خیزد و دیگر
 نماز از شاخ بخاورد در رکعت
 اول بنزدان خمد و آقا نظر آید
 اخیر بخواند در رکعت دوم بعد از
 حمد سوره قل هو الله احد
 بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه
 صلوات بفرستد که انوار و عمل
 زنجیرش بوده باشد و بعد از آن
 هزار و یک مرتبه بگوید یا لطیف
 یا اعنک القوی علی کثیر
 چهل و یک روز و عدت صبر کن
 بیست و یک روز و ایضا آخر
 امام زین العابدین ثوابش که
 چون حضرت امام ابوحنبل را
 کار دشواری در
 عهد از او پرسیدند
 عهد از او پرسیدند

در سرمد بر کلمات حکیم

۱۰۴

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرُ
 فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمَخْدَرُ رَبِّ
 السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْعِظَةُ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمَخْدَرُ رَبِّ
 السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْفَضْلُ فَاتَمَّ
 وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمَخْدَرُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ
 الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ النُّورُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمَخْدَرُ رَبِّ السَّمَوَاتِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْمَلَكُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ وَشَرَحَ مِنْ آيَاتِ خُدَايْنِ مَخْتَصِرِ هَاهُنِ قَدْرَ كَفَايَةِ
 وَبَعْدَ شَيْخِ مَغْرِبِيكِ تَكْبِيرِ كَرْدِهَ اَنْدُو عَدْتَعِيْمِيْنَ نَكْرُو اَنْدُو
 اَوْلَ تَكْبِيْرَاتِ نَرْدِ اسْتَاذِ شَيْخِ اَبُو الْعَبَّاسِ عَدْتَكْبِيْرِ الْحَكِيْمِ
 مَا بَصْدُ جَهْلٍ بِيْجَدَاتِ اِيْجَكِمِ جِهَارِ صَدِّ جَهْلٍ بِيْجَعْدَاتِ
 عَدْتَكْبِيْرِ مَغْرِبِيْ بِالْفِ لَامِ مَا بَصْدُ جَهْلٍ بِيْجَعْدَاتِ
 بِنَايِ نَدَا جِهَارِ صَدِّ وَجَهْلٍ وَبِيْجَعْدَاتِ وَبِرِجْمُوعِ
 عَدْتَقَارِيْ مَجْمُوعَاتِ مَا هَرِجِدِ بِيْشَرِخَوَانِدِ اَبِيْشَرِ

الورد

امك جاش بال پو شيبك و دوضوه
 شا پنج بيلند نون جاي زيام خانه
 شکر و بچار کت نماز کردی و در
 رکت اول تعداد حد سوز اذان زنی
 و در رکت دوم اذاجاء و در رکت
 ششم فل با انها الکافرون و در
 جهادم فل هواتا حد خو امک و انکه
 دست بدعا برداشتی فان دعا بجای
 اللهم سقانی اشکات انی انک لطف
 اذا دعيت بها على انوار السماء
 اللقيح انفت واذا دعيت بها
 على خضرة انوار الارض للفسيح
 انفت وانما لك انما لك
 انفت بها على انوار الدنيا
 انفت وانما لك انما لك
 انفت بها على انوار النور
 انفت وانما لك انما لك
 انفت بها على انوار
 انفت وانما لك انما لك

هذا ما في رزميكي و در اجاي
 هذا ما في رزميكي و در اجاي

در سر کلمه بر کلام اول و

۱۰۵

۱۹	۲۲	۲۵	۱۲	۲۷	م	ی	ک	ح
۲۴	۱۳	۱۸	۲۳		ک	ح	م	ی
۱۴		۲۰	۱۷		ح	ک	ی	م
۲۱	۱۶	۱۵	۲۶		ی	م	ح	ک

الودوی یتمخدا یتمخدا دوست مطیعانست دوست
 داند هر دوست فرزان بزرگ و ایندانیست که خواوادم علیها
 السلام مودت زیاد میشود فصل حقیقت گویند هر کس خواهد
احصای این اسم کند باید که را حاضر و دست خالص و ابرویا
جانبند و تمامی اینها که مخلوق حضرت دوست اند او دوست دارد
و از راه عداوت کینه هیچ فریبگردد زدن نگردد حاضر و در
او را بخلق خود محبت و گرداند که هر که او را برینند دوست نماند
حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر روز جمعه از
الف زواج بر فرزند و یکوی بر خواند یا بر طعام و هر دو بخورد
موانست یبند یک از اکابر فرمود اگر کسی را دشمن قوی باشد
یا جمع دشمن میخصی باشد بمحرم دفع انخصم بزرگ چهل روز
دعوت این اسم کند بعد کبریا نعد و محبت مهبران گردد

علم محمد و آل محمد و آل نبی
 عاوردند بخلاف کف و عدم و نداشتند
 عاوردند الا آنکه حالت اوردند انور
 اصحاب چهارم
 وجع مطالب هر یک از این چهار
 شتر و عجب و جمعه و در کف نماند
 عاوردند در هر رکعت بعد از
 حمد سوره تسبیح تا بخواند مطالب
 از خداوند بخواند عجلت آنجا
 بجهت نضای حوائج مخصوصا مرض
 و عزت و طهارت و در کف و در کف نماند
 حاجت بگذارد و بعد از تسبیح
 گوید که از عظیم یاد و بخورد
 من کان یبذل العرة لله الیوم جمعا
 و بعضی در روز جمعه تسبیح
 کرده اند اینها
 نمازها
 چهار رکعت
 چهار رکعت
 چهار رکعت
 چهار رکعت

مقدّمه بر شرح عقاید و اصول

مقدّمه بر شرح عقاید و اصول

مقدّمه بر شرح عقاید و اصول

ما جنبنا بنسبتنا که فکر کرده ایم و غم
دردی علی الحوائج باشد با از کسی بخون
و این نماز واجب آورد و قدرش در این
شاهد است که از شش چیزی نگذرد
که از غم حاجت باید و باید بشکست
و طریقه او اینست که غسل از برای
فضله حاجت بکند و حاجت را بگوید
و چهار رکعت نماز کند بدست راست
اگر در جمع بجا آورد هر یک از این
دو رکعت اول بعد از حمد صد بار
بگوید و اقویست اگر در رکعت دوم
تصبر یا ایها الذی یؤمن بالله
بعد از حمد صد مرتبه بگوید و رکعت سوم
الله و خلقه و غیره بگوید و رکعت
بعد از حمد صد مرتبه بگوید الا الی
الله تصبر الامور

در شرح عقاید و اصول

باز در آنجا که از کابر در فضیلت اسم الودود الهجید
جو امر الفان آورد که جمعه جا و قدر و قوت و حرمت میان خلایق
و عزیز دملوک و سلاطین و گشادگی کارها و دفع غم و خردم
قوی و بختها بسته و برآمد حاجات و رفاهیت نعیم و صفا باطن
و جلا قلب و رفع و سوسه سودا و خصوصاً در آن بزرگ درد
آخر شعبان یا روز عرفه عید قربان یا روز جمعه غره ماه رماه که
باشد بهترین است که باشد یا بنعقد بخواند عدل کبیر و هزار و دویست
بیت و عدل است عدل و سیطه هزار و صد یازده است و عدل
صغیر هفتاد هفت است البته روزی عمل کند روزی در
وینک مجلس خوانند بخور بنوزانند و متوجه قبله ناستند چنانکه
سخن گویند چون روزی افطار شود و از عو حیرت آید لفظاً کند اما
سخن بنیان گویند چون از طعام و ناهام فارغ شو بعد از آن بخوانند
و با تمام میرسانند و صباح است آنچه تواند تصد کند هم ندان
هفته مقاصد بخوبی بیوند و از بزرگ این میر گویند عین خلاق
گرد و هم از داند که شخصی بود قطاع الطریق و نیز با کبرین
و ستاد خمر و عاق و الدین و کتاب که هر چه گفته غیر آن کرد و غلبه

در کسب مال و اموال

دروغ گفته و در اندای اهل اسلام کوشید و سزا بود
 نوبت بوی ملاقات کردم احوال میساکتم که گریه بر وعده
 گت بعد از خفته گفت ز خود من غایب کن گفتم اسلام اورد
 تا ترا کلمه چندین آموزم تا بان قیام نماز خداست تا از این
 ضلالت نجات بخشد کلمه عرضه کرد این نیز نوشتم و بتعلیم
 کردم تا سه روز این نیز حفظ کرد روز غره مار جب که جمع بود
 او را غسل داده بدعو این اسم را سا کردم و بنید بجهت پیغمبر
 هم در این سخن خوانده بودم چون تمام رسانیدم او را دیدم
 که در آدای حق و مسلمانان شروع کرد از هر کس که بجهت
 در قطع طریقی چشم برده بود من کوشیدم تا عوض باز دهد
 تا واقع قرآن او را در عرفان دیدم رنگ زرد و شاد و
 که در آن حال با او مصاب بودند هم رنگ او بر آمد در یکجا نشاند
 بر خلا بوی بچگ در افتاد اند و مناجات میکنند در یکا اشیاء
 زخم چون وی خاک برداشت گفت ای شیخ دیدم که حضرت
 بند خود را از برك این کلام خواند در مجلس سفلی بد جاعله
 مهرشاند تا شیخ بسم در میدهند انچه در ضمیر خلا بوی

در در کتب چهارم بقدر حد صد
 سینه بگوید تا آنجا که کتابت
 و چون سلام باند همدار با بگوید
 عفتانک ربنا و انک المصبر
 پس بر بجهت خدا و دست بردارد
 صد بار بگوید انستغفر الله و
 انوب الیه خود را از خدا بر نما
 باشد حاجت روا شود ان شاء
 الله ثم ايضا از اهل بیت عصمت
 و طهارت که هر کس در کتب غار
 زبید در در موضعیکه کی دارا
 هر کس می خرد یکبار در روز
 یکبار بخواند چون قانع شود
 انما زباید و سزاوارتر است
 و دستها را با نمان بلین کند
 و در ظاهر کردن نماند از
 و غیره

هر که در این کتاب
 هر که در این کتاب

هر که در این کتاب
 هر که در این کتاب

در سر کلمه مبارکه الحیب

۱۰۸

و چند کلمه بنیاد کند که مشکلات پزیند من زان حل شد او
دید صفا نا بجه که بقصوم نبود در میان خلا تو عرفا درآمد
و فریاد میکردند می گفتند او بود یاود و دوتا از میان انجم
پرو ز رفتند و بادیر پیش گزیده رفتند دیگر ایشان را
و اگر کچه ایند عو نتواند کرد با نیوز و صغیر که فصاحت
مد و مت نماید این کریم را شرح بسیار است در این مختصر بند
قد اخضا کریم تا بطویل نه انجامد ایریست انه هوسید
و یعیید و هو الغفور الودود ذو العرش المجید قال لیا
یرید المجید یغض خدایک و منیر است از کوفتن زمان و
مکان و نسید انار و بر گوادر هر کس بنیاید که آدم صغیر
عربی و علم آدم الائمة کلهای بیرکت این نام رسید هر
گویند هر که خواهد عو این اسم کند بید ما بمقدار که تواند
خدا را شفقت کند نفع رساند بچمت تا حصر خط او را بنی
بندکان مکرّم که داند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده
اند هر سالک را که قبض بود و دفع نشود در ریاضت طالب
مراتب تکرار این اسم ملاومت نماید بواب سیر و سلوک بر و بگنا

در

سوزن بر را بنساده تمام کند
چون بکن فلکون برسد بجه کن
و در جهان بگوید سبحان الله بید
فلکون کل یوم و الله یغفون
و بعد از آن صاحب خود را از خدا بخواهد
بخواهد نمود از سحر و جادو
باشد که صاحب دولت است
انجا اگر که و امتی که پیش آید
باوری بر آنک باشد و
و گفت نماز بگذاورد و در وقت اول
و گفت نماز سوره اخلاص را بخواند
بعد از حمد سوره اخلاص بخواند
تا و نفس آخر از بخواند
گفت دوام بعد از حمد سوره
اخلاص از اول سوره و نیت این
فضا را تا با خود بخواند از کوفتن
خواهد از برای قدرهای دین
انشاء الله امین

سخن و سحر

سخن و سحر

در کلمات البعث

و بجا از اکابر فرمود در میان اینها جنس خود هر که را اعتقاد
 نباشد و رد کرد هر روز بعد از نماز تا بامداد نود و نه بار
 این اسم را بخواند باد بر خود نهد بینه زفت و جا و طلب
 عزت هر که ترسد از علت برض و جدا و فخر و جاه و علم
 باید که ایام البیض و زه دارد و در این روز متصل
 بتکرار این اسم قیام نماید حسب اوقات او از آن فعل نگاه
 دارد و اگر بعلت گرفتاری بود خدا شفاعت او را صحت کرامت
 علی الخصوص از این علت الباعث بعضی بزرگانند
 هر نفس و تن مرده و بیدار کنند هر چیز زند این نام است که در
 روز محشر مردگان را بپیرکت این زند کردند اهل تحقیق گویند
 هر که خواهد عونت این بر اسم کند اول نباید که امر معروف
 نمی منکر لازم گیرد بندگان خداوند و با عت طاعت شوی تا
 حضرت ملاک اعلام مابین اهل مرگ او را زند کردند و در روز محشر
 او را سفیدد برانگیرند حضرت امام رضا السلام فرموده
 اند که هر آن مومنی که عقد شهید بود یا آنکه نفس خود را کشته بود
 و او را امر شدت خدا که بان قیام باید نمود هفت روز هر روز

هر طلب در صفت غیبی در روز
 رکت نماز بگذارد در هر رکت بعد
 از حمد و بار سوره ماعون بخواند
 بعد از هر رکت که تمام شد
 سی بار بگوید استغفر الله چند از
 عمل فایده شود سر لیکن عدد از
 خداوند مطابقت را بخواند الباقی
 الله را می شود واجب از برای
 نوبت در امر معین و غرض آنکه
 زنی با صاحب بخورد و در رکت نماز
 از حمد هفتاد مرتبه خواند
 احد در رکت دوم در رکت هفتاد
 مرتبه ذکر کند در رکت هفتاد
 هفتاد مرتبه ذکر سبحان و بعد از نماز
 هفتاد مرتبه از الله را بخواند
 که عزت و کلمه از
 هر نفس و تن مرده و بیدار کنند
 هر که خواهد عونت این بر اسم کند
 نمی منکر لازم گیرد بندگان خداوند
 حضرت ملاک اعلام مابین اهل مرگ او را زند کردند
 او را سفیدد برانگیرند حضرت امام رضا السلام فرموده
 اند که هر آن مومنی که عقد شهید بود یا آنکه نفس خود را کشته بود
 و او را امر شدت خدا که بان قیام باید نمود هفت روز هر روز

شرح کتاب العرش

با بگوید در مربع نوشته با بنظر تق ندباز و بنده بگشاید

۱۴۲	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۵	۱۵۱	ث	ع	ا	ب
۱۴۸	۱۳۶	۱۴۲	۱۴۷		ب	ا	ع	ث
۱۳۷		۱۴۲	۱۴۱		ع	ث	ب	ا
۱۴۵	۱۴	۱۳۸	۱۵		ا	ب	ث	ع

و در نظر هیچکس خجل نشود و یکی از کار فرموده هر کاردل مرد
 بود از غفلت هوا و هوس و سوسن نفس و خیالات فاسد
 حرص جمع کردن دنیا و فراط شه و شکر از این اسم اعظم بدو
 نماید خاصه بوقت خواب است سینه هفتصد بگوید
 اسم حق تعالی او را مطلع نوار معرفت خود گردانند دل مراد او را
 بمعرف خود زند سازد و حیو و معبود دانست شیخ مغرب
 که دعوی این اسم بجز صفای باطن و گشایش ملوک و دفع سوء
 شیطان هر روز بعد تکبیر بخواند عدد تکبیر شیخ مغرب
 ابا عت هزار و بیست عدد است و عدد تکبیر شیخ ابوالعباس
 یا با عت سه هزار و پانصد و هشتاد و نه در این هر دو بزرگ عدد
 تکبیر با عت هزار و هفتصد و نوزده است و قاری حقیر است هر عدد

دیکتیز

که از کوز غنچه کبریا کس با موز و نوا
 انحصار از حضرت پیغمبر و اولاد
 که هر که روز جمعه بخواند در رکعت نماز
 مثل از نماز جمعه بگذارد در رکعت اول
 اول بعد از حمد بلب با بر سوره اول
 و بازده و سینه بنویسد و در وقت نماز
 سینه با از زکات و بازده و سینه بنویسد
 و در سینه بلب سینه بکار و بازده
 و سینه بنویسد و در چهارم بلب با
 نفس بازده بار و سینه بخواند و
 بعد از فراغ حاجت خود را از حاج
 انجان از حضرت خاتم الانبیا
 مؤید که هر که را استخوان در دست
 که از چاره آن حاجت باشد در رکعت
 نماز حاجت بکند و ده و سینه بکند از
 فرزند

حضرت خاتم الانبیا

حضرت خاتم الانبیا

شرح کتاب التَّهْدِي

و کیفیت که خواهد بخواند التَّهْدِي یعنی خدا تعالی آگاه و
 بدینا است بر همه چیزها اندک و بسیار همان اشکارا این نامی است
 که طفلان از در سنم مادر بطبیعت این سعادت میدهند اهل
 تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که هر چه گوید
 راست و کلمه الله را از هیچ کس دریغ ندارد و از هیچ کس ترسد و
 او را گواهی باشد در محل خود راست کند خود را محل میل و
 کمان قرارند خدا حاضر الله تعالی او را در روز موعود سفید
 حشر کند و بنای وی گواهی دهد بیکه از اکابر فرموده که روان
 یاورند تا یکیزک ماکر دیگر اطاعت نکند هر صباح دست بر
 او نهاد تا مو پیشانی او را بگیرد و بپوشد و یکبار بگوید یا شهید
 حتما آنکس را مطیع و فرمانبردار او گرداند و بلطف و صلاح با
 او را آفریند یعنی خداقت و هسته و بدست و سزاوار بجد
 این نام است که یوسف ببرکت این نام برقیفو واصل گشت و مو
 برادر خود بزرگوار این نام رسید خاتم سلیمان بزرگوار
 این اسم فریاد و نوبت و قیم بخت سلطنت است و بفرست
 این نام مملکت بر او قرار گرفت اهل تحقیق گویند هر که خواهد

بعد از این که در این
 مینهد در میان نماید و حاجت
 خود را خواهد یاد زد بل در زمان
 و به هر چه گوید بیضا می
 پس در بعضی دستها را بلند
 و بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
 العلی العظیم ایاک نعبد و ایاک
 نستعین اللهم کف عینی
 یا ابن الاربین کفر و انا انشد
 یا نشاء انشد تنکلا و بعد از
 دست را بلند کند که ببردی نعم
 دفع در نماز با وضو
 بجا صد غصه و قطال کلمه
 روز عجبش را در روز دارد و با
 غسل صد مرتبه غسل و آب میسند
 در رکعت نماز حاجت بگذارد
 در هر رکعت بگوید

هر چه مطهر بود در روز
 هر چه مطهر بود در روز

هر چه مطهر بود در روز

هر چه مطهر بود در روز

شرح وافیاء کبری

احصا این اسم کند باید که اول بداند که تجسیم و تکویم مرغ غریب
تعا را جایز نیست و استعا و امید از هر کس باطل است و هر کس
لو جو رو بجای زد تا خدا بیعتا دیدل او در توره و حضور
بخشد که در هر چه نظر کند خصما را مغاینه مشاهده کند
یعنی بجلی نور حق را هم بنور حق ملاحظه نماید خصما نام و ثنا
علیه تسلیم فرمود اند که نیم شب بخیر و وضو سازد و در
تماز بگذارد و دستها خود را بسو او منهارند دارد و صد بار
بگوید یا حق بر اینند آ وقت نما بد دل او نورانی گردد
بعضا ما بطرف جلا قلب بخانه رسد که ضمیر الناس بر سر
منکشف گردد و شیخ متعز فرمود که هر که را لیس ضایع شد
باید نامند حصوان دار بداید که نام پنجیم کوشه کاغذ
بنویسد در میان قلم خود بنویسد و یک از بزرگان عکر
این فرمود یعنی بر چهار کون کاغذ حق بنویسد تمام ضایع شد
در میان صفی چون نیم شود با طهارت تمام آن نوشته بر کف
نهدد و بجانب همان کند چند آنکه میتوانند اسم یا حق بگویند
و اگر نوبین چند مدومت نماید خصما انقاپ شد بویازند

بازنده و منیاب از اکثرین بنیست
پیچ با نقل مؤلفه جوازند و بعد از
سلام بلافاصله چهل دلیل بر او بار
بگوید یا و ثانیاً دعا بخیر کردن
اغذ کند از اندیشا صبیح الایمان
انصافاً بخیر و ثناء ما جانان خد
بختیسه چهار رکعت نماز بگذارد
بد سلام رکعت اول بقصد او خد
بافند بار سوره اخلاص رکعت
دوم دو اذنه بار سیم سینه
بر چهارم چهارده بار جوازند
بعد از سلام پنجاه دلیل بار
اخلاص بخواند و پنجاه دلیل بار
مکوا نبرسد پس حمد کند و در
صد بار بگوید یا الله
و حاجت خود را بخواند که
انصافاً نفعی است که
مکریا

فایده

تفسیر

در کتابها الوکیل

یا عوض آنچه که نیکوتر از آن باشد بود مانند اگر آنچه
 غایب شد این عمل کند و از باد بیاورد بزر بود بدست او و خوا
 اسما حضرت عزت هر چه در حق است در آخر کتاب نوشته
 شد انشاء الله الوکیل یعنی خدا پیش بر ندا نپذیرد و
 است وکیل کشته است مریدگان سوگن را این نام نیست کتبت
 سینما از برکت این نام در هوا میرفت کشته نوع از طوفان
 یافت متن بر همین ز آتش سلامت شده از برکت این نام بود
 اصل محقق گویند هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید
 که اعتقاد بر خدا تعالی کند کفایت تمام مخلوق را از حضرت
 وکیل داند که در کلام مجید فرقان چند از دست که گفته
 یا لله وکیلا و شیخ احمد تمیمی در شرح کبیر آورد که در هیچ
 شمس است و شش را بخواند کفایت کند دعوی این سنا کس
 است که ناسپا و وسوسه برایش آغالب باشد و در طلب
 مصطر نباشد علی الدوام درنگ و بود و سرگشته اند
 اگر آنچه که بدین پیام بجا و دعوی این اسم چنانست که عد
 این اسم شصت و شش است موافق عد الله باید کنضر کند

خارجی باشد از مقوله در ملک نشود
 دعوی عزت با انکیلا اگر نیاز باشد
 از قبیل نعمتی فاقه و خصلت با خبی
 جهانی در در خان شمس هم در دست
 از شب بر خیزد و در ضوی کامل
 گویی در در کت نماز صاحب بگزارد
 هر سوره که خواهد در صد تکرار
 صلوات بر سیدنا و آل سیدنا
 بل و بار بگو بدین
 اللهم رب العالمین
 و طلبت ان لا تغفلوا و بدو خواهند
 این عمل را در سه جمع بخواند
 که خلف ندارد و در هر روز
 است اینصفا هر که در این عمل
 نماید نماز پنجگانه در کت نماز
 حاجت بگناید و نماید از خود
 کت سوره میزند
 بر هر روز

هر روز در هر روز
 هر روز در هر روز
 هر روز در هر روز
 هر روز در هر روز

شرح کلمه الفی

صدا هوشنت شود هوشنت شو بر بینی که چند
 عد پیشونه روز هر روز بانقد بخواند بشرط صورت
 و خلوتها بیجا او را از انوشونه بیجا بخشد ضمیر محرابیست
 حنا که دم عد نوشنه در نینه روز هر روز چهار صد و
 شش باید خواند چون در این آیام با بنعد بخواند دیگر بخند
 همنار اگر تواند شصت و شش بخواند اگر نتواند بعد
 نما باید هر روز پیش از آنکه سخن گوید شصت و شش بخواند همین

۱۶	۱۹	۲۲	۶	و	ا	ی	ا
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰	ی	ل	و	ک
۱۱		۱۷	۱۴	ل	ی	ک	و
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳	ک	و	ل	ی

۱۲ الصوب یعنی خدا تواناست هر چه خواهد این نام است که فرعون
 و شد او غیر فد علیه السلام سببت این نام فلال شده
 اهل تحقیق گویند که خواهد حصا این اسم کند اول تا
 که خود را و تمام مخلوق را از قدرت حق ضعیف و خیر
 منسکین دانند خود را چنان اعبا کند که خاکسار در حق است

مذ

بخواند و بعد از آن تمام نماز صلوات
 بگیرد و خواهد شد از خدا نجات
 و چون از برای فضا سوایچ نماید
 که بسیار از بزرگان در این میان
 اقامت کرده اند و او را مؤثر یافته اند
 و از حیانت که فضا را مخفی است
 جمع بیفایم خلوت رود و در وقت
 نماز صاحب بکند و در کفر اول
 بعد از نماز اول سوره انفاس تا آخر
 یعنی یا ایله کتنگه قوت بخواند و در
 و بعد بعد از آن در هر روز در وقت
 دو هم بعد از نماز اول بخواند و
 فرادی گمانا با خیر خود بخواند و
 نمودن بخواند و سلام از آنگو بد
 بعد از آن هزار صلوات بگیرد
 و دعا کند و حاجت بخواند

همین نوع و کس و کس و کس و کس

نوع فضا و حال

شرح کتاب البر القوی

سند با دافناده تا بهر سو که اراده او است او را میزند هیچ
 اختیار ایشانند از دقت خوردن و پختن و کسب و کفایت
 اعتبار نکند تمام نیست نگاه او را خضر قوی مدبر غلام
 اید شیخ بود و شیخ مغرب چه بگوید این متفق اند که هر کس
 دشمن تو باشد او را در پیش قهر خصم مضطر باشد بیار
 قدر از دو خیره کند و هزار دینک گویه بسا و بهر این یکبار
 اسم بخواند اینچهار اسم را با هم بخواند اما باید که در زمین یا آید
 و در دل وضع دشمن کند و از دست خفتند دشمن را قهر کند گویند
 انعمل بذاکر این اسم مداومت نماید بعد یکپدر دشمن هلاک شود
 و اتباع او ناچار گردند گویند خواجہ نصیر الدین خود را در
 هلاک و حقه حلقا عجا این عمل کرد و از فتنه اینچفت اهل طریقه
 گویند هر که بد نفس نامه کرده بود و سوسه شیطان
 بدفع آن اینچهار اسم اعظم از وقت طلوع صبح تا ادی قهر
 نماید و بعد از تمام نماز طلوع آفتاب بذاکر این اسم اقیام نماید
 بیعد خصم او را غالب گرداند بر شیطان و در چین
 سلوک مسالک و ذکر این اسم غافل نباید بود انقاد

کتابت کردیم در شهر...

محمد هاشم...

محمد رضا...

الشیخ با جان مغرب ذات الکریم
 میان دروان طلب بعد الشرفین
 باشد در این جهت سخت تا بپوش
 منعی نماز کن فیکون کثیرا
 عیالات و بیار عجزت
 و اگر خود را با حفظ ندانست
 از روی فزان بخواند از آن
 اینچهار اسم را با هم بخواند
 خست کند در رکعت نماز
 کند و صد مرتبه صلوات
 مبارک بر آن حضور قلب این دعا
 یکصد بار از دعا
 طلب حاصلات و بجز
 نسبت داشت بسبب ما من الله
 التوای التلی الی قیام
 التوای الی قیام
 التوای الی قیام

شرح کتاب الهمی

المقتدا القوی القائم وهم شیخ فرموده فکر ملاحظه
 نماید که این اسما بعد کبیر حمل روید پیدا و ذوق
 وقد روتوانا در نفس کندان غالباید بر هر چه
 و سر عیب در خواص این اسماست شرح آن در وصف نماید
 و ضار دعوات این اسما از مکاشفای عالم غیب است و این اسما
 گرفتند و دعوات این اسماست تا فصل دولت و صلاحین که از
 زوال ملک دولت مندند دعوات این اسما تو صد شاد و
 بعد اسم و اما بعد کبیر باید خواند هر روز یکبار و در هر یک
 محل خواند و مباحط طوع صبح دعا و بر این اسما اولیست خواند
 این اسما و اگر چه اسم داد در مرتبه نهاد ما بنظر حق با خود را

۲۸	۳۴	۴	۱۴	موجز	ما	ق	ر	ی
۲۸	۱۶	۲۶	۳۶		و	ی	ما	ق
۱۸		۲	۲۴		ی	و	ق	ما
۳۲	۲۲	۲۰	۴۲		ق	ما	ی	و

هر کجا از نذ این نوع مجادله کند مقهور گردد و اگر با دست
 باطل فرود بشیر فرودید بر شفته علم روز و هیچ لشکر

بااد

عنه شیخ شاد و کلا این اسما
 و سلامتی بجا بیاورد و بار
 در فقر و بیکصد و بار
 بخوار که مجموع هزار و بیاض
 بخوار و مجاز میشود و از این
 فخر و فخر و دفع حسرت و غم
 قلند و بی طرف شدن چنین
 و بی نوازی و زمام دین دولت
 بهم رسیدن و سف و نیکی
 اغدا و هلاکت ظالم و اهل
 و ضعیفان دنیا بجز آنجا
 بعضی از علماء و شرح این
 دیگر که بعد که بجهت
 نضت شمس و بجز
 و

عنه شیخ شاد و کلا این اسما

عنه شیخ شاد و کلا این اسما

عنه شیخ شاد و کلا این اسما

شرح کلمه مبارک

و منت بار ذکر که ع و محمود را
 مکرر نماید بحقیقت و انصاف هر
 در نصف شب و شنبه و دو کلمه
 نماز کند و بعد چون رود در سجده
 صفاد با زبان بگوید یا قناب یا انکم
 باید در هر ماجی که خواهد آورد
 خواهد شد البته انصاف بجز خدای
 خواج و انجلیع میسازد و عاقبت
 دوازده روز هر روز در وقت حاجی
 کرد و سزاها او بود و آرزو
 باشد و گفت و خاویز دوازده
 و گفت نماز بگذارد و بخت حاج
 و در هر کعبه بیاید از خدای و از
 و در هر کعبه بیاید از خدای و از
 منبیره قل هو الله بخواند و
 صد بار سلام فرارد و در وقت حاج
 بگوید یا بلیغ العجايب یا بجز انچه
 و مکن اتفاق افتاد
 که در میان

عمر رضا حویلی

عمر رضا حویلی

محمد سائو زانکند

عمر رضا حویلی

این شرح در ظرف سفید با طبع چینی یا ابکیسه بکش و غفران
 نویسد و آن آب ریشته کند و محکم نگاه دارد و هر روز از آن
 قدری بزرگ دست کند و بر و نالد هفتاد و هشتاد باشد و در آب
 روان بشوید و در کارها او پیدا شود و در دنیا مردم با این
 گرد و این آب هر گشت زرع که رسد خدا بیعبارت جمعیت
 ثمره زیاد گرداند زمین که دخل که دهد اگر از آن آب ریشته قدری
 با باغ زیر چند برده دهد که منصور زارع نباشد هر که از آن
 قدر بر روی نالد یا بخورد قبض و بفع استبداد یابد اگر عورت
 بدشور زیاد از این آب در شر او داخل سازد ناسا بار دهد

۱۲۳	۱۳	۱۳۶	۱۱۰		م	ت	ی	ن
۱۳۴	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۲		ی	ن	م	ت
۱۱۴		۱۲۶	۱۲۰		ن	ی	ت	م
۱۲۸	۱۱۸	۱۱۶	۱۳۸		ی	م	ن	ت

و اگر مجوس بیست بخواند بخواند باید دعوی این است که کلمه است که
 در نوکل است و نباشد این اسم هر روز بعد تکبیر بخواند و بیست
 است و اگر دو عدد تکبیر و امین بیست و بیست و بیست و بیست

شرح کلمه اولی

حقه از فرض اگر زد کند فرزند یار عدب بخواند که اینست که در
 و اگر طفل از شیر باز کند خسترتواند کردن این اسم بر خورد
 خوانند بدان کودک دهند با خود ضایع گرد **اولی** یعنی
 خدا اینکوزانند دوستا و بندگان پاکیزه اعتقاد بخند دیگر
 خدا دوست دارند و نشا و این نامیت که تحت خلائی در
 در 4 مؤمنان حضرت این نام فرید میگردد اهل تنجیب گویند
 هر که احصا این نام کند اول باید که بیاهمت اغضا و جوارح
 امر خدا باشد امر خلاف حکم حضرت عمر نکند و دستا
 مطیع خدا خود را دوست دارد و با همسینا تحت و زرد و بدام
 از همه کس بر و زرد تا اول متعاد در دنیا و آخرت ناصرو باشد
 این اسم مناسب کنایه است که چشم از نامحرمان نگاهت نباید
 این اسم قیام نمایند هر روز در مسایبها و هفت بت بخوند
 بعد هر نماز و اگر کسی عورت سلطه باشد یا کسی بد بان این اسم
 حد حضور ایشان بکند آهسته بسا خواند خدا تعالی ایسانرا
 نیک خدا کر که بعد هر نماز چهل مرتبه بخوند حضرت
 خلق دوست مهربان او گرداند و حضرت امام رضا علیه السلام

در زمان طلب یاد ده است و
 مانده نام راه تعلیم یاد آید
 لفظاً آنچه در کتب مذکور است
 در فضیلت در هزاره بسند و
 در چهار بار بگوید لا اله الا الله
 شکر طلب از کتب الظالمین
 از برای فضا حاصل کرد و
 بگذارد و در کتب مذکور
 غیب آتقی جمعی
 القادر القاهر الکافی
 بر ادعای غیر بنده است
 نصیب بر خیزد و در کتب
 حاجت کند و بر یاد و
 نه مرتبه بگوید ماشاء الله
 از حاصل شود و انصاف
 از اختلاف و انداخته
 هرگز

حرفه نصابی صحاح

محمد انصاری

محمد بن محمد

محمد بن محمد بن محمد

شرح کتاب کمال الحیدر

که اگر سلطان یا امیر از کسی در غضب باشد خواهد که تفسیر
 این کندی اینک از خوانین هجدهم خواهد که مطیع خوگردد اندازد نام
 ما اکرام بزرگه یا میو بقول شیخ مغز سز عدت کسیر یا و کوشش
 صد یا زده نوبت بقول امام رضا علیه السلام چهل شش نوبت
 و جوان گل بیوید نزد او غیر زگرند یا میو را بخورد خدا تعالی
 او را رجم میبیرا گرداند انشاء الله تعالی و باید مشک نیاید و با ببرد

۱۱	۱۴	۱۷	۴		یا	و	ل	ی
۱۶	۵	۱۰	۱۵		ل	ی	ما	د
۶		۱۲	۹		ی	ل	ما	و
۱۳	۸	۷	۱۸		و	ما	ی	ل

الحیدر یعنی خداست و بذات خویش بسبب گریستار و
 بر شدنندگان و هشد امیریدگان این نام نیست که زیبا ق این ایما
 بانه بپرکت این نام میگوید اصل تحقیق گویند هر که خواهد
 احصا این اسم کند و نباید که در زبان خود را بجد حیدر
 و ذاکر سازد و عجب صلحا و خاندان کرد در حضر امام رضا
 فرمود انداخته دفع سفاقت خود یاد بگیر بنویسد و هر که تو

کلامه

فاجبی باشد در صبا خشنه
 بر بنان طاعت دو رکعت نماز و کلام
 و در هر رکعت بعد از حمد سوره بقره
 و از این قدر و از بزرگترین بیخ آیه
 الفلن ان ان فی خلق السموات
 لاکلمه انک لا تخلف الیاماد
 بخواند هیچ نسیلام دهد شیخ
 فاطمه زهرا بخواند و گویند مولا
 مولای انقطع الوباء الاینک
 و فاطمات الامال الاینک فاشک
 بالیوم محیی من صبح و انجیب قلبک
 من صبحت که الیوم عینک ان
 فصلی علی محمد و آل محمد و ان
 فنیق ما جی من طلت را بخواند
 که اکثر ما صل است کما جی
 هر حاجت بعد از نماز صبح دو
 رکعت نماز حاجت
 کلامه

کتاب کمال الحیدر

کتاب کمال الحیدر

کتاب کمال الحیدر

شرح کتاب التاج

بفرماید که آب میخوردند از دوازده آب ایشاندا متصل و قول آن
 و برود و عوارض این اسم منافق را آن و فخر گویند اما است
 شیخ فرمودند هر که عورت یا کنیزک زیاد بخورد که زندگانی نبرد
 صلاح بینکتابی کنند منع ایشان فاد ز نباشند پس نهی است
 بر طعام میخوردند بد ایشان میدهند تا میخوردند حصصا ایشان را
 بصلاح باز آورد و هر که فاد نیست زبان خود و بنویسد فخر
 میگوید هر که میفکند از قول و فعل او اندر خلاصه برسد
 و خون نیز از آن پیشا میسوزد اما ضبط لطول خود میتواند کرد یا
 حاکم یا نیز کبیت و مردم از نقل خاطر بخندند و میگردند
 یا غیر این مع بر کرد که آب میخوردند بنویسند اگر این نوع بر طلا
 نقش کرد هر طرف آب اندازد و در آب از آن آب میخوردند دل زبانی
 و غیر صلاح ایشان خفت از وی و در بنیکو مبدل کردند
 الفلوز زبان و از خود شناخود چار ساند و تر خلاصه بر برکت
 کرد و هر که بملکت این واسم لوی و التجدد مستعد
 بعد تکبیر اینک اسم بیاندازد و چهار صد مرتبه صد است و بیجا
 و الف لام عد تکبیر چهار صد و بیست و دو بار پیش و خوانند

و منطلق از در دل ضد نما بود
 نمون و در کوع و میخورد و اطولانی
 کند و بعد از سلام پیشانی را
 بنهنگ گذارد و یکصد بار گوید یا
 موی که از آن صورت راست را بگذارد و
 یکصد بار همین کلمه را گوید و بعد
 صد و پنجاه بار بگذارد و یکصد
 بار را گوید بعد از آن پیشانی را بگذارد
 و یکصد بار در جای خلوت و بیچار
 و بنهنگ نماید که در آن کلمه یکصد
 از خداوند بخواند بیست و چهار مرتبه
 است و از چهار صد است که خود این
 خبر خبر کرده ام و بسیار همین
 اسم که حضور علی نام
 زندگ

حذر مطلق صاحب
 حذر مطلق صاحب
 حذر مطلق صاحب
 حذر مطلق صاحب

در کتابهای اکتساب الحصر

کند پیدا آید درناجین اوصافه و خاصیت که بدان دوستی
 گردد و پندار عهد خود گردد و مذکور زانها شود و معز
 امر و روزا و سلاطین و عوام شود و او را بود قبول دهنها و مشهور
 دوزگار گردد و غم ببرد و راه نیابد و بایم مسرور باشد شرح

۱۵	۱۸	۲۱	۸		د	ی	م	ح
۲۰	۹	۱۴	۱۹		م	ح	د	ی
۱۰		۱۶	۱۳		ح	م	د	ی
۱۷	۱۲	۱۲	۲۲		ی	د	ح	م

الحصر یعنی خلد اناست بر علم هر چه اینست که پندار
 نامها خود نیز برکت اینست خوانند خوانند اصل تحقیق گویند
 هر که احصا این نام کند اول باید که علم برکتها و خویشتن
 پس و بخشد و دست زد و ملازم و مطیع حضور عزت
 تا او را عالم بر خواص اشیا و مخلوقا کرد و نماند و بکار از او
 هر که وز دست او و در جمیع ارض و بجا و بیج نوبت بخواند حنا
 قیامت بر و ساگرد و خضر نام رضا علیه السلام فرمود که
 شب جمعه هزار و نایصد بجا و بیج نوبت بخواند و در آخر حنا

از آنجا که ظاهر شد این کتاب
 هر مطلبی در کتب نماز حاجت نگذار
 بعد از چهارم در میان این پنج خواند
 اقل لطیف بیاید بر روز من
 کتبات و هو القوی فی القریب چون
 سلام در فل بریا بسند و بکصد
 و در بار بگویم باللطیف و ناید
 چه کند و حاجت را بخواند که
 بجا بماند مغرب ز خواهد شد و راست
 روز صبر کند اگر تا آخر در حاجت
 واقع شود باز در کتب خواند
 طریقی بگناید و اسم مذکور را
 دست بر بجا بخواند و بکصد
 گوید من خود بخیر کردم این
 هر که که کتب حاجت باشد در روز
 چهارم و پنجشنبه را در روز بلا و در
 روز جمعه قبل از
 قوال

عقد و طلب

عقد و صبر

عقد و صبر و قضا

عقد و حاجت

شرح کتاب الابد

۱۲۳

و سهولت گیرند اما اگر کسی در دوازده روز در روز یک بار و با قصد
 نیاید و نیت با این بخواند اگر حتماً نماند که بود و نیت از عهد و پیمان
 تواند آمد بر و اسان گرد و دعوی این اسم و کتاب است که در حقا
 عاجز باشد عدل تکبیر این اسم مفید بنجاء و چها و بقول
 شیخ هزار و یکصد و این عدد کبیر است و شد چهار روز با نیت
 خواندن سیاد دفع شود و هر چه بشنود یاد گیرد در حنا غلط نکند

۲۶	۴۲	۴۸	۲۲		ح	ص	ی
۴۶	۲۴	۳۴	۴۴		ح	م	ی
۲۶		۳۸	۳۲		م	ح	ی
۲۰	۴	۲۸	۵		ح	م	ی

۱۲۴ یعنی آفرینید هر چه در علت حاجت این نام است
 کار و احوال و اصلاح بی رحمت این نام در می آورد و تمام عقوبت
 هر که خواهد حصا این اسم کند اول باید که مختصر را آفریند
 و در شبا و خلا تو انداخته بعد بقصد کامله او را از بلیا
 و نیکباید و در دوازده حضرت امام علیها السلام فرموده اند هر که
 شروع نماید رکات اول باید که این نام با اکرام و نیاید و شروع

بعد از غسل در کتف با نیت
 حاجت بکند در هر رکعت بعد
 از جمله یا زده سه مرتبه در رکوع اول
 بگوید یا زده سه مرتبه در رکوع دوم
 در رکوع اول و بعد از رکوع دوم
 سه مرتبه یا زده سه مرتبه در رکوع اول
 تمام نماید و بعد از فراغ نماز
 او بفرستد در حاجت خود و از
 خداوند بخواند که حاجت خود را از
 از بسد کافات مضمون است که
 چند کبی اشکلی پیش آید و در هر
 نماز بکند در بعد از آن سه
 صد بار یا زده
 بخواند

شیخ کا کتب اللمعة

بگوید از سر تعظیم بعد از آن بد نکارا اقدام نماید لب تسمی تمام
 رسد شیخ فرمود هر که طالب فرزند باشد بد کرامت اسم قبا
 نماید دایم در دل خواند و صحبت با جلال خود و اگر زن شود
 مرد و مدد و منت نمایند حضور عزت ایشان از فرزند صالح کرامت فرماید
 و اگر از فرزند حامل رسند بیترجیح را بر لوح عقبی یا بی نظر نفس کند
 و بارشیم سبز خود در گزند خوبند و در انگشت شهادت را بر کرد
 شکم زن برود و اگر شوهر حاضر نباشد بد یا برادر غسل کنند
 و بد یا بی عمل قیام نمایند چون نماز ناما در بگذارند و بعضی بر جا
 نماز نشسته درود بر روح حضرت صلوات الله علیه فرستند
 و نود و نه بار این اسم بخوانند یا در حامله در مکر روز نایب نفس روز
 چنین کنند آنچه در شکم این بی غیره بود خدا بی عاقبت اینز و سالم کند
 حامله بد کرامت اسم ملا وقت نماید با سلمه وضع حمل شود و اگر مرده
 بود و ز بیم حمل او ضنا می شود یا حامله نمیشود و متوجه کند کنیم
 بد کرامت این اسم ملا وقت نماید بد کرامت و این لوح عقبی ناخود دارد
 اگر میسر نشود بر طلا و اگر طلا نیز بیشتر نشود بر اطلس شیخ پاکانند
 نند نویسد ناخود دارد در فرزند کرامت کند تا مادام نباید خواند

ملاز

اللمعة هملا و کلمات شون
 الله سبحانه و تعالی
 العظيم الكبير
 دعت به رحمته و اذا لم تفلح
 اعطيت ان تقضى حاجتي
 اعطيت ان اعطيت و
 اعطيت ان اعطيت و

عقودت بل صحت

عقودت بل صحت

عقودت بل صحت

شرح کتاب الاعداد

۱۲۵

تا از نیکات محفوظ ماند در پنا خدا باشد و لوح اینست

۱۳	۱۷	۲۰	۶			د	د	ب	م
۱۹	۷	۱۲	۱۸			د	م	د	ب
۸		۱۵	۱۱	۲۲		م	ب	د	ی
۱۶	۱۰	۹	۲۱			ب	م	ی	د

۱. **المعید** یعنی خدا تا از نیک چیز فانی و ناخیر شد مرده
 زندگیا با اول حال خویش بر نماند که روح بدو قفسه و از برکت
 ایندنا بیدنها داند اصل تحقیق گویند که خوفند که اجساد
 این هم کنند باید که خدا تا از او بریند و زندگ کند و میرزند
 و من و در حق او معتقد بود بر آنکه **مخرج الحی من البیت فی نزع البیت**
 من الحی صفت است تمامه و زندگ است جلوه و وجود و تمامه
 کند با انظار صده که صفت ندرد و از فیه خود در پیش خدا
 فایده شود تا خدا بیعت او زندگ جاوید گرداند بقا ابد و رضوان
 اکبر که است فرماید حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که
 که هیچ چیز از او قوت و غلبه نگیرد این بود و می نماید هر چند در
 طرف خانه خود هفتاد نوبت گویند یا معید اندر تمامه آن خانه را

است با اول سن جدید کرد
 در بقیله این دعا بخواند تا لایق
 آن است تا قطع الزام او را
 هفتاد و پنج بار که لایق
 از زنی که از او جدا شود
 در دو بار که از او جدا شود
 این عمل کند در شب جمعه
 تا از نیک چیز فانی و ناخیر
 زندگیا با اول حال خویش
 بر نماند که روح بدو قفسه
 و از برکت ایندنا بیدنها
 داند اصل تحقیق گویند که
 خوفند که اجساد این هم
 کنند باید که خدا تا از او
 بریند و زندگ کند و میرزند
 و من و در حق او معتقد بود
 بر آنکه مخرج الحی من البیت
 فی نزع البیت من الحی صفت
 است تمامه و زندگ است جلوه
 و وجود و تمامه کند با
 انظار صده که صفت ندرد
 و از فیه خود در پیش خدا
 فایده شود تا خدا بیعت او
 زندگ جاوید گرداند بقا ابد
 و رضوان اکبر که است فرماید
 حضرت امام رضا علیه السلام
 فرمودند که هر که که هیچ
 چیز از او قوت و غلبه نگیرد
 این بود و می نماید هر چند
 در طرف خانه خود هفتاد
 نوبت گویند یا معید اندر
 تمامه آن خانه را

در کلمه بر کلمه بعد

ساله دارو اگر غایب شده دارد بزود بوطن نباید حضور شیخ
 فرمود که اگر کتبه غایب دارد و از او خبر ندارد شب و روز شنبه
 و پنجشنبه چون مردم آرام گیرند بر چیز غسل کند باید که روز
 پنجشنبه صدقه داده باشد و کتبه نماز یکدرد در سینه
 کند یا معین صدق پنج و پنج ناری بگوید در هر رکعت خائمه هفتاد
 دیگر بگوید دست دارد و عقول که تواند بگوید طلب غایب
 کند چون در این مقام نماید بزود غایب یا خبر برسد از چگونگی
 احوال او مطلع گردد و هر کس که بدعوای این اسم مدعا نماید چهل روز
 بعد کبیر که هزار و یکبار راست یا بیست و یکبار که مع صدق و مؤثره
 هشتصد عد است که باید خواند اما اگر بید تکبیر خواند در
 هر شب از روز ده عد تکبیر باید خواند که هشت هزار باشد
 بود در میان صاحب دعا و اسماء الله تعالی منزلت کند عاقل از
 در یافت آن عاجز باشد این اسم باید بخواند خواص عجیب دارد
 میان عوایر صاحب نظر هرگز در مشایخه دعوی این اسم کرده اند
 طالبان صادرا و صفت کرده اند بمداومت این نام و دعوی این
 نام مناسب است که از شقاوت غایت مندند مداومت این اسم

نویسند

نعمت من الله و نعم من الله من
 انما وصل على محمد وآل محمد
 اذا شئت ان تخرجني من بلاد كذا
 و توشه در وقت نماز است مخصوص
 بخدمت امام محمد عجل الله تعالی
 و از این خواست که چهار رکعت
 نماز بگذارد بدو سلام در رکعت اول
 بعد از حمد با سوره فاتحه بخواند
 در زمانه بعد از حمد سوره حمد و
 ایها الکرمین یا امین الرسولنا یا حور
 بخواند و بعد از سجده اول سلام
 ده بار بگوید سبحان الله
 سبحان الله الواحید الیه عد سبحان
 الله الفریق الصمد سبحان الله
 و مع التمام یقریب علی العزیز
 صاحبی و الی و لی و
 در

هذا ذاتی بر این معنی

هذا طایفه که بر حال غایب

در کلمات الجی

۱۲۷

فرمانند هر روز و اگر بیشتر شود بعد از نماز و در وقت
نوبت گویند ختم و بر تعداد ایمان شود و مرتب الجی اینست

	۱۶	۴۲	۳۶	۳	د	ی	ع	م
	۳۸	۲۸	۱۸	۴	ع	م	د	ی
۴۶	۲۶	۳۲		۲	م	ع	د	ی
	۴۴	۲۲	۲۴	۳	د	ی	ع	م

الجی یعنی ندگ کند و جاد کند هر جا مرده این را می خوانند
که اسفوانهای بوسید از برکت این نام بهم پیوند اهل عقوبت
گویند هر که احسا این اسم کند اول باید که بداند که میفرماید
کند جمله مخلوقا و است اول باید که بداند که در آن فصل به از
چو خشک گیاه سبز و نرم پیردنی و در کلام مجید
که فانظروا الی آثار رحمة الله کیف بحق الارض بعد موتها
و چونند خدای خود را با بر صفت بدانت بدعا و این اسم شریف
بیام نماید بجای قدیم دل و در آن ذکر کند حضرت امام رضا علیه
فرزند هک از پنج صفت شد شیخ فرمود هر که از سلطانی
توهم است و از کس نماند کردن بهم نه وقت بعد از حالت

در کتاب اول در کلمات الجی
 معیار از حد و مرز هر چه که از کلمات الجی
 جواز دارد در ثانی هر چه که از کلمات الجی
 نقد و سبب میسر و از کلمات الجی
 در سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 و سبب سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 جواز دارد در ثانی هر چه که از کلمات الجی
 نقد و سبب میسر و از کلمات الجی
 در سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 و سبب سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 جواز دارد در ثانی هر چه که از کلمات الجی
 نقد و سبب میسر و از کلمات الجی
 در سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به
 و سبب سجده هفت بار بگوید اللهم
 انزلنا من السماء ماء فاحیوا به

شرح کلمات الحکیمه

۱۲۸

و فراغت این اسم را نود و نه نوبت بخواند بر خود دعا در جمله
 این گنج دزد و شیخ مغرور مود که خواند تا در قبال زهرم زهر دنیا
 قیامت که زوخ در او رسد این نام را بصد تکبیر که بیست
 نوبت بخواند ساله و مانند از بوسید در قبر انشاء الله تعالی

۲۶	۲۲	۲۸	۲	۲۲	م	ح	ی	ی
۲۶	۴	۱۴	۲۶		ی	ی	م	ح
۶		۱۸	۱۲		ی	ی	ح	م
۲۰	۱۰	۸	۳		ح	م	ی	ی

۱. **المیت** یعنی میرانند هرگز نماند اینست که انبیا و اولیا و اکام
 از بهیب اینتا بشکند اصل چهیفت گویند هر که خواهد که احصا
 این اسم کند باید که خود را در پیش قدمت خود چون هیت نماید
 ضلالت احسبها و قضا او را از مردن نگاه دارد در دنیا و آخرت
 و او را بنویسند خود زنده دارد تا تواند این دعا که بخند تا
 شد است دعا مت نماید در میاستند فرض نماید در سر نوبت
 خدا یحیی او را از زوال ایمان نگاه دارد و فعل او را نورانی
 گرداند دعا اینست اللهم ناجی باقیوم نایا المجلال واکرام

بالحمد

در نامی الحمد لله بکار در نوح و حمد بکار
 بخواند و بعد از آن سلام شیخا در ربع
 در بار و صلوات ده بار بفرستد و ده
 مرتبه بگوید یا ضیاء المستنیرین
 اقصی من ملجئ کذا و در آخر
 طاعت کند التبت و شود خواند
 در میان مطلق دعوات و کلمات
 مؤثره و اشباهه ناقصه بحال جناب الله
 فاعده البت در تفسیر احوال و حق
 و از باب بین دولت و ان با حق
 که بپندارم مطلق و خیر حق است
 و بعد حرف و بدست و هشتاد
 بدست و اسم از اسم الله با آن
 حرف و وضع و نفسین شد که
 یک مناسبت است چنانچه
 خواهد شد و بعد
 اسم

هذا مجموع بلوغ

هذا مجموع خلق

کتاب فرائد المومنین

اللَّهُ مَا اللَّهُ مَا اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
 وَمَنْ مَعَكَ بَدَأَ نَاقِرًا يَنْجِبُ اللَّهُ وَمَا وَدَّ إِلَّا الْإِسْلَامَ
 وَأَمَّا بَيْتِي عَلَى الْإِسْلَامِ حَتَّى يَلْقَاكَ بِرِ اللَّهِ ثُمَّ يَخْتَارُ
 مِنْكَ شَيْئًا مِنْ قَبْلِ وَجْهِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
 لَمْ يَرِثُوا بِمَا قَلْبُ الْفُلُوكِ وَالْأَبْضَاءُ بَيْتِي عَلَى مَا نَجِبُ
 حَتَّى مَا أَرَمَ الرَّاجِحِينَ حَضَرَ أَمَامَ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَوْهُ
 نَدَاكَ أَنْ تَكُونَ فَضْلًا رَاجِحًا غَالِبًا بِأَنَّكَ خَوَافُكَ مُطِيعٌ
 بِأَنَّكَ بَوَاقُ خَوَافُكَ مِنْ رِيشَةِ فَخْرٍ ضِدًّا بِكَوْنِهِ
 بَعْدَ أَنْ يَمُتَّانَ مِنْكَ بِأَنَّكَ خَوَافُكَ مِنْ رِيشَةِ فَخْرٍ وَرِيشَةِ فَخْرٍ
 كَوْنَهُ إِذَا كَرِهْتَ نَهَاهُ بِبَيْتِي مِنْ نَظَائِرِ صِدْقٍ بِكَوْنِهِ خَوَافُكَ
 هَلَاكِ شَوْبَرٍ بِدَفْعِ خِصْمٍ أَقْوَمُ هَلْ تَوَدُّهُ وَرِيشَةِ فَخْرٍ بِكَوْنِهِ

الغزوة	الغزوة	الغزوة	الغزوة
الغزوة	الغزوة	الغزوة	الغزوة
الغزوة	الغزوة	الغزوة	الغزوة
الغزوة	الغزوة	الغزوة	الغزوة
الغزوة	الغزوة	الغزوة	الغزوة

كَهَزَارٍ وَيَأْتِي صِدْقًا فَضْلًا
 نَوَيْتَ أَنْتَ بِخَوَافِكَ مِنْ رِيشَةِ فَخْرٍ
 مَفْهُومٌ كَرِهْتَ وَرِيشَةِ فَخْرٍ
 إِنَّ نَجْمَ سَلْمِ الْمَصُونِ الْمُبْدِي
 الْمَعْدِي الْخَوَافُ الْمُبْتَسِخِ

مَطْلُوبٌ وَضَعُ شَاءَ وَبَعْدَ دَائِمًا
 خَدَّائِكَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ وَخَوَانِهِ
 مَدَامَتْ نَمَاءً بِمِثْلِ الْجَوْوِ بَابِي
 مَطْلُوبٌ بِأَنَّكَ بِمِثْلِ صَدْفِ عَمْرٍ
 مَدَامَتْ نَمَاءً بِمِثْلِ الْجَوْوِ بَابِي
 مَطْلُوبٌ بِأَنَّكَ بِمِثْلِ صَدْفِ عَمْرٍ
 مَدَامَتْ نَمَاءً بِمِثْلِ الْجَوْوِ بَابِي
 مَطْلُوبٌ بِأَنَّكَ بِمِثْلِ صَدْفِ عَمْرٍ
 مَدَامَتْ نَمَاءً بِمِثْلِ الْجَوْوِ بَابِي
 مَطْلُوبٌ بِأَنَّكَ بِمِثْلِ صَدْفِ عَمْرٍ
 مَدَامَتْ نَمَاءً بِمِثْلِ الْجَوْوِ بَابِي

محمد غفر له

محمد غفر له

شیخ کلبه شکر ایچی

۱۳

فرمود که این اسم از کواهل عبادت هر مستکسبات زمین
 بدو این اسم ملا و متعالی عالم گرد و اگر طالب علم بدخواهر
 اسم این نام نماید عالم گردد و فهم ادراک و عقل او را بود که خود
 هم متعین باشد هیچ چیز بر او مشکل نگردد و حلال مشکل خود
 گردد و اگر چیزی بر او مشکل شود باز رجوع باین اسم کند گشاید
 و از خواص این اسم آنست که اگر کند عواین اشما کند مالک و
 ضبط تواند کرد و محاسبین بناظر نگاه تواند داشت و عدل
 در زمین هر روز خواهد خواند فرزود و فصل چهل نوبت است

۱۲۲	۱۳۵	۱۲۸	۱۱۵	۱۳۵	م	م	ی	ت
۱۲۷	۱۱۶	۱۲۱	۱۲۶		م	م	م	م
۱۱۷		۱۲۳	۱۲۰		م	م	ی	ت
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۸	۱۲۹		م	م	ت	ی

ایچی یعنی زند پائید از ذات خویش نزار سلب دیگر این میناید
 که ملائکه را از برکت این نام احتیاج بخورد و خوانیست اهل
 گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که الله تعالی زند
 جابداند از له و لب همیشه پائید تا حق او را بدد دنیا و

زنده

و مخری گری در دوازدهمین و بیستون
 نود و بعضی گفته اند که اگر بر عن
 تا شیخ خواهد هر اسمیکه در مقابل
 گرفتن بن شاه بعد از آن حرف هم
 اسم فرات که بعد از آن حرف هم
 بخوانند در او اسم خود کند از آنکه
 بعد خود آسمانها چرخ کند
 خواند با باری بعد سوف هم که
 خواهد باری در همین راسد
 چهل است بخواند و همچنین
 حرف تا از است بخواند و در ال که شرح
 سلام و مالک بعد او در ال که شرح
 چهار است بخواند البته بزودی عا
 مغربست بخور باز موده است و ایام
 مخصوص حرف باطنها بخوبی
 که مرقوم کنست بآله
 بابالک
 باسلام
 ۱۳۱

شیخ کلبه شکر ایچی
 در کتب
 ۱۳۱

در کتب و کلام و کتب و کلام

۱۳۲

اسم زورده سازد همش دراز گردد و مرادات و خاصش شود بر
 دشم ناما غالب اید و او را بود تصور بدد لها مرادات و اصل
 شود بزور در جز و و کلیه برکت این اسم حق میوم و یک از اکان
 فرمود هر که نذ وقت نماید تکرار این اسم خاصه بوقت هر که
 فادز گردد بر آنکه تصور کند در حلا بوجها آنکه خواهد اکثر
 اکابر اند که اسم اعظم بیند اسم است که از جمله اسماء ذاتی است از
 امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمودندیم رسول خدا که
 در حالت اضطرار بگفت یا حی یا قیوم در حاجت رسید و هم سخن
 فرمود که ایند اسم که اهل فرقیست لا یوظا لنا حواجز
 و چونندگان در حق بیایا و اوقات عواین اسم از وقت حواظ
 ایجاب است از جمله اسماء نجیسانیکه اینست یا حی یا قیوم یا لا اله الا
 الا و بعضی دیگر گفته اند یا حی یا قیوم یا لا اله الا الله محمد
 رسول الله علی و آله و بعدین نام هر چیز جوینا و هر چه خوا
 تواند کرد و از خواص این اسم آنکه آیات غریب گفته اند از ظاهر شد
 قدر و صراحت اجابت و تضاد حاجات و برورد مقاصد و این
 منقلا از کتب ذکر کرده اند از خواص اینها و بر ایشان کشف

ما جلد

بجهت حصول نرا اولاد بلند
 صلواتی بر سر او و هزار بار بگوید
 الفای الفی فی صد مرتبه علیها
 و کفر یا علی علیا و کفر یا علی
 و کفر یا علی علیا و کفر یا علی
 و کفر یا علی علیا و کفر یا علی
 الله عز و جل در کتب و کلام
 هادی علی بن ابی طالب و در
 کما اگر در کتب و کلام که
 بنامی در منزل نمازی و نماند
 در اینجا خواند با این اسم خود
 فاسم مکمل و جبار است
 چهار مرتبه کن اگر یک یا نماند
 در کتب و کلام و نماند و در
 باشد و اگر سر نماند و در
 و یک و اگر چهار یا نماند
 سزاوار است

عصر و مرادات

عصر و مرادات

فان کما ذکرنا اینها من خواص و کرامت

شرح کتاب التوبه

ما جمله زاد این مختصر بناویم تا بر فرموده شما است که گریه و بیداری
 خیرند از نماز است حضرت شیخ فرمود که حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله را پنجاه و یک بار بخوابیدم عرض کردم یا رسول الله
 مرا چه تعلیم نمائید که زنده گردم و دل من پال گردد از کدورت
 آنحضرت فرمود که بر تو باد که هر روز چهل نیکویتی بگوئی تا حاجت تو
 یا لا اله الا انت استسئلت از آنحضرتی بنور معرفت که با الله
 و خواص از بیباکی است و چیزی از بزرگان فرمودند که خواهد
 دعوات این است که هرگز نماند که صد هشتاد و نوبت دعا
 قیام نماید با مردم احتیاط کند که خوردن پیش کرد پیوسته
 صا و با وضو باشد تا تواند رخت و نکر از کند بیشتر در وقت
 سخن اگر باشد یکدیگر از شرط است که بعد تکبیر تمام حرف

۹۵۳	۹۵۲	۹۵۱	۹۴۸
۹۵۹	۹۴۷	۹۵۲	۹۵۸
۹۴۸		۹۵۵	۹۵۱
۹۵۶	۹۵۰	۹۴۹	۹۶۱

بر خاتم فقره حضرت کند که صورت
 انابت از بیخ دانک او
 یکدانک ز باشد و او داد
 دست کند و بعد تکبیر میگوید

و اگر خواهد که تغییر قلوبیکه از سلاطین کند نام طالب باشد

و بدو کس که رسد و اگر چه این باشد
 و یاد دارد و اسم زن او معاد در دنیا
 او را اجبار با جهل صغیر بیرون میزند
 طبع کند اگر کسی بماند و او را
 خواهر کند اگر کسی بماند و او را
 روایت است که هر کس که بخواهد
 از نیکو سوار این آیه را بخواند
 از روز او از جای برسد که گمان نکند
 باشد از آن علما مائید که در دنیا
 و با آنکه عبد الله اولی و آخری
 و این است که در دنیا و آخرت
 علیه السلام من استغفرت له
 حاجتی باشد هفتاد بار و این آیه
 بخواند اگر حاجتی
 او

فأعلاه من اناسنا انما انزلنا من السماء
 محمد زین العابدین
 محمد صاحب
 محمد صاحب
 محمد صاحب

صفتها را بنام مضمون زود

صفتها را احلا

صفتها را

بنا بدین من لغت نماید لا اله الا الله تعالی و قد نزلت لا اله الا الله فی حج بر حنک چون کسی حاجت او دفعه یکسوی بخشد و حاجت او بر آید ما بین سطور آن در فصلین سابق علم می نویسد از الله و عذرا الضارین بنظر او و عذرا لکن یقول علیه لکن مع العسر البعین صدق ان مع العسر لکن ان مع العسر یسر یجوز دفع اخلاص در وقت خواب و حج من بین الطلوع و المغرب اتم علی زحیر لقا در بحسب اتم علی و در جمیع روز بخواند و اسم را بر آن شستن بخواند و بخورد مطلوب است حدیث

در کسب کمال و کمال لغت

مطلوب این دو اسم تکبیر کند و بعد کمال بخواند بجهت بدینست که حد تکبیر است و این چند است پس نام باغداد بخواند انگشتر را بر سر و مکرّم دارد و در چنین دعا گاه گاه نقش گاه کند چوید بر حجر نهند و مت نماید از بخت این است که او بخارسد که هر مردی دل که نظر اندازد بشفقت دل و زندگد و از نفس او بیاشفایا آید از چو خشک بنفس او میوه حاصل آید اگر شرط بیجا او داما باید که پنهار از د و کفایت غریب و عیب در حال دعوت ظاهر کرد یکی نکند حصار دعوت از دست چینه حیوان بر بند و تخیر نماید در خورد آب اما باید خورد تا خدای او جان بدگرم نماید تا او بخواد روح از بدن مفارقت نکند و شرح این زیاده از آنست اما باید که در خواص عقل اضل باشد بنسب از د که بر کار هر دو وجهان باشد اگر دو اعتقاد او نقصان نباشد جوع بدشعور نکند که اصل اعتقاد است نقش خانم بر بود نمود شد حد تکبیر کبیر بنید نام سه هزار و هشتصد و شانزده حد است و اگر نتواند این عدد را پیش از طلوع صبح تا برسد اقیاب بخواند از بر این اقیاب تا استوار یکد بخواند بعد نماز پیش

تا نماز

در کلمات البرکات

تا نماز شام نیکو بخواند و از نماز شام تا وقت خواب نیکو بخواند
 بخواند که در شب بار و در سه عدل نیکو خواند باشد با و بار و نما
 خواند یا حی یا قیوم یا حی یا قیوم و معانی نام در خاطر گذارد
 تا روز مفصو حاصل گردند و اینها تمامند ایمان است که کند
 حکم خانم سلیمان بر او و علیها که جنج خلاقیه طبع و فریاد در
 او گردند از حکم و فریاد او فرستوانند که پیچند اما آن خانم از
 صورت و که درنگ ندارد و از چشم حاضر و غایب نگاه دارد از آن

۳۸	۴۲	۴۵	۳۱		ق	و	ی
۴۴	۳۲	۳۲	۳۳		و	ق	ی
۳۳		۳	۳۶		و	ق	ی
۴۱	۳۵	۳۲	۳۶		و	ق	ی

الواجب فی صدق توانست مزجه خواهد ایندانی
 که طالبان صادق از برکت ایندانی و جگه و حاصل میگرد
 اصل تحقیق گفته اند که در اذای حصار این اسم باشد و نما
 که بداند مزجه بر جیب فرزند آن دم پوشیدگات بر آنحضرت
 ظاهراست و می بیند خواص این چیزها میداند و پنهان

این کتاب نگارنده در روزگار زمانه
 نقد اولی در کتب مختلفه
 فلان سخن نگارنده تا غایت بدو پیشانی
 نویسد مثال این شود شام
 خام کام نام هر که خواسته باشی
 که از عجل روزی بدین رود این
 اسمها را نوشته در میان زانوی
 چگلا در و پیشند با شیخ شام
 عهد شامی از اینجاست طبع نویسد
 اگر در فریاد باشد طبع نویسد
 تا اگر در فریاد باشد طبع نویسد
 بگذارد که در خصم و خصم
 اللشع را بخواند و معنی خانگی
 بخواند نمیند لیل در معصود کرده
 انشیدان الجید است که بجه
 غنی در آن حضرت
 نوشته

سخن طبع عجز

سخن طبع عجز

سخن طبع عجز

شماره ۸ کتابخانه کمالی

۱۳۸

عدت بینات میگیرند مِم الف جیم دال عد اولین که خوانند
 کبیر خوانند جفری زباده از د اعد و بخوانند از د عد تا
 تا یازد عد و در این باب آیند قاعد کافی است

۱۱	۱۵	۱۸	۴		د	ج	ا	م
۱۷	۵	۱۰	۱۶		ا	م	د	ج
۶		۱۳	۹		م	ا	ج	د
۱۴	۸	۷	۱۹		ج	د	م	ا

الواحد یعنی خدا تعالی که آنست در رضا الوهیت
 خویش این نام است که از بزرگی صفات این نام ندرت میکند
 که خدا حضرت نام رضا علیه السلام فرماید هر که را مرض ضعیف بود
 کند هر روز صد بگویند یا واحد زان بیمار صفا نماید
 و یک از اکابر گفته فرماید در دنیا چای از تنها ترسید یا از خوش
 شغلی خایف بود یاد رخت و متوهم باشد این اسم فرار و یکبار بخواند

۱۲	۱۵	۱۸	۵	صفا با بدن جمع از تن این کلمه	د	ح	ا	و
۱۷	۶	۱۱	۱۴		ا	و	د	ح
۷		۱۳	۱		و	ا	ح	د
۱۴	۹	۸	۱۱		ح	د	و	ا

الاحد

از ما بنا ما اعصم الله و عباد
 برسد با فادین الحجاز از دنی با
 ابا صالح المهدی از دنی با ابا
 الفاسم از دنی با دیکه و ملا دیکه
 فانی حاجز ذلیل بجهت نفس و غیر
 و فاضل دوزخ و محبت عد کبیر
 شصت و شش بار و عد و یکس
 شصت و شش بار و صفت
 عمل و شش بار و عد کبیر
 وزیر دولت علی بن خواند کبیر
 فان لو اقل حسی الله الاله
 الا هو طه نزلت و هو
 القدر العظیم منقولت که این
 بجهت قضاء حاجت عظیمه
 و بیای از بزرگان بر این مدار و
 نمود اند و مطلب خود را با فادین
 با فادین العذق با الی الی
 منظر الغائب با
 نقطه

کفر ضعیف و غیر
 کفر ضعیف و غیر

کفر ضعیف و غیر

کفر ضعیف و غیر

شرح کلمات بر آیه

الْأَحَدُ یعنی گمانه در دیگران که در پیشگاه او خدایانند
 اینست باینکه همه عالم و عالمان به بزرگوار اینست خلق
 اند و ظاهر گشته اند اصل حقیقت گویند که زاده غیر دعوت این
 اسم است اول باید که اعتقاد کند که احد قدیم است هر یک از اولاد
 عالم را باو احتیاجست حضور او محتاج هیچکس و هیچ چیز نیست
 بندگان این است و او اقصی و حصر احد و زایا که بر طرفین است
 تا ایشانرا بشناسند دست دراز من کل زده پادردا من هت
 کشد نیک از اکابر مؤد که مدد و مت نماید در خلوت بعد
 کبیر میخوانند چون دعوی کمال دسد لکن بر او ظاهر گردند
 در خصوص خیر در انما از یکیت تا نه صد نمود و نکره عد صغیر
 خوانند کبیر از هزار و یک تا ده هزار که عد کبیر خوانند و لکن
 در جماعتها تعیین نکرده اند از بی غایت خواه کبیر خواه
 صغیر خوانند آنچه عد تعیین شد این است و بیست و یک و بیست و
 مجموع جامع از ساله تکبیر کرده ام با انواع تکبیر و انصاف
 نکرده و بیرونیا و در کلام و غیر نکره که برینا ضعیف است بارها
 در رسایل و کتب شارحها اشعار الله تعالی نظر کرده ام متوجه

علی اشراج علی علیه السلام
 منقولست که هر که در روز چهارشنبه شروع کند ناله در درگاه خداوند باشد در روز یکصد مرتبه در طهارت جامه بدین صورت
 اودد التوبه و من لعت کذب
 اللهم الرحمن الرحیم یا معراج
 یا معتك القلوب والانصار
 یا ذیل العزیز و یا عیان الشیخ
 یا ذی القول و یا افض
 یا علی محمد و آله العظیم و صلوات
 الله علیهم اجمعین آمین
 این دعا را در نیت طلب خود را در
 نیت هر یک بنویسد

حمد و مصلحت ماخذ

حمد و مصلحت ماخذ

شکر کاتب

۱۴

و در زحمت نکسیر اصل اسماء یا با الف لام یا بیجا نند و طلب در رسالت
 متجانس نمودن در مرتباً و ظاهر گردانید و مورد اشارت این متوجع
 در این کتاب بیج نکرده ام و در این کتاب با فای یا این اسماء الله عاملاً
 مرتباً و صناد عوان بعد مختصی که عا جمل میشد و بود ام انو
 له الله تعالی که از کار فرمود الواحد احد و اسم اعظم اند و اسم
 سالکانست که درهای ایشان معلق گشته است به راهی و اسم از نو
 هر دو که طالب این حال بویر و با که مذ و متشاید بدکر این اسم
 خاصه و در خلوت که شب بختوا فصل مختاست بزبان گویند
 و در باره در دانست ایندا اسم عد معین نکرده اند که ساهم
 ذکر بیشتر گوید جلای قلبی زیاد شود و در آخر از حال تن
 دهد که اگر بکفره العین از ذکر خدا غافل میشو از طریق

۱۰	۱۴	۱۷	۳	د	ح	ا	ب
۱۶	۴	۹	۱۵	ا	ب	د	ح
۵		۱۲	۸	ب	ا	ح	د
۱۳	۷	۶	۱۸	ح	د	ب	ا

الفصل

و در زحمت نکسیر اصل اسماء یا با الف لام یا بیجا نند و طلب در رسالت
 متجانس نمودن در مرتباً و ظاهر گردانید و مورد اشارت این متوجع
 در این کتاب بیج نکرده ام و در این کتاب با فای یا این اسماء الله عاملاً
 مرتباً و صناد عوان بعد مختصی که عا جمل میشد و بود ام انو
 له الله تعالی که از کار فرمود الواحد احد و اسم اعظم اند و اسم
 سالکانست که درهای ایشان معلق گشته است به راهی و اسم از نو
 هر دو که طالب این حال بویر و با که مذ و متشاید بدکر این اسم
 خاصه و در خلوت که شب بختوا فصل مختاست بزبان گویند
 و در باره در دانست ایندا اسم عد معین نکرده اند که ساهم
 ذکر بیشتر گوید جلای قلبی زیاد شود و در آخر از حال تن
 دهد که اگر بکفره العین از ذکر خدا غافل میشو از طریق

فاعلم ان ذکره و تعریفه و شکر او و حمد او و تمجید او

شرح کلمه شهادت

۱۴۱

الصَّامِدُ یعنی خداوند معبود و پناه نیز مانند است بر همه
 حال اصل جنبو گویند هر که خواهد احصا این اسم کند باید
 که بداند که بر از نیک حاجت منبکشان و شنوند دعا مظلومان
 پیمانیا از مندا بغیر خضر او دیگر نیست فر حال که در این پیش
 روید گاه صمد کند عرض حاجت خود انجام بر خدا حضرت صمد
 او را از جمله حاجت مستغنی گرداند حضرت امام رضا فرمودند که
 در دعا و نیایش گوید در اینجور و از هیچ کس نیم بنویسد که از گاه
 گفته هر که بعد از قیامت یاد در هر گاه وضو ساخته روی زمین
 و صد بار بگوید یا صمد یعنی او را بر دل نقش کند بر این
 مداومت نماید هر تیره هلیتین برسد از جمله صافان گردد
 و هر کس که بر جوع طاقت نبود بدگر این اسم مداومت نماید بعد
 کبیر حقیقتا و تقاددها زرق بر بگشاید در صورت و معنی

۳۳	۳۶	۳۹	۲۶	یا	ص	م	د
۳۱	۲۷	۳۲	۳۷	م	د	یا	ص
۲۱		۳۴	۳۱	د	م	ص	یا
۳۵	۳	۲۹	۱۵	ص	یا	د	م

باید از نام
 نامی و اگر اصل
 زیاد باشد
 اسم را
 بار زیاد
 اعظم
 که نویسد
 رسیده که
 عد موافق
 نموده جهان
 تا خود و خلص
 شرح بخواند
 نفس بنشد
 عد بخواند
 سوره مذکور
 بخواند
 خداوند را
 باشد
 و هر روز
 اسم

عجله در کار

عجله در کار

در کلمه القای

۱۴۲

القای یعنی خداوند توانا بر هر چه خواهد شد دست
 دیگر در همه احوال این نام است که در سن عیسی بر قوم خویر
 اینست بنویس تا اهل تحقیق گویند که خواهد احصا اینستا
 با هیبت و احترام کند باید که بدانند که توانا بجز حق در است
 هر چه خواست که در هر چه خواهد کند یفعل الله ما یشاء و
 بحکم ما یرید پس باید تر کرد و مخصوصا مراد کند کار خوب
 ما باز کار در تافاد رو بر توانا در دهد بجز خواهد خصم
 فرمود اند هر که در وقت وضو ساختن بر هر عضو سبزه بگوید
 بر خصما غالب ابد اگر چه ضعیف بود یکی از اکابر فرمود که در محل
 قتال جدال با خصم بگو این اسم مداومت نماید غالب گردد
 و هر که را خصم توانا باشد در وقت سیر کشته و غا خورشد باشد این
 اسم در وقت طهارت بدل مداومت نماید خصما خصم او را مقلوب گرداند

۷۶	۷۹	۸۲	۶۸	۸۴	د	د	ا	ق
۸۱	۶۹	۷۵	۸۰		د	ق	ا	د
۷۰		۷۷	۷۴		ق	ا	د	د
۷۸	۷۳	۷۱	۸۳		د	د	ق	ا

المقلد

بعد اسم خود بخواند عاقل باشد
 نماید راوی گوید بعد از نماز امام
 جعفر صادق بعد از نماز شخصی هر کس کرد
 که پادشاه مراد ازین بکشد و من
 از او و انعام او خوف دارم حضرت
 فرمودند اگر چنینی است یا کفر را از آن
 خود شهید و قلع و عریض کردی مگر
 نیاکتیم این قلعه را و فرمودند که
 هرگاه از منزل خود بیرون روی بخوان
 سوختن قلعه و الله احدی و در بخار
 سوز خود بهم باین سربلبل از
 سمت خود بدو طبل از جانب راست بعد
 پیش رو طبل از جانب چپ
 انگیزند پیشتر بعد از جانب چپ
 بعد از آن بالای سر بعد از چپ
 خود تا برای ثواب نماید طبل از
 کسها قلع کند نواد و ازین
 انصاری پادشاه و شیطان
 در پیش

هر روز ازین کلمه

هر غلبه خصم بر تو

در کلمات بسیار که با مقفند

۱۳۴

بجز ساختیم اگر تواند هر دو زبان عدد یا مقفند بگوید این ایام
 مذکور را اگر میسر نشود این عدد را با این نظر بفرمایید که
 و با خود دارد و بعد بگیرد که زیاد از قدر بنا راست میخواند
 تا تواند با عدد کامل خواند که تقریب واقع شود که عاقبت محمود
 گردد و این را بسیار از بزرگان بجز کرده اند به تقریب سلاطین
 رسیدند مقاصد یکی از این عمل حاصل شد و در این اند
 و الف لام بقریب مجاز است تمام آنها و در این ایام این
 مخلو بجای ورد و بخورد بود وجود وضد و بعد که
 یا بعد تکبیر تا او را زود خواص هدیه کسر خصم تا خود و بنا
 خصم تکبیر کند اما بهتر این نام خصم بر نام خود مقفند دارد و در وقت
 تکبیر خواند مفهوشد عدد در خاطر آورد و هر عدد که از تکبیر
 بدبرد و الای سیاه بنیل و رنگا در مربع هند بینا او نیز و اگر چنان بود
 که یاد از والا گذرد و بخانه دشمن رسد زود مقهور گردد

۴۴۸	۴۵۱	۴۵۴	۴۵۷			۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸
۴۵۳	۴۵۶	۴۵۹	۴۶۲			۱۹۱	۱۷۹	۱۸۲	۹۵
۴۶۳		۴۶۶	۴۶۹		۱۹۲	۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳
۴۵۰	۴۴۵	۴۴۲	۴۴۰			۱۸۸	۱۸۲	۱۸۱	۱۹۳

المقفند

به زیاد و اول مقفند این ایام
 الله الرحمن الرحيم
 القين والشايرين الخبيثين
 بقره عونا والوزن من الخبيثين
 جعلنا الله والى كما هو من الذين
 لا خوف قلوبهم ولا هم يحزنون
 و در نظر سید در فرقه بیکر
 بجای بیکر چون چاقون نوشته
 بعد از نوشتن این ایام بسیار
 ابو زار ابو زار ابوصالح
 سطلت فلهی خاک در فرقه بیکر
 و بعد از آن که الله مقفند بعل ایام
 در سلاطین از ترشمن کسبوی
 کرده که چون در این
 دشمن

مقفند از سلاطین

مقفند از سلاطین

مقفند از سلاطین

م	ق	ت	د
د	ر	م	ق
ق	ن	د	ر
ر	م	ق	ن
ن	د	ر	م

شرح کلمه مبارکه المنقذ

المنقذ یعنی پیش از ننگینکه و بگذرد و بهتر است از او باشد
این نام است که موسی علیه السلام بر طووس برکت این نام قوت یافت و
کلام بیچون شنید اهل عقیق گویند هر که خواند تا احصا
این نام کند اول باید که در جمیع موارد و از پیش از نیکار بدین
مقدم دارد تا خضر عزت او را در درم کار باب یقین دارد و
دعا او را بتقدیم اجابت کند و دعوی این نام مناک است که
ایشان اقبص و بطبا منید کار ایشان در هیچ امر از پیش غیر دید
این اسم جوع نمایند حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند
در همین خوف بسیار گویند این کرد و در هیچ چیز ترسند بلکه از
اگر فرمود که در هیچ نام را با اینطور تا اگر سلطان بر سر علم
تا فرسکر که ناخود دارد بر خصم غالب الیه تا باید در در و در
نوبت یکی عجز و یکی بجد و حرور از هر خد مقدم دارد

۴۵	۴۹	۵۲	۳۸	م	د	ق	م
۵۱	۲۹	۲۴	۵۰	ق	م	م	د
۲۰		۲۷	۲۳	م	ق	د	م
۲۸	۲۲	۲۱	۵۳	د	م	م	ق

نوی بگو ای کس که در
مهر خدایک انگشت عقد نماید و
ایضا کند تا ننگ تمام دست در
دخم کند تا ننگ تمام دست در
بی بخورد سوزن فلز را چون بیکه
از نیمم رسد از کلید را در ننگین
کنند در در هر یک از ننگین را
گناید و این از عجایب و معجزات
و ایضا از عجایب و معجزات
مراد و رضای خواج هم چون
روی که بار خاکی است
عقد کن انگشتان دست چپ
باین است تا با الله باز من
با ننگین انگشتان
دست چپ خود را باین است تا با
تیمیم با ننگین انگشتان
ایضا

جمعی از اصحاب
جمعی از اصحاب
جمعی از اصحاب

جمعی از اصحاب

در کماله الخیر

۱۴۶

و دارند این لوح بر اعدا غالب گردد و فرانس در دل دشمنان
افتد که بیواسطه فراد بر قرار لازم دانند اگر لوح تفرقه نفس
کنند اثر خود تراقت شود و سلطان را واجبت دهد و
این اسم بر زبان داند و بر خود و بر سپاه خود دعا از شر خصم
مخوف ماند اما هر چه است در نماز پنجشنبه شایسته بخواند و رویت بود
در مرتبه این نام نیست که فرزند کار از سبب بقتل نام فنا خواهند شد
اهل تحقیق گویند هر که خواهد ترسناک شود و خط نص کند و رضا
خدا بیجا بفرزد نص خود مقلد دارد تا این روز تا جل جلاله
دعا و بر سبب تاخیر بلا به بندگان خود گرداند حضرت امام رضا
علیه السلام فرمودند هر که عمر تاخیر رسیده باشد اعمال خیر کند
باشد این اسم بعد از وقت نماید و دراز گردد و عمل او در مقبول
گرداند یقین و بجمعا زیاد گردد و در طریقت ممکن باشد

۲۱۱	۲۱۴	۲۱۷	۲۰۴		م	و	خ	ر	
۲۱۶	۲۰۵	۲۱۰	۲۱۵		خ	ر	م	و	
۲۰۶		۲۱۲	۲۰۹		۲۱۱	ر	خ	و	م
۲۱۳	۲۰۸	۲۰۷	۲۰۸		و	م	ر	ح	

الاول

ازان بگشا انگستان دست
 یاست را ما بر حرف که بعضی
 انگستان در سنجب را با بر روز
 معنی پس تو جبهه ما بد بسوی
 که که از راه ما جلا از آورد
 التبریز اگر در جمل او اگر
 سوز از از زلیلت را اجبر من غلط
 نغمه در اقل شب چهارشنبه
 کا خد گرد و معدود و میان کند
 خانه او باد و مکان او میان کند
 التبار او شود انحصار کند
 مبارک را در کف را با حدانم
 آن شخص در فوق مثلث شب
 کند و گذر آنکس او در معای
 میشد من کند التبریز او کرد
 بجبهه لشکر کس در شب
 هزاره بر بلایا حاصل
 که

چهار روز که
 روز پنجشنبه

هر که
 روز پنجشنبه

هر که
 روز پنجشنبه

فاحص این اسم کند و نماید که در هیچ اسم

شرح کلمه بر اول

۱۴۷

اول یعنی خدای همیشه بود کمال بدایت این نیاپی است
 کجمله مکنونات از برکت جزوه که این نام پیدا شده است
 گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند اول نباید که قدم در
 راه خدای تعالی نهد و فرزند در آید و اولی و آخر خدا دادند
 شان در دعوی این اسم متساکنان است که بفرق غایب و حاضر باشد
 باشد خیر امام رضا علیه السلام فرمود جمعه غایب یا فرکار صبح
 باشد چهل جمعه هر شب هزار بار بگو غایب حاضر گردد و جمله
 هزار بار حاصل شود شیخ فرمود که هر که طالب فرزندان باشد
 یا در مقام امید داند و فطوح عالم غیب میخواهد چنان
 کار ندادد بملاوت این اسم بعد از هر نماز جمعده قیام نماید
 چهل جمعده چون در پین تمام شود مقصود او حاصل گردد

۹	۱۲	۱۵	۱	N	۱	۱	۱
۱۴	۲	۸	۱۳		۱	۱	۱
۳		۱۰	۶		۱	۱	۱
۱۱	۶	۳	۱۶		۱	۱	۱

الاخر یعنی همیشه است دوم و ثوال مثل تحقیق

با جمیع البریه و مطلق
 بخواند هر روز صبح و شام
 هر که خواهد که احصا این اسم کند
 باید که در وقت نماز باشد
 و در آن وقت دعا کند
 اللهم صل علی محمد و آل محمد
 و انزل من السماء
 بركاتك علی
 کل قلب مسلم
 و اجعل
 من دعای
 اولی این اسم
 کل دعا
 مکتوبه
 و کل
 دعا
 مکتوبه
 من
 دعای
 اولی
 این
 اسم
 کل
 دعا
 مکتوبه
 و کل
 دعا
 مکتوبه
 من
 دعای
 اولی
 این
 اسم

شرح کلمه بر اول

شرح کلمه بر اول

شرح کلمه بر اول

در کلمات مبارکه اول

۱۴۸

گویند هر که خواهد احصا این اسم باید که با خود شکر کند
 و غیر میت جرم گرداند که هر قول و فعلی که از او در و جوابد خدا
 لله باشد هیچ عمل بر نیکنند تا خاتمه کار او و غیر صلاح باز گرد
 و دعوی این اسم متا کسانیت که در دنیا از خاتمه کار ترسند
 سازند بیزد سبحا و تعالی ختم کارش بخاتمه ایمان گردند شیخ
 فرمود که قاری این اسم ز هر حال بصفا باطن خوشحال بود
 و دایم دل و عمر نباشد با ایمان و معرفت کامل ایم متوجه
 استقامت کبریا بود و او را رضوا اکبر نصیب کند چو بصدق
 دل گوید و معنی در دل ذکر بزبان گذراند اذل و برزند
 و زبان و نیز ذکر با سماء حسن خود گرداند انشاء الله تعالی

۱۴۰	۲۳	۲۶	۱۹۲	د	خ	لا	ا
۲۵	۱۹۳	۱۹۹	۲۴	لا	ا	د	خ
۱۹۴		۲۱	۱۹۸	ا	لا	خ	د
۲۲	۱۹۷	۱۹۵	۲۷	خ	د	ا	لا

الظاهر فی حدیث خدا که پنداست منته با نار و علامت است
 در ظهور موجود اهل بحقیق گویند هر که خواهد که احصا این

کرده و عفت بار سوره لولکن را
 بر آنها بخواند در وقت خفتن در
 خواند در ضمن نیاید در و هلاک
 و حالش بر ایشان گردد و هلاک
 شود بجهت عمل ما که ظالم این را
 بیسفال نویسد و نام آن مختصر
 بر آن نوشته در حکم او در فن کمال
 گردد و ما محمد الا رسول قد
 خلقت من قبله الرسل انان
 ما ان اول اول انقلبت علی الخلق
 تا آخر هر دو مرتبه را با صد مرتبه
 و احسانت منعمه و کسب کسب
 قضاء حق و انجیح فطال بکمال
 حضرت سید الشهداء امیر مومنان
 صلوات الله علیه و علی آله
 تعالی علیهم السلام و علی
 ائمه و صلوات

محمد زین العابدین که ظالم

محمد رضا جوادی اصفهانی

شرح کتاب الباطن

۱۵۰

دشمن معهود گردد و الباطن یعنی پوشیده ذات و از دنیا
 ابصار و همام این نام است جمله جانوران از غصت وین زکوار
 این نام بشناختند خدا شمع را اهل حقیقت گویند هر که خود
 تا احصای این نام کند باید که خود را چنان خلق نماید که در باطن
 من خدا بیضا باشد تا این در سجا و تعابا باطن را از صلاک
 نگاه دارد و حضرت امام رضا علیه فرمودند هر که مانند جاب
 ی سبب یا از دین بر نهاید تا بوقوع این روشن در مرتبه کتابا اثر

۱۸	۲۱	۲۴	۱۰	۲۶	ب	ا	ط	ن
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ط	ن	ب	ا
۱۲		۱۹	۱۶		ن	ط	ا	ب
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ا	ب	ن	ط

امانت بهند از دست دست سالم ماند و دست غیری زبان برسد
 هیچکس بر آن مطلع نگردد از بکرش این لوح بزرگ فرمود هر که
 هر روز صوسه هزار بار بر زبان راند بدین بدو مت نماید صبح
 او را از همه چیز دنیا زداند لاول لاجز الظاهر الباطن
 این چهار اسم را خواص بسیار است سر از عیب و احوال غریبید دعوی

این

مسئله آن فرستند و صد بار این دعا
 بخواند تا تیر و طلب بر آورده است
 و از دعا بجز بکریه اندود و صحبت نمود
 اندک از نا اهلان بخواند و در آله لغم
 لا سهل الا ما جعلناه سهلا و
 انت تخجل انحرن اذا شئت سهلا
 تسئلنا امود الدنيا والاخر و ما
 تسئل باسئلم باقره با اقدم
 تسئل بحمك يا ارحم الراحمين و
 لعنا ذرنا و فرج حاجت خود را از خدا
 بخواند در شرح اسماء الله قده
 اندک هر که با مفاصل در هر روز و هر
 چهار روز و بی خان خود در هر روز
 ده بار بگوید الترافق و ابتدا از دست
 راست کند و چنانست بلکه در از دست
 و فافر خلاصی با بد از برای قضاء
 و اخرج تعبنا من الهم
 صد

بهر روز و هر روز

بهر روز و هر روز

شرح کلیه مسابک البیان

این اسماست هر که مذکور است تا بعد از عواین نامها فصار در دفتر مذکور در دستبار و بعد از تکمیل اصل اسما بخواند که پانزدهم و چهارم صد هشتاد و چهار است چو بیشتر شود و ایند عوینو فوینونا بدین نظام گردانند هر را اصل عالم و منکشف و دیگر علم ظاهر و باطن است چنانچه عواین اسما و خواص ظاهر و باطن اشیا بدانند بظواهر و باطن هر موجود بینا و توانا گردانند از این در شرح این اسما شروع نباید کرد که از حد اعتدال گذرد و چو ختم با تمام رسد باید که با الکیته ترک ذکر این اسما کند و همچنان بخواند اگر بدان علم نتواند خواند باید که بعد بخواند نام مدام در آن حالت بنماید و این شرح نوشته با خود دارد

۵۲۲	۵۲۰	۵۲۸	۵۲۵		الطاهر	الطاهر	الطاهر
۵۲۷	۵۲۶	۵۲۱	۵۲۶		الرحمن	الرحمن	الرحمن
۵۲۷		۵۲۳	۵۲۳		الرحمن	الرحمن	الرحمن
۵۲۴	۵۲۹	۵۲۸	۵۲۹		الرحمن	الرحمن	الرحمن

اولی یعنی پادشاهان در این بیع مختلفه نامی است که چهار بر یک نام داشتند اصل تحقیق گویند که هر که

عجین الکرنا حاجا

حاجه طاهره خانم بی بی

در این اسماست هر که مذکور است تا بعد از عواین نامها فصار در دفتر مذکور در دستبار و بعد از تکمیل اصل اسما بخواند که پانزدهم و چهارم صد هشتاد و چهار است چو بیشتر شود و ایند عوینو فوینونا بدین نظام گردانند هر را اصل عالم و منکشف و دیگر علم ظاهر و باطن اشیا بدانند بظواهر و باطن هر موجود بینا و توانا گردانند از این در شرح این اسما شروع نباید کرد که از حد اعتدال گذرد و چو ختم با تمام رسد باید که با الکیته ترک ذکر این اسما کند و همچنان بخواند اگر بدان علم نتواند خواند باید که بعد بخواند نام مدام در آن حالت بنماید و این شرح نوشته با خود دارد

شرح کلیه بزرگواران

تا احصا اینها کند باید که محبت صالحان باشد خون برضلا
 پیش گیرد و محتاجی و وکلی خود را بجداتعا گذارد نظام
 ناخن خونیکه سازد تا اولی المتعال کارها او را بنا بکشد
 او امور و مهتا بندگان نیز ساخته گردد و دعوی این اسم متسا
 کسایت که خواهند بدجه ولایت سند حضرت امام رضا علم
 فرمود اند که اینها بزرگو را نویسند بر این کند در چنانچه
 مقام سران خویشانند این بود انخانه از دزد و ضاعه و سبیل
 و دزله و جمله افتها و بزرگی فرمود هر که این را بنویسد
 در سفر افتایا در ثبات شد با خود داند و این اسم بعد
 کثیر میخوانند هر روز این بود از قهر سلطان غل و غل
 چا و منصب غرق و حرق و سالم بود در بر و مجازا فاشی

و نیکات آخر الزما محفوظ
 ماند و اگر اینها را باز در
 تکثیر میخواند هر روز
 روز روز دارد و در خلوت
 خواند جوهر و این تمام خلق

۱۱۲۴	۱۱۲۷	۱۱۳۱	۱۱۱۷
۱۱۳۰	۱۱۱۸	۱۱۲۳	۱۲۲۸
۱۱۱۹		۱۱۲۵	۱۱۲۲
۱۱۲۶	۱۱۳۱	۱۱۲۰	۱۱۳۲

دلایلی

وَأَنْتُمْ تَنْبَغِي عَلَى طَاعَتِكَ وَأَوَا
 خَلَقَ الْبَلْبَانَ تَجْرِبًا لِنَسَائِرِي
 فَضَائِ حَوَائِجِ شِعْبٍ بَعْدَ نَسَائِرِ
 عَثَا مِنْ دَعَا رَا صَدَابِ حَوَائِدِ
 صَدَابِ رُصَلُوا بِفِرْسَدِ الْبَرِّ حَائِبِ
 أَوْ حَائِبِ رَا كُرْدِ بِيَسْرَافِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْإِلَهِي الْأَزَلِي الْبِجْوَالِ
 قَادِعُوهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا قُدْرَتُهُ قَادِرُ
 أَنْتَ الْوَيْتُ وَأَنَا الْعَبْدُ وَالْعَبْدُ
 يَجْلُو وَالرَّبُّ يَهْوِي أَمَّا كَانِ دَعْوِي
 لَكَ صَادِقَةٌ وَيَقِينِي لَكَ الْخَالِصُ
 فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَغْنِنِي بِأَعْيَانِ الْمُسْتَشْفِينِ
 بِأَتْبَابِ الْعَالَمِينَ شَيْخِ خَوَاصِ
 جَهْلِ اسْمِ رُؤْسِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 السَّلَامِ كَرِيمِ كَلِمَةِ مَبْعِ الْوَسْطِيِّ
 مَسْطُودِ وَارِثِ شَيْخِ
 طَائِفَةِ

عنه فضای حوائج

عنه بمغز بر اینها

شرح کتابک المبعوث

۱۵۳

ولایت او مطیع و مستقر گردند خبر بزرگی او با طرف جنوب
عالم منتشر گردد و اگر در ایند عو بصد و اعتقاد تو وجهه
قبضه خلافت بخواند بجز خدا نخواهد بدو جبر لایت رسد و
صفا باطن و زیاد نماید که بر او منکشف گردد و علو غریبه
علم لدنی و کلمات عجیب و غریب تکبیر شیخ منصف مؤخر
چهار صد و یازده عدد آن چهار هزار و چهار صد و نود و نه عدد
است و بعضی از اکابر گفته اند هر که روز سه نوبت بخواند و معتقد
در دل گذراند چنانکه غیر در خاطر او خط و نکند از آنجا که

۱۱	۱۴	۱۸	۱۴	و ا ل ی ل ی و ا و ل ی ل
۱۷	۵	۱۰	۱۵	
۶		۱۲	۹	
۱۳	۸	۷	۱۹	

المبعوث ایضا ظاهر کند بزرگی خویش بایشان پیدا اهل
تحقیق گویند مگر که خواند اصحا این اسم کند باید که تا جان
تمیزد بجمید خود را غایب زانند در اعداد رجعه با و جو کمال
حصرت است و الله اعلم و الله مبین باید که لا اوجه تناء علیک

کشف غایب و موجودات باطن نامها
مخبر گردند در درون این اسمها
از مظاهر که در دهر موعود
و ملامت نماید دل و جان از
دوش گزید و جوید که اسرار غیب
بر او منکشف شود و شرح این اسمها
بیار که کتب است اثنا عشری
و نظار از برای هر اسمی بی
علیه فرموده اند که هر کس بخواند
دعای او مستجاب گردد
اگر کسی بیاد شاه از او بگوید
باشد و یاد منبر باشد چون بگوید
یا شاه در ده هزار بار بگوید
یا بخواند یا در بخورد در در
یا شاه مهر و جنتان شخص پیدا
شود در عجزه که خواند این نام
عشق و اگر در باخورد
دل

محمد بن محمد صلابی

محمد بن محمد صلابی

شکر و فائز المعانی

۱۵۴

انْتَ كَمَا آيَنَتَ عَلَيَّ نَفْسِيكَ بِرَبِّهَا جَوَالُ وَأَقْوَالُ وَأَفْعَالُ مَوْفِقُ
 حَضْرَتِ نَبِيِّ مَوْجُودِ كَرْدُ دَعِيلِهِ أَفْضَلُ الْمَصَلُوِّ وَأَكْمَلُ النَّجْمَانَا اِبْرَ
 مَتَا وَبِرَازِ زُرْكَ كَرْدَانْدَا اِبْنَابِي اِي كَمِ شَرِّ اِبْرِكَ اِبْنَابَا مَصُوبُ
 حَضْرَتِ مَلِكِ رِضَا عَلِيْمِ فَرَمُو كَرْدَانْدَا هُرُزِي كَمِ دَرِ خَالَتِ حَيْضِ وَ
 اِبْنَابَا سَبِيْنَا كَوِيْدَا اِبْرَمَانْدَا زِجْلَهْ اَقْتَهَا خِصُوَا اَصْوَارِ اسْتِخَاضَهْ
 اَزَا كَا فَرَمُو كَرْدَانْدَا رَمَتِ نَمَا اِبْدُ بَعْدُ تَكْسِيْرِ اِسْمِ نَابِطُو اِبْرَمَانْدَا
 كَرْدَانْدَا زِغْلُ وَغَسْ كَرْدُو رُو جَمِيْعِ عَيْنُو خَا مَرِ وَبَا طَبْعِ وَ هَر كَمِ تَقْسِ
 كِنْدُو اِبْرَمَانْدَا اِسْمِ بَرِي كِيْنِ عَقِيْقُو اِبْلُو رُو اَكْرَدَسْتِ نَمَا مَدِيْرَ نَقْرُ خَا
 بَعْدُ كَبِيْرَ نَابِجَرْمَتِ نَكَا اَزْدُو دَشُو دَرِ رُو زِيَادِرِ شَبِ اِبْرَمَانْدَا
 كِنْدُو خَا صِلِ اِبْدَا وَ اِبْرَمَانْدَا رَتِيْبَهْ عَادِدِ صُوْرُو مَعِيْنُو وَ شَيْخِ مَقْرُ فَرَمُو كَرْدَانْدَا
 لَمِيْعَدُ دَرِ رُو خَوَانْدُو رَتِيْبَهْ اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا كَرْدُو اَكْرَدِ شَبِ خَا نَمَانْدَا
 عَادِدِ اِبْدَا دَرِ اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا اِبْرَمَانْدَا

۱۳۷	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۰	۱۴۶	م	ت	ع	ا
۱۴۳	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		م	ت	ع	ا
۱۳۲		۱۳۸	۱۳۵		م	ت	ع	ا
۱۳۹	۱۳۶	۱۳۳	۱۳۵		م	ت	ع	ا

دعداد

دلا و جهان رو دهن گره د کردار
 ما مشکل بر او انا شود در از
 زیاد شود و اگر با غسل و طهارت
 پاک صد و بیست و یکبار در هر روز
 بخواند و ببلور بخواند مطهر و
 فرمان بردار وی گره دور با و از
 تکبیر و سبحانک لا اله الا انت
 با درت کل شیء و از آن در بعضی
 نفع زیادتی و از آن در همه
 در بی شکر است است است
 اگر کسی انگشت است باشد در
 نظر من احسن باشد بی روز
 هر روز باینده ما و بخواند و از
 و جلالت و وسعت در وی باشد
 شود و در نظر خلق بزرگ باشد
 و هر که او را ببیند
 دوست

عنه که حاجت او برسد

عنه که حاجت او برسد

عنه که حاجت او برسد

شرح و اسرار البرکات

وعدتکبر که بخواند و هزار و دویست و هشتاد و هشت عدد است
یا متع و در هزار و سیصد و بیست و هشت عدد است المتعاف
که خوانند عوت فرمایند و عوار این اسم مناکسانست که در سلسله
یاد دنیا خوانند که بعد از کمال سندی بد عواینها مقام
و اگر بعد تکبیر نتوانند خوانند بعد و سینه که اصل عدت است
خوانند که پانصد پنجاه و یکین است بقول شیخ بعد کبر
زیاده از هزار بار است بخواند البرکات جلاله یعنی خدای
بزرگ کندنا جلاله خورشید و نیکو او بر جا و همه کس سید است
و این است که خوردن از بزرگت این نام به بزرگی رسیدن اهل
تحقیق گویند که خوانند احصا ایضا کند اول باید که شفقت
و مرحمت آن خالق در ریغ تدارد و تا تواند شکر از اسیر بگوید
و تصدیق دهد تا بر رحیم و یار در میان البرکات روح کند و در
الحلله ایچای هدیه من که اوست فرماید دعوی این اسم من
کسانست که از آن هر وقت بل جابه و منصب سندی حضرات
رضا علیه السلام فرمودند که این اسم را بر کوه و درخت
چون بسن بلوغ رسد ایمن بعد از آن روزگار و بزرگتر

دی شود و دیگر تکبیر و ستم و در وقت
گردید با اله الا لیه الذین جلاله
و با شکر که در زجه در ضو سانه
رو در بعد از نماز جمعه در بیخوت
این اسم را با خلوص بخواند و با حاجت
در مطلب و هر چه که در سینه است
البلاغت بر او در مقام باشد
آله و تعالی در کل نیاله آمین
چهار سال اگر کسی نام فرزند خود بگوید
خلق باشد در دم از او در زس
و از آن باشد و خواسته ای که
این صفت از او دفع شود و در دم
گردد این نام را پیش از خود از
بصیرت بنویسد نام خود از
و یاد کند در مثل
انکس

عنه حاجت طلبد

عنه حاجت طلبد

عنه حاجت طلبد

بهر خیر و برکت

چشمه شفا و رحمت

دین کنند بجای این شکر و
 بد خوئی از او را بگذرد و او از برای
 نجیب سرد و زود و داد و در هر
 روز با نصد بار این اسم بخواند
 چون روز سیم شود بخواند زود
 کرد و درش بعلیه باشد و غسل
 کند چون بیرون آید با نام و این
 گفت دست راست نبویست و
 بار آنکس و در سیم آن باشد که او
 محبت دین شود با و حسن و کل
 شوق و حاجت او طلب آن
 کسی که ضعیف باشد و اطباء این
 مالتی آن عاجز مانده باشند این
 اسم را بمشک زعفران بر کف
 چینی نوسید و این را حل کند
 عباد بخورند شفا یابد بر هر آن
 و اگر در آفتاب بخواند
 کند

در کتاب التواب

که چون طفل متولد گردد سه روز هر روز هفتاد بار بخواند
 و نفس بر او دمدا نطفل از اوقات بلیتا محفوظ ماند تا حد
 بلوغ و شیخ مغز گوید هر که مذمت نماید در سر و جلالتی دیگر
 این اسم خفیه و تعابور ساند آنچه طلبکانت اگر بعد از
 که ششصد نود و نه نوبت است بعد کینر بخواند زود تر هر
 مقصود حاصل گردد و آنچه مطلوب است بواسطه بود

۵۰	۵۳	۵۶	۴۲		ی	ا	ب	ر
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴		ب	ر	ی	ا
۴۵		۵۱	۴۸		ر	ب	ا	ی
۵۲	۴۷	۴۵	۵۲		ا	ی	ر	ب

التواب یعنی خدا توبه دهند توبه پذیرند است این نامی
 که توبه کردم علیه السلام بیزکت این اسم قبول کردند اهل
 گویند هر که خواصنا الحما این اسم کند باید که اگر روز از راه
 سه و غفلت بر توبه واقع شود زود شام گریه اندامت گفته در
 بدگاه کبریا آورد سر بیجا دهند توبه کند بدست توابع و مجز
 و بیستد امن گرم و جو و رحمت نکند ارد و گریه از بندگ

ظالمین

شرح کلمه التوبه

خداستعجاب بر نسبتی عتداورد باید الحال قبول کردید
 و عتد خواهی کند حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند هر که هر
 روز سه نوبت در کند دفع و سومه افش جن کند شیخ معتز
 گوید هر که هر روز در نوبت بر طفل خواند تا از شیر باز کند بر طفل
 از تا بخت کند و شیخ فرمود هر که بعد تا حاجت این اسم سی
 شصت بار در کند از بهر خویش یا از بهر دیگر خصما و تعام
 او را توبه کرامت کند قبول نمود و نیز از نزدیکان گرداند و اگر
 سو او نیجات فاسد و سوسه شیطان فرقه رساند دل خوا
 شوند گرد در میا و وضعت از با باد صید او زد کند از
 بلیه سخا یا بد نیا و از انجود منقول کند حضرت حصص او از نو
 معرفت باطن بر فرزند و اگر بر آن مداومت نماید از اهل قلوب

۱۰۳	۱۰۵	۱۰۶	۹۳		ت	ق	ا	ب
۱۰۷	۹۵	۱۰۸	۱۰۶		ا	ب	ت	ق
۹۶		۱۰۳	۱۰۰		ب	ا	ق	ت
۱۰۴	۹۹	۹۷	۱۹		ق	ت	ب	ا

المستقم یعنی خدا تعالی انتقام کشد از نیکوکاران

این کلمه از نیک و بد را از نظر امام
 بعد از در بیان این و از او چهل اسم
 ادربسی را فاش شود بود لهذا از
 دانسته که بعضی مطالب بگیرد
 اینور قدر شود که با ما شایسته
 بجهت در گوشت و غایت بر کمال
 در کلمه مبارکه التوبه الحی
 چهار گوشه کاغذ بنویسد و نام
 غایت در گوشت در از وسط کاغذ
 بنویسد و در نصفش در زین
 آید و این با بند بان نوشته و نظر
 بخواند چیزی از گوشت و غایت بریند
 و اینها که در زینت در زانو بیا
 خانه بخورد یا بسک و هفتاد و هفت
 گوید یا معبد و قلین فلان
 بخام غایت بیاید
 در

چندانکه غایت بر کمال
 چندانکه غایت بر کمال

در شکر ما کما لمنفرد

۱۵۸

و بد چنانکه خون و است این را نیست که پیغمبران بر کافران از برکت
 اینها ظفرافینند این اتم مناسب است که از ظالمان انتقام
 خواهند اهل محبت گویند هر که خواص اخصای این نام کند
 که هرگز بر هیچ کس جفا نکند در حق مخلوق هیچ بد جایز ندارد
 و آنچه تواند از نیکو در مخلوق دروغ ندارد تا حق سبحا و تعالی
 او را شوکت و اهت و مجاعت نکند از این با انتقام
 مظلوم از ظالم است احصا امام رضا علیه السلام فرمودند
 بر جفا خصم صبر نتواند کرد این اسم در کند هر چه شکر
 بکویت بخواند چون سه جعفر بگذرد خصم ضعیف می شود و اگر در
 فرمود هر که زاقور مقاومت نماید دشمن نبود و دشمن او نبود
 بسیار باشند خصم خود و ضعیف است بد بیست یک روز هر روز

م	ن	ت	ق	م					
ق	م	م	ن	ت	۱۵۷	۱۶۱	۱۶۳	۱۵۰	
ن	ت	ق	م	م	۱۶۲	۱۵۱	۱۵۶	۱۶۱	
م	م	ن	ت	ق	۱۵۲		۱۵۸	۱۵۵	
ت	ق	م	م	ن	۱۵۹	۱۵۴	۱۵۳	۱۶۴	

۱۹۵

سصد

همان حضرت خیر غائب باد برسد
 و ایضا او داشت که هرگاه چیزی
 از کسی ز در برده باشد و نخواهد کرد
 برسد آن را و عید و مراجع است با باقی
 سوژان نام بخواند در دزد بدو باد
 بر کرد و ایضا جیب بدست هر که بر
 کس کمان دزدی باشد یا کسی
 بنا بر شیعیانی فالو انجمن من
 الله رحمة الله و بکانت علیکم
 التبت له جیب جلد و با یکس کمان
 دزدی اوی بد بخورد اگر او
 معلوم است که دزد است و ایضا
 مبارکه قلوه اذا البغی الخلق
 و انتم جسد منظر و ن دزدی
 بولید و با یکی که کمان دزدی
 داری بد که بخورد اگر دزد بد
 جانش جسد و
 دزد

هر که بدست مال دزدی

هر که بدست دزدی

شرح و اقسام افعال

شست و چهارم است تا مدت نماید ششم چنانچه افعال و منتهی
 گردد که عفو کند هر چه بود و خدا تعالی کردار و برابر و بگوید
 الْعَفْوُ یعنی خدا در گذشتگردد کردار مخلوق است بجز آنکه
 بسینا از گناه ترسد این نامی است که با جوض کوشیدند گاه
 برکت اینها خواهند رسید اهل تحقیق گویند هر که خواهد
 احصا این نام کند باید که بداند که هر چه از بندگی خدا است
 عفو میکند حصرا خداوند است و صد هزار چندان در میگذرد
 چون بند از بند عفو فرماید تا نامه اعمال و بزرگواران که خداوند
 سبحان در کلام میفرماید **مَنْ عَفَا وَأَعْرَضَ عَنِ اخْتِئَاثِ الْاِخْتِئَاثِ**
الْاِخْتِئَاثِ و اثری نماند چون بند از ضعیفها و برتر است
 فرماید حصرا امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که گناه
 بسینا بود چنانکه نزدیک است و صد نمود با الله چون
 اینها بسینا گوید یا میداند در اید در هشت و بزرگ فرموده

۴۸	۴۲	۴۵	۴۱	۶۷	و	ع	ف	و
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		ع	و	ال	ع
۳۳		۱۶	۳۶		ال	ع	ف	ال
۴۱	۳۵	۳۴	۳۶		و	ال	و	ف

هرگز بخورد نورانی این صفت است
 بجز در عفو مبین بلکه در عفو است
 که هر چه از او میگذرد در زمین باشد
 چنانچه در هر روز عفو کند و با بندگی
 با عیب و هفت بار از نام عفو کند
 دل وی منور گردد در هر چه میشود
 و بخواند **عَفْوُ** یا در هر روز
 کند و اگر کسی از او چیزی گوید
 باشد در روز نشسته صد و بیست
 نوبت بخواند چون بخواند و در
 با دانشان گوشه بدهد و آن
 مدار است نماید کسی در در خانه
 او را نه نماید با انبوم فلا یعون
 چون کسی از او باطل بخواند
 بسینا باشد و این
 واسطه

عفو یا ایا

عفو یا ایا

شرح دعا که از طرف در کتب معتبره است

ج ۱

که ملا و متب این اسم موجب سپید بمقامات عالی است انشاء الله
 الرُّقُوعُ یعنی خدا بخشایند و مهربان با خلقان نمایند انشاء الله
 و نما با اهل فتنه و طغیان بواسطه این نایت که اهل شفاعت
 محمد صلی الله علیه و آله را یابند خواهند یافت اهل تحقیق
 هر که خواهد که احصا این نام کند باید که بداند که خدا تعالی
 در دنیا شامل است به مؤمن و کافر و منافق و هر طایفه که
 گردانند اما در قیامت همه مناصب است پس باید که هر تو من
 پیش گیرد و بر فتنه و فاجران رحم کند در حق ایشان دعا
 کند حاضر ملک ثور و عاویر قبول کند و از اجرت بیست
 بیاض رد حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند هر که خواهد
 که مظلومین از جحش ظالمی برهانند بار این اسم را بگوید
 هزار و انظار شفاعت او در حق مظلوم قبول کند او را
 بویچشد و عو این اسم مناسب است که ضعیف الحال و نحیف
 باشند و بیکار از کار فرموده هر که گرفتار باشد بد خصم
 یا مجوس و در جنگ ظالمی نام است باید دست کافر میبند
 بخواند این اسم را بعد کبیر یا یکبیر کبیر از هزار بار زیاد است

قبول

مؤمن باشد اگر این اسم را بسیار
 خواند بجان نابد و اگر کسی خون
 ناک باشد از دشمن وقت نماز
 پیش غسل کند و نماز کند چون
 از نماز فارغ شود در شستن
 بخواند از من و عوف در شستن
 کرد و در شستن بر روی صورت اگر
 با واحد اللبغ اول کل شیء و التور
 انتم هشتم اگر کسی خواهد که
 در کارها نایت قدم باشد بیست
 آن سه روز روزه دارد و هر
 روز با وضو سجد او را این اسم
 بخواند خدا نیالی حاجت او را
 روا کند و اگر پادشاه یا وزیر بخواند
 که در دولت مستقیم بماند این
 اسم را در کلین روز بنکار و
 در آنکس نشانند روز

عده خون در شستن

عده خاضی از جحش و ای

عده است از امثال

شکر و ابرو مالک الملک

۱۶۱

بقول شیخ معز عدد تکبیر هزار و هفتصد و چهل هفت عدد است
 است هفتصد روز خدا بیچاره را چیم گرداند نظام را فجا یابد
 مجوس از برکت این اسم و هزار هشتاد باشد یا خاکه که بیخ
 مهربان کرد در روز جمعیه این اسم را بعد از نماز ویت بگوید
 الکلام بر شیرین یا ابرو خداوند بر نیاید و در کوزه آب اندازد
 این خور مطیع و مستحق گردد و از فرمان و البته تجاوز نماید

۷۱	۷۴	۷۷	۶۲		ر	و	ف
۷۶	۶۵	۷۰	۷۵		و	ر	ع
۶۶		۷۲	۶۹		ف	و	ر
۷۳	۶۸	۶۷	۷۸		ع	ر	و

مالک الملک یعنی پادشاه پادشاهان شکند کرد
 هر چه بزرگ و نیکو و موصوفه نیکو داشت هر شکسته دل بچنان
 اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این نام کند باید هر که
 حاجت خود بکنی عرض کند خدا تا بعضی از بندگان خود
 هم کار امت بود که فکر حاجات خود را بجد خود عرض نمکند
 زیرا که بختی و میداند که خدا بیچاره را چنان آید و بر خیر تمام

شکر از جانب ملک در وقت مستند
 نماید با نام ابرو مالک الملک
 روز و شش روز از کاری بسا باشد
 اسم نام ملک در عقربان بکشد
 ابداً با نام ابرو مالک الملک
 هر که خصوصاً نکند با صد مرتبه
 غیبی که خواهد زبان بند گوید
 ری که در دروغ وی بگوید
 از اسم مثال باید لوی بماند
 آن نفس کند و نام خطا را بنویسد
 در دست کماهی هد در دین زمین
 روزی کند زبان ایشان بوی
 که در هرگز روی او

محمد اسحاق کاشانی نویسنده

محمد شیخ باقر

محمد علی اللواتی

در کتب مباحه مال الملک

مخالفه تا از آنچه در ضمیر ایشان گذشته و خوفند گذشتند اینها
 که پادشاهها عالم از بركت و جلالت این نام بر پادشاه و سلطنت
 رسید اند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که اینستا
 بیضا خواند بجز دنیا توان کرد و منصب نماید و بزرگی فرمود هر که
 این اسم را بخواند پادشاه کند که نامی است الملك في الجلال والاكرام
 تعاشانه و بزرگوار است نماید بعد کینر نیاید پادشاه و سلطنت
 و جا و منصب و قدرت و توانگری در عالم صورت و معنی اینچنین
 او بود اگر خواهد که تصرف در ملک و مملوک و سلاطین و تقییر قلوب
 خلایق کند شرطی که مذکور شد در اسم الرحیم بخواند و در وقت
 بلند رود و دستها تفسر شود و چون نفس را ضعیف سازد روح
 گیرد و بخور روح قوت یابد و روح بعلم علو تواند کرد و کار او
 بالا گیرد و روز بزرگوار بر آید حضرت ساطع علیه واله
 وصیقت مؤید بر شما باد که در وقت عرض حاجت مینا نماید
 و الحاح کنید ز گفتن یا ذا الجلال والاكرام که سلب حاجت است
 شیخ مغز فرمود هر که در سجد بکشد و بگوید یا ذا الجلال
 والاكرام هر چه خواهد کرد و کام زد و اگر در دعا اگر

لا یومر القیوم و علی استعدنا اننا لیس فی الامر

مخفی گویند یا ماری قلاش
 کف و بیا مشد و لا امکان لویوم
 اسم را بخواند که کسی از دشمنان
 باشد باید هفت روز روز و بار
 و زن بخواند کند و هر روز هزار
 بار این اسم بخواند چون دعوت
 تمام شود دشمن مفوض و کس
 و اگر دشمنان را باشد با بنام
 ملا و منت نماید که نهندی
 تا کبر اوقات الهی که نهندی
 الصغول لوصف عظمت اسم
 و از دم اگر که بخواند اسم را
 یا یا خود دارد از تمام در این
 باشد و اگر بکند نظر زده باشد نام را
 و با جادوی کرده باشد این نام را
 بخشد هفت جوشش کند و بگوید
 دارد جادوهای

کهنه سوزن و درای

عقده بخیر و خالی

کهنه سوزن و درای

شرح کتاب معالجات القسط

۱۶۲

عد این اسم در مربع چهارم چهارم وضع کند و قدر مربع دیگر

۲۸۱	۲۹۳	۲۷۶	۲۸۹	۲۷۲	الاکرام	و	الجلال	یاداً
					۲۷۲	۲۷۷	۲۸۴	۲۷۱
۲۷۲	۲۸۱	۲۹۳	۲۷۷	۲۸۵	الجلال	و	الاکرام	یاداً
					۲۸۰	۲۷۵	۲۷۰	۲۷۱
۲۸۵	۲۷۲	۲۹۳	۲۷۷	۲۷۸	و	الاکرام	یاداً	الجلال
					۲۸۶	۲۸۲	۲۷۶	۲۷۶
۲۷۲	۲۸۱	۲۹۳	۲۷۷	۲۸۵	الجلال	یاداً	الاکرام	و
					۲۸۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۸

که در جنب است با نظر نویسد تا بخورد از این رسم و ستم نواز
 چنین بلیه و اوقات آخر الزمان را بخند کند تا در سفر افتاب و
 خورشید مشرف شود حامل این مربع نیز وضع شود برقی مقبول
 القول گردد کارها بسته و بگشاید اگر عد این اسم با اعتدال
 خونام هر که خواهد در سفر هر پنج در پنج بنهد انکس و
 او گردد و در اول هر دعا که یا ذا الجلال و الاکرام و ابی ترک
 رود تر و مقصود رسد از نیکو این تر و خواص بسیار است القسط
 یعنی خداوند بید او زند هر هر شخصی از یک و یکی که بدست
 چنانچه در آن گفته فرموده است اهل تحفی گویند هر که
 که احصا این اسم کند اول باید که اعتقاد چنین دارد و یقین داند
 آنچه بود و همه عالمی می رسد خواهد رسید بوم القدر هر که

نظر از روی برودن شود در دست
 دوزخ و خوشی بار رود مد
 یا با این تقوی بالا مثال خلا
 من قییم اینم از هر اگر کسی
 در دوزخ دارد که آخران ایم
 چهارشنبه باشد و هر دوزخ
 عمل کند در جاهای این باشد
 در مکان خلوت هر روز که خواهد
 چهارشنبه بخورد و خط در
 اطراف خود بکشد و چهارشنبه
 و چون در چهارشنبه هفتاد
 دعوت فارغ شود هفتاد
 مقرر می گردند و این هفتاد
 ده طاعت وی کند بی شرط
 آنکه در این نام از جمع معاصی
 اجتناب نمایند از این الطاعت
 من کل آتو مطایب

چهارشنبه این اسم را با این
 در دوزخ دارد که آخران ایم

چهارشنبه این اسم را با این

شرح کلمه بسم الله الرحمن الرحيم

که در ازل پیش از آنکه خلق عالم موجود شوند بر لوح محفوظ نوشته
 بقدر کماله تقبیل فرمود از افراد میا که حال آن مایشان
 و خواهد رسید هیچ نعمت و بلا از خود نداند و نگوید اگر چنین
 میگردم این نوع بلیت از من نیست اینکار میگردم این نعمت
 میورسید که آنها همه خطاست آنچه قسمت شد تغییر می نماید
 چون خود را بدین معقد ساز همه از خدا تعالی دانستند
 خدا تعالی راضی شدن بشد عارضت اگر سائل شوال کند که چرا
 هر چه بود وقت خواهند دجله تیغ او است پس کا در ادر
 کفر و زیند چه گنا چون کفر و زائل نصب است و گویم
 که مشیت تابع علم است علم تابع معلوم چون خدا تعالی تعبد
 که استعدا کافر مقضه کفر است عطای ایمان مفا حاکم
 بود قوله تعالی و ما ظلمهم الله و لکن کانوا انفسهم یظلمون
 بر این معنی که گفته شد باید که هرگز بر کسی حسد و بداد مقسط
 واضح گردد تا ویرد مقام رضا از جمله مطیعان گردانند بز
 فرمود هرگز او سوانش دیار بسا محکم گردد و حیانت فاسد
 اورا نشویند خدا این اسم را بدین طریقی در مرتبه وضع کند

بخانه هر کسی حاجتی را میباید از
 کسی داشتن باشد و در باب حاجت
 رسیدن این اسم را بیشک و زعفران
 بر بوسه ها میبوسند و در زمانه
 آنکه در من کند البته مراد وی بود
 بر آید یا کافرا الموسع لا یخلق من عظام
 فضله است تا برید خدا که کسی حاجتی
 فاستکار از کسی داشتن باشد و زعفران بر
 رسیدن این اسم را بیشک و زعفران بر
 بوسه ها میبوسند و در زمانه
 در من کند البته مراد وی بود
 کافرا الموسع لا یخلق من عظام
 فضله است تا برید خدا که کسی حاجتی
 داشت تا کفر نماید باشد بخواند
 این اسم مداومت کند این اسم
 انظام و هاشم شود از بکنایه
 زرد گوار یا نقیصا

کلمه حاجت و مطلق

کلمه حاجتی از عظیمات

کلمه حاجت و عظیمات

کتاب فی الفسطوی

۱۶۵

و در صورت کما در نمود گرفته با خود داند و بعد تکبیر

۵۲	۵۵	۵۸	۶۴		ط	س	ق	م
۵۷	۶۵	۵۱	۵۶		ق	م	ط	س
۴۶		۵۳	۵۰		م	ق	س	ط
۵۴	۶۹	۶۷	۵۹		س	ط	م	ق

کنند از آنجا یابد چون در حوزة چهل و نیک کنند بر انواع
مطلع کرد و بزرگ دولت رکار او ظاهر گرد و از خلق
بهره مند گرد اما باید که او را از خلق هیچ طبع نبرد و
خواهد خدا خواهد چون بنده با اعتقاد صادق گرد
تا خلق خود را مطیع و فرمانبردار گرداند شیخ مضر گوید
هر که اسم مقسط و جامع را در مرتبه بجز درین وضع کند

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴	کارهای پریشان جمع گردد
۵۵	۶۳	۷۶	۵۹	۶۷	آنچه وقت ملتهر گردد
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰	مربع جمله گریخته و درند
	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳	و غایب اش عظیم دارد و چون
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶	وضع آنها در مربع وقوع

کبریا و عزت او را در کتب کبریا و
 حاتم و زبیر بن عوفی است و
 کار از وی نباید و خواهد که
 انجام کار او نیست شود و
 از وی بود باید که به غرض
 مشغول شود و هدف رود
 نایب حی و منت خلیفای
 نوبت با او گردان شود
 خدایم را در کارهای
 نیت کل است آن که
 اسم هفدهم اگر یک تن است
 و نفری باشد با آن است
 و از تنگ جوی شود

حاتم و زبیر بن عوفی
 حاتم و زبیر بن عوفی
 حاتم و زبیر بن عوفی

شرح کلمه بکلمه جامع

۱۶۰

باید نام گرفته یا چیزی که در دین برکت برت مرتب نوشته اند
 در میان کتاب هند که گرفته و در دین ظاهر گردد از در آنجا
 رسد **الجامع** یعنی جمع دارند چیزها را کنند و تیسارند
 در حجت خویش این است که بزنگین سلیمان علیه السلام بود که
 مخلوق از بزرگ و نسبت این نام و مهر سلیمان را مطیع و مطهر
 گشتند اصل تحقیق گویند مگر که خواهد احصا این نام کند باید
 که معاشد بنو صلی الله علیه و اله را کار فرماید یعنی علم تا عمل
 جمع کند چنانکه حضرت رسالت صلی الله علیه و اله فرمودند
العلم بلا عمل فبال عمل بلا علم ضلال و جو علم ضروری
 حاصل کرد و با او عمل جمع است حضرت جامع و راجعیت اگر
 کند در ظاهر و باطن که در آن جمعیت سبب جامع جمع خاطر
 عالمیان گردد و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که
 بر تیسار دست هدازد و سنا و باران در بار خود و راقدا باشد
 و در کار خود سرگشته و سرشته از دستش در باشد و زنگین
 چاشم عمل کند نماز گذارد و دستش دارد و دیگران گنگین
 یا جامع بگوید و انگشت عقد کند و جمع گردد در جامع

دوم

بافتان زد الاخیان فذرع
 الخلال یعنی منتهی و فضله اشخار
 اگر کسی امانی بخاید بگذارد این
 استرارد و میان امانت بگذارد
 از افت زنجیر محفوظ ماند و اگر
 نشد اولی بود با دین از العباد
 چهره اولی و در حاضر استنبیح
 فکشتی که بود اگر کسی غایب
 در غیبت اسم نوزدهم در آن
 داشته باشد این اسم را هیچ ضرر
 بخواند بر بدی از خانه که جمع
 بخواند غایت را ماند و با باشد
 نماید و غایت را ماند و با باشد
 خالق من فی السموات و الارضین
 و کل الشیء معاده استنبیح
 خواهد شخصی داد و سبب خود
 بخوبی که او هیچ اوام و از آنکه
 اسم را بشتک و عقربان نویسد
 یا با نداد نام خود

حقیق الامنی فانها امانت

عنه کذا

عنه کذا

شرح کلمه البرکات الجامع

۱۶۷

و در وقت آنکه شیخ فرمود اگر میان دو کس از دوستان یا
 میان زن و شوهر عداوت باشد که سبب تفرقه شو این را
 بخوانند بوقت جمیع هر کدام خواهند خاصه وقتی که در جنا
 خواب می‌ایند هفتاد بار از زنا کرده بدک و نوبت زیاد
 یاد کنند و خست از میان برود و اگر در غریب افتاده این اسم و
 کند مدت نماید بعد بکبریا بعد تکبیر باز در شد مقصود
 و مقصد اگر بر دنیا و تفرقه دید و بحال خود مضطر گشته
 این اسم کند و تکبیر بخواند که ناپسند هفتاد بار
 بر دنیا او برود و جمع گردد و از قبول شیخ مشر هر روز پنج عدد
 بخواند که دو هزار و ناپسند بوقت عداست حقیقت دهد بر او
 رسید و بوطن او رود و اگر در وطن بود از کتابخانه بافته
 و بیخ خلاص شد توانگر گردد و معجز شود خواهد نصیب
 او در جمیع وقت و معجزه صد هفتاد هفتاد این اسم اگر بشرط مذکور
 نماید و دعوی این اسم سنا کسانیت که بر دنیا و مفسد باشند
 ایشان را از دو غنا باشد و این قرع که در خاشاک نمودند
 با خود دارند تا نایزش رود و ترغیب باشد و بخت نمود ترغیب

ماد در خود بنام مطلوب ماد را
 او در هزار بار این نام بخواند و
 و مهران کنه در دوشتم کرده
 نام از هم کل صبیح و مکر و بیخانه
 از معاذ اسم نام مذکور و از در هر
 اسم و از نام مذکور و از در هر
 روزی هفتاد بار بخواند عجا
 و اگر بر مضطر الف و با عزت
 ایام فدا تصفیه الا کس رکنه
 در نیم ایام بخواند و در وقت
 در وقت شکار کرد در وقت
 در هر ماه که داشته باشد بطل
 این اسم را بخواند و در وقت
 عوامین و خلفه

هر چه از این اسم
 هر چه از این اسم

هر چه از این اسم
 هر چه از این اسم

۴	۱	۳	۲
۱	۳	۲	۴
۳	۱	۴	۲
۲	۴	۱	۳
۳۸	۳۱	۳۲	۳۱
۲۷	۲۲	۲۷	۳۲
۲۳		۳	۲۴
۳	۲۵	۲۴	۳۵

شماره ۸ کلمه الغنه

۱۶۸

الغنه یعنی خدا بی نیاز از همه کس و همه چیز در همه حال بر نیاید
که اهل همت از اندوگنا همان اندل بر رکت این اسم را میگویند
اهل تحقیق گویند هر که خوافه اخصا اینستا کند اول نماید
بداند که غنه مطلقا است غیر او همه فقیران و نیازمندان اند
و بدین معنی که او را معنی کرده و طمع را از خلق ببرد احتیاج خود
به کسی نکوید و هیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا ازین غله و
از خلق و شیعه گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
اند هر که بیلای طمع گرفتار باشد مبتلا گشته باشد تا آنکه هر
کس بیند از او چیزی طلبد اگر چه بظاهر طلب ندارد اما در باطن
طامع بود این اسم را هر روز بخواند بر عضو از اعضا خود
دست و پا و در قطع طمع گردد و دعوی این اسم مناسب است
که ایضا اردو غنا باشد و نیز در گوشت بیلابی و شکر
گرفتار باشد یاد ویش و فقیر و نیاز در ریاضه و عیاشی است و ضر
دار باشد در حال اضطرار چون وضو ساختن باشد دست و پا
و نیز بی نیاز تمام آنقدر که تواند بگوید یا غنی خدا تعالی او را این
بخواند سخاوت است اللهم تعالی چنین فرمود اند ذکر الغنه

بعد

اسم بلیق و سیم اگر کسی هر روز
روزی هفتاد و یکبار بخواند دل
و اقبال بر وی در تمام ابد در دنیا
خدا بفرستد و بندگان را بیاورد
کس با وضو بخواند رساند و هیچ
کس با وضو بخواند رساند و هیچ
مهمان و بخوبی نگاهدارد
النسوب فلا یفوت شیء من
علیه ولا یفوت من خلقه این اسم
بلیق و چهارم هر کس این اسم
مداومت نماید هیچ کس با او
و مجادله نتوان کرد و هر چه
سند به او بر آید و اگر چه چهل بار
این اسم را بر آب یا سر بخواند و
بخورد مطلوب و بجهت دست و
مهربان گردد و اگر خوب بود
با بویده های خاصت دارد تا
طسم و او را نماید
قال

هر روز و روز یکبار

هر روز یکبار

هر شب یکبار و هر روز

شرح کلمات المعنی

اهل تحقیق گویند هر که خواهد تا احصا این اسم کند اول
 باید که بداند که معنی برحق او است تمام مخلوقات و اشیا بویست
 و او را هیچ کس نیانیت و چون این معنی دانست باید که هر چه
 باشد از نیاز مندا باز نماند و تا تواند به تمام مردم قیام نماید
 استعدا خلق را اجابت کند معنی علی الاطلاق او را از خلق نیست
 گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند هر محبتی که
 خلق نامند گشته هر روز هزار بار بگویند و بر او بخند
 تمام توانگر گرداند و اگر بیشتر شود که بعد فارغ شود معنی کرد و

۲۷۶	۲۷۷	۲۸۱	۲۸۷	۲۲۵	م	ع	ن	ی
۲۸۱	۲۶۸	۲۷۳	۲۷۸		ن	ی	م	ع
۲۶۹	۲۸۴		۲۷۲		ی	ن	ع	م
۲۷۶	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۳		ع	م	ی	ن

فما لیتخرج حیثا ینشد الغن الکافی المعنی حیث
 ستره نکو فرمود هر که طلبت نماید که ما کفایت معاش و برآمدن
 و حصول مقاصد را بداید که روز جمعه بعد از فرض نافذ
 کند و در خلوت رود تا با همه نامهای در این گوشه بنشیند

ان شاء الله

مادام العمر روزی در روزهای بار خوار
 در باب و بنا بر حق او است
 با یکدیگر افعال را از این علی جمیع
 خلق را بظن استم و غایب
 اگر در وقت رحمت و غایت
 باشند این اسم را بخوانند خدایا
 بصلی مندا اگر در او اگر ملا و کله
 غنیمت و مکتب کرد و در هیچ کس را
 و شرفی خواند که با غنیمت التبع
 الثالث علی آیه فلا تثنی تعالیه
 اسم بیست و هشتم اگر که
 باشد چیزی و یا بیاید او و نماند
 باز که این اسم را در وقت یا بخواند
 نام آنکس که گویند یا بداید
 و امانت باز بداید و اگر در غایت
 باشند این اسم را بمثلک حضرتان
 و کما شریفی و غایت
 بخورد

هر روز یک بار

هر صبح و هر شب

هر روز یک بار

شکر کلمه مبارک المعنی

۱۷۲

خواهد مع عاقبت نباید گفت چنانچه بنور دنیا اورد و گفته
 روز پیوسته بسین عمل قیام نماید یعنی روز جمعه بتدا کند و روز
 پنجشنبه با تمام زنسانند دعا کند ز شب جمعته الله سبحانه و تعالی
 اودا توانگری که امت نماید و از خلقان بیدیا گرداند تا توانگر
 که اودا بوقایع تصدق و عطا بیاورد بود دل سلیم
 و باطن روشن و اگر خواهد که دولت و مقام بپوشاید باشد
 و از آن برخوردار زیاده باید که اسماء را در انگشتر نقره که از پنج حبه
 یکم روز باشد روز جمعته بعد تکبیر و آخر بنویسد با
 طریقی حد تقصر کند انگشتر در انگشت کند صد بدهد

۱۹۸	۱۹۱۱	۱۹۱۴	۱۹۱۱	فغنه	کا	۲	مغنه
۱۹۱۳	۱۹۲	۱۹۷	۱۹۱۲	۲	مغنه	غنه	کا
۱۹۳		۱۰۹	۱۹۸	مغنه	۲	کا	غنه
۱۹۱۰	۱۹۰۵	۱۹۴	۱۹۱۵	کا	غنه	مغنه	۲

خلال فقر و فاقه این و اختتام زبانه و با جرمت گاه دارد
 اگر دو خاتم سازد بر شش و شارب زودتر حاجت شود
 و هر دو روایت مثال نموده شد بعد تکبیر بیکر این اسماء

عذر و کوی

عذر و کوی

عذر و کوی

فزار با و با اعتقاد در دست بخواند
 که هلال شود و بجهت و سببی
 مفصل با در بر شکر بخواند و بخورد
 مطلوب بود و سنا و شود با آنکه
 کل جبار غنی بجهت غنی بطلب
 اسم نوح بکجا که در او غنی
 باشد و خواهد که بر روی عالم
 ابد در دینک شنبه روز دارد
 وانگاه غسل کند و با شانه در
 پوشد و بجهت احوالی از غیر خود
 بود در هزار و هفتصد بار این اسم
 بخواند و حاجت طلبد بر دشمن
 ظفر نماید و غالب گردد بر دشمنان
 حکایت نمائید و کل شیء و هلاک
 انما لکن طلق الکلیان بخورد
 اسم می ورد و اگر که و اولیا
 بخواند کند و با آنکه
 غنی

مدامت

در کلمات الفبا

مذوق نماید اگر میسر نشود بعد کثیر میخواند البته باید که تکرار نکند بو خوش بکار دارد و مرچندگاه این را با نماز تسبیح در میان مؤمنین و مؤمنات هوائت منبکد اند و بعد کثیر بخورد و اگر ویرا کار یکی یا همه تری زد دست همدرد و جمعه غسل کند نماز که مذکور شد بگذارد این اسما را ابتدا تکبیر که مالک است شصت و شش هزار و نایصد بسجده است عدد است بخورد عدد صد و موخر چهار وقت روز شصت شصت اعدات و مجوس یکصد بیست پنجاه روز و دویست و پنجاه عدد باشد این عدد بخواند این چنان اسم الفتح الفتح الفتح الفتح الفتح و بعد آن از خدا شفا بخواند این چهار سوره و مقاصد آن در ذره که خدا

الف	الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف	الف

تاما عطا فرماید و صا کتاب نقل میکنند از شیخ احمد که فرمود مرا از جمع معاش چیزی از متعلقا خاطر متفرق بود شیخ

نماید بخوبی که گدائی یاد داشته باشد
 آنچه عجب خواند هفت روزت و بعد از آن یک ماه هفت مشغول باشد
 بود با عالی الشان و قور کل
 که در بخورد در بار او شد
 عن الله شاه اشهد و یا کبر
 کار را در سنگی بیداشد یا کبر
 دل تو سفند زبانه را حفظد
 باران اسم طوبان بخواند و بنویسد
 اسم را در میان دل نهاد و در
 کتابه کرد و در دوشی
 در

در مدینه یک ماه مداومت نماید و
 در مدینه یک ماه مداومت نماید و
 در مدینه یک ماه مداومت نماید و

در مدینه یک ماه مداومت نماید و
 در مدینه یک ماه مداومت نماید و
 در مدینه یک ماه مداومت نماید و

شرح کتاب الفتح

۱۷۴

خوالتاس کردم که مزاج پربنابو که وجه غاش من جاضل
 کرد و شیخ فرمودند که بندگ را شما از نفع مدام نباید بود و این
 تلقین کرد که بگو یا کافیه یا غنی یا فتاح یا زواق چهل مرتبه
 بنشینم و خلو اختیار کردم و بعد نیکبند کرد این استامین کردم و
 بخوشی و نیکبند که این روز چهل دید که سقف خانه باز شد و چهل
 هزار در سحر در صفت انداختند او آن شنید که بزبان فصیح
 یا احمد اگر تو ندانند که بفرمان ما نیز در این نزد بفرمایم و اگر که
 کج ما نیز که کنیم و اگر بر این باز است ما نیز باز اینیم و عدت که این

۴۹۱	۴۹۵	۴۹۸	۴۹۹	یا کافیه	یا غنی	یا فتاح	یا زواق
۴۹۷	۴۸۵	۴۹۰	۴۹۶	یا کافیه	یا غنی	یا فتاح	یا زواق
۴۸۶		۴۹۳	۴۸۷	یا کافیه	یا غنی	یا فتاح	یا زواق
۴۹۴	۴۸۸	۴۸۷	۴۹۹	یا کافیه	یا غنی	یا فتاح	یا زواق

چهار اسم یا کافیه یا غنی یا فتاح یا زواق چهل مرتبه شود
 فقط سعادت و عدت نیکبند و موثر چهل مرتبه شود
 چهار عدت و مجموع هفتاد و ناپصد هفتاد عدت
 یک از بزرگان حکایت کرد که وقتی بجهت مهمی متوجه این استامین

یا

کا نظام شود با قدر و س الظاهر
 من کل شیخ فلان اثنی عشر
 استمینی و چهار اسما که میخوانند
 و در بنویس او را تا نرسد و در هر یک
 مطیع و مطا و در هر یک در یا مدین
 التی با و صد قاعد تا و خا
 هفتاد مرتبه باشد این اسم را
 احتضار کند و بدین شفا
 بسیار بر او بخواند و حکم فقل او که
 باید و اگر که و احکم فقل او که
 باشد هم بسیار بخوانند تا
 شود و اگر مدام است نماید این
 اسم در نزد بزرگان مخترع کرد
 و در خلق محتاج بودی شود با
 چهل الکتب عن شکل توع
 والعدل انما

کتابخانه خانی

کتابخانه خانی

کتابخانه خانی

شرح کلمه الفتح

یکی از سائلان نامزد گفت که مراد من کاشف است از الهی جنات معلوم
 شد که غنی و مغنی میباشد گفت و از دو معنی این مناسب است
 و مزایقین حاصل شده است اسماء عظام را اینطور تو با کلمه المغنی
 بیاید کرد پس توکل بالله دعا کردم و بعد ذکر این اسماء خسته و
 نموم و منتظر بیدوم که چو از زمین تمام شود انتمم کلمه
 کرد از برکت خواص اسماء الله تعالی روز بیست و ششم بایست و هضم
 که انتمم ساخته شد سم و کوشش و در آن قصه از ابراهیم که
 شرح آن طوطی دارد و از جمله غرائب است عدل با کافر با حق
 یا صفة بافتاح نازد آن بتکسیر سے بکھرارود ویت و سم و
 است تکسیر صد مؤخر نه هزار و شصت و شصت و هفت
 است مجموع حمل مستقر و نه صد هفت عدد باشد و شرح ابو
 العباس گفته که الکافی الغنی المغنی الفتح الرزاق لایذکرهما
 احدًا لثروا الا وجمعا بینه و قد لا یذکرهما عند القیاس الا
 کثر و قل ثوبا الا ظهر تخیبه زیاده بامر الله تعالی و جمع دیگر که
 شارح اسماء الله گفته اند هر که این پنج اسم را در سفر اقامه کند
 مسعود و خوشتر خوشحال و فرود رسد و در خانه بخورد و غطا

القدون و عدد اسماء الله تعالی
 کند و در کتب معتبره
 تکلم هر روز و هر شب هر روز
 نفس قدسی مقامات عالیه گیرد
 و هر چیزی در اطاعت او باشد و
 عجایبها مشاهد خواهد نمود
 یا محمود فلا تلغ الا و هاتر کلمه
 هفتاد و یک اگر که بخواند
 از کافران او دگر کند و شهنش
 کند ملایم مدد او
 العفو و العبد انشا الله تعالی
 کل شیء عذبه و انشی و
 اگر که صلیبش بماند
 عطا و
 چه عطا و
 چه عطا و

در کتاب الیوم

۱۷۶

از نحوست بر او رحل و میرغ مستقیم باشد و لوح پنج در
 پنج که آن لوح پنج متقاطعا باشد یکشماره و مزوج کرده باشد
 دارد و نسوب این هفت کوبک از دگر کردند مطیع شوند

بکفید	الاشارة	بکفید	بکفید	بکفید	بکفید
المعط	بکفید	بکفید	بکفید	بکفید	بکفید
مضاح	مضاح	مضاح	مضاح	مضاح	مضاح
خواهد	خواهد	خواهد	خواهد	خواهد	خواهد
اینفامی	اینفامی	اینفامی	اینفامی	اینفامی	اینفامی
عیسلم	عیسلم	عیسلم	عیسلم	عیسلم	عیسلم

نام بر جمله اشیا مکرم گردانید نیز که فرمود هر که خواهد
 که محتاج نباشد هیچ چیز و هیچ کس بدستجو این اسم در وقت نماید
 بعد کبیر در آخر گوید یا معطی الشا تیلین از خلق دنیا گردد
المعط یعنی خدا باز دارند از بلا و نعمت و راحت و محنت
 از هر که خواهد ازندگان اهل عیش و گویند هر که خواهد که
 احصا اینها کند باید که بداند که اگر همه اینان جمع شوند و
 خواهند که مقدار ذره مضر بشخص رسانند نتوانند ساینده

فصل

با بر اسم غماید نزدی از شود
 و اگر با دشاه و با بزدلی با او در
 غضبنا شده هر دبا و بخواند با طبع
 و مذهبها ملک کردن با عظیم
 ذوالقشای الفاخیر و ذوالعزیز
 الحمد والصلی علی باب و لا ایلین
 عن اسمی من هر که که
 دنیا خواهد و با هر هر که که
 باشد مداومت نماید جمع
 او بدستخواه او حاصل کرد
 فلا تطیق الا لسنن بکل
 عجیب و ثناء اسم هر که که
 الا نیز و ثناء اسم هر که که
 این اسم را همیشه بخوانند و
 سلامتین غنیمت و مکتب کرد و
 هیچ کس بدوی است نباید و از
 دندان و قبیله در امان باشد و
 باید این اسم را از خود
 جدا

فصل
 در کتب
 فصل
 در کتب

شکر و استغفار

تعبیر نشد باشد بر باید که خدا بعتا را بدو سپرد و در این
 خدا خاطر جمع دارد که نخر تو نتواند حساب کند من شتر و قس
 خود را از قوا منع کند تا مانع بلائی دنیا و آخرت او دفع کند
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر کس بجزئی نامساکی
 باشد هنگام خواب بنام بسا گوید سازگار شود و بزرگی
 فرمود در زمان زلزله مثل لشکر سپگانه و بر و بسا او را
 میخ و باران باد و طوفان هر بلائی که باشد از آن ترسد
 این استقامت نماید سلامت تا نازلان بلیه و اگر در میان حضرت
 اقدار هر جا که بماند امت عو این اسم قیام نمایند غالب آید

۳۲	۳۶	۴۰	۴۴	۳۸	۴۲
۳۳	۳۷	۴۱	۴۵	۳۹	۴۳
۳۴	۳۸	۴۲	۴۶	۴۰	۴۴
۳۵	۳۹	۴۳	۴۷	۴۱	۴۵

یا مینا ایشان صلح اقدان شاء الله تعالی انصافه رستاد
 الی و خورد و مصیبت هر که خواصد این نامیست که زمین دانستن
 برکت آیتنا فایمندا هل محتوی گویند هر که خواهد که احصا این

غنچه در شرح این استقامت بسیار بود
 مختصر کردیم تا مملکت حاصل کنی
 نشد باغبان و عیند کل کنی و عیبی
 و معادری عیند کل کنی و اشک
 عیند کل کنی و اشک
 و غنچه باک لایبنا و الامان
 در روز باد شاه و بزرگان باغبان
 در روز باد شاه و بزرگان باغبان
 حاجتی که داشتند در شراب بود
 در هنگام نوشتن این در طهر
 بخواند یا سبحان الله
 هر که در آن
 هر که در آن
 هر که در آن

شرح کتاب الضوا و النفا

کنند باید که از او هیچ مضر بکسی نرسد بجز آن باشد که نفع در
 آن حاضر است و تعاضد خلق از او بود از او بزرگی فرمود
 که فکر را طلب جاه و مرتبه عالی و زیادتی و منزلت خودش
 و ابریا خود خواهد فرستد این اسم را صد بخواند از خوار و متد
 ایمن گردد و بدست سعادت و منزلت عالی برسد حضرت امام رضا
 علیه فرمودند که اگر از جاه و منصب باشد زوال آن برسد
 هر شب جمعه هر شب آیام البیض این اسم را صد بار بگوید در وقت
 پانصد بار نماز دیگر روزها و شبها هر کس این اسم را صد بار در وقت
 ثابت و منزلت عالی او برقرار ماند ما بر آن زنتان شاء الله تعالی

۲۲۹	۲۰۲	۲۰۸	۲۲۲	ال	ض	ا	د
۲۵۱	۲۳۲	۲۴۸	۲۵۳	ا	د	ال	ض
۲۴۴		۲۵۰	۲۴۷	د	ا	ض	ال
۲۵۱	۲۴۶	۲۲۰	۲۵۹	ض	ال	د	ا

النافع یعنی رسانند منفعت و ساد چتر صورت خیر نامه
 و جبر شتر و مکر و طرب و بر نماند که در نایاب است که این نام نهایت
 اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای این اسم کند باید که

بنامند

بنویسد در روز یکشنبه در او
 ماه هر که فایده منکر بود و مردم
 از او در مقام و کرامت از او طلب
 شود و اگر کسی وارد و سستی باشد
 و مجال سخن ندارد و محبت و شود
 اگر کسی مریض باشد بر کسب این
 و بخورد و در وقت نوشتن این
 دوایم بخواند یا در حق آن
 هر که چهار صد و هشتاد
 روز چهارشنبه در هنگام
 روز چهارشنبه در وقت کور
 و نفع آفتاب و بخورد از کور
 و خط بنویسد و در میان
 فغانا که برینت و اگر چیزی فوری
 باشد بنویسد و در میان
 هند بار باید در نایاب از او بود
 و اگر ناخود دارد از دشمن این
 کرد و در وقت نوشتن
 این

کشتن و مضر

فایده و در وقت

کشتن و مضر

در کلمه مبارک انشا

بداند اعتقاد کند که خیرشتر و نعمت و غم و فساد و بلا و آزار است
 که هر کس میسرند از دست تقدیر است و تا تواند بر آن باشد از
 خود نفع ببرندگان خدا رسانند و بینکخواه خلق باشد اخذ
 تعادند دنیا و آخرت با او نیکو کند چون نیک و نیک بود
 بیند حضرت پیغمبر موجود علیه فضل الصلو و افرومندان
 انما الاعمال بالنیة حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر کس بیست
 بار در هر روز صد مرتبه بجز بقره و اقصو باستانا کبریا
 بخواند اگر دایم گوید اگر در میان صد هزار دشمن و ده بیخ ضرر
 زند و دعوی این اسم مناسک است که در عالم از خصم منوهم باشد
 یکبار از کافر فرمود هر که در سفر در وقت خیر بد فرو و در
 ذاعت بدکار این اسم هلا و متکاید و از بود در انکار سونبنا
 و در انگشت داخل بیداید بمال و هیچ نقصان نرسد اگر گشت
 که در کشته باشند که هر یک ده هزار بار این اسم بخواند و اگر
 سه زن یا دو تن یا یک تن این اسم صد بار بخواند این گردن از شر
 شد و آفتهها دبا و شیخ مغرب فرمود که انافع را شش عد
 نگین بخواند سبب نگر و می شود اما باید که این اسم در دست

این دو اسم بخواند با نیت مال و غیره
 هر که با نیت صد و دویست
 نوبت در روز سه شنبه و پنجشنبه
 زوال و در دیوار خانه که از زبان
 قلب باشد یا در دیوار در کار خانه باشد
 فایده عظیم میکند و اگر نیت کند در
 کوفتار اندازد و بخورد در روز
 دهد که کجنگ که با نیت یک
 این دو اسم بخواند تا از آید یا صمد
 در وقت طلوع آفتاب و یا خود
 نگاه دارد زبان بد گوید آن بیدی
 بسینه شود و جماعت اربعه را
 بپسند و اگر از غلظت شده
 باز باید در وقت در
 هر که در کمال است
 هر که در کمال است

شکر و مسکه و انیسون

۱۱۰

اقصاب در شرف حل خوشحال بر لوح نقر نقش کنی با این طرز

۵۰	۵۳	۵۶	۴۲			ع	ف	ا	ن
۵۵	۴۳	۴۹	۵۴			ا	ن	ع	ف
۴۶		۵۱	۴۱	۵۸		ن	ا	ف	ع
۵۲	۴۷	۴۵	۵۷			ف	ع	ا	ن

و در حال خواندن رخام سفید رو یا کاشی سفید را
 قلاب و گلاب رو باشد در نظر خود نهاده مردم در وقت
 و هر روز یک عدد تکبیر بخواند و شنبه است که روز پنج شنبه
 تمام کند شب جمعه که تواند از شر عد تکبیر بخواند دعا کند البته
 با حاجت مقرر کند و اگر شب جمعه نتواند خواند تو نگر شود
 و اگر شب جمعه بخواند خدا بیخاورد از ظاهر و باطن توانگر گردد
 و جمله خصما و مقهور گردند نفع سده خلیقا بود و از این
 حالت دست برداریم خواهد که مردم از او منتفع گردند بحسب
 و با طریقتا و افسوس که فیض او به همه شایر شد که با او مقاد
 نتواند کرد و این اسم اعظم از خواص بسیار است و عد تکبیر نافع
 سده عد است مع صد و موخ هزار و دو و بیست و شش عد است

دعای

او پدید آید و در وقت نوشتن
 این دو اسم بخواند تا باری تا
 هر که صبحه ۸
 کبیر ۸ در شنبه بخواند که ماه در
 بنویسد در شنبه بخواند نگاه دارد
 افزون باشد و با خود نگاه دارد
 صبحه بوی کا و نکند و چشم و تنم
 بوی نرسد و اگر مشک و زعفران
 بنویسد و در هر روز بخواند و در وقت
 سفید و نرسد در زمان خواندن
 جمع ارفاح و این بخواند تا
 نوشتن این دو اسم بخواند تا
 باری با یکی ۸
 شش صد و بیست و شش بخواند در
 جای خالی روز یکشنبه این ماه
 رو در خواند خود کند هر روز
 دعا و در وقت باری بد و در وقت
 نوشتن این دو اسم
 بخواند

عزیزم بجز جا درو

عزیزم طلب

عزیزم موهوب

شرح کلمات النور

وعدت کبر التنازع مع الف لام فرار وصد شصت عدت مع
 صد مؤخر فرار شصت پنجاه و شصت عدت کثیرا با نافع مع
 نذاهرا و شصت عدت مع صد مؤخر فرار و ناصد و
 چهل سه عدت و شصت عدت کثیرا نافع هفتاد و پنجاه و شصت عدت کثیرا
 با نافع نه فرار و دو بیت پنجاه و شصت عدت کثیرا التنازع
 یا نذ فرار و صد هجده عدت و تار حیرت دریا نذ و الف
 لام التواضع خذ و ندید و دو شصت و نبت آنها ظاهر
 و بر نذ حجابها از نظای نبدگان اثر که خواهد این نابت که
 مؤمنه علی السلام در بیانان از صورتش آقا انا الله شصت
 حقیقت گویند هر که خواهد حصا این اسم کند باید که معتقد
 بر آنکه جمله موجود بنور و ظاهر گشته اند دست نیاز و تواضع
 دامن بر نیای و عظمت ناری تمامند تا و بر نور مخصوص دارند
 پیوسته بران باشند که خود را از ظلمت گناه نگاه دارد اهل طهر
 و شیخ نیز چنین فرمود اند که هر که شب سوز نور هفت نابر خواند
 و بعد کبیر این اسم تکرار کند نور در جان و ظاهر گردد اگر نذر
 نماید آن نور در حق باشد اگر قیسر باشد البته هفت جعفر پیوسته

ما کافی ماری در هر کس
 در جانی خالی که در دم در خواب
 باشد شصت یک زعفران و نافع
 با صد دل در دست او گناه کرد
 و در نظر مردم مملو است و عزیز بود
 و عاقل و کلیدی کند در جهه ادبی
 و نوبت این اسم بخواند در وقت
 نوشتن این اسم بخواند با احتیاط
 هر که هفتصد
 در وقت طلوع آفتاب در مسجد
 که نماز جمع کند از صد دفین کند
 تمام مانتا که مال در دست او
 کرد در امان بماند اگر جاهل باشد
 باشد در دنیا عد و در وقت
 نوشتن این دو
 این را
 هر که هفتصد
 در وقت طلوع آفتاب در مسجد
 که نماز جمع کند از صد دفین کند
 تمام مانتا که مال در دست او
 کرد در امان بماند اگر جاهل باشد
 باشد در دنیا عد و در وقت
 نوشتن این دو
 این را

شعر کلمه بر کلماتی

نماید و اگر در روزها بدین اسم ندا وقت نماید در ایام مذکور
 و شبها بعد کبیر تکرار کند نور در ناظر او پیدا آید دید
 دل او بنور الهی روشن گردد و لذات جن و شعلها نور بر او فرود
 و شیخ در شرح کبیر اسماء الله آورده که هر کس این اسم را بگوید
 القاضی طبعی صورت کبیر کند که نمود میشو **اللهم**
ق و ای بع بر هفت نفس کند در این اسم **اللهم** و در روز
 تا بکلیت عیلم نفس کند و جعفر در وقت طلوع وقت او در وقت
 نفس کردن غسل کند جامه پاک در پوشد و ناخود دارد و در روز
 استوار اچھا صبد بخواند شروع کند در هر امری که خواهد رفت
 صلاحین و خلاصه مجنوسا و اسیر بلکه در استخلاق ارض از آنکه
 حکم بر قتل ایشان کرده باشند و مراتب بلند کرد در نجات

۶۳	۶۷	۷۰	۵۶		ر	و	ن	ا
۶۹	۵۷	۶۲	۶۸		ن	ا	و	و
۵۸		۶۵	۶۱		ا	و	و	و
۶۶	۶	۵۹	۷۱		و	ر	ا	ن

کلماتی بپندارند و در آنما اینک با سبب نفع و ضرر میشد

ایضاً

بخواند آداب آن با خالق و
 هر که در وقت بوده و بنویسد در
 شنبه و شنبه که ماه ناز و روز باشد
 بلغاگر کبیر و با خود دارد اگر این
 باشد بمباد برسد و در روز اکابر
 با عزت و وسعت باشد و در روز
 فوشتن این دو اسم بخواند با عزت
 هر که هفتصد
 یا آیتیم
 بنویسد روز شنبه عند الغروب و
 در گوشه آن دهن کند خیر علم
 از منم در حجاب است بروی کبیر
 شود و بدو صلوات دهد و در وقت
 فوشتن این دو اسم بخواند با
 مبیع با اعلام
 هر که صد مرتبه بگوید
 در روز جمعه یا خود نگاه دارد
 هیچکس با وی مجادله
 نکند

هفتصد و هفتاد و هشتاد

هفتصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

شرح کلمه مبارک الهاد

۱۸۳

این تائید است که درها بندگان مقرر بمعرفت خداست تا ببرکات
 نام راه بدینا بندها حقیقت کینند که خواهد که احصای این
 کند البته نباید که بدانند که راه ۴ بحقیقت است و هر که امید دل
 نکشود و رزاق است نمود هیچ کس راه نتواند نمود و در صلا
 جاوید نماید پس نباید که طریقی بندها پیش گیرد پیوسته بحکم الهی
 الصراط المستقیم طلب هدایت کند تا هاد المصلین برزاه نماید هر
 خلقش نیاید شیخ فرمود هر که نظر با بنیان کند دست در دستان
 تواند این اسم بگوید دست خود فرود آورد الله سبحانه و تعالی
 او را راه نماید و دلیل بفرستد تا جواز عینا با الهام او را راه
 و دعوی این اسم مناسب سالکان راه است هر که راه ذات خواهد
 که دعوی این اسم کند و بعد تکبیر کبیر بخواند شب و روز پنج نوبت
 خلوت تکرار کند این اسم و در آخر هر روز بگوید یا هاد المصلین
 حبیبنا و تعالی او را راه ذات نماید صفا با طریقی کرامت کند و میرا
 مشهور و عصر گرداند و مردم از راه هدایت جویند و فدان
 بماند و عدل تکبیر این اسم چهار بار در هر صد چهل چهار نوبت
 تکبیر کبیر بیت و چهار بار در هر صد و بیست و پنج فرمود

هر چه که در مدخلی شریف بود
 و اگر بسفر رفتن بود یونان یا از آمدن
 مع از وی نرسد در دست و
 این دو اسم بخواند یا حاجت یا معجز
 هر که مستعد و شکرش
 نویسد در درون چهارشنبه
 و در تمام روز نوشته در طاس
 آب بنویسد و بر سر کند در وقت
 بوی گشاده گردد اما مال ببالد
 لاکنه بدو بی عمل شود و در
 نمن نوشتن این دو اسم بخواند
 یا حمید یا حمید
 هر که
 در دفع صا در بخسب و در کاشف
 بیک زعفران اگر هر بوی
 کند یا شنبه تمام بعد از آن
 کال بنویسد یا حاجت یا معجز
 ما کسب آن دو

چهارشنبه

چهارشنبه

شعر کلمه الابد

۱۸۴

۱۲	۱۵	۱۹	۵		ی	د	ا	م
۱۸	۶	۱۱	۱۶		۱	۵	ی	د
۷		۱۳	۱۰		۲۱	م	ا	ی
۱۴	۹	۸	۲			د	ی	ا

که یا هاد خواند مناسب است ابدیع یعنی تو فرزند هر چیز
 بناستخ اصلا این نایب است که اسما آنها کوکب زمینها با شجار
 مزین به برکت این یافت یوسف پیغمبر علیه السلام از زندان
 به بزرگوازی اسم نجاه یافت بسطنت و عزت مصر رسید
 امام رضا علیه السلام فرمودند هر که در وقت غافتا باد
 بگوید عا و مستحاکم در اهل تحقیق گویند هر که خواهد
 این اسم کند باید که بداند که خضر بدیع این عالم را از کم عدم
 بصحرا وجود در آورد بنوعی نظیرندارد و از بی نظیر هر چه
 بی نظیر خواهد بود و زبان اعتراض گویند مخلوقا و نا
 خضر بدیع علی الاطلاق او را از بی نظیران گرداند و بزرگی
 فرمود هر که را اندوهی ناغی پیش آید و در آن مضطر گردد
 او زندگیا و فرو بسته بود و خواهد که آن امر اقدام رسا

عقل

باشد بصلح میل شود و اگر
 در میان مصحف نهاد شش هزار
 شود در وقت نوشتن این دو اسم
 بخواند یا قافیه یا غریب ض
 هر که هفتصد و پنجاه و پنج بار
 شجاعت و تنبیه بر جوب انا رب و
 مثل علو بخت خالی بر دیوار
 ملکه فرزند هر چه پیش که داشته
 باشد باز وی رسل و در دنیا
 رخ غریب گردد و در وقت نوشتن
 این دو اسم بخواند یا امیر یا قافیه
 هر که نوزده و زعفران و
 در شب جمعه شکر با کمال خضر
 در دنیا بکمال با کمال خضر
 بر بیدار و اگر آن نوشته در آب
 اندازد و بخورد تو
 قتل او

عقل و تدبیر در هر دو

عقل در هر دو کمال

سوره طه

۱۸۵

عسل کند و در کت نماز بگذارد و بچشم او کلی هفت تا هزار بار بگوید یا بیج السموات والارض آنچه تواند از وجه جلال صد دهد بعد از اتمام خم و چون تصدیق آرد بکفر آرد بار دیگر بگوید تا بزود کار و ساختن گوید و شیخ سمرقانی فرمود از برای هر ماه کلی این ترویج را بمشک زعفران و گلایب کاغذ کند یا

نمودارد و روز جمعه این
 کلمات بعد تکبیر و بعد
 مجلس بخواند چنانچه در دنیا
 از عوسقین نگوید اگر
 مثل سلطنت خواهد شد

یا	بدرم	یا	والارض
یا	والارض	یا	یا بیج
یا	بدرم	یا	یا
یا	یا	یا	السموات

تغذیه و بر آب میزد سازند بر هر ماه و مقصود که این خم بخوانند هم در آن هفته آنهم کفایت گردد علی تکبیر این کلمات را بخوانند

۲۱	۲۳	۲۷	۱۳	ع	ی	د	ب
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵	د	ب	ع	ی
۱۶		۲۲	۱۹	ب	د	ی	ع
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸	ی	ع	د	ب

می بردارد و اگر در چشمش بر نشاند
 کند بر وجه نندینک ببیند و اگر
 با خود دارد در نظر سالاطین بخورد
 در واسع بخواند یا غالی یا قلذون
 در شب همه رخصت با خود دارد
 در روز با آب و در جمع کار فرزانگان
 بخواند یا غالی یا معالی
 هر که صدوسی عین در درون
 نسیب نیولید و با خود آرد با
 کامل درونی در درون نوشتن
 عالم اگر در درون نوشتن
 این دو واسع بخواند یا قلذون
 هر که در این
 خن بنویسد در روز

جهت عیادت کتالین

جهت عیادت کتالین

شرح کلمه مبارک الباقی

۱۸۶

الباقی یعنی خدا همیشه باشد هفت تغییر تبدیل این نام است که اهل بهشت از برکت این نام همیشه در این دعا قبول قیامت این کردند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد اهل جنس او گویند هر که خواهد که احصا این نام کند باید که بداند که بقا و فنا بیدار است و او است ملک او است و است و ابدا و است و خواهد بود و کل
 اللَّهُ هَالِكِ الْأَشْجَةِ نَحْضَرِي فِي رِيحِنَا اَبَدِي كَرَامَتِي مَا يَكُونُ
 اَكْبَرُ كَتَمْتُهُ هَرَكَةً فَرَسَبِ اِيْرَامِ صَدَقْتُو بَكُوْنِي شَبَّ جَمْعُهُ فَرَادِيَانِ
 خَدَائِعًا دَعَا اَوْرَا مَسْجَا كَرَدَا دَعَمَا هَا اَوْ مَقْبُولِ حَضْرَةِ عَزْرَةٍ
 كَرَدُو حَضْرَةِ عَزْرَةٍ نَبْطَرِ عَشَادِ رُوْ نَطْرُ كَرَدَا رَجَلَهُ مَقْبُولِ كَرَدُو
 عَدَا اِيْرَامِ مَعَ اَلْفِ وَا لَامِ صَدَقْتُو اِيْرَامِ وَا مَادَا صَدَقْتُو اِيْرَامِ

۲۸	۳۱	۳۲	۲		ب	ا	ق	ی
۳۲	۳۱	۲۷	۳۲		ق	ی	ب	ا
۲۲		۲۹	۲۶		ی	ق	ا	ب
۳	۲۵	۲۲	۳۵		ا	ب	ی	ق

و لَامِ صَدَقْتُو عَدَا اِيْرَامِ اَبَدِي يَفِي خَلْدًا بَارِئًا

دارها

جمع در ما خود دارد هر که بخواند
 شود در همه مراد های او بر آید
 و حاجت بسیار بیند و در وقت
 نوشتن این دو اسم بخواند با
 عظیم با مجیب و است هر که
 نود روز بخورد روز چهارشنبه
 با خود دارد هر که خواهد حق
 حل و عار بدهد و در وقت
 نوشتن این دو اسم بخواند اما
 شود با غیبی با مجیب و
 هر که صد و هشتاد و یک بار
 بخورد و با خود دارد از زبان
 و زمان نجات با بد و در وقت
 و گشتاید و در وقت نوشتن
 این دو اسم بخواند با ملک با
 مبین که هر که صد
 بار کافی بخورد
 با خود

و کلام مبارک

و کلام مبارک

شرح کلمه برب الوارث

ذرهاست انخلو اصل تحقیق گویند که خواهند که احصا این
 نام کنند باید که بدانند که مخلوق و مجموع عبادند خدای سبحان و انچه
 خواهد بخواند مانند حضرت وارث نداد خواهد که این المثل
 لیساً لواحید الفها چون چنین اعتقاد کند باید که گاه دارد
 از ملک خدا چیزی را بخود اضافه نکند ملک و مال و علم جفا
 و اذیت و قدر و سمع و بصر و کلام همه بوارث باز گذارد تا حضرت
 وارث بر ملک سرمد کرامت فرماید و جفا ابد مفوض گرداند
 و وارث اینها سازد و علم کند از زلفه دارد و بزنی که فرموده اند
 هر که مدد نماید پیش از طلوع آفتاب نباشد و در او حسرت و گزندی
 در حیا و ما و آنکه مدد و مکنند اسم خاصه در سبقت خوب یاد
 زمان تنها حضرت حق و از آنها ننگد از و در قبر لطف خود مو
 او گردد باید که در آخر ذکر این اسم هفت نباشد و توبه این اسم بخواند
 رب لا تدزب فی قرآنک خیر الوارثین تا از وحشت ایمان که

۱۷۶	۱۷۹	۱۸۳	۱۶۹		و ا ر ت
۱۸۲	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰		ر ت و ا
۱۷۱	۱۸۵	۱۷۷	۱۷۴		ت ر ا و
۱۷۸	۱۷۲	۱۷۳	۱۸۴		ا و ت ر

دارد از هزار چهار عهده این تکرار
 و در وقت بوی در گشاده گوی
 و در وقت نوشتن این دو اسم
 بخواند یا کلیم یا کلیم بنویسد
 هر که هفتاد و یک بار بخواند
 در شب چهارشنبه و پنجشنبه
 از مکر خلاصی این تکرار دارد
 نوشتن این دو اسم بخواند تا
 با عفو
 روز جمعه پیش از طلوع آفتاب
 بنویسد و با خود دارد هر وقت
 که خواهد بود اگر دو اسم
 یا از داعی بیاید هفتاد و یک
 نرسد و از غایت نوشتن این دو اسم
 بخواند یا خالی یا خالی
 هر که صد و شصت
 نوبت

جماعتی از مکر خلاصی

جماعتی از مکر خلاصی

در کلمات الشیخ

۱۸۱

الشیخ یعنی خدا صواکار برزاه راست این نام است که
 حضرت خضر علیه السلام اب چون در ظلمات بفرست این نام را
 اهل تختی گویند هر که خواهد که احصا این نام کند و نگوید
 را خدا بایندگان خدا تعالی راست باشد البته مذنب نباید
 بود و گاه در طاعت و گاه در مصیبت تا جلق بکرو خیل و
 نرویز نشاید بود و خود را چنان باید نمود که گفت و نکرنگ
 و یکجانبی باید نمود در راه خدا تعالی تا حضور شیند و بر او
 باشد گرداند دعوی این اسمها کسایت که طالب راه راست
 و کسایت که سر رشته بدیسم کرده اند ندانند که احوالشان چگونه
 خواهد بود و یک از کار بر فرموده هر که ورز کند بعد از نماز
 و بتلاوت این آیات قیام نماید قطع نکند بعد از تمام آیه قرار
 بار اسم را شیند دفع و تدبیر و سرانجام کارها همه تمام
 و آیه نیست و هو الذی سخر الخلق لنا کلوا فیهم مناظر ما و
 تسخر جوارحه حلیه تلبسوها و ترعى الفلک و آخر
 فیه و لیتفقوا من فضله لعلکم تشکرون و اگر کسی بپوشد
 استخاره قرار بار بخواند نفع و ضرر آن کار بر او روشن گردد

العبود

بنویسد در شنبه شنبه و با خود
 نگاه دارد از همه امراض نجات
 با این خوانند علم بر روی انسان
 گردد در وقت نوشتن این و
 اسم بخواند با احتیاط با آغلا و
 هر که سزده داد و بنویسد در روز
 شنبه و در میان معصیت خدا بپوشد
 که در او درد بر آید و در وقت
 نوشتن این دو اسم جو اند با
 حکیم باشد که در وقت
 بپوشد و بنویسد و با خود دارد
 از غیب واقف گردد و غلبه
 نماند بر وی اشک از اشود و
 وقت نوشتن این اسم بخواند
 قطع با نخی
 بیستی بنویسد در هر وقت
 که باشد و بپوشد
 دان

هذه طائفة من اسماء الامراض

هذه طائفة من اسماء الامراض

شرح کتابک الصبر

۱۲۸	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۱		د	ی	ش	ر
۱۳۳	۱۲۲	۱۲۷	۱۳۳		ش	ر	د	ی
۱۲۳		۱۲۹	۱۲۶		ر	ش	ی	د
۱۳۰	۱۲۵	۱۲۴	۱۳۵		ی	د	ر	ش

۱ الصبر یعنی صبر کنند از مکه تا و عفو با گناهان
 در عهد فرستادن بر افراشته ایستادند که با تو بعلیه السلام بگو
 اینها ضایعات است اصل تحقیق گویند هر که خواهد تا احصا اینها
 کند باید که کارها را بشناسد هر چه را او شنید و خست و گرسنگی
 و زحمت نماید از خلداند خود و مشقت برهنه که از خلوتند
 و قبض و بسط و حزن و سلاطین اعتقاد کنند در این مواضع
 وقوع یابد صبر شش خود سازد تا حاضر صبر و پل در دست
 در آورد و تا وی در جگر صابران نوبت بچک این است که می آید
 و جدهای ضایعات بقند و بر استایند بر صبر و پس هر که
 ستایش کند جنت بر خدا آید جمیع از شایسته اسماء الله عد
 این اسم هزار بار آورد اندازد زیر اینها تا طواعتی که فرموده
 که اگر کسی را در دنیا باشد طافان نماند و در حال استقامت

نامی ملا و ابوالدود در حدیثها
 خواص صبر و معرفت و تقوی
 اعلم بالصواب
 در کتب نگار دارد
 ۹۹۹۹۹۹۹۹۹
 ۵۵۵۵۵۵۵۵۵۵۵
 ماند باشد خود را بنویسد
 در دست خود در صحنه بگذارد
 حضرت را حکم بشنود در زمانه آن
 ایضا سوره فاتحه را بنویسد
 در شوق بنویسد ایضا شود
 بعضی با بنویسد و بنویسد
 در این سخن بنویسد ایضا
 جامع است
 حقه است که در حدیثها
 حقه است که در حدیثها

هر دفعه بودی زین بعل

هر دفعه ز کام

هر دفعه ضعیف القوی

بجمله بوی زین بعل از حضرت امیرالمؤمنین
 علیه السلام منقولست که موی در
 بعل آکندند و چون وضع کند زین بعل
 میشود و بیک کتک است بجای
 ز کام از حضرت امام جعفر صادق
 منقولست که پیغمبر را بر دوش بنفشه
 الوده کند و در وقت خواب
 معده گدازد ز کام زین بعل
 او چند در ایستاد و ایضا
 است که بر ایستاد و ایضا
 و آنکند ز کام زین بعل
 بداند ز کام زین بعل
 ضعیف القوی در ایستاد
 خاتم حضرت صفوان
 نمانی غرض دارم اگر کتک ز کام
 نفس رنگ میشود زین بعل
 بخورد تا ساق شود
 بجای

شرح کلمات الصبر

و کرنا و خوف ملاکت از بهانه این اسم را ابتدا کند به نیت آنکه
 سه و سه هزار بار خواهد خواند چو می سه هزار با تمام رسد
 رسد که باب برسد تا باب او رسد چون عدد کل تمام شود
 حضرت صبور و برادران ائمه صبر و اطمینان خاطر که است
 کند اگر بجهت دیگر بخواند آنکه راهم خداست صبر جنیل که است
 کند دعوی این اسم است که است که صبرند است و استند
 و منته و شد در این اسم دعا است این فن عدد معین کرد اند
 گفتند که سه صد بیت و نه عدات بیاندایه صد بود
 عدات صبوریت و نود هشت عدات تکبیر و طریق
 شیخ فرار و هشتصد بیجا عدات و بطریق شیخ معرب الصبور
 هزار و هشتصد و چهل پنج عدات و بعد تکبیر استند فن هفت
 صد پنج و عدد میشود و نسیه حسین فرمود که از برای هر
 مهم که که واقشور زبان مجلسی بر طهر حیا و خلوص و صوفی
 کثیر بخواند امید چنانست که از موضع خوبی برخواستن باشد که
 اجابت و حصول بر و منکشف کرد و این عدد را بیضا
 کرد اند و لوح الصبور در خاشبه نمود شد و شرح این اسم

ص	و	د	۷۷	۸۰	۷۷	۷۳
و	د	ب	۷۹	۶۸	۷۳	۷۸
د	و	ب	۶۹	۸۲	۷۵	۷۳
ب	و	د	۷۶		۷۸	۸۱

بسیار است

شرح کلمه یاسین و مافرد

بیا است این کلمه شریفه و هو کبیر و لیضرقم الموتی و نعم
 النجیر **فصل** در بیان خواص اسماء چند که در قرآن
 نیامده است اما محمد نبی و انجما مصطفی صلی الله علیه و اله
 بعقب پیوسته یاد کرده شد تا فواید آن بمؤمنین و مؤمنات
 که بر این مطلع گردند برسد هر که ملاقات دعوی این اسم کند
 صد بیت دزد در شب باروز هفتاد هزار بار باطن او
 مضافا گردد و موصو گردد بصفا لایکه اما باید که در میانه
 اکثر اوقات با شد معدا و غذا باشد تا روح او قوت گیرد و
 قابلیت دیند لایکه و سیر ملکوت حاصل آید تا کافر فرمود
 باید که صد دعوی این اسم در حضرت بر آید نه آن نویسد بعد از
 نماز جمعه بدان افطار کند و ثوابت جمعه صفا باطن بعد نماز
 چندا نویسد که تا جمعه دیگر افطار کند تا شریک بنشد **یاسین**
یا قدوس هر که مداومت نماید دعوی این اسم بعد تکبیر
 دو بیت چهل هفت روز متبصر گردد و او را که سپر کند و ملکوت
 و مکتوب گردد در بر ملاقات سوره روشن شود بروی شیخ
 و غذای ایشان و در این دعوی شرط که خورد و گو گفتن

معا لجنه و کردن در کار خواص
 الفلان منکر داشت که اگر کنی
 فریب دیا ابد با فوج باشد
 این اسم را بنویسد بنویسد بنویسد
 مکتوب نماید و آنست که
 کلام بر بصر و من تظلموا
 در عجب النافع ابد و که هر که
 و الطائف را بود هر چه بخواند
 و بخورد از حق کردن این گردد
 زنده کند و یادها که در سر روی
 در جمیع ریحا عریبه کند اند که هر که
 قدر از این دستش که در خفا مالک
 باشد هفت نه که به پیش هفت
 در سوره مکن باران بخواند و
 در سوره مکن باران بخواند و

علاج روح و روح

علاج نوزاد با اطفال

مشکله و امکا که با قلوب در کلمه سر با قلوب

و کم خفتن است حلق و اختنا از خلوص دور از عود او کودکی
و غسل هر روز و کراوات در لب آب روان و صناد عو این
چون با طریضه گردد و در ذوق و از عالم غیب بنا و زند که دیگر
انجبا بطعام و شراب نباشد باید که در سلوک کوشد تا زود
برسد او از نهایت عظیم دست خواهد داد باینداد و فرادش
صید دستا اگر کسی فهم و پیغمبر نباشد هیچ یانستواند گرفت
در سر سبب استعد تکبیر بخواند باید که هر روز پیش از صبح بخواند

س	ب	و	ح	ق	د	و	س
و	ح	س	ب	و	س	ق	د
ح	و	ب	س	س	و	د	ق
ب	س	ح	و	د	ق	س	و
۴	۳	۲۴	۱۶	۳۵	۴۸	۴۵	۴۲
۲۶	۱۶	۶	۲۸	۴۶	۴۱	۳۶	۲۷
۱۴	۲۰	۸	۲۲	۳۰	۴۳	۲۷	۳۴
۳۲	۱۰	۱۲	۲۲	۴۹	۳۸	۳۹	۴۴

و افطاب اعلا
کند روز
چما قصد
بکنند و شیخ
خوانان
برگردد
و از خلا

تعداد درخواست کند خست و نیز از همه کرامت کند که فرجه بشود
یاد گیرد و ضمنا باطن و جلا قلب و تبه اعلا رسد و سعادت

نکته

بلکه فرزند و بگویند عفت در آن فلان
 این فلان بقول و تزلزل من الا ان
 ما مؤمنینا و در حقه المؤمنین
 و صاحب زنده با خود دارد رفع
 شود انحصار در کما بحکم النافع آورده
 بجز زنده و سایر با دعا که در
 اعضا بهم رسد سنگی که در سنگ
 حوزس باشد بگیرد و کسرا خورد
 حوزس با سدی که در بدن او بلند
 برآید با سدی که در بدن او بلند
 زایل شود بجز مسالحه و نظیر بول
 شخصی غلبه حضرت امام محمد باقر
 مشکاب کرد از آنکه بولش قطع نمیشد
 منتظر بول بول او می آید و در
 اسفند را یکیشش مرید با بس و
 یک نوبت با کبر و شیوع در سبب
 خنک کن بسیار بد غن کل میرود
 سوزن کن و بخورد
 اگر خنک

حضرت ابوباره
 حضرت ابوباره

حضرت ابوباره
 حضرت ابوباره

شرح و تفسیر کتاب

۱۹۳

تکبیر هتصد و چها میشود در حالت دعوی بخورید بود و از غل
 حاضر وقت باشد یارب این که از یارب بنست هر کس
 مراتب با مختصر بود بکراستین اسما بر زبان او بیشتر است
 ذکر از یارب خلجات در هر کار و حاجت که پیش آید و هرگز
 هزار بار این اسم را بگوید حتما کرامت کند و از آنچه میخواهد
 و از پروردگار تریت نیاید در هر حال و هر کار و هر کس در کار
 صعب گرفتار بود و مدد و معان نداشته باشد که التفاحال
 او نکند بفریاد او رسد چو انفس من در این اسما مدد و تملک
 و دایم بخواند و بعد نگاه مبالغه نماید گاه دست در دیند
 و بالاح بگوید یارب یارب یارب یارب الملائکه و الروح
 یارب دستها بر رو خود فرو دارد و نیز تعالی خود بفریاد
 وی رسد و از آن مر بفضله لطف خود کار و از آنجا که
 محل حاجت بندگان شود و سر بجهت بنیست و خدا چنین خال
 و از عجز و بیچارگی بگوید یارب در آخر حتم که بنیست گفته باشد
 یا قریب الفرج بگوید دیگر گفته اند هر که را مصلحتی پیش آید
 بدان مضطر گردد این اسم یا قریب الفرج را ده هزار بار

بجهت بول کرد تا طامال در درخت
 خواب بر صفحه مس تا وقت احوال
 اشکال را نقش کند و بر او برسد
 در جمیع با کسبه با شنبه
 زبانه هو هو ما زنه و منبه اولاد
 الله انما تکف هو هو سف فل هو الله
 احد ما اس سوز اگر که اراد
 بدین شدن از خواب جان و از
 ابرو را در در خواب جان و از
 خداوند بخواند که از زمان صفت
 بدای شوی مطلوب ما صلوات
 و ان جعلنا التت منابرة الناس
 لا فوله والک التتور از غور و بفری
 و بجهت دین بخواند یا یارب که
 تا التت از زلف منابرة ما
 اخبار بیست او نویسد و در
 نماید بخواند

جهت بول کرد تا طامال در درخت

جهت بنیست از آنجا

جهت شرح بخواند

گفتار در صفت و صفات

گفتار در فضیلت اخلاص

نشود ما این آیه را از اولیاء اهل بیت
ایضا بخواند این باب را بنویسد
و در زیر این آیه کس فهد از خواب
و جعلنا اللیل لیساً و جعلنا
النهار معاشاً و یبئنا نواکم
سعیاً شکیلاً و جعلنا سیراً جا
و قافلاً یجهت فی فح اخلام از
حضر شافق مرتب که هرگز نرسد
که مسلم شود چون بر خن خوار بود
این دعا بخواند مسلم نشود اللهم
سوء الاخلاق و من ان ینزل عیب
بینه الشکلیان فی العظیمه و النجا
انما چون سوره و الظار و را
در وقت خواب بخواند از اخلام
این آیه در بیجهت صرع
احضرن

شرح کلمه مبارکه یا ائمه

باعداد

بگوید مجربست اگر ده هزار بار نتواند خواند بعد از نماز یا بعد
فرار بار بخواند همین خاصیت دهد تمام و کفایت کرد و در
شرح کبیر چنین آورد اند که یا رب اسم اعظم است یعنی خدا
نیکو کار است یا حنیافاً یعنی ایند اسم را خواص بسیار
اما در این اختصاص کرده آنچه معنی آورد سو انشاء الله تعالی
ایند اسم بزرگیم دارد هر که ندان وقت نماید بدست این اسم صد
صد هشت روز هر شب از روز بیت فرار بار در این یا خ بلکه پیش
از این چهار روز که طعام الوان کند بلکه حیوان و معدن خطای
دارد و بر همین پاک کند در ایند سو علامت خواهد بود و بر
ظاهر خواهد شد اگر پیش از دعوی بر میز کرد و از خلق اجتناب
کرد و بر هیچ توهم نخواهد بود و علامت اول است که چون از وقت
دعوی او هشتاد روز در گذرد حاضر وقت نباشد که مرد گاه
گاه پیش آید انواع سخن گوید اما بیشتر سخن او از جهت امور
دنیا باشد نفع بیجهت و این عالم فانیان بسیارند و در وقت
برای این سخنان نکند مراد او عالم معنی نباشد ما آن شخص
سخن گوید اما ما بدب نباشد در نظر او گستاخی نکند چه بر سر

خوار

در کتب سیرت پاکه

جواب گوید جرات نماید سوال بسپا که او یکی از رجال الغیب
 است از جمله مقربان چو خرم نگاه کرده اند رعایت کند
 با و بسی لطیف نماید انواع علوم عجیب و غریب آموزد که آن علم
 اهل الله است و خواص از آنست که بر خاک دست نهد و زگره
 او را جسمه عالم باقی خواهد ماند آموخت بلکه تعظیم باطن نماید و
 متوجر دل خواهد بود هیچ شک نیاورد که در مطلقه گردد
 غرض از این آنکه با تعلق امامت انفس را بشناسد و بداند که در
 قبولت بعد از آنکه انفس علوم غریبه عجیب تر و آموزد اسرار
 بر دل صادق عورت برزد و بگشاید بر دل و آنچه در فهم و ندیده
 نیامد نماید بدلت و در حقیقت اسرار گردد و بدلت دل او را بگشاید

۴	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱
۳۵	۳۸	۴۱	۲۷	۲۷	۳۳	۱۱	۳۲	۳۱	۲۵	۲۸	۲۱	۲۹	۳۷
۱۰	۲۸	۳۴	۳۹	۳۲	۲۰	۲۶	۳۱	۲۵	۲۸	۲۱	۲۹	۳۷	۳۷
۲۹		۳۶	۳۳	۲۱		۲۸	۲۵	۲۸	۲۱		۲۹	۳۷	۳۷
۳۷	۳۲	۳	۴۲	۲۹	۲۶	۲۲	۳۶	۳۶	۲۲	۳۶	۲۲	۳۶	۳۷

انام عهد بانس منقولست که برین
 گرفته اند مصدر و جوازند برین
 حد و معنی و برین در امریک و در
 و درین سرور و برین و سید بنگ و
 زعفران و بیاب لیب و بند و ایام
 در در آب و در و در غسل و در
 خلاص شود و در در دست و در
 دارد انحصار ایام متشرکین
 و در کسب و در کسب و در کسب
 میکند و در کسب و در کسب
 رسول منقولست که در رخنه
 کجبان سنگ و ایام از ندان
 سنگ و ایام از ندان
 الله و ایام از ندان
 لیب و ایام از ندان
 و ایام از ندان

در کتب سیرت پاکه

در کتب سیرت پاکه

در کلمات مبارک با اسم

۱۹۶

مدد دعوی با تمام رسد انقدر که تواند بخواند یعنی هر که نکرده
 احتمال بجهت دارد آنقصوبانماند چو خم با تمام رسد این اسم
 خواص بسیار همدیگر بیاینند در چنین خواصهاست
 برضاد عوگت و صفا باطن واقع شود و از دعوی این اسم نکر
 انت که مدد مال و غیر خدا تعالی بکس نبردند و از علائق و
 الغیب و احوال و یا هر چه که در مائش این اسم خلوت
 و اجتناب از خلق اکل و شر حلال بازودا نکرند هر که این چها
 اسم که اول دالت در هر چه ادچها این نوع نویسد تا بخو

دارد اما بوق اهو نویسد
 و در شرف افتا نویسد
 بود از همه بلاها و هر چه
 صد و نوبت در لیل العجیب
 و یا عینا المستغین

دایم	داین	دایم	دلیل
دایم	داین	داین	داین
داین	داین	داین	داین
داین	داین	داین	دلیل

بگوید باز بر سر دعوی خود چو تمام کند و در گفتن حاجت
 و طلب مراد از خصم بکند از برکت این دعوی بود و در نجات
 و صفا باطن بر دعوی اینها اسم است و اما اینست در این

دلیل

و بر آن سنگ مدد و همان سنگ که
 آمده است بنزد و در کجا و کجا
 کلامه و مالک الانبیا و کل
 قل الله و قد هدنا سبکنا و
 لتضین علی ما اذینتموا و علی
 الله فلیتوکل المؤمنون را بنویسد
 و در شخص و در زمین او را از او نکرند
 فاشکای سوره و اللیل امر که
 مصرع بخوانند و بعد از هر
 ابد بجهت ختم زخم بنویسد این کل
 را بر بینه مصرع بخواند پس اگر
 بجهت ادوی باشد در همان جا
 او بر زمین زند و نکرند و او
 جوان باشد و میان چشمهای او
 زند ما شکسته شود و در وقت
 بجهت بگوید اللهم و ایاه و
 قل اللهم الله و ایاه و
 العین

نهی از این اسم

نهی از این اسم

شکر در شش خدا

۱۹۹

هست بکشد و این شش اسم درج کند که در اول آن اسمها
 و با خود دارد این گرد از قشها اخر الزمان و در چشم مرما
 عزیز و با هیبت نماید اگر یاد شش بر سر علم او بزدلش کسب
 متوجه گردند متحیر شوند این یاد شش مظهر منصوص گردد
 دانند این شش بر اعدا غالب آید اگر در ویش بود تو نگر کرد
 بصورت و معنی و از خلق مستغنی شود و اگر در ویش شش افتاب
 بویسد معطر با خنده مان رود در پیکر با خود دارد
 اسما و در ساختن بنای دنیا میخواند فاصد و در آنکه طایفه
 بمجسول پیوندد و آنچه در خاطر گذرد بر آید بگر او در دانند
 شش اسم است که اول او عین است مراد از اسما نود و نه نام است

عفو	عادل	عظیم	عزیز	عاجل
عادل	عفو	عظیم	عزیز	عاجل
عظیم	عزیز	عاجل	عادل	عفو
عظیم	عزیز	عاجل	عادل	عفو
عظیم	عزیز	عاجل	عادل	عفو

الاند فر روی کلام
 و در دعا استغنا
 و غیر اسم خداوند
 کتابت است که اول
 او عین است این شش

اسم و دانند که در مرتبه شش در شش بویسد و با خود دارد خدا

رفع شود و اجناسه شش برود
 اندک با ملازمت و درج کرده و در
 عذرتش یاد در آن جای دارد و در
 ربع بلیغ نماید دفع شود
 خست بر سهولت از هر درختی که
 باشد در درختی از درخت نوز
 بگرد تمام مریض در یکی بویسد
 طبیب و ما در دیگر بویسد در حوما
 دید بگری آری اسوما و در آن
 اندازد در دفع شود نفع در یک
 دست راست مریض این اشکال
 بویسد سال هلم قطع موشان
 و بویسد و بویسد قطع موشان
 موش نوع بویسد قطع موشان
 و یا های مریض بویسد نوز
 شامخ شاخ عمل عمل صف
 جهت بویسد
 جهت بویسد

جهت بویسد

جهت غلبه شش بر شش

جهت بویسد

شرح نزهة المجالس در مریضی و ناهنجاریها

قضا او را غیر نکرده اند کما همان او را عضو کند اما باید که زود کند
 و اگر نتواند هر روز جمعی از اسما یا یک هزار و شصت و سه و چنانچه
 بخواند اگر مبتدر نشود هر روز هفتاد و شش بار بخواند و در
 بودل خاشع زیاده اگر وینلو خراج چند اشح نوشته اند کتفا
 ندر اما این اسما در درجه شرف زحل کما قضا نیز خوشحال بود بنویسد
 و بر اطلس شرح بطلا مخلول نویسد در خونیه محفوظ گرداند
 از اطراف جوانب از برای ان با دما افسه و غیره بنویسد که خراج
 مملو گردند مربع نوی و نر نام حضرت امیرالمؤمنین
 علیه السلام این بر بجز وضع نموده اند و در دوات بیجا
 منقول است که واضع این مربع حضرت است و ان بزرگوار نبود
 نر نام با و تعاراد این مربع درج کرده اند ساعات و درجا
 تعیین فرموده اند از جهت شرف شهن بر صفحه زرد ما نقر کنند
 و در طلب حاجات در دست کنند و بر تقریب بزرگان در حاج
 نند از جهت صحیح بدان بر صفحه مس نقش کنند خاصه در وقت
 که افتاب مشرق باشد هر در خانه آنها مسعود و از نحسین دور
 حاجات فراوان بر آید دفع ضرر و زدن در خانه نگا

در بر قطعه کاغذ بنویسد اول نمرد
 دوم شداد استم فرعون و هر روز
 بگوید یا افوا سفند در زیر کتف
 بخورد تا بند و خود را با بن نجیب
 نماید دفع شود طریقه دیگر بر سر
 بگردد یا اخی بر بوز اند
 بگوید افرید از من سخن بوز اند
 اول فرعون نمرد شداد هاما ان
 از طرف فرعون نمرد شداد هاما ان
 در کتب بر سر مغز بادام بنویسد
 هر روز یکی را بخورد در وقت حاجت
 یا اللهم انزل من السماء
 الماء البارد و ما اوتيت به
 ولكن الله ربي و ما اوتيت به
 خصله صاحب من مغز است که
 هر کس در دست داشته
 باشد

هر قدر که بخورد
 هر قدر که بخورد

هر قدر که بخورد
 هر قدر که بخورد

هر قدر که بخورد
 هر قدر که بخورد

شرح کتب و نثر و فاضل

ذارد و اگر در کتبه ما خود را ندان غرق شد ابرو نباشند
 اگر در انبار غله هفتاد زانق سالم ماند اگر بگوید کسبندند
 بلیه اما ن باید خو ص این بلوغ بسیار است و ما ختصاد و در

هو الله الذي لا اله الا هو العزيز الرحيم	البنير الجبار المنير	المصور القصار	الفتاح العليم
الذال الغدس من لوك	الشميع الهادي	القهار الوها	القاضي الحكيم
المؤمن المحيي	المذل لماغ	الرزاق	المزاول الراج
الفاضل المحيى	البصير النور	الشمس المقيد	النظيم الحق القور
الواضع الخليم	المحفظ هو	الجليل الواحد	المنعم المحي
المسط الصمد	الاشكور الكريم	الواضع المتيقن	الواحد الاحد
القصور القادر	الودود العباس	المسط المعيد	الوارث الجبر
الوكيل القيوم	المؤخر	الروف لليلة	المقدم المؤخر
العفو الراج	الصادق	اللطيف	الناظر المحض
الغنى الرقيب	الحكيم المحكم	الميم للظاهر	الكاظم العليم
الرشيد الصبور	العدل	الجامع التواب	العلعان الاملاك

فصل علمنا ما تقدم وانتم لوح تصريف كره اند فربك
 از این مرتباً را چند نوبت این بند ضعیف کرد نوشته و
 بجزیر کرد ام غواستم که این نسخه را بر تصانیف چه باشد
 نام مرتبات مزین ما بنما الله تعالی بود در کتاب مجید

نام بر موضع درد گدازد و
 گوید با کسب تکلیف بالذکر
 التلمیذ و لخصاً من جیب و یک
 امد برای درد سردی و ان
 موضع ببال و هفت بار یکی
 آعود با به که شکر له و
 زعفران طایفه السماوی و الا
 زعفران طایفه السماوی و الا
 هدف را نوشته بود او بر دست
 دفع کرد در دل در ص دن
 ک ف ل م د و ل م ل
 ک ال ک ا ح د
 این کلمات را بر پیشانی
 نوید در بر طرف شود بالو
 کلا اوله لولا بالو لولا
 جعفر بن محمد
 آبرو

جهاد عمی از غرور است

جهاد الانبی کوزله دانایان است

محمد بن محمد

شرح الواح پانزده گانه

الغریب و آنچه بود نوشتن بیافزاید شرح و خواص و نوشته خوانند
 و آنچه در خواص کین بگوست تا خواص و عوام بهره نمانند
 اول فرود نامه بار و تاج و کلاه که اندک در ماساندر خاص
 درج شده است و اینک و شریف است بیلای حکما کثیر و خواص
 نام که در اندک بهر که از اوضاع کند بستر گردید بیدار ملوک و سلاطین
 بشرف افتاد و نوبت در جملات و قضایا بشرف می نویسند
 خوابین معظمه و محله بشرف و امر و اتراک و ذبح
 بشرف میرتخ و جملات کتاب دیوانی بشرف و عطا نویسند و

هو الله الذي له	الرب العفو	الحق القیوم العفی	الودود الوالی
الاموال و الرحم	المقدم المحی	الحکیم الواسع الشی	المخیر الوالی
البارئ السالی	القیوم التام	الرشید	المغنی
النور الصمد المحی	الناصن المحیی	الملاک القدر	الواحد العد
المیعون بالذی	النافع المتکبر	المجید الحاضر	الحفیظ الممت
ذوالجلال واکرام	العظم العظیم	الجامع الرقیب	الضیاء القهار
الماحد الضاد	الاول الاخر	المفتخر الباسط	القابض البصر
الکرم اللطیف العظیم	المجاذک	الحافظ الوارث	الشکور الماجد
الغنی المعید	الوارث المجید	الغنی الشانع	الوقاب الجلیل
الوکیل المنعم	القانع المبین	الغنی البدیع	الرازق الخالق القادر
المؤخر	الغنی الضاد	المؤمن المعز	العلم المبدی
المعطى	الحکیم الهادی المحی	الطاهر الجبار	الرقیب الکرم

و صوم

و کتبهم باسط را تا با خبر نویسند
 و جان طرف کرد در میکند بیار و
 مجرب است بجهت در گوش از صحر
 امام محمد باقر منقولست که در
 در گوش دست بر گوش باله و
 هفت بار این دعا بخواند عود
 بالی الذی سکن له ما فی التی و
 العظیم فی السموات و الارض
 هو التمسع العلم انصافه
 انت که بجهت در گوش بر زمین
 با سمن این شرف هفت نوبت بخواند
 و در گوش حکایت آن که در شرف
 کان فی اذنه و فی آذان التمتع و
 البصر و الفؤاد کل اولک
 کان عنه مشکوه اکثر
 حرمه در گوش و فتنه باشد این
 حرمه اسم را بر گوش
 او

هفت بار در گوش

هفت بار در گوش و مطلق

هفت بار در گوش و مطلق

شجر الواح بها كانه

۲۳

لوح در پمهر جا و زفت پیش باد شافان دفعه در مصافها از رخ و فقادن از اسب و رفع نیازها و بمن

۲۲۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳
۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱
۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵
۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹
۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳

بود از در و بنویسد
و در روز اینه در عتسا
شرفه شرفه یار و زبک
شبه و نیشب ساعت
تلیت اقباب با زهر
و قران نحو مبارک

باشد لوح در پیش لوح شمر دفعه غم و اندوگشاد
کارها از جفت خرید و فروخت و ایمن بودند از دندان

۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰
۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴
۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸
۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲
۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶
۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰

عذر و زرد و شنبه
نوید که قران بمشرف
نظر و دستم بود روز
سرفشینه منتظور
عطاره باشد و از
مخوشا در یکا عدد

بخوانند بر درن آید ما اعظمی اعظمی بر بگویند
یا اعظمی یا اعظمی یا اعظمی یا اعظمی
زمنه با شفا اطباء گفته اند که شفا اولی
طعن را باب بود در خواب بزرگ شفا اولی
کشته شود و اگر هزار بار بگویند
روغن کنجد در آن حکاکی میشود
باید دید که چه در دسترس است
عبدالرحمن بنوف بنصری بنور الله القادری
کند و آنکه در چشم و ابلاست مسح
خواهر بگردد البتة بخواند و در
بگویند و عین التمسین بر دانه طلا
غالی این وقت وضع

محمد طاهر صاحب کتب

محمد طاهر صاحب کتب

محمد طاهر صاحب کتب

شرح الواح پانزگانه

۲۰۴

زده یاوق اهن نوشته بانجومتطو ساخته درناج فند خواص
بسیابیند اگر در میاقاسم فنداز در سالم ماند لوح چما

از پزهن وقت	رباشح	۲۴۴	۳۱۶	۲۵۱	امری
حافظه و سوسه	۱۱ روزا با جفا کل	۲۵۰	۷۱۲	۳۱۶	لبنفینم وفات
و اندیشه و جد	کاسم سم	۳۱۴	۳۱۶	۳۱۶	فناج عید
از دزدان دسفر	خوم سلام	۷۱۲	۲۴۱	۳۱۵	احد صبر
و باقن فرادها	میکازل	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	
کل و جو و روز					

جمعه که فرم فصل شرح متصل بعد باشد از روز و بنویسد
خود از در بمفاصل و اصل گرد لوح پنج از بر گشایش کارها

صالحه الا هو	۹۷۱	۸۲۰	۱۰۵۱	العظیم	و فرج و دفع مکر
دشمن ز پادشاهان	۸۲۳	۹۷۲	۲۵۵	طالب	و بزرگان بنویسد
و روز شنبه که قرابا	۲۵۴	۱۰۴۱	۸۲۲	الباق	افتخار بود و با خود
دارد و دفع گریش	۱۰۵۰	۲۵۷	۲۵۷	طالب	

اطفال

اینضا در وقت نماز شام بدین
 ساره لغات هفت خود را با انگشت
 بگیرد و اینها را بر آن بخواند و بر
 بالای چشم خود او درخند میزند
 چنین کند صحت باید مثل آنیم
 از آن صبح تا آخر وقت بخواند
 بنام مصعب اینضا با نبوس
 حکیم گفت که هر کس چشم او در
 کند مکر بد و از نابین نماز
 با بدین صفتا الهنا گفته اند و
 بنجیم بر کینه اند که شوکر و سوسه
 نداشتند باشد بگین و طعنه و فحش
 آن را مانند و در وقت در کفر کرد
 تا که فرمود و بر چشم و عیاشی بیدار
 نه انقودند تا آن که در کفر
 و بختن موی بلای چشم در کفر
 آورد مکر آن ابرو بخواند

هفت روز و نور حافظه

هفت گنا بر کارها دفع نمون

هفت روز سخن موی بلای

در الواح بنابر کانه

۲۶

باشد یا زهره و شنبه منظور بود و نوشته یا خود از ر ح با
 مذکور باشد دشمنان مقهور گردند و در اینگونه قیاسات

انا فتحنا	لك	فما	مبينا
۴۹	۵۹۲	۱۰۲	۴۹
۵۹۳	۵۰	۴۸۷	۱۰۱
۴۸۸	۱۰۰	۵۹۴	۵۱

و در طمانند را مورکب و دفع قبضه کرد و غار خفه دفع جمله
 قبضها بنویسد و زجها شنبه بنظر عطاره دیار و زیک

شنبه بنظر شنبه	یا و زجعه بنظر	یا کو اک بعد یارو	بنظر زهره
۲۱۲	۳۲۶	۸۲	۱۸۰
۱۷۹	۸۵	۲۲۷	۲۰۹
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

و یا خود از ر جمله
 مرادان مذکور
 خاصش و لوح کهنه از بر طلب حق خود کردن

ن

رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْهَا خَالِدُونَ
 بجز در د کلو از اول سوره بن
 از ائمه الی قول غایب قول الظالمون
 را با بجا از زمین علم القرآن بنویسد
 و با خود دارد و در نگاه کنی او کلمه
 ز لوج سپید باشد این کلمات را
 بر آب یا با نان بخوراند بخورد ز لوج
 برین ایک نافه در در بفرمان خدا
 طاقی فحفا فحفا انصر انصر
 ذالجلال قال لا اکریم اعداوان
 کوی قللی درای باقر شوی
 الفبی بجز در در ندان انصر
 امر المؤمنین و ملت که بنویسد
 و صاحب بدید بخود آورد اول
 یا لا افسان انا خلفاء من نطقی
 تا اخر سوره کتب پس بنویسد
 ما سکن فی اللیل
 القرآن

در کتب کهنه
 در کتب کهنه
 در کتب کهنه

شمه الراجح بنا كالتد

٢٧

زرقاضه ودوتيه دودن خلوع بازاودنه غايب افراة
دورينو سيد مروكها بشدا بايا كه قمر دبر چاهان ايت
نابشد منفضل باشد برقره نص كنند يا براطلس سنجيد

وتم	الوكيل	حسنا	الله	وتم	الوكيل
١٤٧	٩٦	١٢٢	٦٥	١٢٣	٩٥
١٤٤	٩٤	١٢٣	٦٥	١٢٣	٩٥
١٤٥	٩٤	١٢٣	٦٥	١٢٣	٩٥

واگر نشود برکا فلبو
وناخودندارد که بجز
استوازمود و لوح
هلم این است
لوحی هم از صلیح

افکنند میاید و کس در عو یا خصما و طلب حاجت و قاریش
ملوک و امر او علما و اهل قلم و طلب و در خلایک و کتایب

الله	لطیف	بسیاد	برندق	و عزیز بود نزد خلایک وسلامت بود اندبا
١٥	٣١٤	٦٧	١٢٨	بدگو یان بنویسد اما باید که افتا خون حال نابشد و باخود دارد قاسم زیا بد افشا الله
٣١٥	١٢	١٣١	٦٨	
١٣٠	٦٩	٣١٤	٨٣	

رهو التمتع
امام موسی
وای بد در دندان سفید با بران
بکلیا زنده در سر که از شراب به عمل آمد
نزد دندان در حکم سفید بود
بیشتر که سفید بنویسد و در آن
مینه و نقره و زوار بود
در میسند هند و چند قدم راه
ببود و ان بنی که در کفنه در بین
اندازد و عیب خود را نگاه
کنند تا آن که در انشاء الله
ان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
و فرزندش که بی العود تا آن خواهد
انگشتش تا به خود با بران
بگذارد و بخواند
سبحه

جهان در کسب و کار

جهان اصلاح

جهان در کسب

در سر الواح بنا کا

۲۰۱

لوح یا زری اگر کبی بهت گرفتار باشد خوف کشتن دارد بنویسد این لوح را و با خود دارد اما بر سر

بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين
۲۳۱	۱۶۱۴	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۶۹۵	۳۳۲۸	۱۰۰
۲۴۰۳	۱۷۳۵	۱۰۰	۱۰۰

بنویسد آن و هم خلاصه یابد و از خطر کشتن ایمن گرد از بکنا این لوح اگر کسی این سُور را زد کند متصل

مخواند از جمله قبض و بسط و نکبات ایمن کرد و انشاء الله لوح و زری هم بنویسد همه کاشیش کارها و مستحش

بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين	بسم الله الرحمن الرحيم قل من رزقنا من السماء ماء فاشربوا منه فما كنا مصروفين
۱۳۰۵	۷۸۷	۲۵۶۴	۲۲۵۴
۲۵۶۳	۲۲۵۷	۱۳۰۲	۷۸۸
۲۲۵۶	۲۵۶۲	۷۸۹	۱۳۰۳

زنا و قه که افتاب باشد هر دو در شرف بنویسد بمشک و زعفران و با خود دارد مقبول القول گردد و جلا شینا حصلا

مهر

ان شاء الله تعالی و جلا الملك و قذيل
 على كل شيء ان تزلزلني و اهدني و اجمع لي
 و طيبك ان تكشف ما تلفي فاطمة
 بنت خديجة من الضمير و ايضا
 ان حمله تجربا بمحمد و دندان
 التثاير ان كلمات و ابر ان دندان
 بجواند الو المص كعص
 اتان ذكر رخصتك عند و رنا
 محسن الله الاله الا هو و العزير
 امكن بك بعض اتان بالذي
 له ما في السموات و ما في الارض
 و هو السميع العليم و هكاه اطفال
 در خواب دندان ۷۸۷ بنام بن اشكال
 بر او بنید نسیم الله معن کعب
 مع ادم من هرگاه طفل در بخت
 آمد سود بخا سر نبل استک و
 زعفران بنویسد بنویسد
 و بنامه

محمد خا صوا کشتند

محمد کاش کلها

محمد کاش کلها

در بیان انواع نیکوکاران

منعم و مطیع او گردانند اگر آنکس نیکوکاران را در کند هر روز
چهل یکبار بخواند انواع قهر کارها و بظهور آید و نفعی از عالم عیب

وَالْقَمَرِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَالنَّجْمِ الْمُبِينِ	وَاللَّيْلِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَالنَّجْمِ الْمُبِينِ	وَاللَّيْلِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَالنَّجْمِ الْمُبِينِ	وَاللَّيْلِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَالنَّجْمِ الْمُبِينِ	وَاللَّيْلِ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَالنَّجْمِ الْمُبِينِ
۲۹۱	۲۲۹	۳۶۲	۱۶۵۰	۷۶۸
۹۵۱	۷۶۴	۳۶۲	۲۲۲	۲۶۴
۲۳۱	۳۶۵	۱۹۵۲	۷۹۵	۲۸۸
۷۹	۳۸۹	۲۲۷	۳۶۶	۱۹۵۳

اورد و نماید
سپین
این پنج ذریع
مشک و زعفران
بر پوست اهو
نویسد بو
زهر را ماقرد

سعد و از خوش و در بود از برای محبت تمام داد و چشمه
گشایش کارها و زیاده فهم و قوت حافظه و قهر سلاطین

ع	قذ	قز	ع
۷۸	۸۴	۸۷	۷۰
۸۶	۷۱	۷۷	۸۵
۷۲	۸۹	۸۲	۷۶
۸۳	۷۵	۷۳	۸۸

چون با خود آید بیخوش
مقطرهای لوح چها
از شهر شریف و قضاوت
از سلاطین و اقصا
و تا بود بر اعدا و انطا

زیادتر گشاید که در دو هرگاه مفاد
ماری بن مصلحتی با بریدن طفل نوبت
هین خاصیت را داد در هین
هرگاه نصف با این از زین
در بطفل بنده و هین
اردم بر گویند سید
بالتی و من القول
و کاز الف کسب علیها
بندد که کوشد و اگر
و بد زبان باشد و زهر
باب باران حل
نخستین زمان شود
قطع خون اندام
بهمه زعفران و
دم فلان این فلان
نخستین قطع شود
شکل با بوی بیانی
نشان

چهارشنبه

چهارشنبه

چهارشنبه

چهارشنبه

شرح الواح پانجاهگانه

کارها بنویسد رُسْر مَرخ یا افتا و اگر مَرخ زود خِل و سَد
 و قوس بنویسد مرزات و از امزگ برآید بر هر کس غا اید
لوح پانزدهم همه جهه الف و محبت دفع سحر و چشم زخم
 و مهر با خلاقی و دوسته خوانین محشمه و زدا و کابرو

۶۰	۱۴۲	۲۰	۶۰
۶۰	۱۴۲	۲۰	۶۰
۶۰	۱۴۲	۲۰	۶۰
۶۰	۱۴۲	۲۰	۶۰

عوام الناس هر
 از این قبل بود در
 زهره یا مشتری را بد که
 بنویسد اگر تیرت
 بنویسد اگر از نود
 حاصل کرد و لوح

فصل غدوشن تکبیر از طریق هر زک با نوا یا ایم
 مازانچه در این فصل مذکور شد بند قواعد احتیاط اول
 حروف و راه طم ف ش و ه و ل و ب و ی و ن ص ت
 ض م ج ز ک س ق ث ظ ط ر ی د ح ج ع ر خ غ ا ک و
 تکبیر با عراب اجناس و چنین اعراب کند اگر بطریق
 شیخ تکبیر خواهند کرد بطریق طایفه چنین آمده اند

حساب ملبس کردن و طب طب طب
 مطب طب طب طب طب طب طب طب
 بر جبین شخ خش قطع کردن و اشک
 از همان خون بنویسد این کلان را
 و بر پیشانی او بنویسد منقطع شود
 بنام بنای بنیاد کسب اسکن نیزه افه
 و قدر در درج المانع او در کوه
 رفاق بچوب کعبه بنویسد و چنین
 در قاع او بنویسد با بند و چنین
 کربن کا و را سوخته خاکستر او را
 در بیخ مدد رفاق باز با نوا یا
 در دست بنویسد و در دست بنویسد
 آورده که بچهره در دست بنویسد
 سر بار بر ضد عازا بنویسد این بار
 دهانا شفا باید و قدری هم بر بنویسد
 مالک دنیا شیخ بی صد ری و
 کتبی از قری و احوال
 عود

کهنه الف و عجز و کوه و غیر

کهنه مهربانی خلاقی

کهنه کوه

شرح و بیافوا عدله

ايشه اوی لم نع بادني حركت سفتح لني
 درش شد ص ط خط که ب خ ط ع ض ق ابتدا تکثیر
 حشر سید اذات علی این فن امیر سید حسین دو
 نوع تکثیر بینا تم اول چون خوانند که اسمی از اسمان تکثیر کنند
 مثلا بطریق میر اعظم یکی است که هر چه حی می دوم
 از صد و موخر حاصل می شود حرف و تکرار از ح می می
 بیرون کنند باقی را تکثیر کنند و هر چه تکثیر و ق می می
 اول و متولد از صد و موخر حاصل شود از ح می می
 حنا کنند عد تکثیر گویند تکثیر مکتب می می
 حشر سید اعلم انش که حرفها و اخر غیا ح می می
 نمیکند تکثیر میکنند تا اینکه حرف اید عد مولد از صد و
 صغیر از اخر فیه گویند مثلا الله الصمد ح می می
 تکثیر کردیم نام نمودار باشد حروف منظر ح می می
 بجهان اعتبار نمیکند که آن میزان الله ال ص م د تکثیر
 وصحت تکثیر از آن معلوم نام ل س ل ل ه ا ب و ح و
 نام بجهان تکثیر داده ال م ل ص که ان منظر اصل اسم

در دلدرد کتاب مکارم آورده است
 که اینها قافیه قرآن و القرآن قاسمید
 با الله من الشيطان الرجيم و اما
 معوذتین بخوانند و بنویسند و بنویسند
 و بخورد در سال کن کرد در نوع دیگر این
 امامان در این خوانند و با شامش
 یا بلیغین اجمننا من هذه الکون
 من الذکرین سبهم و الا فوله اضع
 عفو اجمعه تطیبین و لا یس
 سبار بخوانند و با خدا شاکه
 بخورد در هر گورد الذکرین سبهم
 و تطیبین قلوبهم و الا فوله اضع
 من الذکرین سبهم و الا فوله اضع
 من الذکرین سبهم و الا فوله اضع

حکایتی در کتاب

حکایتی در کتاب

فانسخ الزمان
 را با خون گریه بسا
 نود فسخ شود فایده آن اگر خواهی
 باشی کردانی که این فن را این من
 با هم جمع میشوند و مرا و جود در میان
 ایشان واقع خواهد شد تا با این
 زن و مرد را بچسباند و اگر با
 و بیخ بیخ طبع کند اگر با
 با چاه را بماند با هم جمع میشوند و اگر
 فاعله اگر خواهی بدانی که این فن
 با هم دوستان با دشمن نام
 زن و مرد را بچسباند و دوستی
 طبع کند اگر بکنی بماند و دوست
 آنها باشد و اگر بماند نبوی بماند
 فاعله اگر بکنی بماند و دوست
 آنها باشد و اگر بماند نبوی بماند
 فاعله اگر بکنی بماند و دوست
 آنها باشد و اگر بماند نبوی بماند

فانسخ الزمان

فانسخ الزمان

فانسخ الزمان

کتاب در سر و بیافو عدل انکسیر

و هنوز تکبیر نیافته و بکنوع تکبیر شیخ صال دلام ال
 مغرب است که چون خواهند تکبیر ل ل د ص ه ال ام
 کند زمام و آخر مرد و حنا میکنند ل ل ال ل د اس ه
 در این تکبیر مؤخر میگیرند اما صد ل ل م د ص ال ال
 نمیگیرند و مؤخر را باز تکبیر میکنند ل ل ال ل م ه ل
 و در آخر در حنا در می آورند و عدد ل ل د ص ه م ل
 تکبیر از آن میگویند و السلام ال م ل ه ل م ل
 و مشایخ مغربه نوع تکبیر میکنند نوع اول که هرگز
 متفقند ایست که نمود میشود مثال نوع دیگر است که حرف

ش ه ی د س ال م	ع ی ذ ل م ی	و صد و مؤخر
ش م ل ی د س	ع ای ی ذ ل م ل	ع ان ی
ش م ی د ه ال ی	ع ال ی م ی	ع ی ان
ش ی س ل م ا د ه	ع ن ی ام ل ی	ع ن ی ا
ش ه ی د س ال م	ع ی ذ ل م ی	ع ان ی

ملفوظ میگیرند مثلا علی را عین و لام و یا میگیرند و این
 نوع تکبیر را زمام و آخر حنا میکنند و از صد بکفر

میکنند

شرح و بها فواعل

میگیرند از مؤخر مکرری افکنند مجموع را عدت تکبیر
 میگویند نوع دیگر آنست که اسم را که تکبیر کردند چنانکه سطر
 اول از آخر بیرون آید صد مؤخر نمیگیرند همین تکبیر و احسانا
 میکنند عدت تکبیر میگویند تکبیر شیخ ابوالعباس افست
 که چو خواهد که اسم چند نام تکبیر کنند تا حرف تکبیر
 لوح هند حرف و آتیه را مقدمند با دیر بعد از آن فایه را در نشا
 با دو خاکیر از آخر و بعد از آن تکبیر کنند اگر خواهند که چند
 اسم را در لوح هند تکبیر نمیکند مثال الاحد اقصی
 الکریم الاله الم م م ی د د ده من ص ل ح این
 سطر را اگر در لوح خواهند تا چنین نویسند اگر تکبیر
 خواهند کرد مکرر بیرون کنند تا چنین سوال م ی د د د س ل ح
 و تکبیر کنند سطر اول بیرون آید صد مؤخر تکبیرند و تکبیر
 کنند سطر آخر چنان کنند تا فایه را احسانا کنند عدت تکبیر احسانا
 کند و دیگر شیخ تکبیر از داخل و تکبیر سبط و کبیر و
 و تکبیر اجزای بیخاطر بود اما در این مختصر چنانان بنویسند
 بکرم مؤمنان و عتایا فایه آنکه اگر سه و بنویسند قلم صفود

بلای بشود و از من شفا با بدین
 اسم بنویسد و در او را احسانا
 نموده و در زده و در زده طرح اگر چند
 اگر طایف بنامند بشود و اگر چند
 با ندب و نظر بسید که کجاست از بعضی
 درین علم فرغ از یکدیگر و بیرون
 بسختی دردن او را معلوم نمایند
 در این اشکال با نام درین و آن
 بعضی نفس نمایند و بیرون
 بالین درین نهند و با اینها
 سلم و از آن کتک اگر سبک بدین
 عمیر و اگر سادی بدین جاری و
 بطول انجامد و اگر فایه آید
 زبیدی شفا با بدین و الله اعلم
 مشهور حضرت احسانا
 از کتاب فرمودی منقول

تا علامت بجای هر کس از اشکال

و احسانا بنام اشکال

در احیای کتاب مستجابا

۲۱۴

کنند و آنچه باید با صلاح آوردند نظم و خطایی به
 بیندازند همدم بصلاح آوردند ز روی کرم زانکه از
 روی ناه ای هتیا نتوان گرد دور که دو غبا و در
 خوشحالی و دعوت اسما از خدا یثما مؤمنین و مشا
 امرزش خواهند و اعتماد بر کرم خداوند است که بعد
 از قرانت اسما عظام دعای هیچ مؤمن را در نخواهد
 کرد بجز که حدیث مضطوف علیه افضل الصلوات و اکمل
 التحیات قال رسول الله صلى الله عليه واله ليس شيء
 اكرم عند الله من الدعاء يعني نبيت هیچ چیز نزد خدا
 تعالی کرامی تر از دعا و مصداق کلام نبی است که کتاب است
 اینست قال الله تبارك وتعالى قال ربكم اذعوبه استجيب
 لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم
 داخرين فارینه این مبارکه اینست که فرمود پروردگار شما
 بخوانید مرا نا اجابت کم شمارا بدستی که انا نکه کردن گشته
 کند از بر سنش من بود باشد که در روزند در روز خد
 حاله که خوار و نگوشتا باشند استلال است که خداوند

که ان اشکال را نوشتند بر سینه
 بعضی گذارند اگر بخندد خلاص شود
 و اگر کتاب را بمسود اینست هلا
 مکال عظام کل هو منفعه
 بجهت و دم خصمه در بحر الفج
 آورده است که اگر طفل را با زندقه
 فارض شده باشد گوش او را بر
 عکس سوزخ کند چنانچه اگر گوش
 راست او درم کرده باشد گوش
 چپ او درم کند و اگر گوش راست
 چپ او درم کند و خصم او درم کند
 و اگر هر دو گوش را سوزخ
 باشد هر دو گوش را بکند
 کند بفضل خدا را بکند
 انشاء الله تعالی ربنا محمد
 قال الله اعلم حججنا ابو الامام
 هذا اخرا او اخرا
 عینه

بجهد و در خصم را با زندقه

اللهم اغفر لي ما مضى وما مضى
وما مضى وما مضى

غدا لا تتركك كل الناس
عشوا في السنة
١٣٥٦

بين لوج مقدرين بالله

القطعة باب السلام

صباحه لله

عظم محمد رسول الله

صِدْقُ اللَّهِ الْعَظِيمِ

وَيَبْلُغُ رَسُولُ النَّبِيِّ الْكَرِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست متن کتاب

۲۸	در شرح کلمه مبارکه الباری	۲	عده رساله بحر الغرائب
۳۹	در شرح کلمه مبارکه الهمصور	۳	فی بیان مقدمه کتاب
۴۰	در شرح کلمه مبارکه الغفار القهار	۴	در شرح و خواص کلمه هو
۴۱	در شرح کلمه مبارکه الوهاب	۶	در شرح کلمه لا اله الا هو
۴۴	در شرح کلمه مبارکه الرزاق	۸	در آیات مشتقمة لا اله الا هو
۴۶	در شرح کلمه مبارکه الفتاح	۱۲	در شرح هو الله الذي لا اله الا هو
۴۷	در شرح کلمه مبارکه العليم	۱۴	در شرح کلمه مبارکه الله الصمد
۴۸	در شرح کلمه مبارکه القابض	۱۶	در خواص آیه مبارکه آیه الكرسي
۴۹	در شرح کلمه مبارکه الباسط	۱۸	در شرح و خواص لفظ جلاله
۵۰	در شرح کلمه مبارکه القاض	۲۰	در شرح عالم الغیب والشهادة
۵۳	در شرح کلمه مبارکه الرافع	۲۲	در شرح کلمه مبارکه الرحمن
۵۵	در شرح کلمه مبارکه الموفق	۲۶	در شرح کلمه مبارکه الرحيم
۵۸	در شرح کلمه مبارکه المذل	۲۸	در شرح کلمه مبارکه الملك
۶۰	در شرح کلمه مبارکه السميع	۲۹	در شرح کلمه مبارکه القوس السلام
۶۵	در شرح کلمه مبارکه البصير	۳۰	در شرح کلمه مبارکه المؤمن
۶۷	در شرح کلمه مبارکه الحكيم	۳۱	در شرح کلمه مبارکه الهيبين
۶۸	در شرح کلمه مبارکه العدل	۳۲	در شرح کلمه مبارکه العزيز
۷۰	در شرح کلمه مبارکه اللطيف	۳۶	در شرح کلمه مبارکه المتكبر
		۳۷	در شرح کلمه مبارکه الخالق

۱۱۲	در شرح کلمه مبارکه الخیر	۷۲
۱۱۳	در شرح کلمه مبارکه الحكيم	۷۴
۱۱۴	در شرح کلمه مبارکه القوی	۷۵
۱۱۷	در شرح کلمه مبارکه المتین	۷۶
۱۱۹	در شرح کلمه مبارکه المولی	۷۹
۱۲۰	در شرح کلمه مبارکه الحمید	۸۰
۱۲۲	در شرح کلمه مبارکه المحصى	۸۱
۱۲۳	در شرح کلمه مبارکه المبدع	۸۳
۱۲۵	در شرح کلمه مبارکه المتحد	۸۶
۱۲۷	در شرح کلمه مبارکه الهی	۹۰
۱۲۹	در شرح کلمه مبارکه الهیت	۹۱
۱۳۰	در شرح کلمه مبارکه الهی	۹۴
۱۳۱	در شرح کلمه مبارکه القيوم	۹۶
۱۳۵	در شرح کلمه مبارکه الواحد	۹۸
۱۳۶	در شرح کلمه مبارکه الهابد	۹۹
۱۳۸	در شرح کلمه مبارکه الواحد	۱۰۰
۱۳۹	در شرح کلمه مبارکه الاحد	۱۰۲
۱۴۱	در شرح کلمه مبارکه الصمد	۱۰۵
۱۴۲	در شرح کلمه مبارکه القادر	۱۰۸
۱۴۳	در شرح کلمه مبارکه المقتدر	۱۰۹
۱۴۵	در شرح کلمه مبارکه المتقدم	۱۱۱
	در شرح کلمه مبارکه الخیر	
	در شرح کلمه مبارکه الحكيم	
	در شرح کلمه مبارکه العظیم	
	در شرح کلمه مبارکه الغفور	
	در شرح کلمه مبارکه الشکور	
	در شرح کلمه مبارکه العلی	
	در شرح کلمه مبارکه اللبیر	
	در شرح کلمه مبارکه الحفیظ	
	در شرح کلمه مبارکه المحقیق	
	در شرح کلمه مبارکه الحسیب	
	در شرح کلمه مبارکه الجلیل	
	در شرح کلمه مبارکه الکریم	
	در شرح کلمه مبارکه الرقیب	
	در شرح کلمه مبارکه المحیب	
	در شرح کلمه مبارکه الواسع	
	در شرح کلمه مبارکه الحكيم	
	در شرح کلمه مبارکه الودود	
	در شرح کلمه مبارکه المحیب	
	در شرح کلمه مبارکه الباعث	
	در شرح کلمه مبارکه الشهید	

۱۸۲	در شرح کلمه مبارکه الهادی	۱۴۶	در شرح کلمه مبارکه المؤمن
۱۸۴	در شرح کلمه مبارکه البديع	۱۴۷	در شرح کلمه مبارکه الأول
۱۸۶	در شرح کلمه مبارکه الباقي	۱۴۹	در شرح کلمه مبارکه الظاهر
۱۸۷	در شرح کلمه مبارکه الوارث	۱۵۰	در شرح کلمه مبارکه الباطن
۱۸۸	در شرح کلمه مبارکه الرشيد	۱۵۲	در شرح کلمه مبارکه الولي
۱۸۹	در شرح کلمه مبارکه الصبور	۱۵۳	در شرح کلمه مبارکه المتعال
۱۹۱	در شرح کلمه مبارکه ياسبح ياقدوس	۱۵۵	در شرح کلمه مبارکه البر
۱۹۳	در شرح کلمه مبارکه يارب	۱۵۶	در شرح کلمه مبارکه التواب
۱۹۴	در شرح کلمه مبارکه ياخذان ياامنان	۱۵۸	در شرح کلمه مبارکه المنتقم
۱۹۵	در شرح کلمه مبارکه يا ديان	۱۵۹	در شرح کلمه مبارکه العفو
۱۹۷	در شرح کلمه مبارکه يا برهان	۱۶۰	در شرح کلمه مبارکه الرؤف
	در شرح مربع هشت اسم خداوند	۱۶۲	در شرح کلمه مبارکه مالك الملك
۱۹۸	در شرح مربع شش اسم خداوند	۱۶۳	در شرح کلمه مبارکه المقسط
۱۹۹	در شرح مربع نود و نه نام خداوند	۱۶۷	در شرح کلمه مبارکه الجامع
۲۰۰	در شرح مربع نود و نه نام خداوند	۱۶۸	در شرح کلمه مبارکه الغني
۲۰۱	در شرح الواح پانزده گانه	۱۶۹	در شرح کلمه مبارکه المغني
۲۰۲	در شرح الواح پانزده گانه	۱۷۳	در شرح کلمه مبارکه الفتح
۲۰۳	در شرح الواح پانزده گانه	۱۷۴	در شرح کلمه مبارکه المعطي المانع
۲۰۴	در شرح الواح پانزده گانه	۱۷۷	در شرح کلمه مبارکه المانع
		۱۷۸	در شرح کلمه مبارکه النافع
		۱۸۱	در شرح کلمه مبارکه النور

۷	بجوت گشایشی کارها	۲۰۷	در شرح الواح پانزده گانه
۷	بجوت تسخیر سلاطین	۲۰۸	در شرح الواح پانزده گانه
۷	بجوت رسیدن بدولت	۲۰۹	در شرح الواح پانزده گانه
۸	بجوت رسیدن بدولت و تروت	۲۱۰	در شرح الواح پانزده گانه
۹	بجوت ادای دین و مخنی شدن	۲۱۱	در شرح و بیان قواعد تکسیر
۹	بجوت بر آورده شدن حاجات	۲۱۲	در شرح و بیان قواعد تکسیر
۱۰	بجوت ایمنی از شر سلاطین و ظالم	۲۱۴	در اختتام کتاب مستطاب
۱۰	بجوت سلامتی از زرد و سیاه	۲۱۵	در اختتام کتاب مستطاب
۱۰	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۴	در بیان فتاوی نظمی طبیعی الواح
۱۱	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۵	در شرح کلمه مبارکه اجد الکبیر
۱۲	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۶	در شرح کلمه مبارکه اجد الصغیر
۱۴	بجوت هر مطلب		
۱۴	بجوت هر مطلب		
۱۴	در بیان اسم مبارکه اعظم		فهرست مائشیکتاب
۱۴	در بیان طلب خیر		ختم کلمات مبارکه
۱۴	در بیان دفع شر		بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
۱۵	در بیان گشایشی و آسانی کار	۵	بجوت هر مطلبی
۱۵	در بیان بر آوردن قضای حاجات	۵	بجوت هر صیغی
۱۵	در بیان هر مطالبی که داشته باشید	۸	بجوت هر گرفتاری و بلیه
۱۶	در بیان زیادتش دولت و حشمت	۶	بجوت خلاصی از دست ظالم
۱۷	در بیان بزرگی و سلطنت	۷	بجوت ادای دین
		۷	بجوت ایمنی از بلاها

۲۴	در بیان وسعت رزق	۱۷	در بیان قضای هر قرض در هر حاجتی
۲۴	در بیان رسیدن بحکومت در پست	۱۷	در بیان طلب جاه و بزرگی
۲۵	در بیان وسعت رزق و ادای دین	۱۸	در بیان احترام بزرگان
۲۵	در بیان دفع دشمن و طلب جاه	۱۸	در بیان هر مهم عظیمی
۲۵	در بیان ایمنی از بلاها	۱۹	در بیان حفظ و هر مطلب
۲۶	در بیان مهر بان کردن و مخلوق	۱۹	در بیان ادای قرض و دولت ^{مختص}
۲۶	در بیان ادای دین و وسعت رزق	۱۹	در بیان غلبه شدن بر دشمن و هر
۲۶	در بیان تسخیر حکام و سلاطین	۲۰	حاجت
۲۷	در بیان نجات از قرض و درویشی	۲۰	در بیان زیادتی ذهن کودک
۲۷	در بیان خلاصی از جیس و گرفتاری	۲۰	در بیان حل شدن مشکلات
۲۷	در بیان غلبه شدن بر اعداء	۲۱	در بیان بینی کاف و نون
۲۸	در بیان بی نیاز شدن از مخلوقات	۲۱	در بیان تسخیر حکام
۲۸	در بیان دفع فقر و ادای دین	۲۱	در بیان اطلاع یافتن بر معادن
۲۹	در بیان پیدا کردن صفای باطن	۲۲	در بیان بر آورده شدن هر حاجت
۲۹	در بیان دوستی دشمن و شفای بیمار	۲۲	در بیان وسعت رزق و روزی
۳۰	در بیان سلامتی از امراض و بلاها	۲۲	در بیان دفع دشمن و عزت
۳۰	در بیان دفع دشمن و غلبه بر خصم	۲۳	در بیان جمیع مهمات
۳۰	بجهت هر مطلبی	۲۳	در بیان وسعت رزق
۳۱	بجهت رسیدن بمقصد	۲۳	در بیان گشایش رزق کار و ایمنی
۳۱	بجهت رسیدن قضاء و جواب	۲۳	از بلاها
۳۲	بجهت بی نیازی از خلق	۲۴	در بیان رسیدن بدولت و ثروت

۲۲	بجوت غلبه بر خصم و تسخیر	۴۹	بجوت برآمدن حاجات نزد خلائق
۲۳	بجوت ریاضت عقل و فهم	۴۹	بجوت طلب اولاد
۲۴	بجوت عزت نزد سلطان	۴۹	بجوت برآمدن قضا و حاجت
۲۴	بجوت فتح و نصرت	۴۰	بجوت کثرت مال و دولت
۳۴	بجوت گم شدن اشیاء	۴۰	بجوت ایمنی از عذاب قبر
۳۵	بجوت طلب کردن اولاد	۴۱	بجوت برطرف شدن تب لازم
۲۵	بجوت ادای قرض	۴۱	بجوت رفع هم و غم
۲۵	بجوت وسعت رزق و صحت	۴۱	بجوت غلبه بر خصم
۲۵	بجوت ایمنی از سحر و جادو	۴۱	بجوت برآمدن هر مرادی
۲۶	بجوت هر مطلبی	۴۲	بجوت دولت و مال دنیا
۲۶	بجوت خوف از سلطان	۴۲	بجوت دست یافتن هر مرادی
۲۶	بجوت سلامتی از شیاطین	۴۲	بجوت دفع احتلام
۲۶	بجوت دانستن فرزندان صالح	۴۲	بجوت تعب و ادای قرض
۲۷	بجوت هلاکت اهل ظلم	۴۲	بجوت برآمدن هر حاجت
۲۷	بجوت یافتن دولت و جاه و حشمت	۴۲	بجوت بقای اولاد
۲۷	سرف مشتری و ثلث و	۴۲	بجوت برآمدن مطلب بزرگ
۲۷	تسدیس و شتر عا زهره	۴۲	بجوت غلبه بر خصم
۲۸	بجوت هر حاجت	۴۴	بجوت دفع دشمن
۳۸	بجوت زیادتی اولاد و اتباع	۴۴	بجوت ترانگری و عنی شدن
۳۸	بجوت رسیدن بفرزگی و گوسنه	۴۴	بجوت دفع فقر و پیریشانی
۳۸	بجوت توفیق یافتن زیارت	۴۵	بجوت هر مراد و مقصدی
۳۸	کعبه خانه خدا	۴۵	بجوت وسعت رزق و روزی

۵۲	بجوت عقد اللسان	۴۵	بجوت برآمدن حاجت
۵۲	بجوت رای قرض و خلاصی از زندان	۴۶	بجوت یافتن دولت و ثروت
۵۳	بجوت برآمدن در ماندگ	۴۶	بجوت خلاصی از جسد راسی
۵۳	بجوت ازاله نخم و اندوه	۴۶	بجوت فراوانی روزی و رزق
۵۴	بجوت هر حاجت و مطلب	۴۷	بجوت خلاص شدن از بلیات
۵۴	بجوت استفاده دولت	۴۷	بجوت شفای صریض
۵۴	بجوت ادای دین	۴۷	بجوت برآوردن شدن حاجت
۵۴	بجوت ادای دین	۴۸	بجوت دفع دشمن
۵۵	بجوت هر حاجت و مطلبی	۴۸	بجوت دفع فقر و فاقه
۵۵	بجوت وسعت معیشتیة	۴۸	بجوت وسعت و معیشت
۵۵	بجوت زیادتی مال و رزق	۴۹	بجوت ادای قرض و وسعت رزق
۵۶	بجوت برآوردن شدن حاجت	۴۹	بجوت فتوحات عظیمه
۵۶	بجوت عزت یافتن نزد خلائق	۴۹	بجوت فراوانی و ثروت
۵۷	بجوت هر حاجتی	۵۰	بجوت هلاکت دشمن
۵۷	بجوت پیروزی بر اعداء	۵۰	بجوت خوشحالی و توانگری
۵۷	بجوت خلاصی از زندان	۵۰	بجوت هر مطلب مهمی
۵۸	بجوت وسعت رزق	۵۱	بجوت برآمدن جمیع مطالب
۵۸	بجوت دفع خصم و ظلم	۵۱	بجوت دفع دشمنی
۵۸	بجوت قضای خواجیج	۵۱	بجوت دوستی خلائق
۵۹	بجوت غلبه بر خصم	۵۱	بجوت غلبه بر لشکر دشمن
۵۹	بجوت هلاک کردن دشمن	۵۲	بجوت ادای قرض و توانگری
۵۹	بجوت هر حاجت و مطلب	۵۲	بجوت هلاکت دشمن
۶۰	بجوت برآمدن قضای خواجیج		

۶۸	بجهت تسخیر خلائق	۶۱	بجهت کفایت معلوم
۶۸	بجهت غلبه بر خصم	۶۱	بجهت دفع دشمن و نجات از زندان
۶۹	بجهت گم شده	۶۱	بجهت ستفاد بیمار
۶۹	بجهت دفع شر ظالم	۶۲	بجهت بر آوردن شده حاجت
۶۹	بجهت یافتن دولت	۶۲	بجهت عزت یافتن نزد خلائق
۷۰	بجهت گشتودن بخت دختران	۶۲	بجهت ادای قرض و دفع شر
۷۰	بجهت هلاک شدن ظالم	۶۲	بجهت زیادتى و وسعت رزق
۷۱	بجهت اطلاع یافتن بر پاره کار	۶۲	بجهت رفع دست تنگی و نکیبت
۷۱	بجهت کشف شدن علوم	۶۲	بجهت بر طرف شدن بواسیر
۷۲	بجهت دفع دشمن	۶۲	بجهت دفع دشمن
۷۲	بجهت تسخیر قلوب و وسعت رزق	۶۲	بجهت تداونگری و توفیق یافتن حج
۷۲	بجهت حصول مطالب	۶۴	بجهت زیادت مال دنیا
۷۲	بجهت هر مطالب و حاجتی	۶۴	بجهت یافتن مال دنیا
۷۲	بجهت ابهتی و شر شیطان	۶۴	بجهت بر آمدن مطالب و حاجت
۷۲	بجهت وسعت همیشه	۶۵	بجهت هر حاجتی
۷۴	بجهت یافتن هر مطلب	۶۵	بجهت یافتن رد غایب
۷۴	بجهت یافتن هر مطالب	۶۵	بجهت گشایش کارها
۷۴	بجهت عزت و نصرت	۶۶	بجهت استجابت دعاء
۷۴	بجهت برکت زراعت زارع	۶۶	بجهت رفع محنت و غم
۷۵	بجهت دفع شر ظالم و دشمن	۶۶	بجهت هر معلوم و مقصد
۷۵	بجهت ستفا یافتن بیمار	۶۷	بجهت حصول یافتن مطالب
۷۵	بجهت یافتن عزت	۶۷	بجهت هر مطلب و حاجت
		۶۸	بجهت وسعت رزق

۸۳	بجھت نجات از سداؤد	۷۵	بجھت یافتن جمیع مہمات
۸۳	بجھت وسعت رزق	۷۶	بجھت برآمدن حاجت
۸۴	بجھت طلب روزی و جاہ و سیاح	۷۶	بجھت ضیق و معیشت
	بجھت یافتن قضای حوائج دنیا و آخرت	۷۶	بجھت ہر امر مشکلی
۸۴	بجھت تسخیر قلوب امرا و بزرگان	۷۷	بجھت دفع دشمن
۸۴	بجھت دفع دشمنان	۷۷	بجھت عزت و بزرگی نزد خلائق
۸۵	بجھت گشایش کارها	۷۷	بجھت قضاء و حوائج
۸۵	بجھت یافتن ثروت و دولت و	۷۸	بجھت کفایت مہمات
۸۵	وسعت و معیشت	۷۸	بجھت خلاصی از مہلکہ
۸۶	بجھت محفوظ بودن از بلاها	۷۸	بجھت زیادت مال و دولت
۸۶	بجھت ایمنی از سیاح و گزندہ	۷۹	بجھت گشایش کارها
۸۶	بجھت ہر مطلب و حاجت	۷۹	بجھت شفای یافتن بیمار
۸۶	بجھت اہی قرض و شفای بیمار	۷۹	بجھت یافتن دولت و ثروت
۸۷	بجھت ایمنی از درد و جمیع بلیات	۷۹	بجھت یافتن توانگری
۸۸	بجھت یافتن ہر مطلب مہم	۸۰	بجھت یافتن وسعت رزق
۸۸	بجھت ہلاک شدن دشمن	۸۰	بجھت برطرف شدن تیرگی چشم
۸۸	بجھت محفوظ بودن از آفات	۸۰	بجھت خلاصی از فقر
۸۹	بجھت برآمدن قضاء و حاجات	۸۱	بجھت یافتن مطلب و حاجت
۸۹	بجھت انجام شدن مقاصد	۸۱	بجھت غلبہ یافتن بر دشمن
۸۹	بجھت یافتن ہر مطلب مہم	۸۱	بجھت ہر مطلب
۹۰	بجھت دفع کردن دشمن	۸۲	بجھت یافتن ہر حاجت
۹۰	بجھت یافتن رد کم شدہ و غایب	۸۲	بجھت اطاعت سلاطین و دوستی شدن دشمن
۹۰	بجھت زیادتی ذہن و ہوش	۸۲	بجھت از زیادت دولت و طلب
۹۱	بجھت یافتن قضای حوائج	۸۳	جاہ و رفعت

۱۰۰	بجوهت در عرض در سال دنیا	۶۱	بجوهت نشتگی و گسستگی
۱۰۰	بجوهت وسعت در معیشت	۹۱	بجوهت بر آوردده شده جمیع حوایج
۱۰۱	بجوهت یافتن قضاء و حوائج	۶۲	بجوهت بر آمدن بمطالب مستوعبه
۱۰۱	بجوهت تسخیر قلوب سلاطین	۶۲	بجوهت ایمنی از دشمن و چشم بد
۱۰۱	بجوهت یافتن رفعت و جاه و منصب	۶۲	بجوهت یافتن هر معوی و مطالب
۱۰۲	بجوهت آسان شدن کارهای مشکل	۶۳	بجوهت سلامتی از جمیع آفات
۱۰۲	بجوهت یافتن قضاء و حوائج	۹۳	بجوهت بر طرف شدن خوف از سلاطین
۱۰۲	بجوهت ادای قرض و وسعت اراق	۶۳	بجوهت دفع کردن فقر و پریشانی
۱۰۳	بجوهت ادای قرض و غلبه بر خصم	۹۴	بجوهت دفع کردن فقر و درویشی
۱۰۳	بجوهت خوف از حکام و سلاطین	۹۴	بجوهت یافتن عزت مرخلاق
۱۰۳	بجوهت آسان هر دستواری	۹۴	بجوهت یافتن بزرگی و عظمت
۱۰۴	بجوهت آسان شدن هر امر مشکل	۹۵	بجوهت تقرب یافتن نزد سلاطین
۱۰۵	بجوهت بر آمدن هر حاجت	۹۵	بجوهت یافتن هر حاجت
۱۰۵	بجوهت یافتن رفعت و عزت و دولت	۹۵	بجوهت یافتن هر حاجت و مطالب
۱۰۵	بجوهت دوستی ما بین زن و شوهر	۹۵	بجوهت دفع نمودن فقر و پریشانی
۱۰۵	بجوهت دفع دشمن	۹۶	بجوهت دفع و هلاکت دشمن
۱۰۶	بجوهت رفع هم و غم و خوف از مرگ	۹۶	بجوهت غلبه بر خصم
۱۰۶	بجوهت یافتن جاه و عزت نزد بزرگان	۹۷	بجوهت یافتن حاجت و مطالب
۱۰۶	بجوهت عیب شدن نزد مخالفین	۹۷	بجوهت دفع شر دشمن
۱۰۷	بجوهت یافتن هر حاجت	۹۸	بجوهت یافتن سلامتی از آفات
۱۰۷	بجوهت یافتن تسخیر قلوب	۹۸	بجوهت یافتن هر مطلب و حاجت
۱۰۸	بجوهت یافتن هر حاجات	۹۹	بجوهت یافتن حاجت و مطالب
۱۰۸	بجوهت آسان شدن هر کار	۹۹	بجوهت ایمنی از بلاء
۱۰۹	بجوهت رفعت و عزت و جمیع علتها	۹۹	بجوهت هر مطالب و حاجت
۱۰۹	بجوهت غنی شدن و توانگری	۹۹	بجوهت یافتن حصول مطلب
۱۱۰	بجوهت قضاء و حوائج	۱۰۰	

۱۲۰	بجوهت تسخیر قلوب سلطان	۱۱۰	بجوهت خلاصی از مهالك
۱۲۱	بجوهت قضای حاجات	۱۱۱	بجوهت مطیع شدن زن و فرزند
۱۲۱	بجوهت هر مطلب و هر حاجات	۱۱۱	بجوهت یافتن فتح و فرج و نصرت
۱۲۱	بجوهت اصلاح زن بد خو و بد گو	۱۱۱	بجوهت رسیدن به مقاصد
۱۲۲	بجوهت عزت یافتن نزد خلائق	۱۱۲	بجوهت بر آمدن حاجات
۱۲۲	بجوهت یافتن هر مطلب	۱۱۲	بجوهت رسیدن حاجات
۱۲۲	بجوهت دوستی با خلائق	۱۱۳	بجوهت رسیدن به دولت و ثروت
۱۲۲	بجوهت عزت یافتن نزد امراء	۱۱۳	بجوهت رفع فقر
۱۲۳	بجوهت سهولت و حسنات	۱۱۳	بجوهت بازگشت غلام گریخته
۱۲۳	بجوهت رفع نسیان و فراموشی	۱۱۳	بجوهت یافتن جمع مهمات
۱۲۳	بجوهت یافتن هر مشکلی	۱۱۴	بجوهت رفع وسوسه طلب افری
۱۲۴	بجوهت یافتن فرزند صالح	۱۱۴	بجوهت قضا و حاجات
۱۲۴	بجوهت رفع فقر و فاقه	۱۱۵	بجوهت غلبه شدن بر دشمن
۱۲۴	بجوهت حامله شدن زنان	۱۱۵	بجوهت هلاک شدن دشمن
۱۲۵	بجوهت وسعت روزی و رزق	۱۱۵	بجوهت یافتن مطالب کلیه
۱۲۵	بجوهت قضای دین	۱۱۵	بجوهت رفع شدائد و سلامتی از بیماری
۱۲۶	بجوهت ادای دین و وسعت روزی	۱۱۶	بجوهت استدامه از دولت
۱۲۶	بجوهت اطلاع یافتن بر حال غایب	۱۱۷	بجوهت هر نوع حاجتی و مطلب
۱۲۷	بجوهت توسعه رزق و دفع فقر	۱۱۷	بجوهت زیاد شدن شیر مادر
۱۲۷	بجوهت خوف از سلطان	۱۱۸	بجوهت قضای خواجیج
۱۲۸	بجوهت ایمنی از جمیع بلاها	۱۱۸	بجوهت فتح در کارها
۱۲۸	بجوهت تسخیر جمیع خلائق	۱۱۸	بجوهت اسان شدن وضع حمل زنان
۱۲۹	بجوهت غلبه شدن بر خصم	۱۱۸	بجوهت خلاص شدن از محبوس
۱۲۹	بجوهت هلاک دشمن	۱۱۹	بجوهت قضای خواجیج
۱۳۰	بجوهت تسخیر جمیع خلائق	۱۱۹	بجوهت ادای قرض
۱۳۱	بجوهت صحت بیمار	۱۱۹	بجوهت از شیر گرفتن کودک
۱۳۱	بجوهت سلامتی منورجه از آفات	۱۱۹	بجوهت خوش خوئی همسر
۱۳۱		۱۲۰	بجوهت هر نوع حاجات

۱۴۳	بجوهت حصول مطلب و رفتن	۱۴۱	بجوهت آمدن غایب و پیدا کردن گمشده
۱۴۴	بجوهت غلبه شدن بردشمن	۱۴۲	بجوهت حصول مرادات
۱۴۴	بجوهت جاه دستنصب	۱۴۲	بجوهت پیروز شدن بردشمن
۱۴۴	بجوهت پیروزی بر سلاطین	۱۴۲	بجوهت داشتن عاقبت امر
۱۴۴	بجوهت حصول رتبه	۱۴۲	بجوهت داشتن اولاد بیشتر و یا خیر
۱۴۴	بجوهت دفع از شر دشمن	۱۴۳	بجوهت طلب کردن روزی
۱۴۵	بجوهت حصول مراد و قضای خواج	۱۴۳	بجوهت یافتن حاجات
۱۴۵	بجوهت ایمنی از ترس دشمن	۱۴۳	بجوهت تسخیر سلاطین
۱۴۵	بجوهت غلبه بر خصم	۱۴۴	بجوهت اجابت مضمون دعا
۱۴۶	بجوهت آوارگی دشمن	۱۴۴	بجوهت احتلام و دفع آن
۱۴۶	بجوهت زیاد شدن عمر	۱۴۴	بجوهت صحبت
۱۴۶	بجوهت تسخیر قلوب	۱۴۵	بجوهت قطع رماق
۱۴۷	بجوهت هلاکت دشمن	۱۴۵	بجوهت مقهور شدن دشمنان
۱۴۷	بجوهت پیدا کردن غایب در هر کار	۱۴۵	بجوهت غنی شدن و توانگری
۱۴۷	بجوهت هلاکت دشمن	۱۴۶	بجوهت دعای کیسه و جیب
۱۴۸	بجوهت متروک شدن حاکم ظالم	۱۴۶	بجوهت حصول مطلب نزد کسی
۱۴۸	بجوهت انجام مطالب قضا	۱۴۶	بجوهت حامله شدن زنان
۱۴۹	بجوهت مقهور شدن دشمن	۱۴۷	بجوهت گشایش در کارها
۱۴۹	بجوهت قضای خواج	۱۴۷	بجوهت هر امر سنگلی که روی دهد
۱۵۰	بجوهت سلامتی و دفرینه و امانت	۱۴۸	بجوهت رفعت و عزت
۱۵۰	بجوهت وسعت رزق	۱۴۸	بجوهت صحبت و سلامتی بیمار
۱۵۱	بجوهت برآمدن حاجات	۱۴۸	بجوهت قضای خواج
۱۵۱	بجوهت طلب کردن مال و توسعه احوال	۱۴۹	بجوهت هر مطلبی و هر حاجتی
۱۵۲	بجوهت برآمدن قضای حاجات	۱۴۰	بجوهت دعوت اسم خداوند
۱۵۲	بجوهت ایمنی از بلاها	۱۴۱	بجوهت از دیدار رزق و روزی
۱۵۳	بجوهت تسخیر خلائق	۱۴۲	بجوهت انجام مقاصد و مطالب
۱۵۳	بجوهت خوف از سلاطین	۱۴۲	بجوهت خوف از سلاطین
۱۵۳	بجوهت زیاد شدن جاه و مرتبه	۱۴۲	بجوهت غلبه شدن بردشمن

۱۶۴	بجهت دفع احتلام و دوسواس	۱۵۴	بجهت تسخیر و تحییب
۱۶۵	بجهت رفع بستیگی کارها	۱۵۴	بجهت فرایع دستی و وسعت
۱۶۵	بجهت غایب و گریخته و دزد برده	۱۵۵	بجهت هر حاجت و مطلب
۱۶۵	بجهت رفع فقر و پریشانی	۱۵۵	بجهت رفع بد خوئی و راء و خلق
۱۶۶	بجهت سلامتی از آفات	۱۵۵	بجهت ایمنی از آفات
۱۶۶	بجهت آمدن غایب	۱۵۶	بجهت تحییب و دوستی
۱۶۶	بجهت تحییب و دوستی	۱۵۶	بجهت شفای مریض
۱۶۶	بجهت شفای مریض	۱۵۷	بجهت آمدن غایب
۱۶۷	بجهت مهربان شدن مابین زن و شوهر	۱۵۷	بجهت رسیدن خبر غایب
۱۶۷	بجهت غنی شدن و توانگری	۱۵۸	بجهت پیدا شدن مال دزد برده
۱۶۸	بجهت رسیدن بدولت و عزت نزد خلق	۱۵۸	بجهت معلوم شدن دزد
۱۶۸	بجهت رسیدن بدولت	۱۵۹	بجهت زیادتی حافظه
۱۶۸	بجهت تحییب و دوستی	۱۵۹	بجهت پیدا شدن گم شده
۱۶۹	بجهت آمدن و آواره شدن از وطن	۱۶۰	بجهت خوف از دشمن
۱۶۹	بجهت عزت یافتن نزد خلق	۱۶۰	بجهت خلاصی از حبسی و اسیری
۱۷۰	بجهت رسیدن بدولت و ثروت	۱۶۰	بجهت استقامت از دولت
۱۷۰	بجهت اصلاح میان دولتمدار	۱۶۱	بجهت سازگاری زن و شوهر
۱۷۰	بجهت فتح الرجال و پیدا شدن گم شده	۱۶۱	بجهت تسخیر حاکم
۱۷۱	بجهت دوستی و عقد اللسان	۱۶۱	بجهت عقد اللسان
۱۷۱	بجهت گشایش بستیگی کارها	۱۶۲	بجهت مقهور شدن دشمن
۱۷۱	بجهت هلاکت دشمن	۱۶۲	بجهت تسخیر قلوب خلائق
۱۷۱	بجهت دوستی و مودت	۱۶۲	بجهت ایمنی از جدام و برص و
۱۷۲	بجهت غلبه شدن بر خصم دشمن	۱۶۲	پیشم زخم و سحر
۱۷۲	بجهت عزت و دولت یافتن	۱۶۴	بجهت ایمنی از آفات و بلیات
۱۷۲	بجهت هر مطلب مهم	۱۶۴	بجهت تسخیر قلوب
۱۷۲	بجهت رفع بستیگی کارها	۱۶۴	بجهت رسیدن به حاجات
۱۷۴	بجهت تسخیر خلائق		بجهت خلاصی از دست سلاطین

۱۸۴	بجوت باطل شدن سحر و جادو	۱۷۶	بجوت شفای مریض
۱۸۴	بجوت عزت یافتن نزد مردم	۱۷۶	بجوت خلاصی از نشسته شدن
۱۸۴	بجوت خواب دیدن حضرت رسول	۱۷۵	بجوت تطبیع گشتن جهیج
۱۸۵	بجوت عزت نزد سلطان	۱۷۵	بجوت معروف شدن
۱۸۵	بجوت هر معلوم و مطلب	۱۷۵	بجوت ادای دین
۱۸۶	بجوت هر مراد و مطلب	۱۷۶	بجوت رفع غضب دشمنان
۱۸۶	بجوت نجات از زندان و بند	۱۷۶	بجوت رفع مهربات
۱۸۷	بجوت ایمنی از مگر خلائیق	۱۷۶	بجوت عزت یافتن نزد سلطان
۱۸۷	بجوت سلامتی بانع و زراعت	۱۷۷	بجوت ایمنی از بلاها
۱۸۸	بجوت نجات یافتن از امراض	۱۷۷	بجوت مهربانی با مین زن و شوهر
۱۸۸	بجوت بر آمدن هر حاجات	۱۷۷	بجوت عزت یافتن نزد خلائیق
۱۸۹	بجوت برکت کیسه	۱۷۷	بجوت هر مطلب
۱۸۹	بجوت گشتن بخت دختران	۱۷۸	بجوت شفای مریض
۱۹۰	بجوت بوی بد زیر بغل	۱۷۸	بجوت جاه و منصب و دولت
۱۹۰	بجوت رفع زکام و بیماریار	۱۷۸	بجوت دفع دشمنان
۱۹۰	بجوت رفع ضیق التذ و نفس	۱۷۹	بجوت ایمنی از ضرر دشمن
۱۹۱	بجوت علاج قوی و قولنج	۱۷۹	بجوت مهربانی زن و شوهر
۱۹۱	بجوت دفع نرله و بادها	۱۷۹	بجوت عقد اللسان
۱۹۲	بجوت علاج تقطیر لول	۱۸۰	بجوت دفع سحر و جادو
۱۹۲	بجوت لول کردن کودکان	۱۸۰	بجوت هر مطلب
۱۹۳	بجوت بیدار شدن از خواب	۱۸۰	بجوت مقهور و خضم
۱۹۳	بجوت دفع بی خوابی	۱۸۱	بجوت عزت و دردت خلائیق
۱۹۳	بجوت هر امر معلوم و مطلب	۱۸۱	بجوت محفوظ بودن از بلاها
۱۹۴	بجوت دفع احتلام	۱۸۱	بجوت آمدن غایب
۱۹۵	بجوت دفع هر معلوم و معلوم	۱۸۲	بجوت عزت و حرست
۱۹۵	بجوت سنگ انداختن جن بخانه	۱۸۲	بجوت تقرب نزد سلاطین
۱۹۶	بجوت ایمنی از بلاها	۱۸۲	بجوت محبوبی و اسیب
		۱۸۴	بجوت وسعت و نعمت

۲۰۵	بجهت دفع دشمن و چشم زخم	۱۹۶	بجهت دفع چشم زخم
۲۰۶	بجهت دفع درد گلو	۱۹۷	بجهت معالجه تب
۲۰۶	بجهت بیرون آمدن زالو	۱۹۷	بجهت خوف از سلاطین
۲۰۶	بجهت درد دندان	۱۹۷	بجهت تب مریض
۲۰۷	بجهت دوستی فرد خلق	۱۹۹	بجهت تب غیب
۲۰۷	بجهت اصلاح میان دو کس	۱۹۹	بجهت غلبه بردشمن و توانگری
۲۰۷	بجهت درد دندان	۱۹۹	بجهت تب و لرز
۲۰۸	بجهت خلاص شدن از کشته شدن	۲۰۰	بجهت غلبه یافتن بردشمن
۲۰۸	بجهت گشایش کارها	۲۰۰	بجهت صحت یافتن بیمار
	بجهت درد دندان و دندان سایندن کودک	۲۰۰	بجهت درد سر
۲۰۸	اندر خواب	۲۰۱	بجهت ایمنی از غرق شدن
۲۰۹	بجهت زبان گشودن اطفال	۲۰۱	بجهت سلامتی کودک
۲۰۹	بجهت علاج زن سلیطه و بزبان	۲۰۲	بجهت رفع صداع
۲۰۹	بجهت قطع رعاف	۲۰۲	بجهت ارفع شدن درد گوش
۲۱۰	بجهت الفت و صحبت و دفع سحر	۲۰۲	بجهت هر حاجت و مطلب
۲۱۰	بجهت همراهی خدایق	۲۰۲	بجهت بیرون آمدن هر چیزی که
۲۱۰	بجهت درد سینه	۲۰۲	در گوش رفته باشد
۲۱۱	بجهت درد دل	۲۰۳	بجهت یافتن جاه و رفعت
۲۱۱	بجهت طیبیدن دل	۲۰۳	بجهت دفع کردن دشمن
۲۱۲	بجهت فتح الرجال	۲۰۳	بجهت هزار بار یاد گوش ز منته باشد
۲۱۲	بجهت درد زن آبستن	۲۰۳	بجهت بر طرف شدن درد چشم
۲۱۲	بجهت دوستی میان زن و شوهر	۲۰۴	بجهت قوت ذهن و حافظه
۲۱۲	بجهت شفای بیمار	۲۰۴	بجهت گشایش کارها
۲۱۳	بجهت معرف احوال بیمار	۲۰۴	بجهت دفع کردن دشمن
۲۱۳	بجهت معرف احوال مریض	۲۰۴	بجهت ریختن صوی پلک چشم
۲۱۴	بجهت ورم خصیه باد فتق	۲۰۵	بجهت دفع بیماری و بادها
۱۱۷	معروف کلیه خطوط ایجاد	۲۰۵	بجهت دفع درد صورت

خواص سورہ انعام

وَخَوَاصِّ سُورَةِ هَايَ قَرَّانِ كَرِيمِ
وَخَوَاشِيْ اَنْ وَخَوَاصِّ بَعْضِيْ اَز
اَدْعِيَّهٖ وَاذْكَارِ

مَكْتَبَةُ اَعْرَابِيَّةٍ
كَانَسِي رُوڈ كُوئٹہ پاكستان
قِيْمَت: ۳۰۰ روپے